

افغانستان اکادمي

نمبر نشرات: ۹۰



انجمن تاريخ

نمبر نشرات: ۱۰۳

تاريخ خط و نوشته های کهن افغانستان

از عصر قبل التاريخ تا کنون

تأليف

پوهاند عبدالحي حبيبي

نشر کرده

انجمن تاريخ و ادب

افغانستان اکادمي

کابل ۱۳۵۰

مهتم: حبيب الله رفيع

تعداد طبع: هزار نسخه

دولتی مطبعه

سریزه

له ډیره وخته داسی غوښتل کیده چی په افغانستان کی دخط دپیدا کیدلو اوسره اوښتلو یو مستند اومصورتاریخ ولیکل سی ، چی دتاریخ پلټونکی هم دخطونو دپیدا کیدلو په واقعاتو او عواملو او اوقاتو خبر سی اوهم دډول ډول خطونو شکلونه او انځورونه وگوری .

داکار له دی سببه گرانو، چی علمی پلټنی لاگرده نه وی بشپړی سوی، اود مځکی له لاندی څخه دپخوانو خطونو ډبر لیکونه او پتی نه وی راییستل سوی .

پهدی وروستنی پیری کی داکاردغربی پوهانو لهخوا ښه پرمخ ولاړ، اوډیر کښل سوی سندونه په لاس راغله چی دخط تاریخ ښه ځنی څرگندیږی .

خط دانسانی تاریخ اود مدنیت لمر څرک دی ، او که انسان دا ښیگڼه نه درلودای، ډیر څه به ئی کمو، اود علم نوم به هم نهو. نو له دی جهته دافغانستان په تاریخ کی دخط پخوانیو بینو پلټنه او څرگندو نه دتاریخ ټولنی یوه مهمه وظیفه ده .

داکتاب لومړی پلا د اجتماعی تاریخ مهم پلوڅه ناڅه ښکاره کوی . اوله تاریخه دمخنی زمانی څخه تاسی تردی وخته رازسوی .

داکتاب دافغانستان دگړو خطونو یوه لنډه اماجامعه تاریخچه ده، چی د ډیرو انځو رونو او عکسونو سره دافغانستان اکاډیمی د تاریخ او ادب ټولنی له خوا تاسی ته وړاندی کیږی .

(حیبی)

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	اقراً وربك الاكرم الذى علم بالقلم
۲	مدخل
۴	دوره قبل از اسلام
۴	قد یمترین کتیبه های قبل التاریخ
۷	قد یمترین خطافغانستان در دوره نار یخی
۷	خط آرا می
۸	سنگ نبشته های آرا می ...
۱۲	نوشته های خط برا همی
۱۴	کتیبه های زبان ورسم الخط یونا نی
۲۱	سنگ نبشته های خرو شتمی
۵۰	کتیبه های خرو شتمی در ترکستان شرقی
۵۲	سنگ نوشته های شناخته نشده موزه کابل
۵۳	نوشته های زبان تخاری بر رسم الخط یونانی
۶۱	کتیبه های شاره دا- نا گری سنسکریت
۶۳	کتیبه های شاره دا- نا گری سنسکریت
۶۵	رسم الخط پهلوی و دین دبیره
۶۸	دوره سه رسم الخط
۷۱	خط سغدی
۷۳	خط و کتاب دوره اسلامی
۷۴	سوابق کتاب نویسی
۸۱	خط و کتاب در عصر اسلامی
۹۰	افزایش جنبه هنری و تزئینی در خط
۱۰۴	دوره عروج خطوط
۱۱۴	خوشنویسان متاخر
۱۱۶	رسم الخط پنبتو
۱۲۳	عکسها
۲۵۲	نمونه های خطوط استاد عزیزالدین بویلزایی ۳۵ قطعه

تصحیح

از مطالعین محترم خواهش میشود تا قبل از مطالعه اغلاط و پریدگی های ذیل طباعتی را تصحیح نمایند و هم پریدگی های جزوی دیگری نیز هست که عندالمطالبه تصحیح میتوان شد .

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۴	۱۱	منسکر	منکسر
۵	۲۰	سرنیز	سرتیز
۱۶	۲۵	قبل المیلاد	قبل المیلاد
۲۳	۹	-	ایاسه
۳۰	۸	(۲)	(۳)
۳۱	۲	نماید	نماند
۳۳	۹	ساختند	ساختند،،
۳۹	۱	سراو نه	سراو نه
۴۰	۱	پران	بران
۵۵	۲۱	ابن	این
۸۶	۱۴	منثور	منشور
۸۸	۱۰	لیت	لیث
۹۸	۲	زیبای	زیبای
۹۸	۱۵	عز	عن
۱۲۰	۲۱	ییبست	یبست

اقراً وربك الاكرم الذی علم بالقلم

مسئله خط ونگاشتن در تار یخ مدنیت و فرهنگ افغانستان از مباحث بسیار مهم است، که تاکنون بدان به تفصیل وارد نشده ایم. درین کتاب خواستم که این موضوع دشوار را تا جایکه ممکن است، به استناد آثاریکه تاکنون بدست آمده، مورد مطالعه قرار دهم.

در آغاز مباحث از پیدایش خطوط تاریخی و ریشه های باستانی آن و صورت رواج آنها در افغانستان قدیم صحبت شده، و بعد از آن از مکشوفه و سنگ نبشته های خطوط قدیم را که در افغانستان یا هند، ایران، کوشان، ساسانیان، و غیره شمرده ایم، ولی بهر صورت مرکز آن در افغانستان قدیم (آریانه) بوده است.

این جستجوی اعزاز قدیمترین ادوار زندگانی اسلاف آغاز و پیدایش و رواج خط اوایل دوره اسلامی خاتمه می یابد، و تاریخ تحول و انشعاب خطوط دوره اسلامی و تحلیل ارزش های هنری آن خود موضوع مهم جداگانه بیست، که در قسمت دوم این کتاب شرح داده شده است. و تاریخچه خط و کتابت را از عصر قبل تاریخ تا قرن حاضر می رساند.

امید است که با این جستجوی ابتدایی یک پهلوی تاریخ هنر مملکت را قدری روشن ساخته باشم.

کابل، جمال مینه ۳۰ عقرب ۱۳۴۹

عبد الحی حبیبی

مدخل

افغانستان از نظر جغرافیای چهارراه وسط آسیا واقع است ، همچنان که خصایص اقلیمی گرم و سرد و معتدل در آن پدیدار است ، در طول تاریخ از نگاه پیدایش افکار و اوضاع مدنی و پرورش کلتور و هنر نیز اهمیتی دارد ، که در تاریخ تمدن آسیای میانه همواره سهم عظیم مردم آن فرا موش شده نیست.

سر زمین افغانستان دراز منته قدیم بنام آریانه ARIYANA

پرورشگاه مردمی بود ، که از زادگاه قدیم خود آریانه و یجه به صفحات باختر و دامنه های ARYANA-VAEGO در هندوکش هجرت کرده بودند ، و از همین جا شرقاً به هند شمالی و غرباً به سرزمین کنونی ایران و از او پازفتند ، که آنان را نژاد هندواروپایی INDO-EUROPEEN گویند .

مردم آریایی که در سرزمین بین دجله و گنگاسکونیت کردند ، در تاریخ تمدن بشری از مدت ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد سهم عظیمی دارند که مخصوصاً مظاهر تمدن ایشان در کتابهای ویدا و اوستا نمایانند ، و ازین دو کتاب قدیم به افکار و کلتور و تمام مظاهر مدنی زندگانی ایشان پی می بریم .

مردم افغانستان قدیم یعنی آریانه از نظر کلتور و مدنیت و تحولات فکری و دینی دارای دو گونه موازیت قدیم فرهنگی اند :

اول: آنچه در بین خود با تکامل مراتب حیات مدنی دارای ذخایر فرهنگی و مدنی و فکری شده اند . امثال ترتیب قوانین دینی و آغاز به شهر نشینی و بنای بلاد و ترویج هنر و صنایع و آغاز به تفکر فلسفی و مبادی اخلاقی که در بقایای کتاب اوستا مظاهر آن بوجه احسن پدیدار است و مورخان یونان قدیم هم بآن اشارات دارند .

دوم: چون افغانستان بین هندوستان و چین و پارس و سفند افتاده بود ، و این ممالک دارای مدنیت و مبادی دینی و فکری بودند ، و با یکدیگر روابط تجارتهی و سیاسی و اجتماعی داشته اند بنابراین این سر زمین همواره

گذرگاه انتقالات فکری ومدنی ومركز قوی وملتقای مدنیت های متعدد گشته بود، وگاهی هم فاتحان ا زین راه به هند وماوراءالنهر میگذشتند که آثار مدنیت ایشان هم در یکن سرزمین باقی میماند وباین طور مبادی مدنی شرق وغرب بمرور زمان بامواریت بومی این مردم می آمیخت ورنک خاص مقامی را میگرفت ، که در تاریخ مدنیت افغانستان فصول خاصی را بخود اختصاص داده است مانند آمیزش مدنیت گریک وبودیک دردو قرن قبل وبعد از میلاد ، وامتزاج مدنیت اسلامی با مبادی خراسانی در قرن هفتم وبعد از آن.

فراموش نباید کرد: که مطالعه وتحقیق در تمام شعب تاریخ مدنیت افغانستان ، متلازم با جستجو وتعیین عناصر بومی ومقامی مدنیت واثربذیریهای آن از مبادی وفرآورده های دیگرانست ، که در هر عصر وزمان ، این آمیزش های فرهنگی ، اندرین سرزمین فرهنگ های خاص افغانی را بوجود آورد و صیغه بخصوص خود را نگهداری کرده است ، که در تاریخ فرهنگ آسیای میانه اهمیت خاصی دارد ، وجزو مهم تاریخ کلتور بشریست.

ما در اینجا مخصوصاً بامسئله خط نویسی و کتاب سازی سروکار داریم، که هنر خاص نوشتن وساختن کتاب است ، وبحث و کاوش ماهم یک جزو «تاریخ هنر» بشمار میرود. چون تاریخ هنر شعب و فصول زیادی دارد، بنابراین ما تنها در اینجا را جمع به خط و کتاب صحبت میکنیم.

دوره قبل از اسلام

قدیمترین کتیبه های قبل التاریخ

دردره الی شنگ لغمان در سلسله کوهساریکه راههای دره های آن شرقاً به دره های شمالی مجرای دریای کنر میگردد. در سنه ۱۳۲۹ هـ = ۱۹۱۱ م نزدیک یک مغاره بین جبل بر صخره کوهی کتیبه یی کشف شده، که در آن وقت امیر حبیب الله خان بدیدن آن رفت و عکس نخستین آن در جریده سراج الاخبار افغانستانیه شماره (۱۶) سال (۶) مورخ ۵ حمل ۱۲۹۶ ش = ۲۵ مارچ ۱۹۱۷ م طبع کابل نشر شد. (۱)

تا کنون در آن باره مطالعات علمی بعمل نیامده، و تمام آن عبارت از خطوط مستقیم یا منسکر بهم پیوسته است که بروی یک صخره کوهی کنده شده و بسیار واضح و روشن است که باهیچ یکی از خطوط مکشوفه دوره تاریخی افغانستان تشابهی ندارد. و اگر آنرا با خطوط

(۱) بامر امیر حبیب الله خان در پهلوی این کتیبه قبل التاریخ این مضمون را در سنگ نوشته اند:

«بیادگار تشریف آوری اعلی حضرت سراج الملة والدين امير حبيب الله خان درانی بارکزا ئی محمد زایسی پادشاه دولت علیه خدا داد افغانستان اینکه: در تاریخ ۲۱ ربیع الاول سنه یک هزار و سه صد و بیست و نه هجری بود، که درین موضع، سنگهای نوشته را ملاحظه فرمودیم. چون خطهای آنها درین زمان مروج نبود خوانده و دانسته مانشد، که نقش سنگها برای چیست؟ و آثار کیست؟ لهذا نقل خطهای آنها را بذریعه عکس بحضور خود برداشتیم و بجهت ترجمه کردن در ولایات بعیده ارسال داشتیم. تا زمانیکه معلوم شود. چند کلمه را در سنگ هذا حکم نقش فرموده بیادگار گذاشتیم.»

از دانشمند علی اکبر شهرستانی استاد پوهنچی ادبیات و علوم بشری که نقل این کتیبه را بما داد تشکر میکنیم، وی گفت: که درین جاهشت سنگ نوشته موجود است.

بهر صورت تاکنون کلیدی برای خوانش چنین نقوش مبهم بدست نیامده، و موسیو فوشه (۱) هم متردد است که آیا این نقوش مربوط بدوره های قبل تاریخ خواهد بود یا نه؟

ناگفته نماند که برخی اشکال حیوانی یا انسانی در دوره های بسیار مابعد برسبیل هوس و تفریح بر برخی کتیبه های قدیم کنده شده اند (مانند نقش های جدیدیکه بر خرسنگ های جغتو و غیره نقش شده) ولی کندن چنین خطوط مثل منقورات دره لغمان نمیتواند برای هوس رانی باشد، و حتما مطالبی در آن بوده است که ما اکنون کلیدی برای دریافت آن نداریم و بنا برین زیاد ازین درباره آن چیزی نتوان گفت: و ما درینجا تنها به عکس نقوش دره الی شنک لغمان و هزار سم سمنگان اکتفا میکنیم. (شکل ۱-۲)

قدیمترین خط افغانستان در دوره تاریخی خط آرامی

مردم آرامی (۱) از حوالی قرن ۱۵ ق.م در وادیهای شمال غربستان تمکن داشته و دولت‌هایی را تا شمال سوریه تشکیل داده بودند. از نوشته های میخی قرن چهارم قبل میلاد ثابت می آید ، که جمعی از مردم سوتی (۲) آرامی در سوریه و حوالی دمشق میزیستند. در حالیکه برخی قبایل آرامی در مناطق جنوب فرات تا کرانه های خلیج فارس پراکنده شده بودند . (تاریخ اللغات السامیه ۱۱۵) که در حدود ۵۸۶ ق.م بعد از انحطاط قدرت فنیقیان، امور تجارت راه خشکه بدست آرا میان افتاد ، و در وادی دجله و فرات رسم الخط آرامی ، جای خط آشوری را گرفت که از هند تا مصر پهنائی یافت و حتی در عصر عروج آشوریان نیز از زبان آرامی با آشوری یکجایان تحریر و دفتر بود، چنانچه بر حواشی الواح مکشوفه آشوری ، زبان آرامی هم دیده می شود .
(تاریخ فن تحریر ۱۹۴)

قدیمترین سنگ نوشته های آرامی که تاکنون کشف شده، از قرن هشتم قبل میلاد است که از تل سنجرلی (۳) شمال سوریه بدست آمده و با مربر ركب ملك شمال ۷۴۵ و ۷۲۵ ق.م نقر شده است (۴) و لی بعد از قرن ۵ ق.م خط آرامی بدین ترتیب شکل خاصی را بخود میگیرد، که سر و پهلوی حروف آرامی کشاده و زاویه های آن گرد می شود . که این تبدیل اشکال در عصر هخامنشیان (۵۵۰-۳۳۰ ق.م) در آن واقع میگردد . (۵)

در نقشه ۳ انشعاب خطوط متعدد آسیایی را از رسم - الخط آرامی با مطابقت قرون قبل و بعد از میلاد ملاحظه میفرمایید ، که آنچه بتاریخ افغانستان قدیم و ممالک مجاور آن ربطی دارد بعلامت × نشانی شده است . (شکل ۳)

ARAMEANS (۱)

SUTI (۲)

SINJIRLI (۳)

(۴) تاریخ اللغات السامیه ۱۲۲

(۵) فن تحریر ۱۹۴

سنگ نبشته های آرامی یا قدیمترین آثار خط در افغانستان تاریخی

تاکنون در خاک افغانستان نوشته هایی که قدیمتر از آثار رسم الخط و زبان آرامی در دوره تاریخی باشد کشف نشده است. اگر چه این نوشته های آرامی مقارن رسم الخطیو نانی است و به اواسط قرن سوم قبل المیلاد تعلق میگیرد، ولی چون مبداء و ریشه آن در تار یخ تمدن و هنر آسیا قدیمتر است بنابراین باید گفت: که رواج خط آرامی درین سرزمین سابق تر از خط یونانی و خرو شتهی است و خرو شتهی هم از خط آرامی برآمد که از راست بچپ نوشته میشود.

بابسط فتوحات کورو ش (۱) بزرگ (۵۲۹-۵۰۰ ق، م) و بعد از آن در شهر یاری داریوش (۲) (۵۲۲ ر ۴۳۶ ق، م) آثار مدنیت هخامنشی تا ماورای دریای سند شرقاً رسیده بود و در آن جمله خط و زبان آرامی نیز شامل است، که بقول شیدر (۳) در یکی از لهجه های آرامی شرقی بود، و آنرا «خط شاهنشاهی» هم میگفته اند.

ولی تاکنون کتیبه ای مر بو ط بدوره هخامنشیان در افغانستان کشف نشده است. از طرف شرق نیز خط آرامی در حدود قرن ۷ ق، م بوسیله دریانوردان فنیقی و بابلی به جنوب هند رسیده بود که در آنجا مبداء رسم الخط دیوه ناگری (۴) (یعنی رسم الخط خدایی یا شا هی) زبان سنسکریت گردید، و گویا اثر رسم الخط آرامی بر سر زمین افغانستان هم از شرق و هم از غرب بود. و بنابراین قدیمترین لوحه سنگی که بخط آرامی از تکسیلا برآمده و تاریخ آنرا بعدود ۵۰۰ ق، م نسبت میدهند، کهنترین آثار این رسم الخط در سر زمین شرقی دریای سند باید شمرد. این کتیبه قراریکه چون مارشل گوید: در نهایت اهمیت است و بر یک سنگ مرمر سپید مثن نقر شده و چون جای پیدا یش آن در بقا یا ی آبادیهای عصر از یس اول (۵) بوده بنابراین باید گفت که با همین وضع شکسته و آسیب دیده خود پیش از آغاز قرون میلادی درینجا دفن شده باشد، حروف آن با زبان آرامی مشابه آثار قرن چهارم قبل المیلاد است، ولی معنی متن

(1) CYRUS

(2) DARIUS

(3) SCHEDER

(4) DEVA-NAGHRI

(5) AZES

آن تاکنون روشن نیست د کتوربرنیت (۱) و پروفیسر کو لی (۲) آنرا راجع به بنای قصری دانسته اند . ولی برخی گویند که درباره جزای شخصی که آنرا بشکناوند بوده است (رجوع به عکس نمبر ۴)

بقول جون مارشل : کشف این کتیبه میرساند که خط خرو شتهبی از آرامی که بوسیله هخامنشیا ندر حدود ۵۰۰ ق م بدین سرزمین رسیده بود برآمده است و تکسیلا هم بعد از آن مرکز سرزمین رو ج خرو شتهبی بود . (رهنمای تکسیلا ۷۸ کلکته ۱۹۲۱) (۳)

دو قرن بعد هنگامیکه آشوکا پادشاه بزرگ خاندان موریان ازنند برخاست (۲۷۳ - ۲۳۲ ق م) و در مدت چهل سال سلطنت خود بر افغانستان شرقی تا وادی ارغنداب هم دست یافت و دیانت بودایی را هم انتشار داد، در عصر او هنو ز رسم الخط و زبان آرامی باقی بود . و سه سنگ نبشته مهم ازو در این سرزمین باقیست .

اول : سنگ نوشته یونانی و آرامی که در مدخل شهر قدیم قندهار بر کنار جاده بر صخره کوه کنده شده و در سنه ۱۹۵۸ م از زیر خاک برآمد ، که طول آن ۵۵ سانتی و عرض ۴۵ تا ۵۰ سانتی است . متن یونانی بالای کتیبه شامل ۱۳ و نیم سطر و متن آرامی پائین هفت و نیم سطر است که شیوه خط آرامی آن با خطوط پاپیروس یا چرم مشابه است و همچنین کتیبه دیگر به رسم الخط یونانی در سنه ۱۹۶۳ م در همین قندهار کهنه بدست آمد که درموزه کا بل محفوظست .

موضوع این دو سنگ نوشته همان مطالب اخلاقی است که در فرامین آشوکا در سر تاسر هند به سنه و رسم الخط های مختلف نقر گردیده ، و کتیبه قندهار در سال دهم بودایی شدن آشوکا ۲۵۰ ق م نوشته شده است .

(1) BARNET

(2) COWLEY

(3) JOHN MARSHAL'S GUIDE TO TAXILA, p 78.

این کتیبه رواج خط وزبان آرامی رادر وادی ار غنداب در حدود ۲۵۰ ق، م ثابت میسازد و واضح میگردداند ، که سلطه آشوکا تا قندهار هم رسیده بود و درین جا علاوه بر خط آرامی رسم الخط وزبان یونانی هم باقی بود . (عکس نمبر ۵)

ترجمه تحت اللفظی مضمون یونانی کتیبه اینست :

« در پایان ده سال پیوده سی (۱) (آشوکا) پادشاه ، به انسا نها اصول دیانت رانشان دادو از آن وقت انسانها رادر تمام روی زمین متدین تر و مسعودتر ساخت . و پادشاه از کشتن زندگان خودداری کرد و سایر انسانها و تمام شکاریان و ماهیگیران از شکار و ماهیگیری دست گرفتند و کسانیکه در عقیده راسخ نبودند در حدود ضعف خود منحرف شدند. و انسانان، خلا ف گذشته مطیع پدر و مادر و پیران شدند. و بعد ازین بارفتاری چنین بهتر زندگانی خواهند کرد، و بیشتر مستفید خواهند شد . » (از روی ترجمه فرانسوی شلوم برژه (۲) رئیس باستان شناسی فرانسه . آریانا ۸ ر ۱۶ سنه ۱۳۲۷ ش)

دوم : کتیبه مهم دیگر که فقط چند سطر آن باقیست در گنر گاه درونته بین وادی لغمان و نگرهار در شرق کابل بر سنگ مثلث نما بی بدست آمده، که در موزه کا بل موجود است و خط آن آرامی وزبان پراگریت است ، مشتمل بر نصایح احتراز از قتل حیوانات ، که یکی از فرامین اخلاقی آشوکا باشد . (عکس نمبر ۶)

در حدود گو هایمهای شما لسی جلال آباد در جاییکه اکنون بند درونته است ، زایر چینی سونگ یون (۳) در سال ۵۲۱ م از کتیبه بی ذکر میکند ، که مردم همان وقت می گفتند که آنرا بودا نوشته بود، و حروف بیگانه آن روشن و خوا نابنظر می آمد .

(سی - یو - کی (۴) ار ۷۳ طبع کلکته ۱۹۶۳ م) چون این کتیبه آرامی را از حدود درونته آورده اند و با همین جاییکه سونگ - یون گوید مطابقت دارد ممکن است مراد همین کتیبه بوده و حروف بیگانه

(1) PIYADASI=SAN: PRIYADAR'S IN

(2) D. SCHLUMBERGER

(3) SUNG-YUN

(4) SI-UY-KI

آن هم شاید همین رسم الخط آرامی (که برای چینیان بیگانه بود) باشد.

سوم - درنومبر ۱۹۶۹م بناغلی دانیل بورگوئیس بلژیکی، در شله نك قرغهبی سه کیلو متری مهتر لام لغمان کتیبه سوم آرامی را کشف و عکاسی نمود، که بر صخره دا من کوهی در (۶) سطر کنده شده، و این جای در شمال غربی جلال آبا دبرکنار شمالی دریای کابل در وادی لغمان نزدیک مزاری بنا م مهتر لکم یا مهتر لام واقع است، و مردم باین قبری که در حدود ده متر طول دارد عقیدت تام دارند، و حتی برخی آنرا گور یکی از انبیاء قدیم شمارند.

هیون - تسنگ زایر چینی که بتاريخ ۱۵ اگست ۱۹۳۰م از راه کاپیسا بدینجا رسیده و مدت سه روز توقف کرده بود (۱) گوید: که درینجا در حدود ده سنگها را مه (معبد) واقع است، که اکثر آن به مذهب کبیر بودایی تعلق دارد، در حالیکه برخی از معابد دیوا های مختلف هم موجود است. (۲)

نام این وادی در چینی لان-پو، و در سنسکریت لمپاکه بود، و در همین حدود دو کتیبه دیگر بخط دیوه ناگری نیز موجود است که در یکی از آن (سطر سوم) کلمه لمک دیده میشود، و ممکن است بانام اینجا بی تعلق نباشد و مادر مبحث خط دیوه ناگری شرح خواهم داد.

اما اصل کتیبه آرامی شش سطر و محتاج خوانش و تحقیق دانشمندان آرامی شناس است که بگمان اغلب یکی از فرامین اخلاقی اشو کا خواهد بود، زیرا در سطر اول آن مانند کتیبه آرامی قندهار (اشو کا) بنظر می آید، که مضمون کتیبه مثلث نمای درو نته هم بخط آرامی عبارت از همان نصایح اخلاقی بودایی است در حفظ جانوران و احتراز از کشتن جاندار.

این کتیبه مکشوفه جدید چون بسیار روشن و واضح است و جز یک حرف سطر چهارم آن آسیب ندیده، بنا برین در خوانش آن هم مشکلی نخواهد بود.

چون مضمون این کتیبه تاکنون خوانده و تحلیل نشده، بنابراین درینجا فقط به آوردن عکس آن اکتفا میکنیم. (عکس A V)

(۱) جغرافیای قدیم هند از کنگم ۷۵۱

(۲) سی - یو - کی ۱۴۴۲

نوشته های خط براهمی

خط براهمی (۱) نیز از خطوط قدیم هنداست که بقول بعضی ریشه قدیم هندی دارد و نام آن به برهما منسوبست . و جمعی از علماء آنرا مانند خرو شتھی از مبدأ آرامی شمرده اند که در تمام هندوسیلون (۲) عمومیت داشت و شباهت آنرا بخصوتی (۳) که برکتیبه میسح (۴) یز کموش پادشاه موآب (۵) (۸۵۰ ق م) کشف شده میدانند ، که بو سیله تاجران و دریانوردان بابلی بهند غربی رسیده بود ، و مبداء تمام الفباها ی کنونی هندی گردید ، و از چپ بر است نوشته میشود .

بسا کتیبه های قرن ۴ قبل المیلاد و بعد آن در هند موجود اند ، که از ان جمله سنگ نوشته های متعدد آشوکا بدین رسم الخط اند ، و یک کتیبه کرنول ضلع مدراس (مکشوف ۱۹۲۹ م) نصف سطور از راست بچپ هم دارد ، ولی از کتیبه آرامی و یونانی قندهار و کتیبه آرامی لغمان ثابت می آید ، که نفوذ خط براهمی در عصر

آشوکا (حدود ۲۵۰ ق م) به آنجا رسیده بود ، و درازمنه قبل المیلاد تنهادر شمال غرب هند و وادی اندوس رواج داشت . چنانچه بر مسکوکات شاهان یونانی با ختر دران وادی دیده میشود ، و ملکه اگاتهو کلیس (۶) و انتی ماکو س (۷) (حدود ۲۵۰ تا ۱۴۰ ق م) بجای خرو شتھی بر یکطرف مسکوکات خود ، خط براهمی را هم نوشته اند . (کیمبرج هستری آف اندیا) (۸) رواج رسم الخط براهمی ، در سرزمین های شرقی افغانستان ، در مدت هفت قرن متواتر مقارن با خرو شتھی و یونانی و پهلوی و دیوه ناگری دیده میشود . چنانچه

(1) Brahmi, (2) Celon (3) Phonetic.

(4) Mesh'a. (5) Moab.

(6) Agathocles. (7) Antimachus

(8) Cambridge History of India. I.P. 62/449.

در قرن چهارم میلادی هنگا میکه کوشانیان کو چک درین سرز مین حکم میراندند، جای خر و شتیمی راهمین رسم الخط براهمی گرفته بود، وبر مسکوکات کیداره (۱) بخط براهمی کیداره کوشانه شا (۲) نوشته است. و همچنان بر مسکوکات شاهان دیگر این خاندان مانند پیر و (۳) - و ا ر شاهی (۴) - وهران (۵) - بود ها بله (۶) - بهاسه (۷) تاریکه (۸) - سد هنی (۹) نوشته های براهمی و گاهی مقارن با پهلوی هم دیده میشود (مجله مسکوکات) (۱۰) و ازین برمی آید که در قرن ۴م رواج خط براهمی و پهلوی در عصر کیداریان بدرجه یی بود که بر مسکوکات خویش، خط یونانی و خرو شتیمی و نا گری راننو شته اند (رجوع به عکس ۷) ولی بعد از آنکه در قرن پنجم هونان هفتلی سلطه کیداریان را خانمه دادند، این رسم الخط کمتر بنظر می آید.

مطالعه و کشف اسرار خط براهمی بوسیله جیمس پرنسیپ (۱۱) در سالهای ۱۸۲۴ تا ۲۸ م انجام گرفت که آنرا از روی کتیبه های متعدد ستونهای معبد سانبجی هند و منار اشوکا در دهلی خواند. و الفبای آنرا ترتیب داد و اکنون آنرا از روی همان قواعد مرتبسه بسپولت میخوانند.

-
- | | |
|----------------------------|-----------------------|
| (1) Kidara. | (2) Kidara Kushanasha |
| (3) Piro | (4) Varashahi. |
| (5) Varahran. | (6) Buddha Bala. |
| (7) Bhasa. | (8) Tarika. |
| (9) Sadhni. | |
| (10) Numismatic Supplement | 1937 Culcutta. |
| (11) James Prinsep. | |

کتیبه های زبان و رسم الخط یونانی

رسم الخط یونانی با مجموعۀ افکار و رسوم و فرهنگ یونان که آنرا هیلینسم (۱) گویند، بافتح اسکندر درحوالی سال ۳۳۰ ق، م به سرزمین افغانستان آمد، اگر چه اسکندر درین سرزمین ازسیستان تا سغدیانہ با مقاومت شدید مردم مواجه گردید، و مدت چهار سال درینجا مشغول ماند، ولی در آخر توانست در ماه می ۳۲۶ ق، م بکنار جیلم برسد. وی از راه کنار غربی دریای سند به ملتان هم رسید، و در جولایی ۳۲۵ ق، م از راه های جنوب افغانستان و گدرو زیبا به سوی پارسی پس نشست، تا که در شب ۱۳ جون ۳۲۳ ق، م بعمر ۳۲ سالگی در بابل چشم از جهان بست.

در باختر و تمام ولایات افغانستان و هندوستان شمال غربی حکمرانان مقرر کرده اسکندر با برخی از یونانیان باقی ماندند، تا که در حدود ۳۵۶ ق، م دیو دوتوس (۲) حکمران باختر، سلاله شاهان یونانی باختر را اساس نهاد و اعلان شاهی داد و سکه زد، و ازین شاهان یونانی نژاد باختری شده در مدت دو نیم صدسال بعد سی و شش پادشاه و یک ملکه حکم راندند. تا که در نصف اول قرن نخستین میلادی با ظهور قبایل ساکه و سیتی از سمت شمال مملکت، سلطه یونانیان باختر پایان رسید.

سلطه اسکندر و اخلاف او در سرزمین آریانه مصدر بسط فرهنگ جدیدی شد، که از ناحیت دین، فکر، هنر، زبان، رسم الخط و تمام مظاهر فرهنگی ارزش های خاص تاریخی دارد، و درینجا مطالعات ماتنهای بارسم الخط یونانی و رواج آن درین سرزمین تا قرن هشتم

(1) Hellenism

(2) Diodotos

میلادیست و مامی بینیم که در مد تده قرن این رسم الخط مور د استعمال مردم بود.

اثر رسم الخط یونانی از همان فتح اسکندر تا شمال غربی هند رسید ، اگر چه برخی مسکو کا ت بنام اسکندر بخط یونانی در هند شمال غربی بدست آمده، و لسی تاکنون یقینی نیست که آنرا در هند ضرب کرده باشد . اما مسکو کی از پادشاه معاصر اسکندر در شمال غرب هند ، سلیقه یونانی دارد و بر یکطرف آن شکل پادشاه و بر طرف دیگر آن خرو سی بانام پادشاه سوفیتیس (۱) دیده میشود که شکل یونانی شده نام سابهو تی (۲) هندیست که آریین (۳) و سترابو (۴) هر دو آنرا ذکر کرده اند، و این سکه در ۳۲۰ ق، م ضرب شد . باشد. (۵)

هیون تسنگ زایر چینی در ۶۳۰ م این سرزمین را از باخترا تا کرانه های سند دیده، وی رسم الخطی را که دارای ۲۵ حرف بود در اینجا ذکر مینماید . و این خط بلا شبهت یونانیست که (۲۴) حرف داشت و یک صوت (نبی) که در یونانی نبود و در السنه مقامی وجود داشت بشکل

شخ **px** یعنی مجموعه ش + خ بران افزوده شد، که در کتیبه سرخ

کوتل هم دیده میشود ، و مادر قسمت رسم الخط تخاری یونانی شرح خواهیم داد .

این رسم الخط در آغاز سلطه یونانی ، موافق آنچه در اصل بود نوشته میشد ولی بارواج آن در محیط جدید موافق ضروریات مردم آن تحول رنگ و شکل داد، و یک نوع خط یونانی شکسته (۶) از آن بوجود آمد مثلا :

۱- اشکال حروف آن در کتیبه آرامی قندهار و نوشته های آی خانم و مسکو کات شاهان باختری یونانی خوش خط و عیناً به تقلید نگارش اصیل یونانیست ، ولی در کتیبه های متأخر آنقدر شکستگی و انحراف در آن راه یافته که تشخیص آن مشکل است .

۲ - تعیین و ادخال برخی از ضروریات محیطی در آن مشهود

(1) Sophytes

(2) Saubhuti

(3) Arrian

(4) Strabo

(5) Cambridge History of India 61 /388

(6) Cursive Writing

است، مثلاً صوت ش و صوت بن و فواصل و خواتم کلمات بشکل (O) و نعین برخی اصوات مقامی به نقاط مثل:

$$\text{ث} = \text{غ} \text{ و } \text{ث} = \text{خ} \text{ و } \text{ح}$$

که در کتیبه های متأخر روز گان و توجی مشهود است .
 ۳- گاهی تغییر سمت نگا رشی خط نیز مانند آرامی ، خروشتمی ، پهلوی است یعنی رسم الخط یونانی را از سمت راست نوشته اند. اگر چه رسم الخط قدیم یونانی تا قرن ۶ ق، م از راست بچپ بود ولی در قرن ۴ ق، م نوشتن از چپ بر راست آغاز شد ، و اشکال حروف را هم مطابق به آن باز گردانیدند ، و رسم الخط یونانی که با اسکندر بافغانستان آمد نیز بر همین وتیره بود . ولی چون رسم نوشتن از راست بچپ در خود یونانی هم سابقه داشت ، و رسم الخط های آرامی و خروشتمی و پهلوی نیز از سمت راست آغاز می یافت ، بنابراین در آسیای میانه هم گاهی رسم الخط یونانی را از راست بچپ نوشته اند. که یک نمونه این خط در تنگی تایغان (۱) الماتة قزاقستان، از جمهوریت های آسیای میانه اتحاد شوروی در سنه ۱۸۹۷ م کشف شده ، که بر صخره کوهی در سه سطر خط تبتی و دو سطر خط یونانی نوشته شده ، و مضمون تبتی آن عبارت از شکل تبتی تری رتنه (۲) یعنی سه جو هر بو دا یی است که آنرا بزبان سنسکریت و خط یونانی در کتیبه جغتوی غزنی هم در سه سطر می بینیم.

در سطر اول تنگی تایغان کلمه ایزگ یا ایسگ (۳) را با سا کی تخاری و ساکیا سنسکریت (بو دا) یا ساکه فرس قدیم که سکستان بنام آنهاست تطبیق کرده اند، که شاید نام نقار این نوشته باشد . در سطر دوم حروف الفا + گامارا بحساب ابجدی یونانی سال ۱۰۳۸ عهد سیلیو کید (۴) شمرده اند، که مطابق با سال ۷۶۹ ۷۷۰ م باشد (۵).

۴- در نوشته های زبان یونانی قبل المیلاد و مسکوکات او لین شاهان یونانی باختری در بین کلمات و یا خاتمه آن علامه فاصله (۶) دیده نمیشود ، ولی در قرن نخستین میلادی از مسکوکات شهنشاه گوندو- فریس (۷) (۴۸۱۹ م) ببعده یک دایره کوچک بشکل (O) انگلیسی

(1) TAYGAN

(2) TRIRATNA

(3) ISZAG

(4) SELEUCID ERA

(5) ARCHIV ORIENTALNI 35, PRAGUE

(6) WORD DIVIDERS

(7) GONDOPHARES

یا مربع کوچک در بین کلمات یا درخاتمه آن آمده، که در تمام مسکوکات و نوشته های زبان تجاری رسم الخط یونانی تا اوایل دوره اسلامی مستعمل است. و این علامه فاصله مولود احتیاج مردم این سرزمین در رسم الخط یونانیست تا بوقت سئله آن کلمات جمل را از یکدیگر تفکیک کنند و حتی بقایای این علامت را در تفکیک آیات قرآنی بعد ها در رسم الخط کوفی شرقی هم می بینیم که در نسخ غربی قرآن رواج نداشت.

خط یونانی در تمام دوره شاهان پارثی از حدود ۳۰۰ تا ۲۰۰ ق. م و عهد یونانیان باختر و کوشانیان بر مسکوکات نوشته میشود، و مسکوکاتی نیز دیده میشود، که بخط یونانی باختری و کمی پهلوی ضرب شده، و ازین برمی آید که اساساً نیاں هم در ولایات شرقی خود بدین رسم الخط سکه زده اند و ما مسکوکاتی را که از بگرام شمال کابل بدست آمده می بینیم، که بران تاج ساسانی و آتشکده با نام شاپور بر رسم الخط یونانی منقوش است (۱) و حتی مسکوکات سورا شترین (۲) گجرات هند در حدود قرن ۷ م خط یونانی دارد. (۳)

اما از کتیبه های زبان و رسم الخط یونانی در افغانستان تاکنون سه کتیبه مهم کشف شده است:

اول: سنگ نوشته یونانی و آرامی قندهار که یکی از آن بر قسمت بالایی ۱۳ و نیم سطر زبان یونانی دارد و مادر شرح سنگ نیشته های آرامی شرح دادیم.

این نوشته یونانی در سال دهم بودایی شدن اشوکا پادشاه خاندان موریا در ۲۵۰ ق. م بر یک صخره کوه مدخل خرابه های شهر قندهار قندهار بدست راست طاق چهل زینه بابر کنده شده و عبارت از نصایح و آندرز های اخلاقی دین بوداست که در سرتاسر هند کتیبه های متعدد آن بچندین زبان از طرف اشوکا نوشته شده است. بقول دانیل سلوم برژه (۴) مدیر هیئت باستان شناسی فرانسه که کاشف شرح کوتل و شهر یونانی آی خانم است «در کتیبه های اشوکا بسا نقاط تاریک موجود است ازین جهت داشتن تراجم یونانی این متون چه کامل باشد چه ناقص بستیار ارزش دارد و زبان

(1) ARIANA ANTIQUA 296/403 (2) SAURASHTRAN
(3) A. AN 412 (4) D. SCHLUMBERGER

یونانی این کتیبه مبرا از تمام اثرهای لهجه های منطقوی وو لا یتي است . طوریکه علمای یونان شناسی این متن یونانی را قطعات ممتا ز ادبی یونانی خوانده اند که از نگاه ساختمان زبان، همپایه زمان فلاسفه و نطا قان یونانی از قبیل افلاطون و ارسطو و ایز و قراطیس است .

می بینیم که زبان تفکر و تحریر در قندهار قرن سوم ق، م همان زبان نیست که به آتن یا به شهر میلیت (۱) مروج بوده و حتی طرز گندن و نوشتن این کتیبه ها وحدت کلتور یونانی را تایید میکند . بومای فهمیم که در حوالی ۲۵۰ ق، م در قندهار زبان و اصطلاحات فلسفی یونانی در بیان افکار اخلاقی بودایی بکار رفته است (مجله آریانا ۲۶۴ ص ۲۸ طبع کا بل ۱۳۴۴ ش) .

سنگ نبشته های قندها رمیرساند : که بقایای مدنیت دورۀ هخامنشی و رسم الخط و زبان آرامی در اینجا بامدنیت یونانی خلط یافته ، در حالیکه از نظر فکر و فلسفه و آیین ، مبدأ آن کاملاً بودایی است . پس ازین روست که ما بسطیک مدنیت و هنر و رسم الخط آرا می و یونانی که هر دو از غرب آمده اند در وادی ارغنداب بامدنیت هندی مطالعه میکنیم ، در حالیکه این فرهنگ بودایی از همین وادی بطرف غرب سپر نکرده ، و آثار آن در قسمت غربی مجرای هلمند دیده نشد . است .

چون در خرابه زار شهر قدیم قندهار و حوالی آن در ماشور (مها = بزرگ + شور = شهرستان) و اشوغه (شاید اشوکا) و غیره تا کنون حفاریات باستان شناسی صورت نگرفته بنا برین ممکن است در اثنای حفاریات علمی آن در آینده آثار گزیده تری بدست آید .

دوم: در سال ۱۹۶۳ م در ولایت تخار شمال شرقی افغانستان در ملتقای دریای آمو و کوچه بر نقطه مرزی افغانستان و شوروی که آی-خانم نام دارد ، آثار یک شهر عظیم یونانیان باختری بابالا حصار و کوچه ها و مبانای بزرگ و حصار ها و جاده ها و خندق ها و بقایای پایه های سنگی منقوش و خشت ها و تیگرهای مزیں و ستونهای سنگی و برخی ابزار فلزی و ظروف سفالی و مجسمه های هیرکلیس (۲) و بازارها و عمارات ورزشگاه (چمناز یم) یونانی ، با مجسمه هر مس (۳) (قهرمان زور و پهلوانی پسوزئوس) که آنرا بقرار کتیبه مکشوفه

(1) MILET
(3) ERMAI=HERMES

(2) HERACLES

چهار سطری ، مردی بنام تربیالوس ولد ستراتون (۱) به هر مس و هیرکلیس (۲) وقف کرده بود. از زیر خاک برآورده شد و این کتیبه یونانی در چهار سطر بر سنگی منقور است . (عکس ۸) در یکی از اطاقهای مکشوف این شهر که ۶ × ۷ متر مساحت دارد ، در نزدیکی دروازه ، کتیبه پنج سطری یونانی با چهار سطر دیگر طرف چپ برآمده ، که در داخل اطاق چهار رقبه بود و استخوانهای مردگان از آن کشف شد ، و دو تابوت فرسودۀ چوبی که در بین آن استخوانهای پوسیده بود بدست آمد ، و با این تابوتها همین کتیبه نصب است که پران بخت و زبان یونانی چنین نوشته اند (۳):

« این کلمات حکیمانۀ مردان گذشته و گفتار رجال مشهور در پیتهو مقدس (۴) محفوظ بود. و از آنجا کلیارخوس (۵) آنرا برداشته و با دقت درینجا نقل نمود. تا از دور بر گورکی نه و یسو (۶) بتابد :

در کو چکی خوب تربیه بگیر!

در جوانی خواهش های خود را ضبط کن !

در پخته سالی راستکار باش !

در پیبری اندرز دهندۀ خوب باش !

و در روزهای باز پسین زندگانی بدان ، که چگونه بدون فسوس

بمیری ! (۷) (شکل ۹)

(1) TRIBALLOS SON OF STRATON STRATONOS

(2) HRAKLEI=HERACLES

(۳) این ترجمۀ تخمینی از ترجمۀ فرانسوی متن یونانیست که معنای آن بدون ترجمۀ تحت اللفظ در نظر گرفته شده .

(۴) PYTHES نام شهر مقدس دلف DELPH است که نخست بنام

PYTHO پس DELPHOS یکی از قهرمانان باستانی یونان شهرت

داشت و بعد از آن آنرا دلف نامیدند منسوب بخود دلفوس (فرهنگ اساطیر یونان و روم از پیر گریمال ۲۴۴-۶۸۵ طبع تهران ۱۳۳۹ ش.)

(5) KLEARXOS

(6) KINEU=KINEAS.

(7) INSCRIPTIONS GRECQUES NOUVELLES DE LA BACTRIANE PAR M. LOUIS ROBERT PARIS 1968.

لویس روبرت در شرح این کتیبه‌های یونانی می‌نویسد : که کلی
ارخوس از مکتب تلامید ارسطو بوده، که برای مطالعه فلسفه هندی
و بودایی به باختر افتاده و در زمان بعد از سکندر بدین شهر یونانی
باختر آمده، و این گفتارهای حکیمانه اسلاف یونانی را بر سر
گوریکی از یونانیان نوشته باشد .

چون اثر فکری و فرهنگی یونانیان ، مقارن باسلطه سیاسی
تا اوایل قرون میلادی در سرزمین جریان داشت و رنگ مقامی
باختری را گرفته بود، و در حدود ۲۵۰ ق،م آثار آنرا در کتیبه قندهار
هم می‌یابیم . پس این نوشته حکیمانه را بیک قرن بعد از اسکندر
یعنی پس از ۳۲۳ ق،م منسوب کرده می‌توانیم . و در تاریخ هنر خط
هم یکی از قدیمترین آثار خط یونانی در افغانستان کهن است .

سنگ نبشته های خروشتهی

خروشتهی فقط نام رسم الخط است نه زبان . و این رسم الخط در افغانستان شرقی از قرن ۳ق ،م تا قرن ۵ م مدت هشت قرن دوام داشته ، و کتیبه های سنسکریت و پراکریت بدان نوشته شده ، و بر مسکوکات شاهان موریان و شاهان یونانی باختر و کوشانیان هم بنظر می آید . و چون پیدا یسگاه آن سرزمین آریانه (افغانستان قدیم) است ، بنابراین ویلسون (۱) در کتاب آریانه انتیکوا (۲) (طبع لندن ۱۸۴۱ م) آنرا الفبای آریانه (۳) نامیده است ، که کتیبه های متعدد آن از ختن تا افغانستان و هند شمالی باقیست ، و بر مسکوکات و کتیبه هاهم نوشتن آن مقارن رسم الخط های یونانی ، آرامی ، براهمی ، رواج تام داشت .

رسم الخط خروشتهی (۴) مانند آرامی از راست به چپ نوشته میشود ، و آثار آن در افغانستان از جنوب آمو تا وادی ارغنداب میرسد ، که از ستوپه ها و معابد و اوقاف بودا یی درهیه و بگرام و بلخ و جلال آباد و بامیان و وردک غرب کابل و غز نه و وادی ماورای خیبر آمده است .

بقول بیو هلر (۵) از برخی مشخصات الفبای خروشتهی ما نند حروف علت (مصوته) و حروف صحیح (مصمته) مرکب برمی آید ، که به کمک رسم الخط براهمی تکمیل شده ، و بنابراین براهمی چندی بیشتر ازان وجود داشته است . ولی خروشتهی در نتیجه آمیزش ساتراپها و سلطه موقتی دولت هخامنشی با مردم محلی و روسای شرقی افغانستان کنونی و پنجا ب بوجود آمد ، که بمرور زمان در رسم الخط آرامی تعدیلاتی وارد شده و الفبای خروشتهی از آن برآمد . ولی تکامل آن تدریجی بود و ما میبینیم که در اواسط قرن سوم ق ، م

(1) H.H. Wilson

(2) Ariyana-Antiqua

(3) Arianian-Alphabet

(4) Kharoshthi

(5) Buhler

در فرا مین شهباز گری هی ومانسیهره اشوکا در حالی استعمال شده، که در همین عصر رسم الخط آرامی نیز وجود داشت، که در تکسیلا شرقاً و در قند هار جنوباً کشف گردیده است. و آخرین نوشته های خروشتی تا قرن ۵ میلادی هم میرسد و منطقه نفوذ آن شمالاً تا ختن هم بوده که نوشته های متعدد و نسخه خطی دهامه پده (۱) در قرن ۲ م بدین خط و یک پراکریت شمال غربی هند از نزدیکیهای ختن بدست آمده است. در حالیکه انتهای شرقی استعمال خروشتی در پنجاب تا کرنال و مانای کیاله (۲) بوده، و از کانگره (بیم نگر العنسی) دو کتیبه خروشتی و براهمی و همچنین از ما تورای کنار دریای جمنا نیز کتیبه های آن کشف گردیده است. اما در باره کتیبه دیگر مکشوف از مقام پتنه هند گویند که آنرا از شمال غربی هند بدانجا آورده باشند.

در جنوب غرب مسکو کاتی بخط خروشتی، از سیستان و قند هار هم بدست آورده اند، و کتیبه خروشتی و براهمی در تهل وادی ژوب و هم آثار این خط در وادی سوات و لداخ و جنوباً در پارچه های مکشوفه از موهن جودیرو وادی لار کانه سند میرساند، که منطقه نفوذ خروشتی مخصوصاً از حدود ۶۹ درجه تا ۷۳ درجه وسیع قیقه طول شرقی و از هندو کش تا حدود ۳۳ درجه عرض شمالی و سعنت داشته که مبدأ آن بلا شبه همان ولایت گندهاره تا تکسیلا بوده است.

اگرچه نوشته های متعدد خروشتی از ختن بدست آمده، ولی انتقال آنرا به دست مهاجرین هندی بسرزمین ترکستان چینی میدانند. زیرا این نوشته ها از قرن ۲ میلادی قدیمتر نیستند، در حالیکه استعمال خروشتی در هند شمال غربی تا قرن ۳ قبل-المیلاد بالا میرود، و از همان خط آرامی برآمده که در دفاتر هخامنشی، ساتراپهای شمال غربی هند استعمال میکردند. و درین اوقات وجود هندیان در ترکستان شرقی ثابت نیست (۲) و ظاهر آدی متر یوس (۴) پادشاه یونانی باختری در حدود ۱۹۰۵ ق.م و بعد از او یوکراتیدیس (۵) در حدود ۱۸۱ ق.م از یونانیان باختر برخاست و بار اول سکه های

(1) Dhama Pada

(2) Mani Kiala

(3) Kharoshthi inscriptions, By Sten Konow, Calcutta 1929, Vol. 2. Part

(4) Demetrius

(5) Eukratides

مربع مسی خود را بدو رسم الخط یونانی و خروشتی نشر داد .
 و درین رسم الخط کلمه مهاراجه سه (۱) هندی را در مقابل بازیو ز (۲)
 یونانی نوشت که به معنی پادشاه باشد (۳) . همچنین مسکو کا تی
 از ارا کوزیا (وادی ارغنداب) به دست آمده، که روی سکه نام
 شهنشاه مهرداد دوم پارتی (۱۲۳ - ۸۸ ق.م) به خط یونانی نوشته شده.
 و پشت سکه نام شهبزده به خط خروشتی است (۴) و این گونه
 مسکوکات یونانی و خروشتی در پنجاب هم یافته شده، منسوب به
 اژس (۵) پادشاه پارتی قرن اول مسیحی که نامش را در خروشتی
 آید (۶) نوشته اند. و این رسم مسکوکات دوزبانه (۷) تا عصر
 هر مایوس (۸) در حدود ۳۰ ق.م در افغانستان دوام داشت، و بعد از آن
 در عصر کوجوله کره کد فیزیس (۹) او لین پادشاه کوشانی در
 حدود ۴۰ م هم بر مسکوکات طلا و نقره و مسی کلمات مهاراجه سه
 کوجوله کسه سکوسه کیه ده سه (۱۰) و غیره بهمین رسم الخط
 دیده میشود. ولی بعد از قرن اول بنظر نمی آید. (۱۱) قراریکه ستین
 کونواز نظر گرامر مطالعه نموده، زبان تمام این کتیبه ها با وضاحت
 هم شکل بوده و ثابت می آید که زبان محلی مروج این سرزمین
 پیش از آغاز قرون میلادی بود، که یک پراکریت هند است نه
 ایرانی.

اما آثار سنسکریت هم در خروشتی بدین سبب نمایان است
 که پانی نی (۱۲) گرامر نویس مشهور سنسکریت، ازین سرزمین بود،
 و تکیلا بحیث دارالعلم قدیم درینجا وقوع داشت، و فرقه
 بودایی سرو استیو ادین (۱۳) که استعمال کنندگان سنسکریت بودند،
 مکرراً در کتیبه های وردک و پشاور و غیره ذکر شده اند، و حتی جملات
 مکمل سنسکریت هم در کتیبه پشاور دیده میشود، و زبان آلا ر
 توردهیری هم سنسکریت خالص است. امکان دارد که یک مجموعه

- | | |
|---|----------------------------|
| (1) Maharajasa | (2) Bazileuz |
| (3) Ariana Antiqua. By H.H. Wilson p. 245 London 1841 | |
| (4) S.K. p43 | (5) Azes |
| (6) Ayasa | (7) Bilingual |
| (8) Hermaeus | (9) Kujula-Kara-kadphises. |
| (10) Maharajasa Kujula Kasa | Sakusa Kayadaphasa |
| (11) A. Ant. 357 | (12) Panini |
| (13) Sarvastivadin | |

قوانین بودایی در عصر کنیشکا به سنسکریت فراهم آمده باشد ، در حالیکه زبان معابد شمال غربی هند بر اکریت قدیم و خط خروشتی بوده ، ولی سنسکریت هم در مناطق نفوذ خروشتی رواج یافته بود. وحتى جملات سنسکریت در کتیبه های خروشتی ترکستان شرقی به الفبای براهمی دید میشود، و از آن برمی آید که خط براهمی با سنسکریت یکجا جای خروشتی را گرفته بود.

همینکه کنیشکا تسلط یافت ، آهسته آهسته رسم الخط خروشتی در امپراطوری یویه ، چي از رواج افتاد ، وحتى در تکسیلا نوشته های خروشتی بایک پوست درخت بلك بانوشته براهمی به سنسکریت بدست آمده ، که نشو و نماي خط براهمی را نشان میدهد (۱) .

غالباً اخلاف کنیشکا بسبب سکونت در هند ، بعد از واسود یوه (۲) کاملاً هندی مآب شدند و سنسکریت و کلتور هندی ، خروشتی را در شمال غرب هند از بین برد و پراکریت هم مقاومت خود را از دست داد. و در زمان هوشک (۳) رونق خط خروشتی به پایان رسید و سنسکریت بودن نوشته های لرایی که بزمان واسودیوه و حتی بعد از آن هم تعلق دارد رواج سنسکریت را در عصر اخلاف کنیشکا نشان میدهد (۴) و بدین حساب رواج خروشتی از قرن ۳ ق.م آغاز شده و تا مدت ۸۰۰ سال بقرن ۵ م میرسد که هم رسم الخط دفاتر و مسکوکات و هم خط کتب و آثار دینی بود. (۵)

تحقیقات علمارا جمع به رسم الخط خروشتی در حدود ۱۸۳۰ م وقتی آغاز شد ، که یک عده مسکو کات زیاد از افغانستان و شمال غرب هند ، بدو رسم الخط خروشتی و یونانی بدست آمده ، و رسم الخط یونانی آن کلید خوانش کلمات خروشتی گردید . و جیمس پرنسپ (۶) عضو انجمن شاهي آسیایی بنگال ۷-۸ کلمه را از آن مسکوکات خوانده توانست ، و در تکمیل این کار کتیبه خروشتی

(1) S.K.173

(2) Vasudeva (3) Hoveshka

(4) S.K. 181

(۵) مخفی نماند که خط خروشتی در اواخر آنقدر زیر اثر خط براهمی هند آمده ، که گاهی مانند براهمی از چپ بر راست هم نوشته شده است.
(6) Jams Princep

کرم کرد که در چند سطر بر یک ظرفی از بلخ بدست آمده بود، و در
 جولای ۱۸۴۸ در مجله آسیا یی بنکال مطالعات پرنسیپ در آن بازه
 انتشار یافت، و مقارن آن از معبدمانی کیماله پنجاب هم برخی نوشته-
 های خر و شتمی بوسیله جنرال کورت (۱) بدست آمد. و لسی
 چون پرنسیپ در ۱۸۴۸ در گذشت مستر میسون (۲) در افغانستان
 مشغول کنجاو یسها بود. وی از میان و همه نوشته های روی ظروف
 کشف کرد، که بر اساس مطالعات ایشان پرو فیسر ولسون مو فق
 گردید، که در کتاب آریانه انتیکوا طبع ۱۸۴۱ جلد اول حر و ف
 خر و شتمی زبا انواع آن ترتیب داده، و آنرا رسم الخط آریانه بخواند.
 و این تحقیقات وقتی مکمل تر گردید که ستین کونو در کتاب مهم
 خود جدول ۲۶۶ شکل حروف و اعداد آنرا از روی تمام کتیبه های
 مکتشفه ترتیب کرد. (عکس نمبر ۱۰)

در باب تسمیه خر و شتمی یک نظر اینست که در اصل خر و تهی
 بوده، که قبیله یی تاکنون بنام خروتهی افغانی موجود است. و
 بیوهلر گوید: که خروشته (۳) نام مخترع آنست، و یاد زبانی
 آرامی خروشته به معنی نوشتن بود، که بعد هادر سنسکریت هم رواج
 یافته باشد. ولی برخی از علما گویند: که از کلمه آروتبه (۴)
 آرامی به معنی «حرف» آمده است.

اکنون ذکر تمام کتیبه های خروشتهی را که تا سنه ۱۹۲۹ مطالعه
 و یا کشف شده می آوریم. کتاب نوشته های خروشتهی در دو جلد
 ضخیم در همین سال از طرف اداره نشرات مرکزی حکومت
 هند در کلکتا طبع شده، که حصه اول جلد دوم تألیف دکتور
 ستین کونو پروفیسر یونیورسیتی اوسلو باشد. و در آن (۱۰۱) کتیبه
 خر و شتمی که در افغانستان تا واسط هند و لداخ بدست آمده،
 مورد تحلیل و ترجمه قرار گرفته است، و در جلد دوم متون
 خروشتهی ۷۶۴ کتیبه موجود است که حصه اول کتابرا (بویر) (۵) و
 (زایسون) (۶) و (سینارت) (۷) فراهم آورده، و حصه دوم کتابرا
 (زایسون) و (نوبل) (۸) ترتیب داده اند، که طبع آکسفورد ۱۹۲۹
 باشد. (نام کتاب در انگلیسی خروشتهی انسکر پشنز (۹) است

- | | |
|-----------------------------|-----------------|
| (1) Court | (2) Masson |
| (3) Kharoshta | (4) Karottha |
| (5) A. M. Boyer | (6) E.J. Rapson |
| (7) E. Senart | (8) P.S. Noble |
| (9) Kharoshthi inscriptions | |

ومادر حواشی مخفف آنرا بنام مؤلف آن ایس - کی (۱) اشارت کرده ایم .

۱- کتیبه خوات :

از مهم ترین متون خرو شتمهی کتیبه ایست زوی ظرف بز ر کت سنگی که در حدود ۱۸۳۸م میسون آنرا ازخوات وردک ۳۰ میلی غروب آابل به موزه برتانیه لندن انتقا اداد. (عکس نمبر ۱۱)
این کتیبه ، سه سطر بردورادور ظرف و یک سطر هم در پایین دارد.
که حروف آن جدا جدا و واضح و روشن است که بنام مها را چه هوویشکه پسر کنیشکا (۱۶۹-۱۸۲م) نوشته شده و ترجمه تخمینی آن چنین است :

«در سال ۵۱ بتاریخ ۱۵ ماه ارتمی سیوس (۲) که گو لیه (۳) خلف و گره مریکه (۴) ساکن خوات گردید و بنای یادگار حضرت ساکیا مونی را در ویهاره و گره مریکه دریک ستو په گذاشت درین بنیان سعادت و خوشی ، سم، بزرگ از مهاراجه هو ویشکه باد! ثوب آن برای مادر و پدرم و برادرم هشتمونه مریکه باد. (۵) و به تمام منسوبین و دوستان و وابستگان و بخود من و گره مریکه باد! نفع آن بصحت تمام موجودات و افتخار همگان برسد! آنانیکه درین جهانند از زیر زمین تا آسمان ، از تخم برآمده گان (پرنده گان) و از شکم برآمده گان (آدمیان و چهار پا یان) تا موجودات بدون شکل (حیوانات غیر مرئی.) (همچنین ثواب آن) به اخلاف من و آنانیکه گمراه نیستند برسد! و همچنین از ساختمان گردا گرد آن، بهره برداری کامل شود! و مردیکه عقیده کاذب دارد نیز از آن سهم داشته باشد. این و یهاره در قبول معلمان مهاسانگه بیکه (۶) است « (۷) در زین کتیبه سال ۱۵ سلطنت مقارن حدود ۱۸۰م باشد ، و ماه ارتمی سیوس یونانی ماه پنجم سال یونانی است که در آثار الباقیه البیرونی (ص ۷۱) ارتباطا وس ضبط شده، و مقارن به ماه می است. و استعمال گاه شماری

(1) S.K.

(3) Kamagulya

(5) Hashthuna Marega

(7) S.K. 2/170

(2) Artemisios

(4) Vagra Marega

(6) Mahasanghika

یونانی در رسم الخط خروشمتهی دلانت دارد، برینکه اثر فرهنگ یونانی در او آخر قرن ۲م باهمان استواری سابق خود باقی بود، و ۱۵ ماه ارتمی سیوس سال ۵۱ = ۲۵ اپریل ۱۷۹م باشد.

درین کتیبه نامهای دو برادر بنام فامیلی ماریکه یا مریکه مذکور است که همین نام با ملای ماریک (۱) در کتیبه زبان تخاری و رسم الخط یونانی سرخ کوتل با رئیس هیئت ترمیم معبد بغلان هم آمده، و معلوم است که مریکه نام یک دودمان عهد کنیشکاو پسرش هویشکه بود، و افراد این خاندان در بنا و ترمیم معابد دستی داشته اند. ولی استعمال زبان تخاری و رسم الخط یونانی در معبد بغلان و خط خروشمتهی و زبان پراکریت در معابد خوات که بین هر دو فاصله ۲۰ ساله است خلط و وجود فرهنگ مقامی زبانی میرساند، و اینکه در آثار معبد بغلان، علایم آتش مقدس، و درخوات یک معبد بودایی دیده میشود. که بنام ساکیامونی وقف شده این مطلب را تایید میکند: که در عصر کوشانی آزادی مذاهب و مدارای عقاید دینی به تمام و کمال موجود بوده و بر مسکوکات این شاهان هم یک مجموعه از باب انواع مقامی یونانی و هندی دیده میشود.

مضمون کتیبه خوات وسعت نظر و شفقت بر تمام موجودات حیه را نیز حاویست که وابستگی با مضا مین فرامین اشوکا و قوانین دیانت بودایی دارد، و تسامح تام مذهبی از آن نمایان است.

اما ذکر معلمان مها سا نگهیکه ثابت میسازد که این فرقه در افغانستان هم موجود بود و این نام فرقه ایست که ساکه ها حین کمال مشغولی خود با بودیزم، فرقه سرواستیو ادین را برخلاف آنها حمایت میکردند (۲) و ذکر این فرقه در کتیبه متورا و غیره هم آمده است.

۲- نوشته هابر پوست درخت:

در سنه ۱۹۳۰ در یکی از سموچهای بامیان نزدیک بت ۳۵ متری نوشته های خروشمتهی و برهمی پوست نازک درخت کشف شد، که پارچه کلانتر آن ۲۵ × ۱۰ سانتی سطح دارد، و آنرا در ۱۹۳۲ در مجله آسیایی پاریس بانوشته های مشابه آن که از کشمیر و گلگت خریداری شده بود، مورد مطالعه قرار دادند که به قرن ۳ تا قرن ۸ م

(1) Mareg (2) The Dynastic art of Kushan, p134. By Rosenfield, California 1967

تعلق دارد، وبقا یای يك كتابخا نه معبد است که برخی از آن فصول کتاب ابھی دهرمه (۱) پیروان مذهب بزرگ بودایی بود و کلمه «بودی ستوا» (۲) در آن دیده میشود که ارتباط به مذهب بزرگ بودایی دارد. و نیز پارچه های کتاب وینایا (۳) یکی از آثار مذهب آو چاک بردایی نیز بزبان سنسکریت و خط پراهمی و خروشتی در آن موجود است و از آن پدید می آید که تا حدود قرن ۸م هم این رسم الخط های خروشتی و پراهمی باز با سنسکریت درین حوالی رواج داشت تا که نشر دین اسلام آثار آنرا از بین برد.

۲- نوشته بر ظرف گلی هده :

آثار هده پنج میلی جنوب جلال آباد و مسکوکات و بتانی که ازین مقام در صد سال اخیر بدست آمده در تاریخ بودیزم و دوره کوشانی اهمیت تام دارد، و این ولایت ننگرهار جزو مهم کوشان شهر بود و آثار نقاشی بودا در حوض آب ماهیان که از تپه اشتر هده اکنون کشف شده بهترین مظهر نقاشی گندهار است و معبد بزرگ استخوان بودا هم درینجا بود، که نام هده از آن آمده و در بنمتو هده (۴) بمعنی استخوان است.

در حدود صد سال قبل مسنرمیسون يك ظرف گلی را با دو سطح نوشته خروشتی بدست آورد، که در سنه ۲۸ ساخته شده و به يك بودی ستوا اهدا گردیده و ثواب آن به یاد شاهی بخشیده میشود، که نام وی مذکور نیست و شاید یکی از کوشانیان باشد (کتیبه های خروشتی ستین کونو) نقل خطی این کتیبه را ویلسون در کتاب آریانا انتیقا و بعد از آن کونو در کتیبه های خروشتی (۲/۱۵۷) نشر نموده اند. ترجمه آن: «در سال ۲۸ دهم ماه اپی لایوس (۵) بنای یادگار در باغ شاهی (۶) در یک ستو پادست معمار سنگه میتره (۷)

- | | |
|---------------------------|-----------------|
| (1) Abhidharmakosa-Sastra | (2) Bodhisattva |
| (3) Vinaya | (4) HADD |
| (5) Apellaios | |

(۶) دراصل RAMNAMMI بود که آنرا به KING'S GROVE

ترجمه کرده اند ولی نام باغ شاهی تاکنون در جلال آباد موجود است. (7) SANGHAMITRA

گذاشته شد. این بنیاد برکت یادگار بودهی ستوا باد! جلو گیری ازفساد دهرمه (۱) درهرآجا باد! آمادگی برای نروانای (۲) همگان باد! واجر جزیل برای شاه باد. (کتاب مذکور ۱۵۸۲) درین کتیبه تاریخ ۱۰ ماه اپی لایوس یونانی سال ۲۸ مساویست با ۲۴ نو مبر ۱۵۵ م که عصر کوشانیان بز رگت باشد.

۴- کتیبه آرا: (۳)

بفاصله ده میل جنوب غربی اٹک نزدیک گذرگاه نیلاب بر کنار جنوبی دریای سند بعرض ۳۳ درجه ۴۶ دقیقه و طول ۷۲ درجه ۱۲ دقیقه واقع است. کتیبه سنگی آن ۲ فوت \times ۸ انچ از طرف سر او رل ستین به موزه لاهور اهدا شده (نمبر ۱-۱۳۳) مشتمل بر ۶ سطر خروشتی عصر کوشانی و دارای تاریخ ۲۵ جیبی شته (۴) ساکن $=$ ۴۱ = ۲۴ اپریل ۱۶۹ م مضمون: «در عصر مهاراجه را جاتیراجه دیوه پتره کیسره کنیشکه پسر وجهشکه (۵) در سال ۴۱ و روز ۲۵ ماه جیبی شته، این چاه از طرف دسه وهه ره خلیفه پشاوریان (۶) به افتخار مادر و پدر و ثواب خودش و همسر و پسرش، برای رفاه تمام مخلوقات کنده شد. (۷) درینجا لقب رومی کیسره = قیصر و نوشتن نام پدر او را مشخص میسازد، که همان فوشکه (۸) مذکور در راجه تر نگینی کلپنه است، که در کتیبه سال ۵۱ خوات و زدگ بعنوان مهاراجه (امپراتور) یاد میشود. (۹)

۵- کتیبه مهر باجور:

درسنه ۱۸۸۹ م از میان کلی باجور شمال شرقی جلال آباد، چندین سنگ نوشته بدست آمد که بر یکی از آن به خط خروشتی کلمات: سوتپیو دهمهسه (۱۰) نوشته شده و کلمه اول راهمان شواو (۱۱) زبان ساکه بمعنی (KING) دانسته اند = شادر کتیبه های کوشانی (ولی نام این حکمران بلا شبیهت یونانی است، و از حکمرانان وادی کابل

(۱) عدالت، تقوی، راستی، DHARMA

(۲) NIRVANA فنای مطلق در عالم خیر

(3) ARA

(4) JYASHTHA

(5) MAHARAJATIRAJA DEVAPUTRA KAISARA VAJH-
ESHKA PUTRA KANISHKA

(6) Dashavhara'of the Peshawarian Scions

(7) S.K. 2/165

(8) Fushka

(9) S.K. 2/179

(10) Su-Theudamasa

(11) Shav

در عصری میزیسته ، که سلطه یونانیان باختر از طرف قبا یس
سیتهمی و کوشانی خاتمہ یافت (۱۰).

۶- کتیبه ابگردان مسی :

در سنه ۱۹۲۰ م طرف ابگردان مسی ازقبره بیدادی (۲) ۱۲ مینہ
شمال غربی مانسیپره واقع کنار دریای سیران بدست آمد، که بموزہ
پشاور اهدا شد و ۹ انچ فراخی و ۲،۷ رطل وزن دارد و برآن بہ
خط خروشتہمی پیش ازدورہ کوشانی نوشته اند :

« ارمغان سنکپره کشیتہ (۲) بہ جماعت روحانیون چہارمقام (۴)
در مملکت یوزہ شا (۵) از معلمان کاشیہ پیہ (۶) .
شباهت کلمات این کتیبه را با برخی از نوشته های تکسیلا و موزہ
پشاور خاطر نشان کرده اند ، و فرقه آموز گران کاشیہ پیہ نیز
ربطی با فرقه های مذہبی تکسیلا دارد . (۷)

۷- کوزہ قریہ بیماران جلال آباد:

این دیہ در حدود ہفت میلی شمال غرب جلال آباد واقع است و بین
سنوات ۱۸۴۳ - ۳۷ مستر میسون تکلیسی دزستو پای بزرگ و
کوچک مرکز این قریہ حفریات نمود، و در اطاق یادگار مقدس آنجا
کوزہ بزرگی کہ از خاک روغنی ساخته شدہ بود، با خط خروشتہمی یافت کہ
در آن دانه های گوہر و سبحہ و جعبہ ٹلابی مزین و چہار سکہ مسی ازیس (۸)
بود و از آن استدلال میکنند کہ این ظرف متعلق بہ عصر پیش از
ازیس و پیش از (حدود ۵۰ ق م) نیست و بر مسکو کات آن بخط
خروشتہمی نوشته اند:

« مہاراجہ سہ مہاتہ سہ دہرہ میک، مہہ راجہ تیرہ جہسہ ایاسہ » (۹)
ترجمہ کتیبه اول : « ارمغان نسیوہ ر کشیتہ خلیفہ موجہ و تہا (۱۰)
بتقریب نیابت او بطور یادگار حضرت (بودا) بافتخار ہمہ بوداها » (۱۱)

- | | |
|---|-------------------|
| (1) S.K.2/6 | (2) Bedadi |
| (3) Sangharakshita | (4) Four Quarters |
| (5) Urasa | (6) Kasyapiya |
| (7) S.K. 2/88 | (8) Azes |
| (9) Maharajasa Mahatasa Dhramikasa Rajatirajasa Ayasa | |

نام ایاز کہ در ادبیات دری بشکر ایاس ہم آمدہ ، آیاریطی با این ایاس
Ayasa شکل خروشتہمی از یس نخواہد داشت ؟

- | |
|-------------------------------------|
| (10) Sivarakshita The Mujavat Scion |
| (11) S.K. 2/51 |

کتیبه سرپوش ظرف « شیوه کشیده خلیفه موجه وت ، بطور یادگار حضرت (بودا) » (۱) مخفی نماید: که کلمه موجه وت (۲) را نام قبیده یی پنداشته اند، که دراتهر و اویدا مقارن اسمای بلهیکه رنگدھاری شمال غرب هند مذکور است . (۳)

۸- کتیبه سرپوش جعبه :

در بین آثار باستانی که مستر میسون از افغانستان فرستاده بود. سرپوش یک جعبه برنجی، نوشته خروشتھی در دوسطر دارد ، که نظر محققان را جلب کرده است . تاریخ آن مانند کتیبه مانی کیسا له $10 + 4 + 4 = 18$ نوشته شده و ترجمه متن آن چنین است : « در سال ۱۸ دهم ماه ارتھی مسیوس (۴) یادگار شرمانه کوتاه (۵) در عهد نهاده شد . »

تاریخ دهم ماه ارتھی مسیوس سال ۱۸ مساویست با ۲۰ اپریل ۱۴۶ م که عصر نوشتن این کتیبه را به اوایل دوره کوشانیان بزرگ می‌رساند . (۶)

۹- کتیبه امب :

دیوی (۷) قلعت کوچکی است در سرزمین امب در دامنه های شرق کوه مهابن که در آن آثار ابنیه قدیم موجود است و کتیبه سنگی در آنجا بود که به موزیم لا هور انتقال یافت . بر سطح 9×5 انچ آن سه سطر نوشته خروشتھی دیده میشود . که حروف آن به عصر کنیشکا و کتیبه سیمین تکسیلا مشابه است، و ترجمه مضمون خروشتھی آن چنین است:

«در سال ۲۰۰ هشتم ماه وای شناکبه (۸) یک آبدان از مغان از جمند هیمه است (۹) .»

تاریخ این کتیبه ۸ ماه وای شناکبه سال ۲۰۰ مساویست با ۲۴ مارچ ۱۱۶ م . (۱۰)

۱۰- سنگ نبشته فتح جنگ :

در سمت شرقی اتک بر راه آهن راولپندی و کوها ت فتح جنگ واقعست که ۵ میل در جنوب آن دیهی بنام ماهجیه (۱۱) در ۳۳ درجه و ۲۹

- (1) S. K. 2/52
- (3) S.K. 2/51
- (5) Sramana-Gotama
- (7) Dewai
- (8) Worthy Hima
- (11) Mahjia

- (2) Mujavat
- (4) Artemisios
- (6) S. K. 2/152
- (8) Vaisakha
- (10) S.K. 2/104

دقیقه شمالی ۷۲ درجه و ۳۹ دقیقه طول شرقی افتاده و ازینجا سنگت
 نوشته خروشتیمی در يك سطر كشف و به موزه لاهور اهدا شد .
 است. خط خروشتیمی آن بدور ساکه می ماند.

ترجمه آن : «در سال ۶۸ شانزدهم ماه پروشته پده (۱) ارمغان اصحاب
 ودهی تیره (۲)» ۱۶ ماه پروشته پده سال ۶۸ مساویست با ۱۸ جولای
 سال ۱۷ ق، م (۳)

۱۱- کتیبه پایه مجسمه مکشوفه ز غزدهیری :

اشنغروادی شمال شرقی پشا و رکه بسیار آسیب دیده و اکثر حروف
 آن از بین رفته است (۴) .

۱۲- کتیبه مجسمه اشغرف :

در فاصله ده میلی شمال شرقی پشاور در جایکه دریای سوات ر
 نابل باهم می آمیزد و شهر مشهور تاریخی پشکلوه تی درین وادی بود،
 یکی از مراکز مهم بودایی بشمار میرفت ، در قریه راجر از تپه خاکی
 مجسمه بودا با سه نفر بدست آمده که در معبد هندوان آنجا نهاده شد
 و در سنه ۱۸۸۳ کتیبه خروشتیمی پایین مجسمه را دیدند ، که فقط
 تاریخ آنرا چنین نوشته اند «در سال ۳۸۴ پنجم ماه پروشته پده»
 که این تاریخ مساویست با ۷ جون ۳۰۰ م. (۵)

۱۳- کتیبه های جمال گرهی :

جمال گرهی دیهی است در دامنه جنوبی کوهپایه پاچا که از مر دان
 شمالا هشت میل فاصله دارد و در ۳۴ درجه ۲۰ دقیقه شمالی و ۷۲
 درجه و ۵ دقیقه طول شرقی واقع است درینجا کتیبه های متعدد
 خروشتیمی راهم یافته اند که از آن جمله است :

الف : سنگ نوشته اول ماه اشوه یوج (۶) سال ۳۵۹ = ۲۴ اگست
 ۲۷۵ م در بازه تاسیس يك دارالمساکین دینی درین باغ (بیشه)
 از طرف شرق او که پوته که (۷) برای متابعان یودیلیا که (۸)

ب: کتیبه پایین يك مجسمه بی تاریخ ، ارمغان مادروهمسرواسشته
 به ثواب تمام مخلوقات و ثواب وصحت آقا. (۹)

ج: کتیبه هاله يك مجسمه که بر آن « وقف سفا » (۱۰) نوشته
 اند. (۱۱)

(1) Praushtpada

(2) Vadhitira

(3) S.K. 2/22

(4) S.K. 2/123

(5) S.K. 2/119

(6) Asvayauj

(7) Sravakapotaka

(3) Uddiliaka

(9) S.K. 2/114

(10) Sapha

(11) S.K. 2/114

د: کتیبه بنیاد يك ستون : «يك منار ارمغان بودا ورمه » (۱)
 ه : نوشته بريك چراغ سنگی که در حفريات ۱۹۲۱ م کشف شده
 و فقط «درستو په ايهه» (۲) بر آن خوانده میشود . (۳)
 و: سنگ نوشته مکشوف ۱۹۱۲م که بر آن نوشته اند: ارمغان بود-
 هاره کشيته (۴) «(۵)

۱۴- سنگ نوشته قلعه سنگ:

دامنه کوه مهابن مربوط خود. و خیل مرز قبيله يوسفزیایی که در
 موزه لاهور است (نمبر ۱، ۵۹) مضمون آن : «درسنه ۱۰۰ متابعان
 پی په له کهه (۶) چاهی ساختند . خوانش عدد صد مشکو کست و
 سال صدم = ۱۶-۱۷م است (۷)

۱۵- سنگ نوشته کالدره :

نزدیک درگتی جنو ب کوتل مله کند درسوات که اکنون درموزه
 لاهور است ۲۷ × ۹ انچ . تاریخ این کتیبه ۲۰ ماه شراونه (۸) سال
 ۱۱۳ = ۵ جولایی ۲۹م است .
 مضمون آن : «این حوض از طرف تهایدوره پسر داتیا (۹) برای
 استفاده تمام مخلوقات در سال ۱۱۳ بیستم ماه شر وانه ساخته شد. »
 قراریکه تحقیق کرده اند نام وقف کننده این حوض تهاید و ره
 یکصورت مصحف تهیودوروس (۱۰) یونانیست که بريك کتیبه ظرف
 سوات میرید رخ تهیو دوره (۱۱) آمده ، وشاید این تهاید و ره کالدره
 از اخلاف میرید رخ باشد. (۱۲)

۱۶- کتیبه هفت حرفی کانیزه:

دهیری واقع عمر زیبی چار سده پشاور (پشاور موزیم) (۱۳)

۱۷- کتیبه بنای حوضی درگرنال هفت میلی جمنا :

(موزه لاهور) از طرف کر یسه کوی (۱۴)

(1) Buddhauarma

(3) S.K. 2/116

(5) S.K. 2/116

(7) S.K.2/52

(9) Datiaputra-Thaidora

(11) Meridarkh Theudora

(13) S.K. 2,172

(2) Aida

(4) Buddharakshita

(6) Pipalakra

(8) Saravana

(10) Theodoros

(12) S.K. 2/65

(14) S.K. 2,179 Krisakavi

۱۸- کتیبه کومره هار(۱) پتنه:

(هند) مکشوف ۱۹۱۴ که آنرا دورترین کتیبه خروشنهپی بیرون از منطقه نفوذ این رسم الخط شمرده اند «کار سنگه د ا مه کوتهومه» (۲)

۱۹- کتیبه صنوو قچه کورم:

وادی کورم در جنوب سپین غری بر خط مرزی شرقی افغانستان واقع و چون گذرگاه فاتحان و کاروانها ی هند بطرف زابل و کابل بود ، همواره در تاریخ اهمیتی بسزاداشت ، و این صنوو قچه مسی دارای شکل ستوپاست که ۴ سطر کتیبه بردورادور خود دارد، و یکی از نوشته های مفصل خروشنهپی است بدین مضمون :

«در سال ۲۰ و بیستم ماه اوهدونه که (۳) شویده ورمه پسر یاشه (۴) بنای یادگار حضرت ساکیا موئی را درین باغ خودش در نیو ویمهاره، به موافقت معلمان سر واستیوا ده (۵) دریک ستوپه برای ثواب تمام مخلوقات نهاد. آنحضرت گفته بود: در دوام جهل به آیین، در پنداشت آیین اساسی (۶) (تصور مادیات) در ادراک نام و پیکر در نام و پیکر شش وسیله (۷) در تماس این شش وسیله (بامحسوسات) در علاقه با احساس - در تشنگی احساس (اشتها بمادیات) - در تشنگی ولع - در حرص حیات در زایمان زندگانی - در پیری - مرگ - مصیبت - پراگندگی - درد - افسردگی و نومیدی. چنین است اصل مجموعه رنج برای تمام موجودات.

و این پره تیت یا سه موت پاده (۸) از طرف ماهی فیه تیه (۹) به تعظیم همه مخلوقات نوشته شد. «درین کتیبه ماه اوهدونه که عبارت از ماه یونانی اودو نایوس (۱۰) است که مطابق باشد با ۲ جنوری ۱۴۸ م (۱۱)

(1) Kumrahar (2) Sanghadasa Kauthuma. S.K. 2,178

(3) Avadunaka

(4) Svedauarma-yasa Putra

(5) Sarvastivada

(6) Sanskaras

(۷) مراد پنج حس و عقل است.

(8) Pratityasamutpada.

(9) Mahi Phatia

(10) Audunaios

(9) S.K. 2,152

۲۰- نوشته بر هاله يك مجسمه بودا در موزه لاهور هديه بو سه
ورمن (۱)

۲۱- نوشته بريك تخته موز يم لاهور (..... سنسكاره (۲))
۲۲- پنج سنك نوشته لو ريان ننگي سوات سفلي نزديك قريه پيلايه
كه درسنه ۱۸۹۶م كشف و در موزه كلكته محفوظ اند:

نوشته يك سنك : در سال ۳۱۸ بيبست وهفتم پروشته پده (۳) تحفه
بوده گوشه (۴) پير وسنكهاورمه (۵) (مطابق ۲۷ اگست ۲۷۵م) (۶)
نوشته ديگر : تحفه بوده ورمه (۷) درستوبه كهنه و نه (۸)
نوشته ديگر : تحفه بود هاميترا (۹) پير وبوده ار كشيته (۱۰)
نوشته ديگر : تحفه اكشه بيكه (۱۱) پير وشرمه نه سد هرمه نه
نه (۱۲)

نوشته ديگر : تحفه سينهاميتره (۱۳) پيرو سي هي ليكه (۱۴)
۲۳- كتيبه مايره (۱۵) نام يك قريه در كو هپايه نمك ضلع جيلم
(پنجاب) در صد ميلی جنوب تكسيلا سال ۵۸ = ۲۷ ق، م (۱۶)
۲۴- كتيبه ممانی دهيري (۱۷) در چار سده شمال شرقی پشاور
كه در همان پشكلا وتي تاريخي واقع است (نمبر ۵۱ موزه پشاور) تاريخ
اين كتيبه ۵ ماه مارگه شيراس (۱۸) سال ۸۵ = اول نومبر ۲۱۶ م
است كه بريك مجسمه بو دا چنين نوشته اند:

«در سال ۸۵ پنجم ماه مارگه شيراس اين تحفه دينی از طرف
شرمه نه دهرمه پری يه (۱۹) باعزاز... و آموزگار او بوده پری يه (۲۰)
و برای صحت بخشی مریدان او .» (۲۱)

۲۵- مانی كياله (۲۲) مجموعه خرابه های قديم بين حسن ابدان ل

-
- (1) S.K. 2/115 - Bosavarman (2) S.K. 2/131 Sanskara
(3) Praushthapada (4) Buddha Ghosha (5) Sangha Varma
(6) S.K. 2/107 (7) Buddha Varma (8) S.K. 2/108 Khandavana
(9) Buddha Mitra (10) S.K. 2/109 Buddha Rakshita
(11) Akshayika (12) S.K. 2/110. 'Sramana-Saddh armarata
(13) Sinha Mitra (14) S.K. 2/110. Sihilika (15) Maira
(16) S.K. 2/11 (17) Mamane Dheri (18) Margasiras
(19) Sramana Dharmapriya (20) Buddha Priya (21) S.K. 2/172
(22) Mani Kiala

وجیلم در ۳۳ درجه و ۲۷ د قیقه شمالی و ۷۲ درجه و ۱۷ دقیقه شرقی واقعست و درینجا کتیبه های ذیل کشف شده :

الف: ظرف حفظ خاکستر (بطورگلدان) که بیرونی آن مسی بود ، و در آن ظرف نقره جای داشت و در داخل آن ظرف طلائی خاکستر بود ، و پریک سنگ چنین نوشته دارد ، که هفت سطر در بین و دو سطر بدست راست و سه سطر بدست چپ آنست مورخ سال ۱۸ بیستم کارتیکه = ۹ اکتوبر ۱۴۵م.

«در سال ۱۸ ر وز بیستم ماه کارتیکه (۱) در عصر شامی مهراجه کنیشکه جنرال لله (۲) از نژاد کوشانه و آمر اوقاف کشته پهبه ویشپاسی (۳) وقف کننده درویمهاره خودش ، که یادگار های متعدد حضرت بودا را با سه نفر ذیل می سازد : ویشپاسیه و خودچه (۴) و بوزیتسه (۵) معمار و بهاره و تمام جمعیت را هبان . ثواب این بنای خیر با بودا ها و شر او که ها (۶) به برادرم سوره بوده می (۷) و بوزیتسه معمار ترمیم کننده رسیده باد. «(۸)

(1) Karttika

(2) Lala

(۳) Kshatrapa-Vespasi ویشپاسی نام کشتراپ و حکمران است .

(۴) Khudacha این کلمه در کتیبه موزه پشاور سال ۱۶۸م خوده چیه است که شاید نام جایی باشد ، و هم این کلمه را اصل قدیم خواجه میتوان پنداشت که در پهلوی خواتای چک بود تصغیر خواتای = خدای و گو ه خواجه در سیستان نزد زردشتیان مقدس است و خواجه در فارسی به معنی رئیس و معظم و حاکم و کد خدا بود که معرب آن خواجه است (حواشی برهان ۷۷۹) در کتیبه بغلان کلمه خوادى Xoadē دوبار آمده

که آنرا معادل Outokrator و خدیو دانسته اند و درانجا بمعنی بادشاه و امپراتور است ، و خودوه به که نام یکی از کابلشاهان بود (مادر زبان دری ۸۶ ر ۱۳۵) پس خوادى (بغلان) خوده چیه (خروشتیمی) خواتای چک (پهلوی) خواجه (مستعمل کنونی) باید با هم ربطی داشته باشند.

(5) Burita

(6) Sravakas

(7) Svarabuddhi

(8) S.K. 2/150

درمانی کیاله کتیبه های مختصر دیگری هم بدست آمده، که از آنجمله برمیزک سیمین «تحفه گومنه (۱) معمار» و بربیک جعبه مفرغی موزه برتانیه «تحفه کاپیشا (۲) کشتی په پسر گره نه و هر یه که» (۳) نوشته شده است. (۴)

۲۶- کتیبه تخته‌سنگی مانسیپره واقع شمال ایت آباد، که در انجا کتیبه فرامین اشو کا هم بر کو هبچه یی موجود است. این تخته سنگ دوپار چه دارد و بموزه کلکته در ۱۸۹۸ م انتقال یافته که در سال ۱۷-۱۶ ق.م نوشته اند، و ده سطر است. چون آسیب زیاد دیده مضمون آن مبهم است: «درسا ژ... ۶۸... قوت شاهی (۴) بحکم فرمان.. برای هشت سال لغو گردید...» (۵)

۲۷- کتیبه مار گوس (۶) واقع سوابی دومیلی دریای سند درسا ل ۱۱۷ (۴) = حدود ۲۳ یا ۲۲ ق.م، درباره تاریخ یک چاه. (۷)

۲۸- کتیبه بر شکل یک فیل کننده برسنگ، درموزه متو را ی هند که بران نوشته اند «یا دگازاستخوان گردن آنحضرت» (۸)

۲۹- نوشته های ستون سرشیردار متو راکه (۱۶) سطر درپارچه - های متعدد دارد و بسط خط خروشته می راتا اواسط هند میرساند (۹) این کتیبه در تاریخ هند وساکه هانخیلی مهم است زیرا آنرا بامر ملکه بزرگ ایاسیه که مو یی (۱۰) بنت یووه راجه خره وستنه (۱۱) همسر مهاکشتی په رجوله (۱۲) و مادرنده دیاکه (۱۳) نوشته اند. و راجع به وقف معبد و تصدیق موقعیت های رسمی رجال و افراد خاندانهای مقتدران عصر است و این رجولهای یکی از حکمرانان ساکه در اوایل قرن اول میلادی دانسته اند. (۱۴)

(1) Gomana

(2) Ka'pisa'

(3) G (R) Ana Vhrayaka

(4) S.K. 2/151

(5) S.K. 2/20

(6) Margus

(7) S.K. 2/66

(8) S.K. 2/50

(9) S.K. 2/48

(10) Ayasiakamuie

(11) Yuva Raja Kharaosta

(12) Rajula

(13) Nada Diaka

(14) S.K. 2/34

۳۰- کتیبه چند حرفی میر زیارت در شهر ناپرسان اشنغر شمال شرقی پشاور و کتیبه موزه لاهور از همین شهر ناپرسان بر پایه یک بود هی متواتر دو سطر راجع به وقف برای سلامتی بوده و رمه (۱)
 ۳۱- کتیبه تخته سنگ موزه لاهور که از کوه پنج (۲) سلسله مهابن مجاری دریای سند علیا بدست آمده و بسال ۱۰۲ = ۱۸-۱۹ م تاریخ ساختن یک چاه است (۳)

۳۲- کتیبه تخته سنگ موزه لاهور که از موجای اراضی یوسفزایی شرقی پشاور بدست آمده و در سال ۸۱ = ۴-۳ ق، م در ساختن چاه هی از طرف تبعه وشی شوگه (۴) نوشته شده است. (۵)
 ۳۳- کتیبه سنگی ناو گرام واقع خود وخیل شمال شرقی دریای سند علیا در موزه لاهور در باره یک وقفیه در یک سطر.
 ۳۴- کتیبه ۳ کلمه مکشوف ازنو شهره شرقی پشاور بر یک پایه مجسمه که دران کلمه کریده (۶) به معنی ساخته و بنا آمده است. (۷)

۳۵- کتیبه دوسطری سنگی که از پاجا بین جمالگرهی و تخت باهی شمال شرقی پشاور بدست آمده و در موزه لاهور است. و تاریخ آن سال ۱۱۱ روز پانزدهم شراونه مساویست با ۲۳ جون ۲۷ م و مضمون آن چنین است: در سال ۱۱۱ روز پانزد هم ماه شراونه (۸) این چاه از طرف سنگه میثره (۹) پسر آننده (۱۰) به تعظیم مادر و پدرش برای فایده و خوشی تمام مخلوقات ساخته شد (۱۱)
 ۳۶- سه سطر نوشته بر پارچه های ظروف موزه پشاور که از پاتود هیری پشاور بدست آمد و همه راجع به وقف و ایصال ثواب آن به اشخاص است. (۱۲)

۷- کتیبه سالم پور پنجتار: در دامنه های مهابن که در ۷۳ درجه و ۳۱ دقیقه شرقی و ۳۴ درجه و ۱۴ دقیقه شمالی واقع است. نوشته

- (1) S.K. 2/124
 (3) S.K. 2/57
 (5) S.K. 2/30
 (7) S.K. 2/134
 (9) Sanghamitra
 (11) S.K. 2/65

- (2) Banj
 (4) Vashi suga
 (6) Karide
 (8) Sravana
 (10) Ananda
 (12) S.K. 2/122

سنگی سال ۱۲۲- اول ماه سنرا ونه = ۷ جون ۳۸ م عهد سا که بمضمون ذیل بدست آمده .

«درسال ۱۲۲ اول ماه شرانوه درعهد کوشانه مهاراچه سر ز مین شرقی کسوه (۱) ازطرف مویکه (۲) خلف اورو موجه (۳) منطقه فرخنده گردید . ودرانجا دو با غ از طرف من وقف شد. بااین اقدام قابل تمجید ... منبع جا ویدا ن خیر . (۴)

۳۸- بریک پارچه عقیق که درپاریس است باتصویر یک شخص ایستاده دارای دستار و لباس برزو و پیراهن درشت کلمه پونیه- مته (۵) نوشته شده است و آنرا ازعهد یونانیان باختر دانسته اند (۶)

۳۹- کتیبه سنگی پاتھیا ر واقع یک میلی کانگرا (پنجاب) در د و سطر که خارج از منطقه نفوذخروشتهی است وبران نوشته اند : تالاب راتھی تره (۷)

۴۰- کتیبه برتخته سنگی که ازخود وخیل غربی مهابن در دوسطر بدست آمده : «متولی ویهاره ... اینستوبه را ساخت . » (۸)

۴۱- کتیبه سنگ کو چک موزه بشاور در یک سطر از عهد قدیم ساکه : کهره وید (ساخته) مایتر یه « (۹)

۴۲- کتیبه دوسطری پشاور موزیم ازعهد قدیم ساکه ، که از خود وخیل غربی مهابن یافته شده : «بنای یادگار بهگه وت (۱۰)...وقف » (۱۱)

۴۳- کتیبه بریک سنگ بنا درپشاور موزیم نمبر ۵ که چند حرف دارد از عهد قدیم ساکه (۱۲)

۴۴- کتیبه سنگ کو چک موزه بشاور نمبر ۷ دارای چند حرف ازعهد قدیم ساکه . (۱۳)

۴۵- کتیبه بریک هیکل حجازی شده دو پهلوان درموزه پشاور که

-
- | | |
|----------------------------------|-----------------|
| (1) Kasua | (2) Moika |
| (3) Urumuja | (4) S.K. 2/70 |
| (5) Punyamata | (6) S.K. 2/7 |
| (7) Rathitara, S.K. 2/178 | (8) S.K. 2/12 |
| (9) S.K. 2/133 Karavide maitreya | (10) Bhagavat |
| (11) S.K. 2/128 | (12) S.K. 2/133 |
| (13) S.K. 2/133 | |

پران فقط نام میاندره (۱) نوشته که شکل خروشتمی نام یونا نی
میاندروس (۲) باشد. از عهد قدیم ساکه (۳)

۴۶- بريك پایة مجسمه سنگی که در کلب افسران پشاور بود
در يك سطر مربوط به عهد قدیم ساکه نوشته شده : وقف دیپانکه
زه (۴) ساخته تا کهنه پیدره (۵)

۴۷- کتیبه سنگی موزه پشاور نمبر ۲۰ (عهد قدیم ساکه) که
تاریخ خروشتمی آن مساویست با ۲۴ اپریل ۸۴ م. «در سال ۱۶۸ پانزدهم
ماه جیای ششمه (۶) این چاه بطور وقف بهمت تره و شه کوره (۷)
مربوط خوده چه و بهاره کند ه شد. (۷)
درینجا کلمه خوده چه بامقایسه کتیبه مانی کیاله در خور تو چه
است .

۴۸- کتیبه نمبر ۲۱ موزه پشاور بر سنگی (۱۶ × ۹ × ۶ انچ) که
در سنه ۱۹۱۶ م از طرف اورل ستین به موزه داده شده و به عهد کوشانیان
متعلق است . درین کتیبه نام مهاراجه و تاریخ آن ساییده شده
و خوانده نمیشود و درباره کند ن چاهی است از طرف برهن و اسو-
دیوه (۹) پسراینده دیوه (۱۰) ساکن او بهاره (۱۱)

۴۹- کتیبه نمبر ۳۴۷ موزه پشاور بريك هیکل حجاری شده
بودهی ستوه نشسته که تخته نوشتن در «امن دارد و بران چنین
نوشته اند : «در گیتی که نوشتنی های خدایان و مرد مان آنجاست» .
این کتیبه به عهد قدیم ساکه متعلق است (۱۲)

۵۰- کتیبه راول نزدیک متهوره بر کنار شرقی جناکه در موزه
متهوره موجود است دارای چهار سطر متعلق به عصر کوشا نیان
سال ۴۱ = ۱۶۸ م (۱۳)

۵۱- کتیبه سد و واقع کنار شرقی دریای پنجکوره در غرب
کوتل کنگله (۱۴) بر راه سوات بريك خرسنگ کوهی در چهار سطر که
خوانش آن کاملا صورت نگرفته است (۱۵)

(1) Minandra

(3) S.K. 2/134

(5) Takhtidra

(7) Travasakura

(9) Brahman-Vasudeva

(11) S.K. 2/157 Obhara

(13) S.K. 2/129

(15) S.K. 2/9

(2) Menandros

(4) Dipankara

(6) Jyaishta

(8) S.K. 2/79

(10) Indra Deva

(12) S.K. 2/129

(14) Katgala

۵۲- چند پارچه ظروف گلی شهر بهلول (۱) شمال شرقی پشاور که دارای حروف و کلمات خروشته است ولی به تحقیق خوانده نشده متعلق به عصر قدیم ساکه (۲)

۵۳- کتیبه شاه داور (۳) واقع وادی اگرور ضلع هزاره ، ۳۴ درجه ۳۰ دقیقه شمالی و ۷۳ درجه ۴ دقیقه شرقی ، بريك خر سنگ کوهی . متعلق عصر قدیم سا که ۶۰ = ۲۵-۲۴ ق.م :
«از راجن دامیجه ده (۴) در سال ۶۰ ساکه ، بابهاو (۵) و پدر او و له ورده (۶) برای ثواب پسرش میترو وردهنه (۷) ... بر همین . و مادر و برادرش . (۸)

۵۴ در شاه داور کتیبه دیگر بسیار آسیب دیده هم در ۵ سطر موجود است متعلق به عصر قدیم ساکه در عصر ازیس (۹) در باره وقف يك شخص متمول مشهور شیوه رکس کیته (۱۰) نوشته شده و املاي نام ازیس درخرو شته ایاسه (۱۱) است و بدو خط یونانی و خرو شتهی مسکو کات سیمین اوهم یافته اند . که زمان این کتیبه بین ۸۰-۱۰۲ ساکه باشد . (حدود ۶۴ م) (۱۲) .

۵۵- کتیبه های صندوق کنشکا : در شاهجی دھیری بیرون دروازه گنج شهر پشاور . در سنه ۱۹۰۹ م در جای ستوپه بزرگ کنشکا که زایران چینی ذکر کرده اند ، بقایای يك ستوپه بزرگ از خاک برآورده شده ، که در بین آن جعبه منقش مسی به بلندی ۴-انچ و قطر ۵-انچ با سر پوش محکمی موجود بود ، و هیکل های بودای نشسته هم دارد ، و هیکل کنشکا بین از باب انواع مهر و ماه واقع است و بر سر پوش جعبه اشکال بودا - برهما - ایندرا (۱۳) دیده میشود ، و در بین این جعبه برخی از یادگار های بودا محفوظ بود ، که آنها را لارد کرزن (۱۴) و ایسرای دهم هند به بودا تیان بر ما داد ، تا آنها را در معبد (مندلای) (۱۵)

(1) Shahr-i-Bahlol

(3) Shahdaur

(5) Bhadu

(7) Mitravardhana

(9) Azes

(11) Ayasa

(13) Buddha-Brahma-indra

(15) Mandlay

(2) S.K. 2/122

(4) Rajan Damijada

(6) Valavardha

(8) S.K. 2/16

(10) Sivarakskita

(12) S.K. 2/17

(14) Lord Curzon

گذاشتند . (۱)

تعیین سال اول این کتیبه (مطابق ۱۲۸ م) مشکو کست و در ذکر نام کنیشکا نیز مراد کنیشکای اول نباشد، بلکه کنیشکای دوم مذکور در کتیبه آرا خواهد بود، که مورخ است بسال ۴۱ (۱۶۹م) و بالاخر تاریخ این کتیبه وجعبه را بین سنه ۷۸-۳۲۵ م تعیین کرده اند، و روزن فیلد باجان مارشل هم عقیده است که همان حدود سال ۴۱ باشد (۲). درین کتیبه نام آگی شله (۳) راهم ما خود از آگی سیلوس (۴) یونانی پنداشته و اورایک هنرمند یونانی گفته بودند ، ولی بعد از ستین کونو این عقیده از طرف (پورو) (۵) رد گردید و گفت که این نام با آگی سال (۶) زبان پالی شبیه است که در خرو شتمی و برهمی هم آمده است. پورو این کلمه را لقب ماموری شمرده است که بکار تعمیر و یپاره مامور بود و بنا برین این بنا وجعبه تقدیمی کدام امپراتوری نیست ، بلکه مانند سایر کتیبه های متهوره تنها به عصر شهزادگان کوشانی ر بطدارد (۷) .

ترجمه مضمون کتیبه : در سال اول (۹) کنیشکادر شهر اما ... این وقف دینی باقصر ... ضمیمه شد. دران خیر و سعادت همه مخلوقات باد ! معمار آن بنده آگی شله در و یپاره کنیشکادر سنگاراما مها سینه (۸) بموافقت معلم سره و استیوادین . (۹)

همچنین درین تپه شاهی متصل بشاور پارچه های خشتی زیبا دی بدست آمده ، که بران کلمات و حروف خرو شتمی منقوش و در موزه بشاور محفوظند .

۵۶- کتیبه شکر دره کیمبل پورماورای اتک ، در موزه لا هور متعلق به عهد کنیشکا ، دارای چهار سطر نوشته و یک شکل خرو یک گلدان که تاریخ خرو شتمی آن مطابق است با ۲۷ جولای ۱۶۸ م .

(۱) بشاور ، تألیف جعفر ۲۲

(۲) آرت خاندان کوشان ۲۶۰

(3) Agisala

(4) Agesilaos

(5) Burow

(6) Aggisala

(۷) آرت کوشان ۲۵۹

(8) Mahasena's Sangharama

(9) S.K. 2/137

«درسال ۴۰ روز ۲۰ ماه پراوشته پده این چاه در معبر شا لا (۱) بطور تحفه اصحاب درو نی په زره (۲)»
 ۵۷ - کتیبه مهر مسی یکی از کشته پده های دوره قدیم ساکه در وادی هزاره تا چیناب بنام شیوه سینه کشته پده شهر ابهی سا ره پرسته (۳)

۵۸ - کتیبه سکاره پهیری (تبه زغال) درهشت میلی شمال چا ره سده پشاور بریک مجسمه موزة لاهور مور خ ۱۰ می ۳۱۵ م : در تو سطر « درسال چارصدم یک کم (۳۹۹) روز ۲۲ ماه آشاد ه (۴) . درجنت (روزدهم) او (زن) باد ! من نکهداری اطفال رامیخواهم . » (۵) ستین کونو عقیده دارد که اصل این کتیبه یک نوع منظومه (۶) است که هر مصرع آن ۶ + ۴ + ۳ سلابیل دارد ، و بنا برین در تاریخ اوزان عروضی اهمیت خواهد داشت .

۵۹ - کتیبه سوی وپهار (۷) دز ۱۶ میلی شمال غرب بهاو لپو ر بریک تخته مسی دارای چهار رونیم سطر که تا ریخ خرو شتهی آن مقارنست با ۷ جون ۱۲۹ م: «درزمان شاهی مهاراجه دیوه پتره کنشکا در سال ۱۱ روز ۱۸ ماه دایسیوس (۸) هنگامیکه راهب ناگه دته (۹) مبلغ دستورو مرید مبلغ دمتره (۱۰) مرید مریدان مبلغ بهاوه (۱۱) درینجا درد منه (۱۲) سکونت نمود، پس متولی وپهاره زاهد بلا نندی (۱۳) و مادرش کدبانو بله جیا (۱۴) علاوه برینای این مسکن دیوار دورا دور آنرا هم بعداً ساخت . برای همه مخلوقات وسیله خیر و خوشی باد! (۱۵)
 ۶۰ - کتیبه ظرف خاک رو غنی که از سوات بدست آمده وبه یکی

(1) Sala

(2) S.K. 2/160. Dronipadra

(3) Sivasena, the Kshatrpa of Abhisaraparastha. S.K. 2/103

(4) Ashadha

(5) S.K. 2/127

(6) Doha

(7) Sui-Vihar

(8) Daisios

(9) Magadatta

(10) Damatrata

(11) Bhava

(12) Damana

(13) Balanandi

(14) Balajaya

(15) S.K. 2/141

از حکمرانان یونانی منسوب و ترجمه کتیبه دژرادور ظرف چینین است: «از تپپو دو روس میریدرخ (۱) این یادگار های حضرت ساکیا مونی بمقصد محافظت همه مردمان بنامد .» (۲)

کلمه میریدرخ درین کتیبه یک لقب یونانی میریدرکوس (۳) دوره یونانیان ورومن است که معنی آن حکمران یک ناحیه است و او در کابل یا اراکوز یا یاکنده هاراموریت داشته است . (۴)

۶۱ - کتیبه تجه ضلع پشاور که شرح و تصویر آن بدست نیامده (۵).

۶۲ - کتیبه های تخت باهی که دارای آثار یک شهر بزرگ قدیم است و یک کتیبه از انجا بدست آمده دارای ۶ سطر و تاریخ خروشتی آن مطابق است با ۱۰ مارچ ۱۹ م : «در سال ۲۶ شاهی مهاراجه گود وهره (۶) سال ۱۰۳ روز اول ماه ویشا که (۷) این معبد وقف دینی بله سه می (۸) منجی و پسر و دختر اوست به تعظیم میره (۹) منجی و شهرزاده که (۱۰) به تعظیم مادر و پدر (۱۱) کتیبه دیگر تخت باهی در موزه پشاور است که بران (تحفه) هوره شده » (۱۲) نوشته شده و نیز یک پارچه ظرف سیاه از تخت باهی در موزه پشاور افتاده که چند کلمه خروشتی دارد (۱۳)

۶۳ - کتیبه های خروشتی تکسیلا:

این شهر تا ریخی به آ نازمکشوفه و بقایای یک شهر عظیم شهرت دارد و مرکز بزرگ فرهنگ و مدنیت دور های متعدد موریان - یونانیان باختر - و کوشانیان تاحلول اسلام بود. ازین جا در حفاریات این شهر کتیبه های متعدد کوچک و بزرگ برآمده است :

- ۱ - کتیبه دوسطری و قفیه دهرم داسه (۱۴) بربیک چراغ. (۱۵)
- ۲ - کتیبه یک پارچه پشمی در یک سطر که به تعظیم اقارب و هم خونان و متعلقین شخصی نوشته شده . (۱۶)

(1) Theodoros Meridarkh	(2) S.K. 2/4
(3) Meridarkus	(4) S.K. 2/2
(5) S.K. 2/173	(6) Guduvhara
(7) Vaisakha	(8) Balasami
(9) Mira	(10) Kapa
(11) S.K. 2/62	(12) Horashada
(13) S.K. 2/63	(14) Dharmadasa
(15) S.K. 2/90	(16) S.K. 2/91

- ۳- کتیبه يك پارچه سنگ دريك سطر: «میترا(۱) زوجه ایندره سینه(۲)
 ۴- کتیبه يك پارچه پشمی دريك سطر: از زوجه ایندره سینه .
 ۵- يك حرف بر يك يك پارچه .
 ۶- کتیبه تخته زرین تکسیلا که از سرکپ پیدا شده ، درسه سطر متعلق به دوره ساکه تا کوشانیان ، که آنرا يك منظومه دارای ۷ + ۶ سلاخیل شمرده اند: «شیرا(۳) يك يادگار آنحضرت را برای شادمانی مادر و پدر خود وقف کرد» (۴) .
 ۷- کتیبه بريك ظرف گلی موزه پشاور که از تکسیلا برآمده : «این ستوپه از طرف سي هاره کشيته(۵) برادران ، به تعظیم يو دا ها در تکسه شیلا بنا نهاده شد. (۶)
 ۸- کتیبه های متعددی از بقایای معبد جاولیا (۷) تکسیلا بر آمده و این معبد از قرن سوم تا پنجم آباد بود. عدد این کتیبه های کوچک که نامهای وقف کنندگان یادگار ها و تحفه های يو دا می بران نوشته شده به (۱۴) پارچه میرسد مربوط به عصر قدیم ساکه (۸)
 ۹- کتیبه های کوچک بر چیزهای مختلف که از سرکپ (۹) تکسیلا بدست آمده و مربوط به عصر قدیم ساکه است عدد آن به ۲۱ میرسد ، که از آن جمله بريكی همان نام تهیود و روس بن تهوره (۱۰) نوشته ، که این نام یونانی در کتیبه سوات و کالدره هم آمده است و بر چند کتیبه دیگر کلمات ستاتیر (۱۱) و درخم (۱۲) دیده میشود، که رواج این کلمات یونانی رادر نقود میرساند . تمام این کتیبه هانیز درباره موقوفات اشخاص است (۱۳)
 ۱۰- از خرابه های ستوپه قدیم قریه شاه پور تکسیلا يك قاب مسی برآمده که دران نام هما نمیرید رخ کتیبه سوات آمده است : «این ستوپه از طرف میرید رخ و همسر او به تعظیم مادر و پدرش برای تقدیم ثحیات احترا مکا را نه بناشد ، از روی نام میرید رخ این کتیبه مربوط عصر یونانیان با ختر خواهد بود. (۱۴)

(1) Mitra Wife of Indrasena	(2) S.K. 2/91
(3) Sira	(4) S.K. 2/86
(5) Siharakshita	(6) S.K. 2/87
(7) Jaulia	(8) S.K. 2/92
(9) Sirkap	(10) Thavara
(11) Stater	(12) Drakhm
(13) S.K. 2/97	(14) S.K. 2/5

۱۱- کتیبه آبگردان مسی تکسیلا تحفه ایشوه ره که (۱) از عصر قدیم ساکه (۲)

۱۲- کتیبه قاب مسی که از خرابه های تکسیلا یافته شده و بحروف خروشتمی طرز عهد ساکه است و تاریخ خروشتمی آن مطابق با شد با ماه جون سال ۶ق،م و شاه موگه را درین کتیبه همان (مویس) (۳) دانسته اند. که یکی از شاهان ساکه حدود ۷۰ ق،م باشد. (۴)

«در سال ۷۸ در عصر مهاراجه موگه (۵) شاه بزرگ، روز پنجم ماه پانیموس (۶) کشته به چوکسه (چچ) (۷) که نام اولیا که کوسولو که (۸) است و هم پسرش پتیکه (۹) در شهر تکشه شیلا (۱۰) در شمال ناحیت شرقی بنام کشیمی (۱۱) درینجا پتیکه بنای ابتدایی یادگار حضرت ساکیا مونی و سنگها را مه را بوسیله روهی نی میتره (۱۲) ناظر این بنا نهاد. تاداران تمام بو داه و مادر و پدرش پرستش نمایند. و موجب برکت زندگانی و قوت کشته ریه و فرزند و همسرش باشد. و تمام برادران و متعلقان او پرستش نمایند. بحکم رئیس بزرگ اوقاف : پتیکه» (۱۳)

۱۳- کتیبه طومار سیمین تکسیلا که جون مارشل در سنه ۱۹۱۴ کشف کرده (موزه تکسیلا) و تاریخ خروشتمی آن مقارن با ۱۷ می ۵۲ م باشد: «در سال ۱۳۶ روز ۱۵ ماه اشاده یادگار آنحضرت از طرف پوره سه که (۱۴) یکی از فرزندان اینته و هریا (۱۵) باکتری ساکن شهر نوه چه (۱۶) در معبد بو دهی ستوای خودش، در میدان دهر مه راجیکای (۱۷) تکشه شیلا برای اعطای صحت به مهاراجه شاه شاهان پسر آسمان کهوشانه (۱۸) و به تعظیم تمام بوداها و تعظیم پرتی که بودها (۱۹) و تعظیم ارهت ها و تعظیم همه مخلوقات و مادر و پدر و دوستان و وزیران و متعلقان و رشته داران و برای اعطای صحت بخودش. این بذل و اکرام، رهنمای نروانه (مقام راحت ابدی) اوباد!» (۲۰)

(1) Ishvarakha

(3) Maues

(5) Moga

(7) Chukhsa

(9) Patika

(11) Ksheme

(13) S.K. 2/29

(15) Intavhria

(17) Dharmarajika

(19) Pratyekabuddhas

(2) S.K. 2/86

(4) Cambridge H.I. 1-57

(6) Panemos

(8) Liaka Kusuluka

(10) Taksha Sila

(12) Rohini Mitra

(14) Urasaka

(16) Noacha

(18) Khushana

(20) S.K. 2/77

درین کتیبه کلمه به همه لینه (۱) از طرف جون مارشل با (بالی کینه) یعنی بلخی سنسکریت مقارنت داده شده، و ما از کتاب بریست سمپیتا (۲) تالیف ورا هه میپیره (۷۱۰) هم میدانیم که بلخیان با تکسیلا روابطی داشته اند (۵)

۱۴- کتیبه ظرف سیمین سرکپ تکسیلا که بر گردن آن نوشته خروشتهی دارد و تاریخ (۱۹۱) آن به عهد قدیم ساکه مربو طست که مطابق ۱۰۷-۱۰۸ م باشد « در سال ۱۹۱ عصرشاهی جی هونی که (۶) کشتیری۶ چو کهسه پسر مانی گوله (۷) برادر مهاراجه » (۸)

ستین کونو گوید از کتیبه سال ۱۸۷ خلتسی باین فکر میرسیم که این مهاراجه عبارت از ویمه کد فیسس باشد (۹) جی هونی که را بازو نیسس (۱۰) تطبیق کرده اند که کشتیری۶ چو کهسه (چچ) یعنی مملکت تکسیلا بود و بعد از آن حکمران مستقل این سرزمین گردید.

۱۶- کتیبه تیر تم واقع مرکز کوهستان سوات ، بریک خرسنگ کوهی که طرز خط آن قدیم تر است و مشابهتی به نوشته های عصر اشوکا و ساکه هادارد. درینجا زیر نشانه دو پای مقابل انگستان دو پا نوشته شده : « نشانه قدمهای بوده ساکیامونی » (۱۱)

۱۵- کتیبه توردهیری واقع تحصیل دوکی وادی تهل نور لایی بلوچستان که ازینجا در حدود پنجاه پارچه ظروف گلی با نوشته های مدادی بدست آمده ، و از آن جمله ۵ پارچه خط براهمی دارد و زبان این کتیبه هابسیار بطرف سنسکریت متمایل شده است ، و اشکال حروف آن هم تنوع دارد و مشابهت زیاد آن با کتیبه وردگک بنظر می آید ، که تاریخ آن بعد از ۲۰۰ م خواهد بود. از ارتباط پارچه های متعدد میتوان کتیبه ذیل را بدست آورد :

« از طرف شاهی یوله میره (۱۲) رئیس ویماره ، این دالان آب، در یوله میره شاهی ویماره خودش به موافقت معلمان سر و استیوا دین، دیناً وقف گردید .

- (1) Bahaliena
(3) Brihat Samhita
(5) S.K. 2/74
(7) Mani Gula
(9) S.K. 2/82
(11) S.K. 2/9

- (2) Balhikena
(4) Varaha Mihira
(6) Jihonika
(8) S.K. 2/82
(10) Zeionises
(12) Shahi Yola Mira

وازين وقف را ستين همواره ثواب آينده، نصيب مادر و پدر و همه مخلوقات باد!

وزندگانی دراز نصيب ر ئيس دين باد! (۱)

۶۶- کتیبۀ هند واقع ۱۵ ميلي بالای اٹک برکنار غربی دریای سند در ۳۴ درجه ۲ دقیقه شمالی و ۷۲ درجه ۲۷ دقیقه شرقی که همان وپهند دورۀ اسلامی با شد و پایتخت ثانی کابلشاهان بود، درسنه ۱۸۴۸ يك کتیبه سنگی از آنجا بدست آمد، که به گاه شماری عهد کنیشکا تعلق دارد در دوسطر. و تاریخ خروشتی آن مطابق است با ۲۶ فروری ۱۸۹ م.

«درسال ۶۱ روز هشتم ما چایتره (۲) چاه سه ویراها (۳) در پور و اشاده (۴) کنده شد.» (۵)

۶۷- کتیبه یا کوبی واقع سوا بی شرقی پشاور، بریک سنگ تصویر دار (موزه پشاور) که معجزه شراوستی (۶) رامی نماید، و بوسیله او بودا بر رؤسای شش فرقه ر قیب خود غالب شده بود. «تحفه... جوان مرد جینه (۷) بین آنانیکه در راستی مشوش شده بودند، و از طرف رئیس قریه هده (۸) سیاست شدند.» (۹)

۶۸- کتیبه زیده نزدیک هند در ۳۴ درجه ۳ دقیقه شمالی و ۷۲ درجه ۳۲ دقیقه شرقی بریک پارچه خرسنگ مدخل این دیه، که اکنون در موزه لاهور است و تاریخ خروشتی آن مطابق است با ۱۹۹ جون ۱۳۹ م. «درسال ۱۱ روز ۲۰ ماه اشاده - در اتروه فل گونه (۱۰) چاهی کنده شد درز مان شاهی بادر مهاراجه کنیشکه. و علاوه ازان يك آبدان هم از طرف هپیه دهیه (۱۱) وقف شد. برای برکت سرواستی واده (۱۲) به تعظیم کستر په لیاکه (۱۳) برای نفع مادرش. وقف شد به توجه مرشد سنگه میتره راجه (۱۴)

۶۹- کتیبه لداخ: قریه خلت سی (۱۵) ۵۲ میلی لیه در لداخ واقعست و کتیبه های متعدد براهمی ازان برآمده که برخی خروشتی اند، و مهم تر

(1) S.K. 2/176

(3) Saviras

(5) S.K. 2/17

(7) Jina

(9) S.K. 2/133

(11) Hipea Dhia

(13) Liaka

(15) Khalatse

(2) Chaitra

(4) Purvashadha

(6) Sravasti

(8) Hida

(10) Uttaraphalguna

(12) Sarvasti vada

(14) Sanghamitra Raja, S.K. 2/145

همه نوشته دو سطر است که تاریخ آنرا ۱۸۷ یا ۱۸۴ = حدود ۱۰۳-۱۰۴ م خوانده اند و بر این چنین نوشته است: «در سال ۱۸۷- یا ۱۸۴ در عصر شاهی مهرا را چه ویما کوتهی سه (۱)» که این نام راستین کونو شکلی از نام کد فیسیس دوم میدانند (۲) و ما میدانیم که ویما کد فیسیس دوم بعد از مرگ کد فیسیس اول در حدود ۷۸ م به سلطنت رسیده است که مرگ او در حدود ۱۱۰ م باشد.

این کتیبه ازین رو مهم است که نفوذ شمالی خط خروشتی را تا مناطق لداخ و وسعت سلطنت کوشانیان بزرگ را تا آنجا میرساند.

۷۰- کتیبه های سنگی نمبر ۵-۶ موزه لاهور که هر یکی از آن یک دو کلمه خط خروشتی دارد. (۳)

۷۱- کتیبه های پالاتوچ هیری (شرق پشاور) بر ظروف گلی موزه پشاور که سه نوشته دارای چند کلمه دارد مربوط به عصر قدیم ساکه، وهم بریک پایه مجسمه (موزه پشاور) چند حرف نوشته شده است. (۴)

۷۲ کتیبه های موهن جودیر و واقع لارکانه سند که در انجا آثار یک شهر قبل التاریخ در ۱۹۲۱ م مکشوف گردیده و آثار آخرین آن بدوره کنیشکا میرسد، و سه قطعه ظروف خاکی ملمع خط خروشتی هم از آن بدست آمده که در موز ذکالکته است و حروف آن به نوشته های عصر بعد از کنیشکا شبیه است و جز چند کلمه نوشته دیگری ندارد (۵)

۷۳- کتیبه کانپیاره (۶) ناحیه کانگرا (پنجاب) در دو سطر که بران باغ کرش یا شسه (۷) نوشته است (۸).

۷۴- کتیبه بتکره (۹) سوات: بر ظرف گلی شکسته در حفريات ۱۹۶۰ م بدست آمده که در دو سطر و در دور آن نوشته خروشتی شبیه یکی از کتیبه های تکسیلا بدین مضمون دارد:

«تحفه ... درستوبه دهرمه راجیکه (۱۰) به تعظیم ... (۱۱)

(1) Uvima Kavthisa

(3) S.K. 2/115

(5) S.K. 2/173

(7) Krishaya'sasa

(9) Butkara

(11) East and West. P. 81, March 1966

(2) S.K. 2/80

(4) S.K. 2/120

(6) Kanhiara

(8) S.K. 2/179

(10) Dharmarajika

کتیبه های خروشتی در ترکستان شرقی

این تمام کتیبه هادرسنه ۱۹۰۰م ازطرف سر اورل ستین (۱) درآثار ابنیه قدیم مخروب ماورای دریای نیه(۲) ترکستان شرقی کشف گردید، که در کتاب او ختن قدیم (۳) طبع اکسفورد ۱۹۰۷م شرح داده شده است .

همچنین همین محقق درسنه ۱۹۰۶-۸م درهمین سرزمین کشفیات دیگری نمود، که آنرا درسنه ۱۹۲۱م از اکسفورد بنام (سرنندیا) (۴) نشر داد . عدد تمام این کتیبه های خروشتی در ترکستان شرقی به ۷۶۴ میرسد و در آخر کتاب کتیبه های خروشتی ترکستان چینی (۵) شرح مبسوطی بر تنوع الفبای خروشتی در این سرزمین داده شده و پدید می آید، که این هنر خط نویسی خروشتی در شمال کشور کوشانی مطابقت احتیاجات مردم آن سرزمین تنوع یافته بود. ولی نفوذ و افزایش آن ازهمین کتیبه های فراوان ثابت است. در اخیر این جلد نویسندگان این کتاب یک نابلوی (۲۶۶) علامات مختلف حروف خروشتی را هم ترتیب داده اند که از روی تمام کتیبه های مکشوفه از خاک افغانستان و هند و ترکستان تکمیل شده و ما آنرا درین کتاب عیناً تصویر گرفته ایم . (عکس نمبر ۱۰)

در تمام این ۷۶۴ کتیبه ترکستان شرقی نامهای شش پادشاه آمده که یکی از ایشان اوی جیته سنه (۶) مخصوصاً شاه ختن (۷) یاد شده است (کتیبه عدد ۶۶۱) ولی درباره پنج نفر دیگر معلومات مستند و مستقیمی در دست نیست . (۸)

درین نوشته ها سالهای عهدهای شاهای از سال اول تا ۳۸ ضبط شده که بقول اورل ستین زمان بین ۲۳۹ تا ۲۶۵ باشد . زیرا درهمین تودهای خاکی یک لوحه چینی هم بدست آمده که تاریخ آن ۲۶۹ م است (۹)

-
- | | |
|-------------------------------|--------------------------------|
| (1) Sir Aural Stein | (2) Niya |
| (3) Ancient Khotan | (4) Serindia |
| (5) Kharosthi inscriptions in | Chinese Turkestan, Oxford 1929 |
| (6) Avijita-sinha | (7) Khotana-Maharaya |
| (8) Kh-ins p. 323 | (9) Kh-ins, P. 335 |

بهر صورت وجود این کتیبه هادرترکستان شرقی نفوذ مدنیت و
فرهنگی راروشن میسازد که در اوایل قرون میلادی بو سیله
کوشانیان شرقا تامتوره و جنو باناوادى پشین وموهن جودیرو سند
وشمالا تاترکستان چینى و ختن پهن شده بوده، وحدود غربى آنرا با
نفوذ رسم الخط خروشتهی مجاری دریای هلمند تحدید کرد .
میتوانیم .

سنگ نوشته‌های شناخته‌نشده موزه کابل

در موزه کابل چند یمن سنگ نوشته کوچک و بزرگ موجود است که بران نوشته‌های خروشته‌ی دیده میشود .
تحقیق و خوانش این سنگ ها تاکنون صورت نگرفته و اگر عکاسی هم شده باشند، تاکنون از خوا نش و مطالب آن چیزی نشر نشده و یا بدست مانرسیده است .
کتیبه‌هایی هم دیده شده، که تشخیص خط آن مشکل است و در خور مطالعه دقیق علمای خط شنا سادوار قدیمه است ، که ما در اینجا عکس یکی از یمن سنگ نوشته هارا بطور نمونه آورده ایم (عکس ۱۲) و خط آن به خروشته‌ی میماند .

نوشته های زبان تخاری بر رسم الخط یونانی

علاوه بر نوشته های یونانی که بر رسم الخط یونانی از حدود ۳۰۰ ق.م در افغانستان بر مسکوکات و یاسنگ ها دیده میشود، و بر تمام مسکوکات شاهان یونانی باختر و پارتیان استعمال شده، رسم الخط یونانی در زبان مقامی افغانستان در عصر گو شانیان از قرن اول میلادی نیز دیده میشود.

زبان عصر کوشانی که کتیبه های متعدد آن باقیست و آنرا زبان تخاری یا باختری یا کوشانی گفته اند، يك لهجه شرقی زبان های ایرانی است که مقارن با پښتو در آیزوگلاس لسانی بین مجاری هلمند و دریای سند، زبان کتابت و مسکوکات و سنگ نبشته ها بوده، و از قرن دوم تا دهم میلادی در مدت ۸۰۰ سال آثار آن موجود است، که برخی عناصر آن با پښتو و پهلوی و سنسکریت و ترکی مشترکست و آنرا با تمام معانی زبان يك آیزوگلاس (۱) فرهنگی توان گفت که عناصر مقامی را با قبول اثر های شرقی و غربی و شما لی در خود فراهم آورده است، و حتی این اثر ها در رسم الخط یونانی آن هم مشهود است که مادر سابق به آن اشارت کردیم.

حروف این رسم الخط قراریکه در کتیبه بغلان اواسط قرن ۲م آمده و بعد از آن شکسته شده و تغییر شکل داده است (در شکل نمبر ۱۳ دیده شود.)

بدین منوال مطابق قول هیو ن تسنگ در زبان تخاری (۲۵) حرف وجود داشت که در کتیبه بغلان هم آمده است. و چنانچه گفتیم در کتیبه های متأخر دوره اسلامی برخی حروف را به نقاط هم امتیاز داده اند. اکنون ما تمام کتیبه های مکشوفه این رسم الخط را در افغانستان و سرزمین های متصل آن درینجا شرح میدهم، و این شرح مطابق خوانش و مطالعه و رای خود نویسنده این سطور است، که امکان هر گونه تصحیح از روی مطالعات دقیق تر آینده دارد. ولی من اکنون رای خود را بطور مطالعه ابتدا می نویسم، و تمام این کتیبه ها را بمدد ادبیات دری و پښتو قاطب تحلیل میدانم، که این زبان يك لهجه شرقی زبان دری بوده، و در خسو رفهم و تطبیق با ادبیات قدیم زبان

(1) I-so-Glass

دری است . ولی چون این لهجه در ایزو گلاسی بین فرهنگ و روایات ادبی و لسانی شرق و غرب و شمال واقع بوده ، البته عنا صر سنسکریت و پهلوی و ترکی و پراکریت های هندی دران مشهود است . که شما آنرا در شرح این کتیبه ها خواهید دید . ولی چون در اینجا کاوش و تدقیق ما تنها راجع به هنر خط نویسی است ، بنابراین تنها وجود و اهمیت رسم الخط یونانی شکسته را در این قسمت شرقی آریانه مورد مطالعه قرار میدهیم ، و از تحلیلات دقیق لسانی آن میکدریم . و درباره تفصیل آن به دو کتاب من مادر زبان دری و هفت کتیبه قدیم طبع کابل رجوع فرمایید .

۱- کتیبه سرخ کوتل بغلان:

بقایای یک آتشکده بزرگ بالای تپه های ۱۵ کیلو متری پل خمیری در ولایت تاریخی بغلان شمال افغانستان در ۱۹۵۷ کشف گردید . که در آنجا سه نسخه از یک کتیبه قرن دوم میلادی رایافتند .

نسخه بسیار مهم این کتیبه بزرگ سنگ ۱۳۲ × ۱۲۵ سانتی بخت یونانی و زبان تخاری برآمده که ۲۵ سطر و ۹۴۷ حرف یونانی با دو نشان خاص عصر کوشانی دارد ، و من در سال ۱۳۴۲ ش آنرا در کتابی بنام «مادر زبان دری» تحلیل و خوانده ام .

دو نسخه دیگر عین همین کتیبه با اختلاف املاوی جزوی ولی بخت بدو ناپخته بی در همین معبد اوسنگ کاری داخل چاهی کشف شده ، که یکی ۲۱ پارچه سنگ و دیگری ۳۲ قطعه دارد که این پارچه های سنگی را در داخل بنای چاهی بکار برده بودند .

از روی این کتیبه بانی اصلی بگ لنگ (بغلان) بگ شاکنیشکی نامو برگ بود ، که بعد از آن در بهار سال ۳۱ عهد کانیشکا (حدود ۱۶۰۵ م) بغرض تعمیر مجدد ، چاهی را در آنجا کردند .

این بنا را که آثار آتش مقدس (ایر = اور پستو) دران یافته اند به لغت هندی مندر یعنی معبد و مالیز یعنی مهادر و حصار بزرگ و نوشال = نوشاد نامیده اند . و متن کتیبه متضمن فواید بزرگ تاریخی و لسانیست که دران ۱۵۵ کلمه زبان تخاری مورد استعمال است . (رجوع به عکس نمبر ۱۴)

ترجمه متن کتیبه :

«اینست مهادر کانیشکه بهره ور: بغلان . که (آنرا) شاه بزرگ

کانیشکه نامور کرد (ساخت). چون بزودی این مها دژ تمام کرده شد، پس آب این معبد نیست شده، وچنین (این) مهادر بی آب (خشک) ایستاد (شد) و (چون) رب النوع نیکوی مقدس آتش معطل ماند، پس خداپرستان نوشاد تبا ه شد نسد (رفتنند) چون جویمهای آب ایستادند (خشک شدند پس) آب اندک شد و مهادر پدرود گشت .

تاکه نو کونزوک کنارنگ فراخدای (مقرر از طرف شهنشا .) فریستار آب شاه بگیور (شاهزاده) لویک بوسر (بن) شیزو گرگ اروانباد (شاد روان) که همواره نامور باد با اراده مهیا (قوی) به سی و یکم سال سلطنت هنگام نسیان ماه به بغلان آمد، این مهادر را پرورید . تاکه یک چاه کند و از آن آب بر آورد . و آنرا به تهداب سنگی استوار کرد. چنین آب مهادر زیاد شد و نه کاهید . و چون رب النوع نیکوی مقدس آتش وجود داشتته باشد ، پس خدا پرستان نو شاد تبا ه نخواهند شد. (نخواهند رفت) و مها دژ پدرود نخواهد شد . چون آن چاه خام کوپ را خشت ریز کرد بنیاد وریستاده شد. بدین چاه (و) بدین خشت ریز همه مهادر نیک پرورده شد، و یک چاه و صحن بزرگ کرد (ساخت) .

منم بر زمهر - منم کوزگاشکی پور - منم رئیس گانسیگیم (؟) -
نو کونزیک کنارنگ مریگ، بفرمان خدای (بفرمان) ایمن نوبخت -
منم مهره من - منم بر زمهر پور، امیره من .
بردیوار های این معبد آتش ده بارچه دیگر سنگی هم یافته اند، که بهمین رسم الخط کلمات مختلف بران دیده میشود ، و تاکنون این کتیبه مهادر بغلان مفصل تر یمن نوشته ایست که بدین زبان و رسم الخط در دنیا کشف شده است. و اوضاع امپراتوری چهارم بزرگ دنیا را در آن عصر روشن میسازد.

۲- سنگ نبشته های روزگان:

روزگان در کو هساران شمال شرقی بفاصله دو صد میلی از شهر قندهار در نشیب های جنوب غور واقع است . و آثار باستانی زیادی دارد و از آن جمله در دره شالی ده میلی مرکز روزگان دو کتیبه رسم الخط شکسته یونانی بزبان تخاری عصر هفتالیان بعد از قرن ۵-۶ م موجود است.

این هر دو کتیبه در بدخطی و اشکال حروف باهمدیگر بسیار

مشابه و غالباً به يك قلم نوشته شده و حروف آن برخلاف کتیبۀ بغلان بهمدیگر پیوسته و شکسته است، ولی علایم فاصله حروف (o) مانند کتیبۀ بغلان در آن دیده میشود، و بالای حرف λ در یک کلمه در هر دو کتیبۀ سه نقطه هم نوشته شده است.

خوانش نوشته اول: بکه-شاه-خوی-مهر-ماه-زمیگ.

یا: بگه - شاه - زاول - مهر-ماه-زمیگ.

یعنی: بکه شاه، شاهزاده مهر، ماه زمین. یا: بزرگ شاه زا بل مهر، ماه زمین.

خوانش نوشته دوم: بکه-شاه-خوی-مهر-زمی... .

یا: بگه-شاه-زاول-مهر-زمی... .

(برای شرح رجوع شود به کتا بهفت کتیبۀ قدیم از عبدالحی حبیبی)
(عکس نمبر ۱۵)

۲- کتیبۀ های جفتو :

در شمال غربی غزنه بفاصله ۲۰ کیلومتری در کوه بر گول بر خرسنگ - های کوهسار راه کاروانی دو نوشته خطیونانی بزبان تخاری دیده میشود، که یکی در سه سطر بسیار روشن و خوانا و هم، حروف خوشخط پیوسته باهمدیگر است و متن آن احترام به سه جوهر بودایی تری رتنه (۱) یعنی دانایی - تقوی - اتحاد است، و چنانچه گذشت همین مطالب بربیک کتیبۀ تبتی در تنگی تایغان قزاقستان هم نوشته شده است.

خوانش این کتیبۀ :

(۱) نمو - بد (احترام به بودا)

(۲) نمو - دهر مه (احترام به دهرمه)

(۳) نمو - سنگه (احترام به سنگه)

اما کتیبۀ دوم جفتو در پنج سطر بر صخره بزرگی است که مطالب زیرین آن محو شده و فقط مطالب ذیل از آن خوانده میشود:

۱- بکه

۲- گه که تی شا +

۳- پور

۴- ویشا .

۵- الخ

یعنی : خداوند گار جفتوشاهپورویما شاه بزرگ . (برای شرح رجوع شود بکتاب هفت کتیبه قدیم) (عکس نمبر ۱۶)

۴- کتیبه دشت ناور:

دشت ناور بر سطح مرتفع غربی غزنه در غرب جغتو واقع و یکی از مراتع معروف کوچیان افغانی است که در ایام تابستان با مواشی خود بدانجا روند.

در اینجا نیز سنگ نوشته طولی و مفصلی بخط یونانی مشابه کتیبه سرخ کوتل بغلان با حروف کلان و غیر متصل غالباً بهمین زبان تخاری و دری قدیم موجود است، ولی باشکست هایی که در داخل سطح سنگی آن واقع گردیده، آسب های زیادی دیده است، و از روی عکس های ناقص آن که بدست نویسنده رسیده خواندن آن مشکل است. و یک حصه این نوشته ها خروشته است.

از روی طرز خط و حروف یونانی توان گفت که پیش از عصر کتیبه های روزگان و جغتو و توچی باشد که مطالعه و تحقیق آن با وسایل موجوده برای من ممکن نشد. ولی با طول و عرضی که این کتیبه دارد، اهمیت آن کمتر از کتیبه سرخ کوتل بغلان نخواهد بود، و من اکنون بیش ازین دران باره چیزی گفته نمیتوانم.

(عکس یک حصه روشن این کتیبه نمبر ۱۷)

۵- کتیبه های وادی توچی وزیرستان :

وادی توچی وزیرستان و گومل بر شاهراه قدیم غزنه به هندوستان وادی سند واقع بوده، و در اینجا بقایای شهزادگان کوشانی در قرن ۹ میلادی حکم میراندند.

در وادی توچی بین ایندک و سپین و ام بسمت غربی بنون آثار ا بنیه کهن در مواقع متعدد نمایان است و غالباً نمر کوت مذکور در کتاب - الهند و تیمور نامه و بابر نامه هم در اینجا واقع بود، که بقول البیرونی نسب نامه کابلشاهان بردیبا یی نوشته در اینجا بود. (۱)

(۱) کتاب الهند ۳۴۹

ازین وادی سه سنگ نبشته مهم به رسم الخط عربی - هند ی - یونانی بدست آمده که در موز ڈپشاور محفوظند . اما آنچه برسم - الخط یونانی و زبان تخاری است :

۱- سنگ نوشته بر سطح سنگی ۸×۲۵ انچ که بطرف چپ آن خط سنسکریت و بر راست تخاری نوشته شده و طرف راست آن که آسیب دیده پنج سطر است ، که خط آن شباهت زیاد بانوشته های روزگان دارد، و بنا برین از روی تاریخ های این کتیبه ها تاریخ کتیبه های روزگان را هم تخمین توان کرد .

کتیبه های توچی چون وضع سیاسی و فرهنگی این گوشه شرقی آریانه رادر اوایل قرون اسلامی روشن میگرداند ، و اینکه خط شماره داناگری و زبان سنسکریت با خط یونانی و زبان تخاری در آنجا موجود است آثار خلط فرهنگی رادر قسمت شرقی آیز و - گلاس تهذیبی بین هلمند و سند نمایندگی میکند ، و از نظر لسانی کلمات مشترکی رابین این کتیبه و نوشته سرخ کوتل بغلان می یابیم مانند خشون - کلند - فرو مان - مالیز - اد - درحالیکه املائی برخی کلمات فرق دارد مانند: (شکل ۱۸)

اینک ترجمه فارسی متن کتیبه اول توچی قرار خوانش من:

- ۱- از سال ۶۳۲ سلطنت ، ماه هشتم - ماه شاه م ... نی بخت .
- ۲- گومل بغپور یکتا پرست ، گومان (ازخاندان گو) درین وقت .
- ۳- گسترانیدم کرد گل رانیدن مادرژ، و نوبخت +
- ۴- بیها ر بزرگ گسترانید ، به فرمان گوکد (گودودمان)
- ۵- ستاره - یاستر (اعلی) (۱)

درین کتیبه که بنای مادرژ و نوبخت بهار رادر ماه هشتم سال ۶۳۲ سلطنت گفته مطابق است با ۸۶۲ م = ۲۴۹ قمری و ۳۹۳۸ لوک کاله سموت و هفتم ماه بهادره هندی که در متن سنسکریت همین کتیبه توضیح شده . ولی حصه اول نام ... نی بخت متاسفانه در هر دو متن سنسکریت و تخاری ناپدید است و کلمه نویسه (۲) متن سنسکریت مطابق است بانو = نی تخاری . و بعد از آن چندره بهو په (۳)

(۱) برای تفصیل رجوع برساله هفت کتیبه قدیم تألیف حبیبی طبع انجمن تاریخ کابل.

(2) Navima

(3) Chandra-Bhupa

سنسکریت عین ترجمه (ماه شاه) تخار یست که چنדרه = ماه و بهو په درسسکریت شاه و سلطان با شد. و این ماه شاه ... نی بخت گو مل بغپور خود را در متن سنسکریت کمو جنبه پتره (۱) یعنی کوشان زاده خوانده و بدین و سیله مابقایای شهزادگان کوشانی رادرین سرزمین در حدود قرن نهم میلادی می شناسیم (عکس ۱۹)

۲- کتیبه دوم وا دی تو چی بدو زبان و رسم الخط عربی- تخاری است که بر دو پارچه سنگ از شمیرتلا واقع وادی توجی وزیرستان به موزه پشاور آورده شده، و بر حصه بالای آن بخط بسیار ناپخته و مغلق بهم پیچیده کوفی عبارات عربی رادر چهار سطر بهم آمیخته نوشته اند، که خوانده نمیشود، و تنها کلمه الله در آن واضح است. (عکس نمبر ۲۰)

این کتیبه خلط اوا خر فرهنگ و رسم الخط یونانی رادر زمان بسط رسم الخط عربی درین سرزمین نشان میدهد و عیناً در طرز خط یونانی با کتیبه نمبر اول سابق الذ کوشیه است مانند کلمه بغپور که بالای حرف دوم سه نقطه دارد. و همچنین در کلمه کوشان شین و نون مانند رسم الخط عربی نقاط دارد، که شاید اثر فرهنگ عربی باشد. و نیز رسم الخط برخی کلمات مشترک آن با کتیبه اول مطابق است مانند: ماه - و یگک - اد - ستر - شاه - بو ستر انید - گومل -

درینجا من خوانش خود را بحروف لاتین (عکس نمبر ۲۰) آورده ام. اکنون ترجمه کتیبه تخاری (عکس نمبر ۲۰) رابدی بخوانید:

۱ - از سال ۶۳۵ سلطنت

۲- در ماه اول (فروردین ماه)

۳- (روزهای) ورمزد و مهر (اول و شانزدهم)

۴- درینوقت کرد (ساخت) کوشان

۵- گومل بغپور بزرگ (ستاره)

۶- از خاندان گو (پهلوان) (گو) دودمان . شاه.

۷- بوسر ... خاقان +

۸- خیل - خان قزل

۹- ساهو سرای (سودا گرسرای)

۱۰- بو سترانید (به) فرمان

۱۱- ستر (اعلی) یا ستار .

تاریخ این کتیبه بنای سرای تجارتی سنه ۶۳۵ سلطنت باشد ،
که سه سال بعد از کتیبه سا بق الذکر اول نقر شده است . و این
سال مصادفست با ۳۹۴۱ سموت = ۸۶۵ م = ۲۵۱ قمری ما .
فروردین و روزهای ورمزد (اول) تاروزمهر (۱۶ ماه شمسی) .

۳- پارچه تخاری سنگ دوم که از همان کتیبه بالا شکسته و جدا
شده ولی حروف و سطح منقوش رسنگ بسیار آسیب دیده و خوانش
آن دشوار است .

درین کتیبه هم در پنج سطر ارقام عدد X-I-E که همان سال
۶۳۵ خشون باشد با کلمات خشون- نید- کو- شا- اد- کرد. بنظر
می آید که تلفیق و تفسیر آن ممکن نشد (عکس نمبر ۲۱)

کتیبه‌های شماره دا- ناگری سنسکریت

ناگری (۱) رسم‌الخط قدیم و عمومی هنداست که تاکنون بحیث رسم خط ملی آنجا باقیست و منسوبست به نگر یعنی « خط شهری » ، که کلمه دیوه در آغاز نام آن در قرن ۱۸ اضافه شده و قدیم نیست و دیوه + ناگری بمعنی خط شهری خدایی باشد. که از خط قدیمی براهمی برآمده و تا قرن یازدهم میلادی در اکثر اراضی شمالی هند رواج و تعمیم یافته است .

درین رسم الخط ، خطوط عمودی تزئینی و خطوط افقی بالایی را بط حروف اضافه شده ، و ۳۴ حروف صحیح و ۱۴ حروف علت دارد ، که قدیمترین کتیبه های آن در هند مربوط به قرن ۸-۷ م است .

اما رسم الخط دیگر بنام شماره دا (۲) نیز در قرن ۸ م بین هندو ان کشمیر رایج و مقارن با زبان و رسم الخط ناگری سنسکریت بود ، که با ناگری شباهت و نزدیکی داشت و گویند که از خط گوپته (۳) و شعبه غربی آن در قرن ۸ م پیمان آمده بود ، و در ادبیات شمال غربی هند بکار میرفت ، و هرصوت و حرف نماینده آن ، نام جداگانه بی هم داشت . (فن تحریر ۳۴۰)

دو کتیبه لغمان

در حدود سه مایلی غربی مهتر لام (لمک) وادی لغمان ، نزدیک قریه شله تک حکومتی قرغه‌یی ، در دامنه کوهی سه کتیبه موجود است ، و طوریکه در مبحث کتیبه های آرامی شرح دادیم ، یکی ازان بزبان و رسم الخط آرامی است ، که منسوب به عصر اشوکا باشد .

در همین چادو کتیبه دیگر به خطی موجود است ، که اشکال حروف آن بزمانه پیش از خط ناگری از قرن اول تا دهم میلادی تعلق دارد ، و خطوط واصله حروف در آن دیده نمیشود ، و حتی برخی از حروف آن به کتیبه های غار متسورا در هند شبیه است که در قرن اول میلادی باشد .

چون هر دو کتیبه در سال ۱۳۴۸ ش کشف و عکاسی شده ، بنا برین تاکنون تحت نظر و تحلیل متخصصان قرار نگرفته و حل نشده است .

(1) Nagari

(2) Sarada

(3) Gupta

با احتمال نخستین ، سطر چهارم کتیبه نمره (۲۲) کلمات لمکان
جتی (۱) دارد، که جتی در سنسکریت بمعنی مخلص و مرید
و مطیع دینی (۲) است و این میرساند که کلمه لمکان (لغمان کنونی) هم
تاریخی کهن دارد، و ممکن است تحلیل علمی این دو کتیبه، مطالبی
زاد تاریخ قدیم این سرزمین روشن سازد. (رجوع به عکس شماره ۲۲ ر ۲۳)

(1) Lemekan Jati

(۲) قاموس هندوستانی به انگلیسی از دنکن فوربس :

کتیبه‌های شاره دا- ناگری سنسکریت

رسم الخط هندی شاره دا و دیوه ناگری قدیم در شمال غربی هند باهم آمیخت ، و اثر آن با روابط قوی کلتوری که بین مردم وادیهای شرقی و غربی دریای سند موجود بود ، تا قرن سوم هجری و دوره اسلام هم رسید . و مسکوکات برخی از کابلشاهان متأخر که بدست آمده نیز بر رسم الخط ناگری است و برخی کتیبه ها هم بخط ناگری موجود اند.

مهم ترین سنگ نبشته دو خطی و دوز بانه در سنه ۱۹۰۷ م ازوادی توچی بین ایدک و سپین وام بر لوحه سنگی ۲۴ × ۱۲ انچ به موزه پشاور آورده شد، که بالای آن نوشته عربی و در پایین همان مطلب به سنسکریت و خط مخلوط شاره دا و ناگری در ۵ سطر موجود است (عکس ۲۴)

درین کتیبه سال ۳۲ سموت ماه کارتیکه بروز دوم نصف تاریک مساویست با جمعه ۷ ستمبر ۸۵۷ م = ۱۳ جمادی الاولی ۲۴۳ قمری. (۱)

نمونه دوم این رسم الخط در بریکوت سوات در سنه ۱۸۹۷ م بر یک تخته سنگی بدست آمده که اکنون در موزیم لاهور افتاده است که زبان آن سنسکریت و رسم الخط شاره دا است .

برین کتیبه نام جیه پاله دیوا (۲) دیده میشود که بقرار ذکر مورخان دوره غزنوی دوبار با سبکتگین حرب کرد، و از لغمان بطرف شرق پس رفت و در سنه ۹۹۱ م ۳۸۱ قمری لاهور را هم گرفت و بقول العتبی در اوایل سنه ۳۹۳ قمری خود را بسوخت و از جهان رفت (تاریخ یمینی ۱۵۹) وی در ادبیات در عصر غزنویان و فتوحات سلطان محمود شهرت دارد.

برین کتیبه نام اورا چنین نوشته اند:

«درشاهی مهاراجه بزرگتر یزن شاه از شاهان بزرگ و ملک بزرگ شری جیه پاله دیوه»

(بتنهانان سراولف کیرو ۱۱۲) (۳)

(1) Ancient Pakistan 1/130 (2) Jayapala-Deva

(3) The Pathans. P. 112. By Olaf Caroe. London, 1953

دو کتیبه دیگری که بزبان سنسکریت و رسم الخط دیوه ناگری از همان ویهند تاریخی (هند کنونی) کنار اتک در سنه ۱۸۳۶ م بوسیلهٔ برنس (۱) به موزیم ایشیا تکسوسائتی بنگال انتقال داده شده نیز درخور یادآور است و بر نسیب آنرا مربوط بقرن ۷-۸ م میدانند. کتیبه اول بربیک قطعه مرمر سپید در ۱۳ سطر است که برخی از آن سخت آسیب دیده و خوانده نمیشود و بنا برین ربط و تلفیق مطالب آن روشن نیست و فقط از هجوم مردم گوشت خوار نیرومند توروشکه (۳) ذکر می دارد که مراد همان هونان یفتلی باشد و هم نامی از شری تیله- که بر همین (۴) بران دیده میشود.

کتیبهٔ دیگر سنسکریت بر رسم الخط دیوه ناگری هم زیر یک بت شکستهٔ ویهند در ۵ سطر است که اکثر سطح آن ساییده شده و بر آوردن مطلب آن مشکل است. (عکس ۲۵)

(کابل تالیف سر الکسندر برنس ۱۲۰ - لندن ۱۸۴۲ م) (۵)

(1) Burnes

(2) Prinsep

(3) Turushcas

(4) Seri Tillaka Brahmin

(5) Cabool. By Alexander Burnes. P, 120 London 1842

رسم الخط پهلوی و دین دبیره

نام پهلوی اصلا منسو بست به پارت (خراسان) که در کتیبه های هخامنشیان پرتیوه (۱) ذکر شده. و چون اشکانیان یکی از اقوام پارت (۲۴۷ ق، م، ۲۲۴ م) دولت بزرگی را از شمال ایران کنونی تا دامنه های همالیا تشکیل دادند، در اوایل رسم الخط ایشان یونانی و خروشتی بود. چنانچه بنیاد گزار خاندان اشکانی اساس (۲) = ارشک = اشک بلخی که در حدود ۲۵۰ ق، م سکه زد، بر مسکوکات او که در وادی هلمند پیدا شده، رسم الخط یونانی و خروشتی هر دو دیده میشود (تاریخ افغانستان ۱۱۹) و بر مسکوکات مهر داد دوم پسر ارتبان (۱۲۴ تا ۷۶ ق، م) نیز رسم الخط یونانی مشهود است (کونو ۴۳) ولی در قرن اول مسیحی استعمال خط پهلوی بایونانی بر مسکوکات اشکانی و بعد از آن در اوایل عصر ساسانی آغاز شد (۳)

خط پهلوی که از آرامی برآمده بود، در دربارهای اشکانی و ساسانی از ۲۵۰ ق، م بعد تا ۶۵۱ م (۳۱ هـ) مدت نه صد سال دارای رسمیت بود، ولی پهلوی شمالی دربار اشکانی با پهلوی جنوبی دربار ساسانی، در رسم الخط و لهجه تفاوتی داشت که رواج خط عربی آنرا از بین برد.

اگرچه در قسمت شرقی مجرای هلمند، زبان تخاری با رسم الخط یونانی در همین عصرها رواج داشت ولی در سرزمین غربی آن با وجود زردشتیان در وادی هریرود و سیستان، بودن زبان و رسم الخط پهلوی نیز مسلم است، و با زهنگامیکه اثر دولت ساسانی تا مجاری سند رسید، نفوذ رسم الخط پهلوی نیز تا هند وسعت یافت، و مسکوکاتی رامی بینیم که در دوره ساسانی، بخط یونانی تخاری و پهلوی یانگری و پهلوی درین قسمت شرقی فلات ضرب شده اند. (۴) و چون خسرو دوم ساسانی خراسان را از هفتالیان در حدود ۶۱۳ م بگرفت، وی بیادگار این فتح مسکو کی را که دارای هاله نور به دور چهره او بود ضرب کرد. و ما بر مسکوکات عصر هفتالی نیز

(1) Parthva

(2) Arsaces

(3) L'Iran Sous les Sassanides, P. 57

(4) Ariyana Antiqua, P 396/400

کلمات خراسان خوتاو، و تگین خراسان شاه، و خوره اپزوت و هپتل خوتاو و مرتان شاه را برسم الخط پهلوی می بینیم که در ربع اول قرن هفتم میلادی هنوز از پهلوی را در زابلستان تادامنه های هندو کش ثابت میسازد و پیش از ایشان هم کیدار یان (کوشانی کوچک) که در قرن چهارم میلادی بین هرات و دریای سند حکمرانی داشتند و در بلخ هم سکه زده اند، سه رسم الخط پهلوی - یونانی و برهمی را بر مسکوکات خود نوشته اند. مثلاً بريك سکه پیرو (۱) (حدود ۳۷۸ م) خط برهمی و پهلوی و بريك سکه ورهران (۲) تنها پهلوی (حدود ۴۰۰ م) و بريك سکه پیرو (۳) همین نام به پهلوی و بريك سکه بهاسه (۴) هم برهمی و پهلوی و نیز برسکه يك ستر اپ نامعلوم شاپور سوم حروف پهلوی مبهمی دیده میشود (مجله سکه شناسی ۱۹۳۸ م ص ۳۹) (۵)

چنین بنظر می آید که با قطع سلطه ساسانیان در حدود ۴۰۰ م و اشغال این سرزمین از طرف هونان سپید قتل، نفوذ خط پهلوی هم کمی یافته و بجای آن طوریکه در سنگ نوشته ها دیده میشود، زبان تخاری و خط شکسته یونانی باقی مانده باشد. ولی همین هفتلیان که در غرب مجرای هلمند بوده اند با هم خط پهلوی را چنانچه گفتیم بر مسکوکات خود نوشته اند.

باید خاطر نشان کرد که تا کنون هیچ کتیبه یی جز مسکوکات پهلوی در افغانستان بدست نیا آمده است که علت آن هم نفوذ طویل رسم الخط های آرامی - هندی - یونانی درین سرزمین باشد که توأم با سلطه سیاسی و حکمرانی بوده است، و مایه بینیم که اکثر کتیبه ها را شاهان و ارباب اقتدار می نوشتند، و چون این مردم با آداب و فرهنگ غیر پهلوی مانوس بوده اند، و سلطه سیاسی و مستقیم ساسانیان هم مدت کمی دوام کرده، بنابراین تا کنون سنگ نوشته پهلوی را درین دیار سراغ نداریم.

خط پهلوی که مانند آرامی از راست بچپ نوشته میشود، بسبب محدودیت ۲۵ شکل حروف و نداشتن اعراب و حروف مصوت

- | | |
|---------------------------|---------------|
| (1) Piro | (2) Varahan |
| (3) Piroch | (4) Bhasa |
| (5) Numismatic Supplement | 1937-38, p 39 |

حرکی ناقص بود، وهم يك شکل به چندین صوت خوانده میشود، و بسا کلمات آرامی از ا لسنه سا می نیز در آن بطور هزوارش دخیل شده بودند ، بنابراین برای ضبط صحیح کلمات و الفاظ کتاب دینی اوستا ، رسم الخطی را که دارای اعراب بود، بنام «دین دبیره» در قرن ششم میلادی درست کردند، و کتاب اوستا را که درازمنه قدیم شاید بخطوط میخی و آرامی و پهلوی نوشته میشود ، برسم الخط دین دبیره نوشتند ، که قدیمترین نسخه خطی مکشوف اوستا بهمین الفبا ، اکنون در کوپنهاگ دنمارک موجود است ، که آنرا در سنه ۱۳۲۳ م نوشته اند .

(گاتها ۴۹) (۱)

چون پیروان کیش زردشت و مومنین بکتاب اوستا در قسمت غربی آریانه تاحول اسلام بوده اند ، و خط دین دبیره هم وسیله نگارش کتاب مقدس ایشان بود ، بنابراین وجود رسم الخط اوستایی دین دبیره هم درین سرزمین ، بعید نیست ، که جمله (۴۴) حرف و نشانه های صوتی داشت ، و بخوبی از عهد ضبط حرکات و اعراب کلمات برآمده میتواندست .

این رسم الخط از الفبا های آرامی - پارسی - پهلوی - یونانی که در محیط رواج اوستا سوا بقی داشت ، ترتیب شده بود ، و از راست بچپ نوشته میشود . (شکل ۲۶)

(1) Poure Davoud, Holy Gathas 49. Bomby 1927

دوره سه رسم الخط

دوره اخیر رسم الخط مقارن ظهور اسلام را از روی اسناد مکشوفه زمان رواج سه خط گوینیم. زیرا در سه قرن اول اسلامی آثار و علائم سه خط رادر قسمت شرقی آریانه می بینیم ، که یکی یونانی شکسته و دوم شماره دانا و ناگری مخلوط و سوم خط عربی ابتدایی نازیبا می باشد .

از سوابق و نوشته های یونانی و شماره داناگری در مباحث گذشته ما با اختصار صحبت کردیم ، این دوره سه رسم الخط تا فتوح یعقوب لیث صفاری و سبکتگین و نهایت قرن سوم هجری دوام کرد ، و بعد از آنکه کابل شاهان به ویندوسوات پس نشستند ، و شهمزادگان اخیر کوشانی هم در گردیز و گومل وزیرستان به سلطه غزنویان خاضع و مسلمان شدند ، لهجه تخاری با رسم الخط یونانی و آثار زبان سنسکریت با رسم الخط شماره دانا و ناگری نیز جای خود را رسماً به خط و زبان عربی و دردی گذاشت .

جای تعجب است: که در نیمه قرن سوم هجری هنگامیکه یعقوب لیث صفاری از زرنج برخاست و زبان آنجا بشهادت تاریخ سیستان پارسی بود (ص ۲۰۹) و این پارسی برای ما آنون هم روشن و مفهوم است ، در کوهساران و زیرستان لهجه تخاری باحالتی که در کتیبه ها مشهود است موجود بود. و صدسال بعد در عصر سلطان محمود بکلی مفقود و نابود گردید، و جای آنرا دری فصیح دربارسا ما نیا ن و زبان دقیقی و رو دکسی گرفت ، و اثری از لهجه شرقی تخاری و رسم الخط آن نماند !

بهر صورت رسم الخط های هندی - یونانی - پهلوی جای خود را بر رسم الخط عربی ماند، که دکتور اسرائیل و لفتسون در تاریخ لغات سامی آنرا ماخوذ از خط نبطی متاخر دانند و قدیمترین کتیبه این خط در جبل دروز حران (شام) بر سنگی بالای دروازه کلیسایی بزبان عربی و یونانی موجود است ، که در سنه ۵۶۸ م نوشته اند. و لی در دوره اسلامی لوحه قبریکی از حجا زیان عبدالله بن جبر در سنه ۳۱ ه (موزه مصر شکل ۲۷) و نوشته صخره بیست المقدس ۷۲ ه قدیمتر بن

سنگ نوشته های همین خط عربی است. (۱) (تاریخ اللغات السامیه ۲۰۱) در شمال و غرب افغانستان نفوذ خط عربی از قرن اول اسلامی ظاهر است. بدین معنی که اکثر حکمرانان عربی در بلخ و مرو و هرات و زرنج بهمین رسم الخط سکه زده اند، که از آن جمله در کرمان در سنه ۹۰ ه و در مرو در سنه ۹۰ ه و در بلخ در سنه ۱۱۷ و ۱۲۲ ه و ۱۸۲ ه و ۱۸۵ ه و ۱۸۷ ه و در هرات در سنه ۱۹۳ و ۲۰۶ در زرنج سیستان در ۱۸۶ ه سکه زده شده، که اکثر آن در موزه کا بل و برتانیه و غیره موجودند و ظاهر یان پوشنگی هم در نساپور در حدود ۲۰۵ تا ۲۴۰ سکه های عربی دارند و یعقوب لیث صفاری در حدود ۲۵۰ ه و امیر ابونصر احمد بن محمد فریغونی جوزجان در حدود ۳۹۰ ه و داود بن الیاس از آل بانيجور تخارستان در سنه ۲۳۲ ه و مکتوم بن حرب امیر اندراب در حدود ۳۵۹ ه و امیر البتگین در غزنه در سال ۳۵۹ ه و امیر سبکتگین در پروان در حدود ۳۶۶ ه بهمین رسم الخط عربی (نسخی یا کوفی) سکه زده اند.

ولی در قسمت شرقی آریانه نفوذ خط عربی از دو کتیبه مکشوفه (نمبر ۲۰ و ۲۴) سالهای ۲۴۳ و ۲۵۱ هجری که از وادی توچی بدست آمده اند نمایان است. اگرچه فتوح عربی در وادی هلمند و ارغنداب و دریای کابل در قرن نخستین اسلامی تکمیل شده بود، و با این پیروزیهای سیاسی عرب، دین اسلام و رسم الخط قرآن نیز بدینجا رسیده بود ولی نفوذ آن در کوهساران شرقی افغانستان خیلی

(۱) این کتیبه هارا از نمونه های اقدم خط کوفی دانسته اند، ولی در همین عصر مقارن با کوفی، رسم خط نسخی عربی هم رواج داشت، چنانچه یک نامه شخصی که در مصر در سنه ۴۰ ه نوشته شده، و دو ورق را هدای مصری (پاسپورت) سال ۱۳۲ ه بدین رسم الخط است (فن تحریر از محمد اسحاق صدیقی ۲۰۹ طبع علی گره ۱۹۶۲) از کتیبه های مکشوفه و سکه کات شرقی فلات ایران بر می آید، که اثر هر دو خط عربی نسخی و کوفی در قرن اول هجری بدین سرزمین رسیده بود، و دو نمونه شکل ۲۴ مربوط به عصریست که هنوز اصطلاح کوفی و نسخی نبود.

بعد تر مینماید . زیرا ما در کتیبه مکشوفه از مسجد بمپور حوالی کراچی (غالباً دیبل تاریخی) که در سنه ۱۰۷ هجری ۷۲۵ م به امر مروان بن محمد مولی امیر المومنین از طرف علی بن موسی نوشته شده و ۱۸ سال بعد از فتح محمد بن قاسم سپه سالار اموی دران بلا داشت، می بینیم که رسم الخط آن زیبا و مهذب متمایل بکو فیست (تاریخ افغانستان بعد از اسلام ۷۱۲) و این سخن بر نضج کلتور و رسم الخط عربی درانجا دلالت دارد (عکس نمبر ۲۸)

ولی خطوط هر دو کتیبه مکشوفه وادی توچی مربوط اواسط قرن سوم هجری آنقدر ناپخته و ابتدایی است که ناآشنایی کامل خط و آغاز خوانش و خط نویسی نسخی عربی را درانجا میرساند.

چون ازین دو کتیبه تنها یکی با دو متن عربی و سنسکریت خود خواناست، مامضمون آنرا که در ۹ سطر و ۴۲ کلمه است باعکس آن (نمبر ۲۴) آورده ایم و مضمون عربی آن چنین است (۲۴۳ هـ)

«هذا ما امر عقد هذا التلاح حی بن عمار تقبل الله منه صالح عمله و غفر له سوء عمله . قد كتب يوم الجمعة لثلاثة عشرة خلو ن من جمادی الاولی . سنه ثلثة و اربعین و مائتین . صلی الله علی محمد و آل محمد الطاهر (ین) .»

ترجمه متن سنسکریت این کتیبه در شرح نوشته های سنسکریت داده شد. چون خط مخلوط شماره داناگری درین دوره سه رسم الخط رواج داشت، مانمونه حروف آنرا درینجا از مجله پاکستان قدیم نقل میکنیم، و در حقیقت بتا ریخ خاک پهبتونستان کنونی ربط دارد، که ساحة شرقی آریانه باشد. (شکل ۲۹)

خط سغدی

در تاریخ آریانا ی کهن-مخصوصاً سرزمین های شمالی آن - خط سغدی نیز جای دارد، که مرکز سغدیانان شهر سمرقند بود، و زبان سغدی هم یکی از زبانهای آریایی آسیای میانه است، که با بعضی السنه موجه این سر زمین نزدیکی ها دارد.

زبان و خط سغدی بافتوح اسلامی و رواج خط عربی متروک گردید، ولی نویسندگان دوره اسلامی آنرا می شناختند، چنانچه بوریحان بیرونی در آثار الباقیه و کتاب التفهیم (۱) نامهای شهر سغدی را ضبط کرده، برخی فر هنگ نویسندگان هم زبان سغدی را یکی از السنه متروکه نوشته اند.

میان اوراقی که در آغاز قرن بیستم در ترکستان چین کشف شد، اسناد متعددی نیز به زبان ناشناخته وجود داشت، که به خطوط مختلف نوشته شده بود. یک سنگ نوشته سه زبانی نیز، به ترکی باستان و چینی و یک زبان دیگر در ویرانه های قره بلغسون (مغولستان شمالی) بدست آمده بود، که بعد معلوم شد، زبان سومی همانست که در بعضی اوراق مکشوف در ترکستان چین نیز بکار رفته است.

در حدود سال ۱۹۳۱م در ویرانه های قلعه یی برکوه مغ (در پنج کنت ۱۲۰ کیلو متری سمرقند) مجموعه یی از نوشته ها که روی چرم و کاغذ چینی و چوب بود بدست آمد، که در آن نام «دیواشتیج» شاه سغد و سمرقند نوشته شده و ذکر این شاه در منابع عربی نیز هست که در مقابل هجوم تازیان پایداری میکرد.

این اسناد بزبان و خط سغدیست که سکه های یی هم بدان خط یافته اند و در برخی از متون سغدی قطعات ادبی زیبا بازمانده، مانند قطعاتی از داستان رستم و قسمت هایی از کتاب کلیله و دمنه بزبان سغدی.

از جمله این متون نوشته ییست از کوه مغ (شکل ۳۰) در نه سطر که ترجمه آن چنین است:

(۱) آثار، ص ۷۰ - التفهیم ۲۳۰

۱- خداوند پنج ۲- دیوا شتیج را ۳- هشت سال است ۴- ماه
نیسان ۵- روز خور روز ۶- وگرفت اغو شمريك ۷- از فرماندار ۸- اوت
۹- پوست ونیز واریاك (۱).

این خط سغدی از يك شیو و تحریری خط آرا می مشتق است ،
و نیز احتمال می توان داد ، که اصل خط مزبور ، خط پهلوی کهن
باشد. در خط سغدی نیز مانند پهلوی برای مصو تهای کوتاه ، نشانه
خاصی وجود ندارد ، تنها سه حرف برای واكهای مصوت (فونیم) بلند
هست (۱- و - ی) . (۲)

مادر شکل سوم پیدا یش خطوط نشان داده ایم، که چگونه الفبا ی
آرامی منبع خطوط دیگر بوده است اکنون در (شکل ۳۱) که مقتبس از
تاریخ زبان فارسی است ، اختلاف اشکال حروف رادر خطوط مختلف
متفرع از آرا می ملاحظه فرمایید .

(۱) یعنی : پادشاه سر زمین پنج دیوا شتیج در سال هشتم فرمانروایی
خود ، در ماه نیسان ویازد همین روز ...
درستور دیگر اغو شمريك واوت را اسم خاص شمرده اند ، و
واریاك رایکنوع پوست پرداخته .

(۲) دکتر پرویز نائل خانلری در تاریخ زبان فارسی ۲۷۵۱ تا ۲۹۴۱
طبع تهران ۱۳۴۸

۳

خط و کتاب دوره اسلامی

سوابق کتاب نویسی

مردمان قدیم پیشی از اختراع کاغذ که در سنه ۱۰۵ م در چین روی داده، خطوط خود را بر مواطع طبیعی مستعد نگارش مانند الواح سنگ و الواح زر و سیم و بر گها و پوستهای درختان و الواح گلی بخته و استخوانهای حیوانات و صخره های کوهی و دیوار های ابنیه بر مواد آهکی و گچی و چرمهای حیوانات می نوشتند و قدیمترین نوشته خط چینی مربوط بدوره شاهانین (۱) است که در قرن ۱۲ ق - م باشد، و بعد از آن اختراع قلم مو مطابق سنت های چینی در عصر منگ - لین (۲) پادشاه سازنده دیوار چین بوده، که در حدود ۲۱۰ ق - م مرده است. (۳)

مرکز دوم مدنیت قدیم وادی نیل مصر است، که در آن هم آثار خط و کتاب نویسی قدیم انسانی بدست آمده و کهن ترین لفاظی بردی آن متعلق بسال ۲۴۰۰ ق. م و خط هیر و غلیفی است که آنرا با قلم Calamus تراشیده از ساقه پردر حدود قرن سوم ق. م می نوشتند، و سیاهی را از زغال آمیخته با آب و صمغ می ساختند، و برای وراق بردی کتابت میکردند. و همچنین در بقایای مدنیت آشور و بابل، الواح گلی نوشته شد مربوط ۲۵۰۰ تا ۲۳۰۰ ق. م بدست آمده، و بیست و دو هزار لوحه مکتوبه گلی از کتابخانه آشور - بانیپال (۴) متعلق به قرن هفتم ق. م است. و آثار مکتوبه اوراق بردی (پاپیروس) یونان قدیم هم به قرن چهارم ق. م میرسند، و نخستین اختراع کاغذ بوسیله تسای - لون (۵) چینی در سنه ۱۰۵ م بود. است. (۶)

در هند و ایران و سفد شمال افغانستان، نیز آثار نوشته های قدیم قبل و بعد از میلاد فراوان یافته شده، و در افغانستان نیز سنت کتابت بوده است، و مانمو نه های کتیبه نویسی قدیم رادر فصول سابق نشان دادیم، و اینک دلایلی که وجود کتاب رادر ازمنه قدیم

(1) Yin

(2) Meng-L'ien.

(۳) مجله هنر و مردم طبع تهران شماره ۳۸ - آذر ماه ۱۳۴۴ ش

(4) Ashur Banipal.

(5) Tsai-Lun.

(۶) سونددال در تاریخ کتاب، ترجمه عربی ۴ تا ۳۳ طبع

قاهره ۱۹۵۸ م

در افغانستان و کشور های مجاور آن نشان میدهد:
 بريك مجسمه او زها ريس نيتی درموزه واتیکان روم ، مطالبی نوشته
 است که داریوشی پادشاه هخامنشی این شخص را بمصر فرستاد ، تا به
 کتابخانه ها کتاب بدهد، و جوانان را بدانها داخل کند. (۱)
 کتز یاس (۲) که ۱۷ سال (۴۱۵-۳۹۸ ق م) طبیب دربار پارس
 بود در پر سیکا (۳) گوید:

که وی کتاب خود را از روی دفترهای چرمی کتابخانه شا هی (۴)
 ترتیب داده است .
 در کتاب اردا ویراف نامه (۵) تا لیف (حدود قرن ۳ = قرن ۹م)
 میگوید :

« اوستا وزند بر پوست های گاواراسته و به آب زرین نوشته بود ،
 که اسکندر رومی پتیاره بد بخت بیدین بد کردار آنرا بر آورد و
 بسوخت » (۶)

قراریکه در نامه تنسر (۷) (ص ۱۱) و مروج الذهب و کتاب التنبیه
 والا شراف مسعودی و تاریخ طبری آمده : این اوستای زرین خط بر
 دوازده هزار پوست گاو نگار شده یافته بود، که فردوسی ۱۲۰۰ فصل
 نوشته برالواح زرین گوید . (۸) و ابو منصور ثعالبی (حدود ۴۱۰ ه
 ۱۰۱۹ م) مینویسد : که گشتا سپ در بلخ بود و زردشت کتابی با و
 آورد، که آنرا بر پوست دوازده هزار گاو نوشتند ، و هر کلمه را در
 پوست کنده ، قشری را از طلا دران قرار دادند. (۹)

حمزه بن حسن اصفهانی (۳۵۰-۹۶۰م) در ایام ملوک اشکانی بعد از
 اسکندر هفتاد کتاب را ذکر میکند، که در علوم نجوم و طب و فلسفه و

(۱) مجله هنر ۴۴، خر داد ماه ۱۳۴۵ ش.

(2) Ctesias

(3) Persica

(4) Basilikai-Difterai - پور داود - یسنا ۸۱

(5) Arda Viraf Namah

(۶) ارداویرافنامه ۲۲ د کتر رحیم عقیفی - تهران ۱۳۴۲ ش.

(7) Tansar's Epistle.

(۸) پور داود، گاتها ۵۰

(۹) ترجمه فارسی غرر اخبار ملوک الفرس و سیر هم از محمود

هدایت ۱۱۹ طبع تهران ۱۳۲۹ ش

حراثت (کشاورزی) یونانی و قبطی ترجمه شده بود (۱) و هم
ری از کشف پنجاه عدل لتبی سه بر پوستها (جلود) نوشته شده بود
درسنه (۲۵۰ هـ) خبر میدهد، که در داخل شهر جی از بنای قدیم سارویه
بدست آمد، و خط آنرا مردم قبلا ندیده بودند و نمی دانستند که
در چه هنگام این کتابها رادرانجا گذاشته اند (۲) و لی این ندیم
گوید:

که ابوالفضل بن عمید برخی ازین کتابها رادر سنه ۲۴۰ و اندی
به بغداد فرستاد و من بچشم خود دیدم و چندی ازان پیش شیخ ما
ابوسلیمان اندرین وقت (۲۵۰ هـ) باقی بود. (۳)

هموی بحواله کتاب اختلاف الزیجه مترجم ابو معشر منجم بلخی
(حدود ۲۵۰ هـ ۸۶۲ م) مینویسد: شاهان (فلات ایران) بصیانت عنوم
و بقای آن توجهی تمام داشتند و بغرض نگهداری کتب از حوا د ث
جوی وزمینی، اوراق پوست درخت خدنک که آنرا توز گفتندی، برای
نوشتن کتب برگزیدند، که از تعفن و پوسیدگی محفوظ باشند، و در
مقابل حوادث پایداری و پابندی دارند.

چنانچه همین وسیله نویسنده کی رادر هند و چین و ممالک مجاور دیگر
هم تقلید کردند (۴). و محمد بن عبدوس جهشیاری گوید: که مردم
فارس برچرم، ورق (پوست نازک) نوشتندی و گفتندی که کتابها بی
خود را بر چیزی که در بلاد ما پیاده نمی نویسیم. (۵)

کتابها بی که زردشتیان در علم نجوم و طب و طبایع بفارسی (قدیم)
داشتند و یکی ازان کتابی بنام کشتج بود، بعد از آنکه بامر سکندر بزبان
رومی و قبطی ترجمه کردند سوختانده شدند. ولی برخی ازان
کتب از ترس این فعل سکندر، به هند و چین فرستاده شده بودند و
نجات یافتند. (۶) و این ندیم از تاریخ اسحاق راهب نقل مینماید
که یکی از ملوک اسکندر به شخصی را گماشت که این کتابهای علمی را باز

(۱) تاریخ سنی ملوک الارض و الانبیاء ۳۰ طبع برلین ۱۳۴۰ ق

(۲) همین کتاب ۱۲۷

(۳) الفهرست ۳۳۶

(۴) سنی ملوک ۱۲۷ و الفهرست ۳۳۴

(۵) کتاب الوزراء و الکتاب ۱۳۸ قاهره ۱۹۳۸ م

(۶) الفهرست ۳۳۳ به نقل از کتاب النهمطان تألیف ابو سهل

بن نوبخت.

فراهم سازد . وی پنجاه و چهار هزار و صد و بیست کتاب جمع کرد و گفت .
هنور هم کتابهای سند و هند و چین و کرکان و ارمن و غیره باقی مانده
است. (۱)

این روایاتی بود درباره و وجود کتاب درازمنه باستانی در سرزمین های ، نه از جمله داستان اوستا و احراق آن بامر اسکندر از نظر علمی (بقول گیرشمن) (۲) متزلزل است . ولی اگر آنرا جعل و الحاق هم بدانیم ، باز هم مفکوره ایجا دکتاب رادر ازمنه قدیم آشکار می سازد ، که برخی از اسناد مثبت تاریخی نیز موید آنست : مانند اسناد دوره پارتیهای آریایی بلخی نژاد که خراسانیان اصیل بوده اند (۲۵۰ - ۷۶ ق م) و این اسناد تحریری بر چرم گاو و الواح سفالی رنگین لعاب دار در نساو او رمان ، بزبان پارتی یعنی پهلوی شمالی بدست آمده (۳) و بصورت واضح علمی وجود کتاب رادر خراسان قدیم ثابت میسازد و ما میدانیم که بعد از اسکندر نخستین بار کتاب اوستا بفرمان ولخس (۴) یا بلاشراول اشکانی پارتی (۵۱ - ۷۸ م) فراهم آورده شد . (۵) چون این آثار دوره اشکانیان را بر چرمهای گاو در نساو خراسان قدیم یا فته اند ، پس داستان مورخان عرب - که اوستا بر چرم گاو نوشته شده بود این فکر را تایید میکند ، که اوستای فراهم آورده عصر بلاش اول را نیز بر چرم گاو نوشته باشند .

درباره وجود کتاب در دوره های قبل از اسلام ، در سرزمین خراسان دلیل بسیار محکم تاریخی اینست : که در عصر امویان و عباسیان صدها جلد کتاب را از پهلوی و السنة هندی عبری ترجمه کرده اند ، و اکثر این کتابها به خراسان و یا کتب خانهای خراسان تعلق داشته است .

مثلا ابن ندیم درباره احوال سمنیه (بودائیسان) و پیشوای ایشان بوذا سف از کتابی نقل نماید که آنها یک نفر خراسانی نوشته بود . (۶) .

(۱) الفهرست ۳۳۴

(۲) Ghirshman ایران از آغاز تا اسلام ۲۷۲ ترجمه دکتور معین - تهران

۱۳۳۶ ش .

(۴) Vologeses

(۳) اشکانیان م ، دیاکونوف

(۵) پورداود - گاتها ۵۱ بحواله دینکرت .

(۶) الفهرست ۴۸۴

در سنه ۲۰۷ هـ ۸۸۲ م راجه مهر و گ کشمیر و پنجاب به حاکم منصوره امیر عبدالله نوشت که شخصی را بحضور م فرست که بزبان هندی احکام اسلامی را بما آموخته بتواند. وی يك مرد هوشیار و شاعر مسلمان خراسان را که چند زبان هندوستان دانستی بدر بار راجه فرستاد و بخوا هشا و قرآن عظیم را بزبان هندی ترجمه کرد . (۱)

در دربار کابلشاهان نیز تألیف کتاب رواج داشت ، چنانچه بقول البیرونی یکی از علمای دربار کابلشاه اخیر اندد پاله بن جیه پاله که او گره بوت نامداشت و مودبشاه بود ، کتابی را در علوم نجوم بنام شکفت پرت تألیف کرده بود (۲) .

همین البیرونی می نویسد : که نسب نامه کابلشاهان که قرنها پیرین جا حکمرانده اند ، بر دیبایی نوشته شده و در قلعه نغر کوت محفوظ بود ، و من میخواستم آنرا ببینم ، ولی بنا بر عللی موفق نشدم . (۳)

از کتابهای قدیمی که درین سر زمین خبر داریم کتابی بود نزد خیزر بن کاوس مشهور به اقصین یکی از نجیب زادگان اسرو شنه ماوراءالنهر قاید معروف لشکری عصر معتصم عباسی (۲۱۸-۲۲۷ هـ = ۸۳۳ - ۸۴۱ م) که در دربار بغداد قدرت و نفوذ فراوان یافته بود و عاقبت هدف دسایس درباری و رقابت رجال آن عصر گردید و به تهمت ییدینی و زندقه محاکمه شد و او را در شعبان (۲۲۶ هـ = ۸۴۰ م) بکشتند و جسدش را سو زانیدند و بدجله افکندند .

در اثنای استنطاق و محاکمه ، یکی از علل اتهام او کتابی مذهب و مرصع گوهر نشان بود ، که در خانواده او از اجدادش باقی مانده بود و خواندن آنرا دلیل کفر و بی دینی او شمردند و حکم بقتل او دادند و طبری که صورت محاکمه و سوالهای هیئت محاکمه را به تفصیل آورده ،

(۱) عجایب المهند از بزرگ بن شهریار حدود ۳۰۰ هـ ۹۱۲ م طبع لیدن .

(۲) کتاب الهند ۱۰۵

(۳) کتاب الهند ۳۴۹

در باره این کتاب گوید: محمد بن عبدالملک زیات وزیر کسه رئیس این هیئت استنطاق بود از پرسید: این کتاب بیکه به طلا و جواهر و دیبا آراسته یی و حاوی کفر بخداست چیست؟ افشین جواب داد: این کتاب از پدر بمن میراث مانده و در آن برخی از ادبیات عجم ضبط گردیده است که من فقط از بهره ادبی آن تمتع می برم و غیر از آن بکلمات کفریه آن غرضی ندارم چون در سابق آراسته و پیراسته بود، حاجتی بدفع پیراستگی های آن نداشتم و برحالت سابق آنرا ماندم، مانند کتاب کلیده و دمنه و کتاب مزدک که در خانه تست و این دلیل خروج من از اسلام نیست (۱).

طبری گوید که در کتابخانه افشین کتابهای فراوان یافتند، که در آن کتاب مجوسی و بسا کتب دینی بود که وی داشت. این کتاب آراسته و پیراسته را در ادبیات دری «دفترافشین» یا «گوهرفشین» گفته اند. مختاری غزنوی (حدود ۵۰۰ هـ ۱۱۰۶ م) گوید:

گر بیدی هنر بذله پر گوهر تو

گوهرفتر خود برفشاندی افشین (۲)

از آثار بسیار مستند نمونه قدیم کتاب در افغانستان، اوراق پوست درخت کتابیست که در بامیان در سنه ۱۹۳۰ م در حصص شرقی هیکل ۳۵ متری بود از طرف موسیو ها کن کشف شد و موسیو سیلون لوی آنرا در شماره مارچ ۱۹۳۲ م ژورنال از یاتیک نشر داد و آنرا رسم الخط عصر کوشانی قرن ۳-۴ و نوشته های عصر گوپتا قرن ۷-۸ م و برخی بخط ختنی شمرد، که زبان آن سنسکریت است و نوشته قدیمترین آن بقرن سوم تعلق دارد، که تا قرن ۸ م میرسد، و بعقیده موسیو سیلون لوی در کتابخانه این معبد قدیم بودانی این کتابهای پوست درخت موجود بود، که آنرا در خود بامیان نوشته و یا از کتابخانه های دیگر باین کتابخانه نقل داده باشند و برخی ازین نوشته ها قطعات کوچک رساله های «ابیهی دهر مه» متعلق به مذهب

(۱) طبری ۱۰ ر ۳۶۵

(۲) دیوان مختاری ۴۳۷ طبع جلال همائی - تهران ۱۳۴۱ ش

بزرگ بودایی (۱) است که مانند آن از گلگت هم بدست آمده است ، ولی در بین این پارچه های کتب خطی برخی از صفحات کتاب وینایا (۲) نیز موجود است که بـمـنـهـب کوچک بودایی (۳) تعلق دارد. برسم الخط گوپتا (۴) و سنسکریت باشد ، و چون از کتاب وینایا تنها ترجمه چینی باقی مانده و اصل سنسکریت آن در بین نیست ، بنابراین کشف این پارچه های سنسکریت ازین کتاب خیلی اهمیت دارد ، و اینک ما نمونه های خط این کتب قدیمه کتابخانه بامیان را در ینجامی آوریم (عکس ۳۲) که اصل آن در موزه کابل موجود است .

در ماه حوت ۱۳۴۸ش هیئت باستان شناسی افغانی ضمن حفریات تپه شترهده (مرکز هنر گندهارا) در ننگرهار شرقی افغانستان ، در مجموعه ستوپه های قدیم بودایی مجسمه بودایی را یافت که سر آن شکسته است . بر پشت این مجسمه يك مجموعه کوچک تعویذ مانندی از پوست خرمای بهم پیچیده دیده میشود ، که باز کردن آن از همدیگر و کشف محتویات آن به توجه دقیق علمی نیازمند است و احتمال میرود نوشته یی در بین آن باشد .

-
- (1) Maha Yana
 - (2) Vinaya
 - (3) Hina Yana
 - (4) Gupta

خط و کتاب در عصر اسلامی

سنت کتاب نویسی و تاسیس کتابخانه ، از ادوار قبل اسلام به عصر بعد از فتوح اسلامی نیز انتقال کرد، و از وجود کتابخانه - های بزرگ ازین وقت خبر هایی داریم . مثلاً ابن طیفور احمد بن ظاهر که از سلالة ملوک خراسان بود (۲۰۴-۲۸۰ هـ = ۸۱۹-۸۹۳ م) و یکی از مولفان قدیم خراسان بشمار میرود ، که ابن ندیم ۴۸ تألیف او را ذکر کرده است (۱) وی در تاریخ بغداد روایت میکند : که عتابی شاعر معروف دوره عباسی (متوفی ۲۰۸ هـ ۸۲۳ م) گفت : که برای نقل گرفتن کتب عجم در خزانه کتب مرو بودم و این خزانه از عصر یزدگرد تاکنون قایمست و در کتب عجم معانی موجود است . لغت از ما و معانی از یشانست (۲)

عتابی سه بار به بلاد عجم سفر کرد و کتب خزانه مرو و نشا پور را بخواند و در تألیفات خود از آن کتب سود برد ، و بدر بار عبدالله بن طاهر پوشنگی پرورده شده (۳) و این خبر بخوبی میرساند که کتابخانه های بلاد خراسان بوجود کتب فراوان قدیم غنی تر بوده اند.

در آغاز ورود اسلام (قرن هفتم میلادی) مردم ولایات شمالی و شرقی افغانستان بشمول بامیان- کاپیسا- کابل- لغمان- ننگرهار- گندهارا تا تکسیلادین بود ایبی داشته و کتب دو مذهب کبیر و صغیر بود ایبی رواج داشت و هنگامیکه هیون- تسنگ در سال ۶۳۰ م این ولایات را می دید ، وی از شنش سلسله کتب دینی ذکر میکند ، که اگر کسی همین شنش دوره کتب را میخواند آنوقت بمرتبه بلندتر علمی میرسید که برای سواری خود فیلی با بدرقه ایبی (۴) همراه داشت و محفلی را برای مباحثه تشکیل داده میتوا نست (۵)

(۱) الفهرست ۱۴۶

(۲) ضحی الاسلام از ۱۸۰ بحواله تاریخ بغداد ابن

طیفور ۷ ر ۱۵۷

(۳) برو کلن در تاریخ ادبیات عرب ۲ ر ۳۶ .

(4) Surrounding Escort

(5) Si-Yu-Ki 2/137 Calcutta 1958

پس مطابق بهمین روایات عربی و چینی میگوئیم : که سنت کتاب نویسی و کتابخانه در افغانستان غربی و شرقی از ازمنا قبل الاسلام بعصر اسلامی انتقال کرده بود و از کتب قدیمی که در خراسان تالیف شد، یکی اخبار ماوراء النهر است که مؤلف آن خراسانی بود و هم ابن ندیم کتاب اخبار خراسان قدیم را بخط مرد خراسانی دیده بود . وی از کتاب دیگری که در شرح ملل و ادیان هند تالیف شده و نسخه آنرا در محرم ۲۴۹ هـ نوشته بودند خبر میدهد و گوید : که یحیی بن خالد برمکی بلخی شخصی را برای آوردن عقاقیر بهند فرستاد و ضمناً مراد : که درباره ادیان هند هم اطلاعاتی فراهم آورد و این مرد همین کتابرا نوشت . (۱)

چنانچه گفتیم در آغاز قرن هفتم در افغانستان رسم الخط های یونانی - شره دانا گری - براهمی و پهلوی مروج بود، ولی با آغاز فتوح اسلامی (نصف اخیر قرن هفتم) رسم الخط عربی که قرآن به آن نوشته میشد ، از طرف غرب به خراسان رسید و به مرور سه قرن تمام رسم الخط های سابقه و ادیان قدیم ، جای خود را بدین اسلام و خط عربی گذاشتند .

رسم الخط عربی :

مادر شکل ۷ نشان دادیم ، که خط عربی مأخوذ از خط نبوی متاخر و از ریشه آرامی است که در قرن پنجم رواج داشت و نمونه قدیمتر این خط بر لوحه بنای کلیسایی در مخروبه زبد بین قنسیرین و در یای فرات یافته شده، که تاریخ آن ۵۱۱ م باشد . و بزبان یونانی و سریانی نیز نامهای بانیان کلیسا نوشته شده است (شکل ۳۳) و در آغاز آن کلمه (الاله) عربی و نامهای شریحو - سعدو - سترو - شریحو دیده میشود .

اما خط بسیار شبیه به عربی در حران شمالی جبل دروز شام بر سنگی بالای درب کلیسا بزبان یونانی و عربی موجود است ، که تاریخ آن سنه ۵۶۸ م است (شکل ۳۴) و خوانش آن چنین است : «انا شر حیل بن ظلمو (ظالم) بنبت ذالمطول سنت (سنه) ۴۶۳ بعد مفسد خیر بعم (بعام) » این نوشته نزدیکترین خطی است به

خطوط عربی قرن اول هجری (۱) و روشن میسازد که خط عربی پنجاه سال پیش از هجرت چگو نه بوده است .

چون کتیبه قدیمتری بنام نبطی متأخر و شبیه به عربی بر مدفن امری القیس بن عمرو ملک حیره در شماره درسنه ۳۲۸م نوشته شده ، بنابراین مستشرقان ، زمان پیدایش خط عربی قدیم را بین سال ۳۲۸ و ۵۱۱ در قرن چهارم و پنجم میلادی در شبه جزیره طور سینا میدانند. (۲)

در عصر نبوی خط عربی با همان سادگی ابتدائی خود باقی بود، که نمونه‌های کهن‌تر عصر اسلامی آن در فرامین حضور پیامبر بنام ملوک موجود است و از آن جمله نامه مبارک نبویست بنام نجاشی ملک حبشه که دم دنلوب مستشرق سکا تلندی اصل آنرا یافته و در مجله آسیایی شاهی انگلستان (جنوری ۱۹۴۰م) نشر داد (شکل ۳۵) نامه مبارک دوم به مقوقس عظیم قبط است که در کلیسای احمیم صعید مصر بدست آمده و در مجله الهلال قاهره در ۱۹۰۴م طبع شده (شکل ۳۶) - سوم نامه آنحضرت است به مندربن ساوی (شکل ۳۷) که از دمشق بدست آمده و در مجله مستشرقین آلمان ZDMG جلد ۱۷ سال ۱۸۶۳ انتشار یافته (۳) و علاوه

از این دو کتیبه عربی در جنوب کوه سلح مدینه موجود است که بهمین نوع خط «نا علی بن ابوطالب» و نامهای پیامبر و ابو بکر و عمر نوشته شده و هم کتیبه یی از حضرت عمر در آنجا دیده میشود (۴) از نوشته های عصر نبوی قرآنی بود بخط حضرت علی، که برخی از اوراق آن ضایع گشته و تا حدود قرن چهارم هجری در خاندان امام حسن باقی بود و خود ابن ندیم آنرا نزد ابویعلی حمزه حسنی دیده بود (۵) قدیمترین نوشته سنگی عربی که تاکنون بدست آمده ، لوحه سنگ مزاریست در موزه قاهره، که درسنه ۳۱ هـ ۶۵۱ نقر شده، و خط آن هم همان نسخی ممز و ج به کوفی نامزین است (شکل ۳۸) که آنرا چنین خوانده اند :

-
- (۱) تاریخ اللغات السامیه ۱۹۱- ۱۹۴ دکتور اسرائیل و لفسنون قاهره ۱۹۲۹م
(۲) همین کتاب ۲۰۱
(۳) الوثائق السياسیه از دکتور محمد حمیدالله حیدر آبادی طبع قاهره ۱۹۵۶م ص ۷۲-۸۱
(۴) همین کتاب ، مقدمه و ۳۰۲ (۵) الفهرست ۴۲

- سطراو ل : بسم الله الرحمن الرحيم هذا القبر
 سطر ۲ : لعبدالله بن خير (جبر؟) الحجري (الحجازي؟) اللهم اغفر له .
 سطر ۳ : وادخله في رحمة منك وآنعامه
 سطر ۴ : استغفر له اذا قرأ هذا الكتاب (الكتاب)
 سطر ۵ : و قل امين وكتب هذا
 سطر ۶ : لكتب (الكتاب) في جمدي (جمادى) الا
 سطر ۷ : خر (الآخره) من سنت (سنة) احدى و
 سطر ۸ : ثلثين (وثلثين) (۱)

کتیبۀ دیگر قدیمتر در قبۀ صخره بیت المقدسی در سال ۷۲ هـ ۶۹۱ م کشف شده (۲) وهم بر اوراق بردی Papyri مصر نوشته های عربی با خط یونانی موجود است که در عصر ابو العباس الولید بن عبدالملک خلیفه اموی (۸۶-۹۶ هـ = ۷۰۵-۷۱۵ م) بر پوست درخت بردی نوشته شده و عبارت از بسمله و کلمۀ توحید است و بخط یونانی ترجمۀ آن بانام عبدالله الولید امیر المومنین
 Abdela Aloylit Amiral Moyminin

نوشته شده است (۳) و خط عربی آن ممزوجی از کوفی و نسخی متمایل به توقیع است ، و ازین هم پر می آید که در اواخر قرن اول هجری (اوایل قرن ۸ م) همین شیوۀ ممزوج نسخی و کوفی رواج داشته است (شکل ۳۹) و نمونۀ دیگر آن بر سنگ علامت فاصله Mile Stone ۱۰۹ میلی دمشق موجود است که در عصر

عبدالملک بن مروان (۶۵-۸۶ هـ) آنرا نوشته اند. (۴) (شکل ۴۰) از نوشته های خط عربی یکی آنست که در خزانه المامون کتابی بخط عبدالمطلب بن هاشم در جلد چرمی موجود بود، و خط آن به خط زنان می ماند . و این مطلب را ابن ندیم از کتاب مکه تالیف عمر بن شیبۀ Umar Bin Shabba متوفای ۲۶۲ هـ = ۸۷۶ م نقل کرده ، که یک نسخه این کتاب بر این خط همین مولف خود ابن ندیم

(۱) تاریخ اللغات السامیه ۲۰۳

(۲) همین کتاب ۲۰۴

(3) Arabic Papyri by Adolf Grohmann 1/11 Plate 1

(4) Muslem Calligraphy by M. Ziauddin Calcutta 1936.

دیده بود (۱) وازین برمی آید که در قرن اول پیش از اسلام تاقرن سوم نوشتن کتابها بهمین خط رواج داشت و مراد از خط زنانه شاید تحریر بدو ابتدایی آن باشد (۲) و ما از قول البلاذری میدانیم که زنان عصر نبوت خط مینوشتند که از آن جمله شفاء Shaffa بنت عبدالله عدویه از قبیله عمر بن خطاب در عصر جا هلیت هم ثابت میگردد، و حفصه زوجه پیامبر ازو خط آموخت (۳).

نسخ خطی زیاد فراوان بخط کوفی قرن ۲-۳ ه منسوب به ائمه اسلامی اند مثلا: ۱- جزو قرآن منسوب به خط حضرت عثمان ۲- جزو قرآن منسوب به خط حضرت علی ۳- جزو قرآن منسوب به خط حضرت علی ۴- جزو قرآن منسوب به خط امام حسن (هر چهار در کتابخانه خطی کابل برچرم آهو) (شکل ۴۱-۴۲-۴۳-۴۴) ۵- جزو قرآن برچرم آهو بارقم کتبه علی بن ابی طالب ۶- جزو قرآن دارای رقم کتبه حسن ابن علی ابن ابی طالب فی سنه احدی از بعین . ۷- جزو قرآن بارقم کتبه حسین ابن علی ۸- جزو قرآن بارقم کتبه علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب ۹- جزو قرآن بارقم کتبه علی بن موسی (هر پنج در کتابخانه مشهد برچرم آهو) (شکل ۴۵)

اگرچه این نسخ قرآن در همین عصر به خط ائمه کرام منسوبند . ولی خط آن با بقایای خطوطی که از قرن اول اسلامی باقیست مطابقتی ندارد ، و چنین نوشته های دیگر قدیم هم موجود بود ، چنانچه سبط ابن جوزی گوید : که یهودیان نامه ای از حضرت محمد بخط حضرت علی نوشته سال ۶۲۸ هـ بدر بار خلیفه بغداد آورده اند، که مبنی بر معافی یهود از ادای جزیه بود (۴) و هم یک عهدنامه منسوب به حضرت علی بایهودیان ، در اصفهان موجود بود، که مجعول بودن آن از روی خط کوفی و سطور نسخی ثلث نما وهم از وضع انشاء سست و رکیک آن که غلطی های فراوان نحوی دارد ثابت است (۵) (شکل ۴۶)

(۱) الفهرست ۷-۱۶۳

(۲) سبک شناسی بهار ار ۹۵ طبع تهران ۱۳۳۷ ش

(۳) فتوح البلدان ۵۸۰

(۴) سروری آرت پر شیا ۱۷۱۸ بحواله مرآة الزمان ۳۰۰ نسخه خطی

موزه برتانی .

(۵) بیست مقاله قز وینی ۱۳۱۱ طبع بمبئی ۱۳۰۷ ش و مجله ایرانشهر

۴۲۹۴ طبع برلین ۱۳۰۵ ش .

ابن ندیم گوید: که ناتبی بنا م سعد ، مصاحف و شعر و اخبار ز !
برای وید بن عبدالملك می نوشت (حدود ۹۰ هـ ۷۰۸ م) وهم اوست که
نوشته های ایات سمت قبله مسجد نبوی را به خط زرین نوشته
بود (۱)

در پرورش خط عربی دست مردم خراسان قدیم (افغانستان کنونی)
نیز سهیم بوده است ، مثلا خاندان برمکیان بلخی به تهنید یب و پرورش
خط و خطاطان توجیهی داشته اند ، حتی از یحیی بن خالد برمکی (متوفی
۱۹۰ هـ ۸۰۵ م) اقوالی در دسانیر خط نویسی مروی است (۲) و در
عصر عباسیان یک قلم خاصی بنام (الر یاسی) شهرت یافت که
پرورنده آن وزیر معروف خراسانی فضل بن سهل ذوالر یا ستین
(حدود ۲۰۰ هـ ۸۱۵ م) بود ، که در همین سال بهمین خط در مرو سکه
زده است . و این ندیم گوید: که خطر یاسی یکی از زیباترین خط ها
بود ، و از ان اقلام دیگر بنام خط ریاسی کبیر و ریاسی متوسط و قلم
لث و محقق و منثور و وحشی و رقاع و مکاتبات و غبار و نر جس و بیاض
بر آمد (۳)

از مطالعه این اسناد چنین بر می آید: که خط عربی از شکل ابتدایی
نسخی شکسته در اوایل قرن دوم هجری (۹۱ م) آهسته آهسته به کوفی
نزدیکتر گردید و «سبک عراقی» که آنرا محقق و وراقی گفتندی در
عصر عباسیان بوجود آمد ، و کاتبان و درباریان مامون به جودت خطوط
پرداختند ، و مردم به آن تفاخر کردند ، تا که از دستگاه برمکیان
(بلخی) خطاطی بنام احمد بن خالد احوال بر آمد ، و ساتیر و قوا نیسن
خط نویسی را ترتیب نمود و بصورت عمومی (۲۴) قلم بسو جود
آمد. (۴)

رواج خط عربی (نسخی- کوفی) و یامزوج هر دو در خراسان از روی
اسناد کتبی یعنی مسکوکات و سنک نیشته های باقیمانده چنین شرح
میشود :

-
- (۱) الفهرست ۱۰
 - (۲) ادب الکتاب الصولی ۴۱ طبع قاهره ۱۳۴۱ ق
 - (۳) الفهرست ۱۳
 - (۶) همین کتاب ۱۲-۱۳

۱- مسکوکات : امرای مسلما ندر نصف اول قرن اول هجری بر مسکوکات روم و فارسین بنام خود سکه زده اند ، چنانچه خالد بن ولید در سنه ۱۵ هـ ۶۳۵ م به تقلید سکه رومی بانسان صلیب بحروف یرنانی و شکل عربی در طبریه سکه زد وهم معاویه بر حاشیه دینار - های فارسین که شکل شاه فارس و آتشکده دارد بسم الله و نام خود را ضرب کرد ، و بعد ازان در سنه ۲۸ هـ در قصبه هر تک طبرستان سکه خط عربی ضرب بشد . وهم عبدالملک بن مروان بین سنه ۶۵-۸۶ هـ دینار های دمشق را تنها به خط عربی ضرب و رواج داد ، که ازان جمله یکی بخط نسخی کوفی آمیز در سنه (۷۳- هـ ۶۹۲ م) در دمشق ضرب شده است (۱) و بر همین سنت در عصر خلفای اموی و عباسی برخی از امرای عرب بی در خراسان و سیستان سکه زده اند ، ازان جمله مسکوکات والیان خراسان حمید بن قحطبه طایب ۱۵۱ هـ ۷۶۸ م و عبدالملک بن یزید خراسانی (۱۵۹ هـ ۷۷۵ م) و جعفر بن محمد (۱۷۱ هـ ۷۸۷ م) و علی بن عیسی (۱۸۰ هـ ۷۹۶ م) و هرثمه بن اعین (۱۹۱ هـ ۸۰۶ م) و غسان بن عباد (۲۰۲ هـ ۸۱۷ م) موجود است (۲) وهم درهم غطریفی در سنه ۱۸۵ هـ ۸۰۱ م در گوشک ما خک بخارا بنام غطریف بن عظامامای هارون الرشید ضرب شده بود (۳) و مادر موزه کابل سکه هایی بهمین خط عربی نسخی کوفی آمیز داریم که در سنه ۹۰ هـ ۷۰۸ م در کرمان و مرو در سنه ۱۱۷ هـ ۷۳۵ م و ۱۳۲ هـ ۱۸۲ هـ ۷۹۸ م و ۱۸۵ هـ ۸۰۱ م و ۱۸۷ هـ ۸۰۲ م در بلخ و در سنه ۱۹۳ هـ ۸۰۸ م در هرات و در سنه ۱۸۶ هـ ۸۰۲ م در زرنج و در سنه ۲۰۶ هـ ۸۲۱ م در هرات و در سنه ۲۱۷ هـ ۸۳۲ م در گزه (جزق سیستان) و در سنه ۲۰۱ هـ ۸۱۶ م در سمرقند ضرب شده اند (۴) ولی از تمام نوشته های این مسکوکات روشن می آید ، که در اواخر قرن دوم هجری (۹۶) خط شکسته ممزوج نسخی کوفی آمیز به طرف کوفی خالص متمایل است ، چنانچه بر سکه فضل بن سهل ذوالریاستین که در سنه ۲۰۰ هـ ۸۱۶ م

(۱) تاریخ التمدن الاسلامی ۹۸ جرجی زیدان طبع قا هره

۱۹۰۲

(۲) ز میا و در معجم الانساب ۷۷

(۳) تاریخ بخارا ۴۴

(۴) قهرست مسکوکات اسلامی موزه کابل طبع دمشق ۱۹۵۳ م

در مرو ضرب شده دیده میشود (۱) وهم از طرف شاهان اسلامی ماوراء -
النهر مسکوکاتی بخط کوفی ضرب شده، که ازان جمله سکه سا ی -
بن عبدالله شاه اسرو سنه (۲۸۰ هـ) نصر بن علی ایلك است و بران
نوشته اند: (ضرب هذا الفلوس بفرغانه سنه ست وتسعين وثلثمائة) (۲) ۳۹۶
از ملوك خراسان سکه های طاهر بن حسین (۲۰۵ هـ) و طلحه بن
طاهر (۲۰۷ هـ) و عبدالله بن طاهر (۲۱۳ هـ) و طاهر بن عبدالله (۲۳۰ هـ)
و محمد بن طاهر (۲۴۸ هـ) شاهان آل طاهر خراسان موجود
است (۳) و همچنین از شاهان زرنج سیستان سکه های یعقوب بن لیث
(۲۵۴ هـ) و عمرو بن لیث (۲۶۵ هـ) و طاهر بن محمد بن عمر و (۲۸۹ هـ)
و لیث بن علی لیث (۲۹۶ هـ) و احمد بن محمد بن خلف (۳۲۰ هـ)
و از سامانیان بلخی سکه های احمد بن اسد (۲۰۴ هـ) و
اسماعیل بن احمد (۲۷۹ هـ) و احمد بن اسماعیل (۲۹۵ هـ) و نصر بن
احمد (۳۰۱ هـ) و غیره، و از آل بانیچور بلخ و اندراب و بامیان سکه
های داود بن عباس (۲۳۲ هـ) و محمد بن احمد بن بانیچور (۲۶۰ هـ) و احمد
بن محمد بن احمد (۲۷۹ هـ) و احمد بن جعفر بن احمد (۳۷۲ هـ) و از آل
فریغون جوزجان سکه ابو نصر محمد بن فریغون (۳۷۷ هـ) و از
امرای اندراب سکه مکتوم بن حرب (۳۵۹ هـ) و سهلان بن مکتوم
(۳۶۵ هـ) و از غزنویان قدیم سکه های سبکتگین (۳۶۷ هـ) و والپ تگین
(۳۵۱ هـ) موجودند، که از مسکوکات قدیم دوره اسلامی در خراسان بخط
عربی کوفی شمرده میشوند. (۴) و رواج کامل خط کوفی را در افغانستان
روشن و مدلل می سازند.

۲- سنگ نبشته ها :

از روی منقورات سنگی قدیم که در شرق افغانستان و وادی سند
تا کنون بدست آمده، چنین معلوم میشود : با وجود یکه نفوذ خط
کوفی در حدود ۲۰۰ هـ ۸۱۶ م در قلب خراسان ثابت است، و لی

(۱) سروی آرت پرشیا ۱۷۱۷-۱۴۸۰
(۲) مجله باستان شناسی شوروی عدد ۳ سال ۱۹۶۸ م ص ۲۲۴ طبع
مسکو.

(۳) زمباور در معجم الانساب ۲۹۹
(۴) همین کتاب در صفحات متعدد.

در همین اوقات در اراضی شرقی یعنی وادیهای بختیا و گومل و
کوزم تادریای سند خطی رواج داشت که شبیه تر با نوشته های
نسخی شکسته و ابتدایی فرامین نبوی و کتیبه های جبل سلع مدینه
و اوراق بردی مصر است .

مثلا بر کتیبه های وادی توچی (شکل ۲۰ ز ۲۴) مربوط او ا سطر
قرن نهم، که ذکر آن گذشت، خط نازیبا و نامهربان نسخی
شکسته دیده میشود ، در حالیکه همین خط عربی یشکل زیبا و مہذب
متماثل به کوفی در کتیبه مسجد بمپور (شکل ۲۸) در سنه ۱۰۷ ه
۷۲۵ م موجود است و ازین برمی آید که نفوذ خط کوفی به وادی سند
پیشتر از وادیهای شرقی افغانستان رسیده بود .

افزایش جنبه هنری و تزئینی در خط

خط از مظاهر اجتماعی زندگی انسانیست و مانند دیگر مبادی حیات با حرکات سیاسی و اقتصادی و روحی دستخوش تحول و ارتقا است .

در آغاز زندگانی کوچی گری و زراعتی و تشکیل مراتب ابتدایی ملوک طوایف ، همواره خط بحیثیت یک ضرورت ساده انسانی مروج می باشد ، ولی در هنگام نضج و اقتدار سلطنت این پدیده اجتماعی و مدنی انسانی مانند هنرهای دیگر مقام هنری را احراز می نماید . و در صف هنرهای زیبا قدم می نهد .

ملت های آریایی نژاد آسیای وسطی ، سوابق در خشان مصوری و نقاشی برابنیه و کتابها داشتند و نظایر آن بردیوار های نگارین بامیان و هده و تپه سردار غزنه و آلبوگرام و پشاور و غیره در بقایای دوره بودایی افغانستان در مدت ده قرن نمایان است ، و هم بر بقایای ابنیه مکتشفه از پنج گنت و سمرقند دیده میشود .

در خطوط ابنیه دوره هخامنشی ایران استعمال رنگ و تزئین را یافته اند و چنانچه گذشت در کتب زردشتی گویند که اوستا بر پوست گاو بخط خوش طلا نوشته شده بود . آثار دینی مانوی نیز نگارین و مصور بود و مورخان دوره اسلامی مانند ابن مقفع و البلاذری و ابن ندیم و ابن قتیبه و الصولسی و ابن درستویه از بسا آثار هنری خطوط و کتب مصور خوشخط خبر میدهند . (۱)

هنگام تشکیل خلافت عباسی در اواسط قرن ۸م که عربها از دریای نیل تا کنار های سند بر مملکت وسیعی حکم میراندند و مواریث هنری بینزانتین *Byzantien* و ایران و هنر گندهارا و سفید و مانیان بایشان رسیده بود ، حتما از دیدن ابنیه عالی نگارین و کتب و مواریث هنری این ملل متأثر می شدند . ابن ندیم و طبری و مسعودی از ارسال بتان زیبای بامیان و کابل و داور و بست که بجواهر مرصع بودند ، بدر بار بغداد خبر میدهند ، که مدتها این بتان را برای تماشای مردم در قصر خلیفه و بعد ازان سه روز در اداره مرگزی پلیس بغداد به نمایش عامه گذاشته بودند (۲)

(۱) سروی آرت پرشیا ۱۷۰۹ (۲) الفهرست ۴۸۶ و مروج الذهب ۲۴۲

که مورد تعجب و دلچسپی مردم بود و آنرا مثل مسلمانان قرن اول اسلامی نمی شکستاندند .

چون مسلمانان بموجب روایات دینی خود نمی توانستند ، صورتهای انسانی را در معابد خود نقش کنند ، بنابراین برای تزئین مساجد از هنر خطاطی و نقاشی اشیای بیجان بردیوارها و ابنیه دینی خود کار گرفتند ، و این حرکت هنری ساختن خط از همان اوایل دوره عباسیان و اواسط قرن ۸م آغاز شده بود . زیرا عوامل اقتصادی این دوره نضج فیودالیزم تماما مساعد پرورش این هنر بود .

در پرورش این هنر چنانچه گفتیم باز دست مردم خراسان سپیم بود ، زیرا یحیی برمکی (متوفی ۱۹۰ هـ ۸۰۵ م) به خطاطی علاقمندی فراوان داشت و او بزرگترین خطاط در بار مامون احمد بن ابوخالد احول را پرورش داد ، که برای خط عربی قواعدی را ترتیب کرد و خطوط او بسیار زیبا و دلکش بودند . و همچنین وزیر دیگر خراسانی فضل بن سهل سرخسی به خطاطی توجهی داشت چنانچه در عصر او قلم الریاسی رواج یافت که مبدأثلث و محقق و رقاع و غبار و غیره گردید (۱) .

توجه به تهذیب خط عربی و هنری ساختن آن ، بعد از این فراوان گشت و ابن قتیبه (متوفی ۲۷۹ هـ ۸۸۹ م) گوید که خطاطان میگو شیدند تا خط زیبا را با حروف قوی درست بنویسند (۲) . و الصولی و ابن درستویه در قرن دهم در کتاب الکتاب مقاصد و قواعد خطاطی و اصول استیتک آنرا شرح دادند ، و ابوبکر الصولی که ادب الکتاب را در ۳۲۵ هـ ۹۳۷ م نوشت گوید : که خطوط احمد احول را که به قسطنطنیه از طرف مامون فرستاده شده بود بر در ب صومعه آویخته بودند (۳) تا زیبایی آنرا تماشا کنند ، و خلیفه المعتمد در اوایل قرن نهم نامه ای بامپراتور بیزنتین فرستاد آنقدر زیبا و خوشخط بود که امپراتور گفت : « بر هیچ چیز از عرب رشک نمی برم جز این خط زیبا (۴) » .

(۱) الفهرست ۱۳

(۲) ادب الکتاب ۲ طبع لیدن ۱۹۰۰ م

(۳) ادب الکتاب ۴۵

(۴) همین کتاب ۴۵

خط عربی تزئینی در اوپانیز بواسطه مسلمانان قاجار
اسپانیا از راه فرانسه نفوذ کرد و در کتیبه های تزئینی ابنیه جای
گرفت و حتی بردیواد های ابنیه دینی و صوامع مسیحی در ایتالیا
و اسپانیا و فرانسه ، آیات قرآنی را نیز بغرض تزئین بخط زیبای عربی
نوشته اند. در ب کلیسای بزرگ سنت پیترو *St. Peter*

نیز بچنین نوشته آواسته بود ، ولی بعد از آن آنها ممنوع قرار
دادند (۱) و اینگونه تأثیر های هنری اهمیت تاریخی خود را از دست
نداده و ارزش تزئینی آنها در موزونیت *Rhythm* و تقاضای

اشکال آرنهفته است (۲) که تأثیر های آن در
Symmetry هنر تزئین ابنیه انگلستان هم نمایان باشد ، و بقول بر گسی
M.S. Briggs این تأثیرها از راه فرانسه ب انگلستان نیز نفوذ کرده بود . و

پرو فیسر لیتابی *Lethaby* آثار آنها بر طاقچه های پشت
محراب *Retables* و اکثر کلبه های کلیسای و پست منستر
Westminster دو هنر تعمیرگری انگلستان نشان داده است . (۳)

و حتی تأثیر هنری خط کوفی بدرجه بی بود که پادشاه مسیحی
مرسیا *Mercia* بنام اوفیا *Offa* (۷۵۶-۹۶ م)

سکه خود را بدین خط زده بود ، و بر صلیب بونیزی آیرلیندی در قرن
نهم میلادی بسم الله بخط کوفی دیده میشود ، و هم در ایتالیا بر
شانه و است تصویر حضرت عیسی خط کوفی نمایان است . (۴)

در عصر خلفای عباسی خط عربی از حالت ساده نسخی خود برآمده
بوضع بسیار دلکش تزئینی و هنری کوفی متمایل گشت که یک
نمونه این تهذیب نخستین اسطر کوفی مذهب ، بین نقاشی
زیبا بر کتیبه مر مرین مسجد المهدی بغداد در ۱۵۵ هـ ۷۷۱ م
موجود است ، و برخی نظا یروان که متعلق به ۱۷۵ هـ ۷۹۱ م یا
۱۹۵ هـ ۸۱۰ م باشد در دربند ریباکو از طرفه خانیکوف *Kanikoff*
کشف شده است (۵) و در خرا سان هم در حدود ۳۰۰ هـ ۹۱۲ م آثار

(1) S.P. Scott's History of the Moorish Empire III 29

(2) E. Herzfeld, Encyclopaedia of Islam 1-364, 365.

(3) The Legacy of Islam 178

(۴) همین کتاب ۱۱۴ ر ۱۵۴

(۵) مسلم کالگرافی ۲۱ از قدیم ترین نمونه این خط نسخی است

در موزه دمشق که بقول دکتر صلاح الدین منجد در صفحه ۲۶۷ هـ
نوشته شده است .

بن عبدالملك از فارسی بحر بسی نوشته بودند. (۱) و بنا برین اسناد نتوان گفت که مردم این سر زمین کتاب آرای را تنها از مانو یان آموخته باشند ، والبته آتری از هنر مانی در کتب منقوش و منقوش و مصور توان دید.

اما اثر هنر مانی یا هنر د یگر بر خود خط کوفی تزئینی کمتر دیده میشود و ممکن است آنرا خود مردم عراق و ایران و خراسان بحالت بزئینی در آورده باشند ، زیرا در اوراق مانوی (شکل ۴۸) خود خط مانوی مزین و مشجر یا گلدار و هندسی نیست ، بلکه صفحات و حواشی آنرا گل کاری یا مصوری کرده اند ، ولی خط تزئینی کوفی چنین است که خود حروف آنرا با اشکال دلکش تزئینی در آورده اند و مامی بینیم که این تمایل تزئین حروف کوفی در قرن نهم و دهم آهسته آهسته نشو و نما کرده و مخصوصاً برابنیه آنرا نوشته اند و شاید در کتابها یی که مرجع استفاده مردم بود ، آنقدر در تزئین حروف افراط نمیکردند .

مثلاً سر لوحه صفحات نخستین دو کتاب قدیم خطی کتاب ال ابنیه بخط اسدی طوسی (۴۴۷ هـ ۱۰۵۵ م) (شکل ۴۹) و ترجمان البلاغه بخط ارد شیر بن دیلمسپار قطبی در سنه ۵۰۷ هـ ۱۱۱۳ م (شکل ۵۰) هر دو به کلمات (بنام خداوند بخشا ینده بخشا یشگر) آغاز می یابد ، ولی تزئین حروف یکسان است که حرف (ش) کلمه ۳-۴ را از متن بیرون کشیده و بالای آن بطور گلی آراسته اند ، در حالیکه در متن کتاب هیچگونه تزئین هنری مشهود نیست ، ولی تزئینات و تکلفات هنری در عین حروف کتیبه های ابنیه در همین عصر موجود است . که نمونه آن در خراسان در کتیبه های کوفی مسجد خرگرد و بنای سنگ بست عصر سلطان محمود غزنوی دیده میشود (۲)

در مسجد نایین شکل تزئینی بلند زاویه دار خط کوفی نمایان است که در سنه ۳۵۰ هـ ۹۶۰ م کنایت شده (شکل ۵۱) و بعد از آن در سنه ۴۱۸ ۱۰۲۷ م در مقبره پیر علمدار آنقدر با گل و شاخ و برگ و اشکال

(۱) التنبیه والاشراف ۹۲ طبع قاهره ۱۹۳۸ م
(۲) سر وی آرت پرشیا ۱۸۲۸

تزیینی آمیخته ، که انسان آن را تنها خطوط و اشکال زیبا و نظریه ربای می پندارد (۱) (شکل ۵۲) و همین شیوه منقش در قرن ۱۲ م بر طاق مسجد مغازی بخاری بخارا غایت پیچیدگی بنظر می آید .
(۲)

در خطوط ابنیه چنانچه دیدیم ، تزیین و امتزاج نقوش و گلها و خط های هندسی غالب بود ولی در کتابها که مورد خوانش و احتیاج عامه بودند ، حتی المقدور از سادگی و خوانا بودن خط کار گرفته اند ، و در اینجاست که کوفی از امتزاج نسخی در بین کتابها انواع متعدد دارد ، و هم خطی بمیان آمده که این ندیم آنرا فیرآموز (معرب پیر آموز فارسی) خوانده است ، و از نام آن پیداست که در بین فارسی زبانان بوده و دنباله هر حرف آن بانیش قلم و بنازکی مو با حروف دیگر پیوسته است و جنبه تزیینی آن غالب باشد ، که بدان مصحف می نوشتند . و نمونه یک ورق قرآن باین خط در ذخایر مشهد رضوی موجود است (۳) و دیگر کتاب صفات الشیعه تالیف شیخ صدوق است که در سنه ۳۶۰ هـ ۹۷۰ م تالیف شده و آنرا بهمین خط پیرآموز تزیینی ، نصر بن عبدالله قز وینی در سال ۳۹۱ هـ ۱۰۰۰ م نوشته (۴) که اکنون در یک مجموعه شخصی تهران است . (شکل ۵۳ و ۵۴)

از قرآن خط کوفی ساده آمیخته بانسخی ذخایر آستان رضوی مشهد وقفی ابوالقاسم منصور بن محمد هروی وزیر سلطان محمود در سنه ۳۹۳ هـ ۱۰۰۲ م (شکل ۵۵) و قرآن وقفی ابوالبرکات رازی ۴۲۱ هـ ۱۰۳۰ (۵) (شکل ۵۶) و همچنین قرآن ۴۱۸ هـ ۱۰۲۷ م که بخامه عیسی بن عبدالله بلخی (۶) نوشته شده (کتابخانه میلان Milan) پدید می آید ، که در اوایل قرن ۱۱ جنبه هنری خط کوفی قرآنی متمایل به نسخی در کتابها کم بود و اگر میخواستند آنرا مزین سازند بطور مشکولی نوشتند . مانند خط عثمان بن حسین وراق غزنوی

- (۱) سروی هنر پرشیا ۱۷۴۴ لوحه ۲۶۶
- (۲) ابنیه و آثار تاریخی اسلام در اتحاد شوروی تاشکند ۱۹۶۳ م
- (۳) گنجینه قرآن ۲۸
- (۴) کتاب و کتابخانه ها ۹ و مسلم کالگرافی ۸
- (۵) گنجینه ۳۵
- (۶) سروی هنر پرشیا ۱۷۲۴

۴۶۶ هـ (۹) - ۱۰۷۳ م (۱) گنجینه مشهد رضوی (شکل ۵۷) ولی بر اینیه والواح آنرا زیباتر و با شناخ و برنگ و خطوط هندسی و الف های کشیده و زوایای قائمه نوشته اند. و آثار اقدم این گونه خطاطی در غزنه بر قبور سبکتگین و سلطان محمود ددر اوایل قرن ۱۱ پیدا ست ، و حتی بر قبر محمود دو نوع بسیار زیبای کوفی و رقاع دیده میشود (شکل ۵۸ و ۵۹)

غزنه که مرکز سیاست و ثقافت آسیای میانه در قرن ۱۱-۱۲ بوده، از نظر خطاطی نیز غنی ترین مراکز بشمار می آید و علاوه بر نمونه های نسخه های قرآنی که در صفحات گذشته نشان دادیم مخطوطات خاص این مکتب قرآنی نویسی موجودند ، که آیات قرآنی را بخط کوفی مزین هنری بر زمینه مشجر گل کاری نفیس با تشعیر زیبای حاشیه بصورتی نوشته اند، که تمام صفحه گل کاریست و خط آیات قرآنی با سیاهی بخته سایه دار خیلی برجسته بنظر می آید ، و نمونه بسیار زیبای این مکتب غزنه قرآنیست که در رمضان ۵۶۶ هـ جون ۱۱۷۱ م بخط ابوبکر بن احمد بن عبداللہ الغزنوی نوشته شده (شکل ۶۰) و در موزة مصر موجود است (۲) و هم نسخه دیگر قرآن در مجمره چستر بیٹی Chester Beatty انگلستان است (۳) که عینا بهمین سبک نقاشی گلداز بر تمام زمینه صفحات دارد، ولی خط آن کوفی متما یل به پیر آموزاست (شکل ۶۱) و همچنین قرآنی که در سنه ۵۰۵ هـ ۱۱۱۱ م در بصره کنار هلمند نوشته شده (شکل ۶۲) «کتابخانه ملی پاریس» بهمین سبک نسبتی دارد (۴) و هم قرآنی در گنجینه مکشوفه جدید مشهد رضوی بخط و تذ هیب محمد بن عثمان وراق و تذ هیب غزنوی بدست آمده، که تاریخ وقف آن ۴۱۴ هـ است و یکی از آثار مفتنم مکتب خطاطی کوفی و تذ هیب غزنه شمرده میشود .

در کتیبه های تزئینی کوفی بعد از نوشته های مراقده سبکتگین و محمود ، بسا الواح سنگی و نوشته های دیواری در غزنه موجود است ، مانند نوشته های کوفی دو منار غزنه که یکی بنام بهرامشاه (۵۱۱) -

(۱) گنجینه ۴۹

(۲) سروی هنر پر شیا ۹۳۰ و کا لگرافی ۶

(۳) سروی ۹۳۱ کتاب و کتابخانه ۲۱

(۴) سروی ۹۲۷

۵۴۷ هـ (۱۱۱۷-۱۱۵۲م) و دیگری از سلطان مسعود علاءالدوله بن ابراهیم (۴۹۲-۵۰۸هـ ۱۰۹۸-۱۱۱۴م) است و هم باستان شناسان ایتالوی در سالهای بعد از ۱۹۶۰ م در عصر سلطان مسعود نمونه های ابیات در ری رابه رسم الخط بسیار مزین آوفی بر سنگهای دیواری از زیر خاک بر آورده اند (۱) که آنرا مظهر تکامل خط کوفی در اوایل دوره غزنویان توان شمرد (شکل ۶۳) والواح سنگی که از همین دوره در بست باقی مانده و همچنان پارچه های نوشته های کوفی که بر دیوارهای قلاع غزنویان در لشکری بازار بست دیده میشود، نیز از بقایای خطوط کوفی دوره غزنویان است.

از بقایای جامع اولیاء طرف شرقی بالا حصار غزنه، محراب قدیمی است منقش و زیبا، که با خط کوفی مزین گلداز و خط رقاع (دربین) مزین است و سنگی در آن بخط رقاع نوشته شده، که نام ظهیرالدوله سلطان ابراهیم بر آن منقور است و ازین برمی آید که در عهد سلطنت او (۴۵۱-۴۹۲ هـ ۱۰۵۹-۱۰۹۸م) بنا شده باشد (۲) رجوع کنید به شکل (۶۴) و خطوط تزئینی کوفی گل دار بهم پیچیده رباط شرف سرخس (۳) در حدود ۴۵۰ هـ (شکل ۶۵) نیز نمودار این سبک خط تزئینی است.

از دو لوحه سنگی قبوریکه در بست باقی است ۵۹۵ و ۶۱۱ و ۱۱۹۸ و ۱۴۱۴م و لوحه قبر محمد بن اسمعیل غوری متوفای ۲۴ جمادی الاونی ۵۳۰ هـ که از هرات بدست آمده (موزه هرات) پدیدار است که خط ساده کوفی متمایل به نسخی را بدون تزئین و گل پردازی نیز می نوشته اند و نمونه آن در (شکل ۶۶) لوحه مزار واقع هرات نشان داده شده است.

سیر تکامل تزئینی خطوط کوفی برای بنیه شکل غلو و افراط را بخود میگیرد، که در دوره سلجوقیان نمونه آن بر قبر امام یحیی در جوزجان (شکل ۶۷) و محراب اولیاء و منارها و سنگهای نقاشی شده قصر مسعود سوم در غزنه و بقایای ابنیه لشکری بازار بست و چشت

(۱) کتیبه های کوفی قصر مسعود سوم در غزنه طبع ر و م

۱۹۶۶ م

(۲) ریاض الالواح ۱۳۸

(۳) دکتر عیسی بهنام - مجله هنر ۵۲ بهمن ماه ۱۳۴۵ ش تهران

و مسجد جامع هرات از بنا های غیاث الدین محمد سام و منار زببای جام در قرن ۱۲ موجود اند (شکل ۶۸) که تکامل تزئینی و نفاست هنری خط کوفی رادر دربارهای غزنویان و غوریان نمایندگی میکنند و روشن می آید که سوا بق هنری پیش از دوره تیموریان در افغانستان، در تحت شرایط اقتصادی و اجتماعی هنر پرور سلطنت های قوی چگونه بوده است ؟

زیرا مادر همین عصر يك كتيبه خط عربی نامزین و نسخی شکسته را از بن چاهی در وپهنند کناراتک بدست داریم ، که آنرا در ۴۸۲ هـ ۱۰۸۹ م یکنفر فقیه جوزجانی ابوجعفر محمد بن عبدالجبار بن محمد دربنای چاهی نوشته است و اگر این خط را در پهلوی خطوط معاصر ابنیه مجمل سابق الذکر بگذاریم پدید می آید که ارزش هنری خطوط تماماً مرهون پرورش ارباب اقتدار بوده و ابنیه بنا کرده رجال مقتدر ، مظاهر باشکوه هنری خطا ن گشته است .

از کتابهای قدیم زبان فارسی که تاکنون در دست است کتاب الابنیه عز حقایق الادویه بخط اسدی طوسی در ۴۴۷ هـ ۱۰۵۵ م قدیمتر (شکل ۴۹) و کتاب شرح تعرف مکتوب ۴۷۳ هـ ۱۰۸۰ م (موزة کراچی) کتاب دوم (شکل ۶۹) و کتاب هدایة المتعلمین مکتوب ۴۷۸ هـ ۱۰۸۵ م (کتابخانه بادلیاناکسفورد) کتاب سوم (شکل ۷۰) دارای تاریخ معین تحریر شمرده میشوند ، که شیوه خط کتاب الابنیه بکوفی شبیه تر و اسلوب دومی و سومی به نسخی متمایل است . در حالیکه نسخه خطی ترجمان البلاغه موزة استانبول تحریر ۵۰۷ هـ ۱۱۱۳ م (شکل ۵۰) شبیه تر به کتاب الابنیه است . و ازین پدید می آید که کاتبان در اختیار شیوه تحریر تابع ذوق و رواج محیط خود بوده و در بین کوفی و نسخی شیوه های مختلف را پدید می آورده اند که بسهولت قابل خواندن باشد . و در بین خط کتب ، به تزئین ها و گل کاریهای فراوان هنری نمی پرداختند ، الا در آغاز کتاب یاسر فصول که بایک سلیقه و ترکیب و تزئین بسیار مشابه در آغاز هر دو کتاب الابنیه و ترجمان البلاغه جمله (بنام ایزد بخشاینده بخشایشگر) بخط کوفی مزین گمش داری نوشته اند . در حالیکه مثنون هر دو کتاب ازین گونه آرایش های هنری عاریست . و متمایل کاتبان بطرف سلیقه خط نسخی و سادگی آنست و در نوشتن قرآنها هم حتی المقدور

خوانا بودن آنرا رعایت کرده اند. واز پیچ و تابهای تزئینی کوفی که بر اینیه موجود است در نوشتن قرآن خود داری داشته اند. و اگر هم بتزئین و پیچ و تاب دادن خطمی پرداختند در سر سور ها و پارها و منازل قرآنی بوده است .

در همین اوقاتست که خط نسخی در کتاب نویسی بسیار مستعمل است و ما می بینیم که بعد از ترجمان البلاغه ۵۰۷ هـ ۱۱۱۳ م در حدود (۲۵) سال خط نسخی از آمیزش کوفی بکلی تغییر شکل داده و نسخی خالص بمیان آمده است که در نسخه تفسیر ابوبکر عتیق سور - آبادی ۵۲۳ هـ ۱۱۲۸ م بخط محمود بن گرگین تر کی دیده میشود (نسخه خطی اندیا آفس لندن طبع عکسی تهران ۱۳۴۵ ش (شکل ۷) ولی در نسخه خطی المختصر من کتاب الوقف تحریر عبد الله بن علی در ۵۲۶ هـ ۱۱۲۱ م برای ابوبکر عتیق بن محمد بن خسرو (کتاب خانه مرحوم محمد شفیح لاهوری) هنوز هم آثار کوچک کوفی در بین نسخی باقیست (عکس ۷۲) و با دیدم و جب رسم الخط بسیار مهذب نسخی هداية المتعلمین مکتوب ۴۷۸ هـ (نسخه بادلیان اکسفورد) رواج نسخی رادر کتب از او سطر قرن پنجم هجری حساب کرد (شکل ۷۰) چون در حدود (۴۷۰ هـ) درجه تهذیب و زیبایی نسخی رادر این کتاب می بینیم ، باید خط نسخی متمایل به کوفی ۲۳ صفحه باقی مانده داستان وامق و عذرای عنصری (شکل ۷۳) را مربوط بدوره نسخی + کوفی در حدود (۴۵۰ هـ) بدانیم که نمایندۀ يك دوره خط در افغانستانست (۱)

از رسم الخط قرآنی که در سند ۵۸۴ هـ بخط محمد بن عیسی بن

(۱) این اوراق را مر حوم پر و فیسر محمد شفیح لاهوری در بین دفتین کتاب کهنه المختصر من کتاب الوقف یافت و تشخیص کرد که از نسخه گم شده وامق و عذرای عنصریست و درین ۲۳ ورق کهنه خطی ۳۵۳ بیت آن مثنوی محفوظ است . بر ورق اول يك فهرست کتابهای مملو که صاحب سری زکی بن محمد بن علی عبدالحمید البامیا نی بخط تعلیق ابتدایی نوشته شده ، و باید که اصل نسخه مثنوی هم در افغانستان یا بامیان نوشته شده باشد ، که در ملك همین شخص بامیانی بود. اصل عکس این اوراق با شرح و تعلیق پر و فیسر مرحوم در ۱۹۶۷ م از لاهور طبع و نشر شده است.

علی نشابوری برای سلطان غورغیاث الدین محمد بن سام نوشته (۴ مجلد موزه ایران باستان) پدیدمی آید که در خط نسخی شیوه های ریحان و رقاع و توقیع بهم آمیخته شده است (شکل ۷۴)

در کتابخانه خطی کابل مجموعۀ رسایل متفرقه موجود است که از بامیان بدست آمده و در سنه ۶۱۱ هـ بخط دولتشاه بن حبشی تو لکسی نوشته شده و خط آن نسخی دور از شیوه هنر است و آثار کوفی در آن مشاهده نیست و ازین برمی آید که از همین اوقات شیوه نسخی و تعلیق آمیزش یافته بود (شکل ۷۵)

در قرن ۱۱ و ۱۲ که آسیای میانه و خراسان در تحت اقتدار سیاسی غزنویان - سلجوقیان - خوارزمشاهیان - غوریان بود، هنر خط نویسی کوفی و نسخی و ثلث بافروع آنها در خراسان فراوان پرورش دیده بود، و اگر ما بقایای این نوع خطوط را در غزنه و هرات و بست و بلخ و مشهد و سمرقند و دیگر بلاد خراسان - بمعنی و سیح آن وقت - بینیم می فهمیم که قرن ۱۲ زمان ریعان هنری خطوط عربی است که خامۀ هنروران چیره دست خراسان، این هنر ارزنده و بدیع را از نشابور تا بخارا و سمرقند و شاش و طراز و غزنه و ویند کنار سند پرو رانده است. حتی بهمت غزنویان و غوریان افغانی این متاع گرانبها در اواخر قرن ۱۲ بقلب هند و دهلی نیز رسیده بود. که در سنه ۵۹۶ هـ ۱۱۹۹ م یک کاپی منارجام غور در مسجد قوه الاسلام بنام منار قطب ساخته شد (شکل ۷۶) که اینک بحیث نمونه نفوذ هنر و رسم الخط تزئینی خراسانی تا کنون در دهلی باشکوه و وقار عظیمی ایستاده و ما می بینیم که بعد از مدت سه قرن هنر خراسان از هرات و غور و غزنه بقلب هند نیز رسیده بود و در تحت اثر قوی محرکات سیاسی و عقیدوی و اقتصادی گسترش و نشو و نما می یافت و اغلب شاهان و مقتدران می خواستند با بنای کاخها و منارها و مساجد مجلل و مزین مراتب قدرت خود را تبارز دهند و بران ابنیه معظم بجای تصاویر انسانی، خطوط نظریبای بسیار زیبا و نقوش مواد غیر حیه را بنویسند و برای این کار خط کوفی بر زندگی تمامی داشت. و حتی تماماً بشکل گل کاری و نقاشی بدیعی درآمده میتوانست.

خط کوفی با انواع متکامل خود در اینیه بصورت تزئینی و در نسخ قرآن و کتب دیگر مقارن با خط نسخی نشو و نما نمود، و تا آغاز قرن ۱۳ و خروج مغل در تمام کشورهای اسلامی بافروع خود مورد

استعمال و تبارز هنری مردم بود. مثلاً در گنبد مرقد ملک غیاث‌الدین غوری در مسجد جامع هرات رقاع ریحانی بسیار زیبا و ناهمی برابریه رقاع و ریحان و ثلث و محقق و ثلث خاص کتیبه نویسی با الف‌های کشیده و هم محقق شجری و ثلث طغرا و ثلث تعلیق نما و دیگر شیوه‌های مخلوط این خطوط دیده می‌شود و هم خط نسخی آنقدر مهذب و پرورده گردید که شکل کامل هنری‌را گرفت و نمونه آن در قرآن خط عبدالله صیر فی ۷۲۰ هـ ۱۳۱۹ م گنجینه مشهد رضوی دیده می‌شود. (شکل ۷۷)

اگرچه چنگیزیان در مدت نیم قرن اول خروج خود، بسا ابنیه و کتابها را در سمرقند و بلخ و مرو و نسا بوز و هرات و سیستان و دیگر بلاد معمور آنوقت از بین بردند و درین جمله هنرمندان و علما نیز تلف شدند و برخی به ممالک دور دست عثمانی و هند گریختند، ولی بعد از یک قرن حکمرانان مغل نیز با ثقافت و هنر خراسانی در ماوراء النهر و افغانستان و ایران آشنا پی یافتند، و درین میان به برخی از حکمرانان محلی مانند آل کرت هرات و امرای پارس از در مدارا با مغلان پیش آمدند و به حفظ هنر و کلتور خود توجه کردند. چنانچه از آثار این دوره در هرات نمونه‌های گرانبهای خطاطی بر مقابر و ابنیه دوره آل کرت باقیست و این آثار هنری رامایک حلقه وصل و پیوستگی هنری بین دوره قبل از مغل و آغاز رنسانس هنری تیموریان میدانیم، که موازیث گرانمایه هنری مردم عصر غزنویان و سلجوقیان و غوریان را به رنسانس تیموریان انتقال داده اند.

از آثار خطاطی این دوره خط طبع عالی بشیوه قدیم بر لوح مزار خواجه شهاب‌الدین عبدالله غاوردانی هرات است در سنه ۷۴۴ هـ ۱۳۴۳ م و خط توقیع نمای مزار جوانی در خاک شیخ ابو العلاء در محرم ۷۵۹ هـ ۱۳۵۷ م و خط توقیع تعلیق نمای مزار طغرل بن امیران فوشنجی در رباط پی غربی هرات از ۷۵۶ هـ ۱۳۵۵ م و خط رقاع تعلیق نمای سلطان شاه در سنه ۷۷۷ هـ ۱۳۷۵ م بر ظرف هفت جوش جامع هرات که بامر سلطان غیاث‌الدین محمد کرت ساخته شده است (شکل ۷۸)

فراموش نباید کرد: که در مدت پنج قرن اول دوره اسلامی، هنگامیکه خط کوفی با انواع آن در عراق و خراسان و ماوراء النهر پرورد میشد، یک شیوه خاص شمالی آن از قفقاز تا خوارزم در شمال وجود

داشت که پیچیدگی و ابهام و اعوجاج خاصی در آن مشهود است و نمونه قدیم آنرا در سال ۴۷۱ هـ ۱۰۷۸ م بر کتیبه چهار سطری مسجد الرشید بن محمد بن ابی بکر در باکو توان دید (شکل ۷۹) و بعد ازان بر کتیبه آرامگاه یوسف بن کبیر در ۵۵۷ هـ ۱۱۶۱ م نوعی ازین شیوه دیده میشود (شکل ۸۰) و بقایای همین روش مهذب شده بر لوحه قبریست که در ۶۷۰ هـ ۱۲۱۷ م کنده شده (۱). وهم در اور گنج کهنه در قرن ۱۲ بالای مدخل عمارت مشهور به قبر فخر الدین رازی (۴) نوعی از آن در کنده کاری گل بخته بانقوش ظریف گل و بو ته موجود است. (شکل ۸۱)

حدسی من اینست : که این نوع کوفی نویسی شمالی قفقاز و خوارزم مبداء خط ناشناسی است که نمونه متأخر آن در یک مصحف مشهد رضوی موجود است و دانشمند گلچین معانی آنرا «خط با بری» اختراعی محمد بابر شاه موسس سلسله تیموری هندی دانند.

خط با بری :

مورخان دوره تیموریان هند مانند عبدالقادر بدائونی در منتخب التواریخ و علاءالدوله قزوینی در نفایس المآثر و ابوالفضل در اکبر نامه و خواجه نظام الدین احمد هروی در طبقات اکبری و خود با بر در تزک خود خبر میدهند : که این پادشاه (۸۸۸-۹۳۷ هـ ۱۴۸۳ - ۱۵۳۰ م) خطی اختراع کرده و نسخه قرآن بدان خط نوشته و به مکه فرستاده بود (۲).

در کتابخانه مشهد رضوی مصحفی بخط ناشناخته با کاغذ و تذهیب کشمیری موجود است (نمبر ۵۰) وقفی شاه حسین صفوی در ۱۱۱۹ هـ که نخستین بار در نامه آستان قدس (نوروز ۱۳۴۴ ش) معرفی شد. و دانشمند گلچین معانی آنرا بهمان خط اختراعی بابر شاه شمرده (۲).

در تحقیق این خط میرمن دانشمند صباحت عظیم جانوا رئیس موسسه تحقیقات شرقی اکادیمی او ز بک (تاشکند) در جنوری ۱۹۶۴ به

(۱) مسلم کالگرافی ۲۲-۲۳

(۲) منتخب اربع ۳۴۳ و اکبر نامه ۱۱۸۱ و طبقات ۲۷۲

(۳) گنجینه قرآن ۱۷۸

مجلس بیست و ششم بین المللی مستشرقان دردهلی مقالتهی تقدیم داشت که باین خط را در سنه ۹۱۰ هـ ۱۵۰۴ م اختراع کرد و نمونه الفبای آن در کتاب خطی عجایب الطبقات محمد طاهرین قاسم موجود است که در سنه ۱۶۴۵ م در بلخ بامر سید ندرمحمدخان تالیف شده ، و نسخ متعدد خطی آن در کتابخانه تحقیقات شرقی اکا دیمی علوم اوزبکستان محفوظ میباشد . (۱)

درین مقاله عکسی از عین نسخه خط بابری داده شده (شکل ۸۲) که ابدا بانسخه مصحف آستان قدس (شکل ۸۳) برابری ندارد (۲) و اشکال حروف عجایب الطبقات کلیدی برای حل اشکال حر و ف این مصحف شده نمیتواند و ما اختلاف اشکال هر دو متن را در (شکل ۸۴) نشان داده ایم .

بهر صورت مبدأ خط مصحف مشهد رضوی بیقین معلوم نیست ، ولی شباهت تام آن با خط با لای درب عمارت اورگنج (شکل ۸۱) بنظر می آید و شاید ربطی باشیو شمالی قفقازی داشته باشد .

-
- (۱) مجله سنترول ایشیار یویوجلد ۷ ص ۲-۱۹۶۴ م
(۲) عکس چهار صفحه این مصحف شریف بوسیله جناب آقای محمود فرخ دانشمند و شاعر معروف خراسان بمن رسیده است که درینجا ازیشان صمیمانه تشکر میکنم.

دورهٔ عروج خطوط

در اواخر قرن ۱۴ امیر تیمور در آسیای میانه امپراتوری و سیعی تشکیل داد، که تمام ممالک ماوراءالنهر و افغانستان و ایران را در بر میگرفت. چون مردم این امپراتوری مواریث هنری دورهٔ غزنویان و غوریان و خوارزم شاهیان و سلجوقیان را آثار هنر اسلامی از غرب و هنر چینی و هندی و مغولی از شرق پیش روی داشتند، هنگامیکه شاهرخ پسر امیر تیمور در آغاز قرن ۱۵ در هرات مرکز امپراتوری خود بنشست، وی مواریث هنر را در سمرقند و هرات پرو رانید و این شهر مرکز رنسانس هنری آسیای میانه گردید و مخصوصاً هنر کتاب نویسی بمعراج خود رسید و ابنیهٔ عظیمی که بران کتیبه های زیبا بانواع خطوط تزئینی موجود است ساخته شدند. و این مکتب هنری هرات تا اواخر عصر سلطان هنر پرور حسین بایقرا و اواخر قرن ۱۵ در هرات دوام کرد. و بعد ازان دیده میشود که هنرهای خطاطی، نقاشی، مصوری، کتاب سازی، میناتو رازین پرورشگاه رنسانس هنری به بخارا و اصفهان و تبریز و هند انتقال کردند.

درین رنسانس هنر استعداد خلاق مردم هرات و تمام ملل امپراتوری تیموریان هرات از مرزهای چین تا تبریز کار میکرد، و بنابراین هرات ادران اوقات مرکزی باید پنداشت که خلاقیت هنری تمام این مردم دران جا فعالیت داشت و هزارا نفر هنر مند - خطاط - مصور - مذهب - نقاش - جلد ساز - معمار - کاشی ساز - رنگ ساز و غیره در تحت پرورش رجال هنر خواه امپراتوری تیموریان به تخلیق آثار خالده هنری می پرداختند.

رنسانس هنری هرات آثار را جاویدانی را در شقوق مختلف هنری آفرید، که این کتاب کو تاه حوصله شرح آنرا ندارد و باید اندران باره کتابها نوشته و پرداخته آید، و لی من درینجا دو شهکار جهانی این مکتب هنر را یاد آوری میکنم:

اولین اثر خالد این دبستان نسخهٔ خطی شاهنامهٔ فردوسی موزهٔ گلستان تهران است در سنه ۸۳۳ هـ ۱۴۲۹م بخط جعفر بایسنغری که از لحاظ خط - نقاشی - مصوری - کاغذ - تذهیب - جلد و صحافی به تشخیص متخصصان بین المللی، گرانبها ترین کتب جهان شمرده

شده و نماینده عالی ترین مرحله کتاب سازی انسا نیست . (شکل ۸۵)
دوم مسجد گوهر شاد آستان قدس مشهد است که بهمت ملکه
دربار هرات گوهر شاد و شهبازگان هنرمند و هنر دوست تیموری در ۱۲
سال تحت نظر قوام الدین معمار ساخته شده و از نظر معماری سبک
خاص خراسانی و تزئین و کاشی کاری و خطاطی در زمره دوازده بنای
بسیار عالی تاریخی دنیا و شهکاهای انسانی گذشته محسوبست و
بنای آن در حدود ۸۲۱ هـ ۱۴۱۸ م ختم شده است . (شکل ۸۶)

چون موضوع مشخصی این جستجوی ما تنها خطاطی دوره
تیموریان هرات است ، بنابراین از خلاصه های دیگر هنری این
دوره گذشته و تنها درباره خطاطی کمی شرح میدهم :

گفتیم که هنر خطاطی در بین ملل مسلمان از قرن ۸ بدینطرف مراحل
تکامل خود را در مدنیت اسلامی بنحو احسن پیمود و بجای هنر
مصوری مکتب گندهارا و مانسی و سوابق تصویر سازی امپراتوری
نوشانی و ساسانی و بیزانسی و جریانهای هنر چینی و بودایی هم
ایستاد و بنابراین در ابنیه دینی بطور تزئینی بکار رفت . اگر چه شاهان
در کاخهای شاهی خویش گاهای دیوارهای نگارین و مصور هم
داشتند که بر بقایای قصرهای لشکری بازار بست تصاویری نمایان
است (شکل ۸۷) و هم بیسقی مورخ دربار غزنه از یک خانه مصور
نگارینی که شهبازده مسعود در باغ عدنانی هرات ساخته بود خبر میدهد ،
ولی این عمل شهبازده مورد باز پرس و رنجش پدرش سلطان
محمود واقع گردید (۱) و از همین داستان می دانیم که گویا برابنیه
دولتی تصاویر رنگین را با احتیاط بکار می بردند ، ولی ابنیه دینی و
معابد و مقابر ازان خالی بود ، و بجای تصاویر ، انواع خطوط تزئینی
و گل کاری ها و نقوش غیر جاندار را بکار می بردند که همین عامل
دینی و اخلاقی محرك پرورش و ایجاد و رواج انواع خطوط تزئینی
در هنر اسلامی گردید ، و هزاران نسخه خطی مزین و منقش و مطلا را
از قرآن نوشتند و یا بر ابنیه خود انواع خطوط تزئینی و نقاشی های
گونگون را باقی گذاشتند و همین نظر دینی موید پیدایش خطوط
و خطاطان بسیار ماهر چیره دست و خلاق گردید و برابنیه دینی هنر در
قالب عقیده دینی ریخته شد ، و توجه به هنر خطاطی در عصر تیموریان

(۱) تاریخ بیسقی ۱۲۱

بدرجه یی بود که شهزادگان این خاندان مانند بایسنغر و ابراہیم و بدیع الزمان نیز خطاطان ما هر بوده اند .

از آغاز قرن ۸ تا قرن ۱۶ در مدت ۷ قرن از خط کوفی و نسخی ساده اوایل دوره اسلامی شروع هنری بوجود آمد، که نامهای انواع آن خطوط به پنجاه میرسد ، و لی در قرن ۱۵ م «اقلامسته» ذیل بطور خطوط اساسی و جو داشت:

نگارمن خط خوش مینویسد بغایت خوب و دلکش مینویسد
مناشیر و محقق ، نسخ و ریحان رقاع و ثلث هر شش مینویسد

برابنیه و کتب دوره تیموریان خط کوفی با انواع تزئینی آن نمودار است از انجمله خط مشجر مشکو ل بیرونی گنبد گور امیر تیمور را در سمرقند ۸۰۷ هـ ۱۴۰۴ م وهم در مدرسه الغ بیگ ۱۴۲۰ م و مرقد خواجه احمد یسوی در ترکستان قرن ۱۴ وهم بر برخی از ابنیه تیموریان در هرات و بلخ و کوهسان هرات و انواع معقلی و مقفل و هندسی آن درخشت کاریهای مسجد گوهرشاد و مدرسه الغ بیگ و شاه زنده سمرقند و دیگر ابنیه آن وقت و همچنین در سر سورهای قرآنی مکتوب این عصر توان دیده و ازین برمی آید که کوفی نویسی درین عهد به تکامل نهایی خود در سیده بود. (شکل ۸۸)

در پهلوی تکامل و تنوع هفت قرن خط کوفی، تهذیب و هنری شدن نسخی نیز جریان داشت و در کتابهای فارسی روش کوفی مخلوط با نسخی در جریان این قرون دیده میشود، ولی چون نسخی جنبه تزئینی کمتر داشت برابنیه آنرا نمی نوشتند و از تهذیب و هنری گردیدن کوفی و نسخی بود که ثلث با فروع خود محقق و ریحان و رقاع بوجود آمد، و برای نوشتههای دفاتر و مناشیر خطی از امتزاج نسخی و فروع ثلث بنام توقیع یا مناشیر رواج یافت که نوشتن آن سهل و زود وبدون تکلفات هنری و بدیعی بود . و نمونه اینگونه خلط و امتزاج فروع ثلث را در نسخه کتاب التفهیم البیرونی (کتابخانه مجلس تهران) توان دید که در ۵۳۸ هـ ۱۱۴۳ م نوشته شده است . (شکل ۸۹)

خطاطان و هنرمندان خلاق در امتزاج این شیوه ها و پیدایش اسلوبهای خصوصی هنری در هر عصر دستی داشتند و بنابراین

امتیاز انواع این خطوط ممزوج و تعیین نام هر شیوه دشوار است. برابنیه و مقابر و کتب مر بوطنسا نس تیمو ریان در مملکتی که مورخ دربار آن عصر عبدالرزاق سمرقندی آنرا خراسان گوید نمونه‌های ذیل دیده میشود :

اول : انواع متعدد و متکامل کوفی که چند نمونه آن گفته شد.
دوم : ثلث بسیار پخته و متکامل مانند هفت ورق قرآن بخط شهزاده بایسنغر بن شاهرخ متوفا ۸۳۷ هـ ۱۴۳۳ (شکل ۹۰) و شصت ورق قرآن بخط شیخ محمد طغرانی تحریر ۸۰۹ هـ ۱۴۰۶ م و شانزده ورق قرآن بخط جلی ریحان و رقاع شهزاده ابراهیم سلطان بن شاهرخ تحریر ۸۲۷ هـ ۱۴۲۳ م (شکل ۹۱) و قرآن بخط خواجه عبدالله مروارید متوفا ۹۲۳ هـ ۱۵۱۶ م (شکل ۹۲) و قرآن به خط نسخ و ثلث و رقاع بسیار عالی عبدالله طباطبائی مروارید ۸۴۵ هـ ۱۴۴۱ م (شکل ۹۳) در گنجینه قرآن مشهد رضوی .

بر ابنیه نیز انواع متکامل و بسیار زیبای خط ثلث نمایان است مانند خطوط ثلث و ریحان و محقق و رقاع منارها و مسجد جامع و گازرگاه هرات و ابنیه دیگر آن شهر و ثلث تعلیق نمای بسیار عالی لوح مزار سید حسن ابدال در قندهار و خطوط متعدد ثلث و ریحان با یسنغر بن شاهرخ برپهلوی ایوانها و پیشانی و گنبد های مسجد گوهرشاد مشهد در سنه ۸۲۱ هـ ۱۴۱۸ م. (شکل ۸۶) ابنیه دوره تیموری در گازرگاه هرات و مشهد رضوی و سمرقند و بخارا در استعمال اقسام خطوط ثلث و کوفی و معقلی و ریحان و رقاع و نسخی و محقق و توقیع مظا هر بر جسته هنر خط نویسی و نسانس تیموریان است. و از آن جمله سنگ تاریخ مصلاهی هرات بخط جلی ثلث بسیار عالی عصر شاهرخ است که در چهار سطر بزبان فارسی بامر ملکه گوهرشاد در سنه ۸۴۱ هـ ۱۴۳۷ بقلم جلال جعفر نوشته شده است (شکل ۹۴) و این شخص فرزند خطاط معروف جعفر با یسنغر است که نمونه‌های خطوط پند و پسر هردو برابنیه هرات موجود است. همچنین قبر شیخ الاسلام محمد بن احمد ۸۳۸ هـ ۱۴۳۴ م در گازرگاه خط ثلث بسیار عالی دارد. و مادر اینجا نمونه بسیار عالی خط ثلث را از بقایای بنای محرابی در هرات گرفته ایم (شکل ۹۵) که در قصبه حوض کرباس غربی شهر هرات در مسجد

امتیاز انواع این خطوط ممزوج و تعیین نام هر شیوه دشوار است. برابنیه و مقابر و کتب مر بوطنسا نس تیمو ریان در مملکتی که مورخ دربار آن عصر عبدالرزاق سمرقندی آنرا خراسان گوید نمونه های ذیل دیده میشود :

اول : انواع متعدد و متکامل کوفی که چند نمونه آن گفته شد. دوم: ثلث بسیار ریخته و متکامل مانند هفت ورق قرآن بخط شهزاده بایسنغر بن شاهرخ متوفا ۸۳۷ هـ ۱۴۳۳ (شکل ۹۰) و شصت ورق قرآن بخط شیخ محمد طغرانی تحریر ۸۰۹ هـ ۱۴۰۶ م و شانزده ورق قرآن بخط جلی ریحان و رقاع شهزاده ابراهیم سلطان بن شاهرخ تحریر ۸۲۷ هـ ۱۴۲۳ م (شکل ۹۱) و قرآن بخط خواجه عبدالله مروارید متوفا ۹۲۳ هـ ۱۵۱۶ م (شکل ۹۲) و قرآن به خط نسخ و ثلث و رقاع بسیار عالی عبدالله طباخ هروری مورخ ۸۴۵ هـ ۱۴۴۱ م (شکل ۹۳) در گنجینه قرآن مشهد رضوی .

بر ابنیه نیز انواع متکامل و بسیار زیبای خط ثلث نمایان است مانند خطوط ثلث و ریحان و محقق و رقاع منارها و مسجد جامع و گازرگاه هرات و ابنیه دیگر آن شهر و ثلث تعلیق نمای بسیار عالی لوح مزار سید حسن ابدال در قندهار و خطوط متعدد ثلث و ریحان با یسنغر بن شاهرخ برپهلوی ایوانها و پیشانی و گنبد های مسجد گوهرشاد مشهد در سنه ۸۲۱ هـ ۱۴۱۸ م. (شکل ۸۶) ابنیه دوره تیموری در گازرگاه هرات و مشهد رضوی و سمرقند و بخارا در استعمال اقسام خطوط ثلث و کوفی و معقلی و ریحان و رقاع و نسخی و محقق و توقیع مظا هر بر جسته هنر خط نویسی زنسانس تیموریان است، واز آن جمله سنگ تاریخ مصلاهی هرات بخط جلی ثلث بسیار عالی عصر شاهرخ است که در چهار سطر بزبان فارسی بامر ملکه گوهرشاد در سنه ۸۴۱ هـ ۱۴۳۷ بقلم جلال جعفر نوشته شده است (شکل ۹۴) و این شخص فرزند خطاط معروف جعفر با یسنغر یست که نمونه های خطوط بند و پسر هر دو برابنیه هرات موجود است، همچنین قبر شیخ الاسلام محمد بن احمد ۸۳۸ هـ ۱۴۳۴ م در گازرگاه خط ثلث بسیار عالی دارد. و مادر اینجا نمونه بسیار عالی خط ثلث را از بقایای بنای محرابی در هرات گرفته ایم (شکل ۹۵) که در قصبه حوض کرباس غربی شهر هرات در مسجد

كوجك كهنه یی باقی مانده است و آنرا نمونه بسیار گرانبهای خطاطی و سبك تزئین بنا از هرات دوره تیموریان گفته میتوانیم ، كه شاید خط یكى از اساتید مانند جعفریابسرش باشد .

وهم بر بالای محراب مسجد بلند و مدرسه میر عرب بخارا خط ریحان جلی بسیار عالی کتیبه نویسی از قرن ۱۶ (شکل ۹۶) و بر اطراف طاق نماز گاه بخارا نمونه معقلی قرن ۱۶ (شکل ۹۷) و در مدرسه میر عرب بخارا و مسجد بی بی خانم سمر قند او آخر قرن ۱۴ نمونه

بسیار عالی جلی ثلث (شکل ۹۸) و همچنین ثلث جلی و متوسط متمایل بریحانی بر لوح مرمرین حکیم ترمذی در قرن چهارده و خط رقاع ریحانی بسیار عالی در مقبره جنوبی او زگند ۱۱۸۶ م نمایان است . (شکل ۹۹)

در اینجا باید یاد آوری کرد : كه از آغاز قرن ۱۴ در تركستان شیوه خاصی در ثلث وریحان و رقاع و نسخی بوجود آمده بود كه «شیوه تركستانی» باشد و آنرا مخلوطی از ثلث وریحان و محقق توان گفت كه نمونه آن قرآن با ترجمه تركی چغتایی بخط محمد بن شیخ یوسف اباری سید الخطاط ۷۳۷ هـ ۱۳۳۶ م گنجینه قرآن مشهد رضوی است (شکل ۱۰۰) و در همین گنجینه قرآن بخط ثلث شیوه تركستان قرآنی از قرن ۱۶ نیز موجود است (شکل ۱۰۱) كه این شیوه خاص تركستانی را در خطوط قرن ۱۴ - ۱۵ در آسیای میانه فراموش نباید كرد مخصوصاً نمونه بسیار زیبای جلی متمایل به تعلیق در تاریخ یكى از بناهای شاه زنده سمرقند در ۷۶۲ هـ ۱۳۶۰ م و بر سنگ مرقد قشمر بن عباس درسنه ۱۳۳۴ م و بر بالای ایوان قبر بیان قلی خان در بخارا ۱۳۵۹ م . (شکل ۱۰۲) .

سوم : چنانچه گفته شد خطوط عربی در خراسان تحول یافت و در طول قرن سیزده علاوه بر اقلام سته يك قلم جدید دیگر (كه كاملاً محصول ذوق و سلیقه مردم خراسان بود) متدرجاً بوجود آمد ، كه آنرا **تعلیق** گفتند و مخلوطی بود از نسخ و رقاع و توفیع و چون این خط در مراسلات سرکاری و عامه استعمال گردید آنرا **توسل** هم گفتند و مولانا جامی گفت :

کاتبان را هفت خط باشد بطرز مختلف
ثلث وریحان و محقق ، نسخ و توفیق و رقاع

بعد ازان تعلیق آن خطست کش اهل عجم

از خط توفیق استنباط کردند ، اختراع

تعلیق نسبت به خطوط دیگر پیچیده بود و بنا برین قا آنی آنرا بازلف خوبان تشبیه نمود: «ای زلف تو پیچیده تر از خط ترسل» خط تعلیق بر کتیبه و ابنیه نوشته نمی شد ، و گاهی در کتب و عموماً در مراسلات استعمال میشد .

از صفحهٔ اخیر نسخهٔ خطی طبقات الصوفیه کتابخانهٔ نا فد باشا در استانبول که با نسخی پخته به خط دمتاش بن عبدالله در شعبان ۶۷۲ هـ ۱۲۷۲م غالباً در خراسان نوشته شده ثابت می آید که خط نسخی درین زمان متمایل به تعلیق گشته بود ، زیرا درین صفحهٔ اخیر نسخه سطوری مشابه به خط تعلیق از قلم همین کاتب دیده میشود (شکل ۱۰۳) و بنا برین آغاز تعلیق را یک قرن پیش از خروج امیر تیمور باید دانست ، زیرا برگور همین امیر در سمرقند خطی که تعلیق نسخ آمیز متمایل به ثلث باشد دیده می شود و هم نمونهٔ نسخ تعلیق آمیز صفحات اخیر نسخهٔ اسرار التوحید کتابخانه سلیم آغادر استانبول است که در سنه ۷۰۰ هـ ۱۳۰۰ م به خط محمد صالح برای قاضی علی جوینی در خراسان نوشته شده ، که آن را نمونه رواج تعلیق گفته می توانیم .
(شکل ۱۰۴)

از کتیبهٔ مرقد قثم بن عباس در سمرقند نیز پدید می آید که در حدود ۱۳۳۴م خط نسخی و ثلث ماوراء النهر نیز به تعلیق متمایل بود و مادر اشکال (۴۹-۵۰-۶۹-۷۰-۷۵) نمونه های تحول خط نسخی و کوفی را به تعلیق بالتدریج دیده می توانیم و شاید نمونهٔ تبدیل تدریجی نسخی به تعلیق همان قباله زمین باشد که دکتر هورنل Hoernle یافت و مر گلیوث Margoliouth تاریخ آن را ۴۰۱ هـ ۱۰۱۰م خواند (۱) و هم بیلین Belin در کتیبهٔ فارسی مسجد کهنه ارض روم بر دیواری نوشتهٔ منقوری یافته بود که در سنه ۳۱۵ هـ ۹۶۰م نوشته شده (۲) و خط

(۱) جورنال ایشیاتیک سوساییتی ۷۶۱ بابت اکتوبر ۱۹۰۳ م

(۲) همین مجله ۳۷۶ طبع ۱۸۵۲م

مدور متمایل به نسخ و نستعلیق (؟) (توقیع) داشته است، که حلقه وصل با کوفی زاویه دار شمرده می شود، و از اسناد جدیدی که در باره قدمت شیوه توقیع بدست آمده، سطور آخرین نسخه قرآنیست که در حوت ۱۳۴۸ ش از ذخیره قرآنهاي آستان رضوی مشهد دريك پسخانه مسدود یافته شد و این عبارت در آخر آن به خط تعلیق خوانده میشود: «فرغ من کتبه يوم الثلثا السابع من ذی الحجه روز بهمن من شهر اسفند ار مذبنة خمس عشر واربعة مائة» واقف این نسخه قرآن ابوالوفانام داشت که درهیمین سنه ۴۱۵ هـ وقف کرده است (۱)، و ازین هم برمی آید که خط تعلیق در اوایل قرن پنجم هجری هم نوشته می شد، و هم شیوه های توقیع و تعلیق گاهی با هم آمیخته بود.

ازین اسناد حدس باید زد، که مبادی خط تعلیق قدیمتر است و در قرن ۱۳ - ۱۴ راه خود را به رواج عمومی و هنری شدن تزئینی کشوده است، که نمونه های آن را در خطوط بسیار استادانه زیبای تعلیق نویسان دوره تیموریان خواجه تاج الدین و خواجه اختیار هروی منشی سلطان حسین بایقرا و عبدالحمی منشی ابوسعید میرزا و خواجه عبدالله مروارید هروی توان دید. (شکل ۱۰۵ - ۱۰۶).

چهارم: در نصف اخیر قرن ۱۴م از امتزاج و تلفیق هنری نسخ و تعلیق خطی بسیار زیبا و دارای ارزش بدیعی به وجود آمده بود، که آنرا نستعلیق گویند، و نام آن هم دلالت بر آمیزش نسخ و تعلیق دارد. اگرچه واضح نستعلیق را میرعلی تبریزی قبله الکتاب (حدود ۷۹۰ هـ ۱۳۸۸ م) دانند و خطاط سلطان علی مشهدی گفته است:

نسخ تعلیق گر خفی و جلی است

واضع الاصل خواجه میرعلی است

وضع فرمود او، ز ذهن دقیق

از خط نسخ و ز خط تعلیق

مگر به قول ابوالفضل علامی در دیباچه (مرقع شاهی) بر خی از قطعات خط نستعلیق پیش از عصر نیمه و ر یعنی ۷۷۱ هـ ۱۳۶۹ م

(۱) این نسخه را نویسنده این سطور در حمل ۱۳۴۹ دیده ام.

بنظر آمده و خود نویسنده این سطور هم نمونه های نستعلیق را پیش ازین عصر دیده ام . چنانچه کتاب مجمع النوادر تالیف محمد عوض بن بختی شوع بخط نستعلیق نگاشته ۷۸۵ هـ ۱۲۸۳ م دیده شده ، که معاصر میرعلی است در کمال نفاست و نضج ، و باید پیش ازین عصر مراتب آغاز و پختگی را طی کرده باشد. و هم نسخه خط نستعلیق بسیار مهذب و پخته زیبای طبقات - الصوفیه انصاری در کتابخانه نوره عثمانیه استانبول بقلم نستعلیق نیمه جلی درویش صوفی در ۸۳۹ هـ ۱۴۳۵ م موجود است (شکل ۱۰۷) که معاصر اواخر عمر میر علی تبریزی باشد . و اگر واضح آن خط زامیر علی بدانیم نتوانیم گفت: که در همان عصر نستعلیق نویسان معاصرش هم بدان درجه پختگی و نضج هنری نستعلیق رسید باشند. و ازین روست که غلام محمد هفت قلمی دهلوی مولف «تذکره خوش نویسان» در حدود ۱۲۳۹ هـ ۱۸۲۳ م می نویسد: «که پیشتر از میرعلی تبریزی هم خط نستعلیق می نوشتند ، لیکن این مرد بزرگوار قواعد در خط نستعلیق مقرر نمود.» (۱) بنا برین زمان آغاز نستعلیق هنری واحد و ۷۰۰ هـ ۱۳۰۰ م تعیین باید کرد، در حالیکه اساس آن در خط تعلیق پیش از سه قرن گذاشته شده بود.

ما سندی درست داریم که نمونه نستعلیق نویسی را در اواخر قرن هشتم هجری بخط یک هروی نشان میدهد ، بدین معنی که نسخه خطی کتاب عجایب المخلوقات فارسی به نستعلیق خالص مورخه ربیع الاول سنه ۷۹۰ هـ در کتابخانه ملی پاریس موجود است (۳۳۲ تکمله فارسی) که در آخر آن نوشته اند: بتا ریخ غره ربیع الاول سنه ۷۹۰ بخط العبد احمد هروی عفی عنه .

این کتاب برای کتابخانه سلطنتی از احمد خان (شیخ اویس ایلکانی ۷۸۴-۸۱۳ هـ) نوشته شده است (یا دداشتهای قزوینی ۷-۲۰۳) بهر صورت در عصر تیمور و شاهرخ خط نستعلیق که زیباترین خطوط بوده و هم زاده قریح تاناک مردم خراسان است ، در مملکت تیموریان زواج کامل یافت و برانیه و کتب مستعمل گردید و در دربار تیموریان شاگردان میرعلی که استاد و مرتب این خط

(۱) تذکره خوش نویسان ۴۳ طبع کلکته ۱۹۱۰ م

بود (شکل ۱۰۸) بعد از عبدالله پسر هنر مندش پرورش یافتند ، که از انجمله مولانا جعفر و پسرش جلال و مولانا اظهر متوفای ۸۸۰ هـ ۱۴۷۵ م و پسرش محمد و سلطان علی بن محمد مشهدی و میر علی هروی و محمد او بیبی و سلطان محمد خندان و سلطان محمد نور و دیگر مشاهیر نستعلیق نویسندگانند (شکل ۱۰۹-۱۱۰-۱۱۱-۱۱۲) که بعد از قرن ۱۶ سبک نستعلیق ایشان از هرات به ماوراء النهر و ایران و هند و عثمانی نیز انتقال یافت.

نقائس آثار هنری نستعلیق نویسی برابنیه تیموریان در هرات فراوان است . مانند لوح قدیم مرقد مولانا جامی منسوب بخط میرعلی هروی و لوح مزار شیخ زین العابدین خوافی ۸۳۸ هـ ۱۴۳۴ م و لوحه سنگ مرمری با خط نستعلیق بسیار جلی و عالی در رواق حوضی زمزم گازرگاه هرات و قطعات سنگ مرمر مرقد هرات ۸۵۹ هـ ۱۴۵۴ م و الواح نستعلیق گازرگاه بر قبر رستم محمد خان و خط نستعلیق سلطان علی مشهدی برگور امیر غیاث الدین منصور پدر سلطان بایقرا ۸۸۲ هـ ۱۴۷۷ م و چهار قبر دیگر شهزادگان تیموری بخط همین سلطان علی . و چند مرثیه در اندرون گنبد آرامگاه شهزاده بایسنغر در خیابان هرات و دو بیت بقلم بسیار قوی جلی نستعلیق بر مرمر سپید مرقد پیر هرات بخط حسن خان شاملو . (شکل ۱۱۴) درین عصر عموماً کتابها را به نستعلیق خوش می نوشتند و نستعلیق نویسان مکتب هرات ، آثار گرانمایه و شهکارهای خطی بوجود آورده اند ، که از انجمله جعفر بایسنغری شهکار هنری خود یعنی نسخه نقیسه شاهنامه بایسنغری را در سنه ۸۳۳ هـ ۱۴۲۹ م نوشت که در موزه گلستان تهران است . (شکل ۱۱۵) و هم سه ورق مجموعه خطوط نستعلیق و ریحان و نسخی و لث و رقاع و شکسته و نستعلیق با مضای اوست در موزه ملی تهران (شکل ۱۰۹) و هم هشت نمونه دیگر خط او بر کتب و دواوین شعرا و البم هادر موزیم های دنیا موجود است .

بنجم: خط تعلیق و نستعلیق در طول قرن ۱۵ و خروج امیر تیمور در پهلوی نسخ و فروع لث در سر تاسر مملکت تیموریان رواج داشت و کاتبان دفاتر و امور عامه در ضمن جابک نویسی از امتزاج و درهم شکستن هر دو خطی بوجود آوردند که آنرا شکسته یا شکسته نستعلیق گویند.

اسلوب شکسته نو یسی نیز در طول قرن ۱۵-۱۶ رنگ فنی و هنری
 گرفت و مامی بینیم که در عصر ریموریان هرات علاوه بر اقام ستمه
 اساسی و دو قلم تعلیق و نستعلیق یک فلم مهم شکسته مستقلا افزود
 شد و استاد جعفر با یسنغری در اوراق نمونه خطوط مذکوره
 خویش که در موزه ملی تهران است: سطر بسیار زیبا و نفیسی را
 بهمین شکسته نستعلیق هم نوشته است (شکل ۱۰۹) که پختگی ایسی
 شیوه زاد عصر شاهرخ میرساند. و بعد ازان میرزا فصیحی هروی و
 شفیعای هروی و مرتضی قلی شا ملو هروی و در ویش عبد المجید طالقانی
 و غیره از هنرمندان نامور این طریقه اند و برخی از شکسته نویسان
 چون شیوه خاصی داشتند، آنرا شکسته آمیز و منسوب به شفیعای
 هروی **خط شفیعیه** هم گفته اند.

ولی خط شکسته برای کتاب و کتیبه نویسی کمتر استعمال شده
 و رواج آن تاکنون هم برای مراسلات عامه و دفتری بوده، و گاهی
 بطور نمونه هنری و تزئینی بر قطعات زیبا نوشته شده است (شکل
 ۱۱۶).

خوشنویسان متأخر

درباره خوش نویسان و خطاطا متأخر افغانستان چند کتاب درین اواخر نشر شده که شرح حال نمونه های خط خطاطان متأخر را به تفصیل نوشته و آورده اندمانند:

۱- هنر خط در افغانستان در دو قرن اخیر تألیف بناغلی عزیز الدین ووفلزائی طبع کابل ۱۳۴۲ ش که خود از اساتید معاصر هنر خط اند و درین کتاب تذکره بسا خطاطان افغانستان را نوشته و هم نمونه های فراوان انواع خطوط خود را داده اند که ازان مهارت او در اکثر خطوط قدیم و جدید ظاهر است و قدرت خامه او مسلم .

۲- گنجینه خطوط در افغانستان از جناب آخوند میرمحمد علی هروی طبع کابل ۱۳۴۶ ش که وی نیز از اساتید هنر خطاطی است و انواع خطوط را بقلم خود نوشته است .

۳- تعلیقات بردیبا جه دوست محمد کتابدار از مرحوم فکری سلجوقی هروی ، که کتابی مفید است و دران ذکر برخی از خطاطان متأخر با نمونه های خطوط ایشان آمده است ، این کتاب از سنه ۱۳۴۶ تا ۱۳۴۸ در مجله آریانا طبع کابل نشر گردیده و در سنه ۱۳۴۹ یکجا بطور کتاب علاحده هم انتشار یافته است که قسمت اخیر آن بعد از وفات مرحوم فکری بهمت فرزند هنرمند او حسین وفا سلجوقی نشر گردیده است. این پدرو فرزند هر دو از خوش نویسان و خطاطان گرانمایه معاصرند.

برای اینکه کتاب حاضر از ذک خطاطان گرانمایه متأخر و معاصر خالی نماند ، نمونه های خطوط برگزیدگان گرامی این گروه را نیز آورده ایم:

شکل ۱۱۷ : نمونه خط میرعبدالرحمن هروی استاد نستعلیق در قرن سیزدهم هجری .

شکل ۱۱۸ : نمونه خط مرحوم سید عظامحمد قندهاری استاد نستعلیق در قرن چهاردهم هجری .

شکل ۱۱۹ : نمونه خط مرحوم میرزا محمد یعقوب کابلی استاد نستعلیق در قرن چهاردهم هجری .

- شکل ۱۲۰ : نمونه خط مرحوم شیخ محمد رضا هر و ی
 استاد خطوط در قرن چهارم هجری .
- شکل ۱۲۱ : نمونه خط بناغلی محمد داؤد حسینی
 استاد خطوط در قرن چهارم هجری .
- شکل ۱۲۲ : نمونه خط بناغلی سید محمد ایشان حسینی
 استاد خطوط در قرن چهارم هجری .
- شکل ۱۲۳ : نمونه خط بناغلی عزیز الدین فو فلز ائی
 استاد خطوط در قرن چهارم هجری .
- شکل ۱۲۴ : نمونه خط بناغلی آخوند محمد علی هر و ی
 استاد خطوط در قرن چهارم هجری .
- شکل ۱۲۵ : نمونه خط بناغلی حسین وفا سلجوقی جوان
 هنرمند معاصر .

رسم الخط پښتو

زبان پښتو که بیش از ۱۵ میلیون گوینده در افغانستان و پښتونستان دارد با وجودیکه از اسننه قدیم آریاییست ولی آثار خطی آن از زمان کهن باقی نمانده و معلوماتی نداریم ، که قبل از رواج خط و حروف عربی (نسخی - کوفی) این زبان چه رسم الخطی داشته است ؟

از آثار یافته شده خطوط آرامی- یونانی - دیوه ناگری - خروشمی درباره خط قدیم پښتو سراغی بدست نمی آید .

از سنگ نوشته های توچی و جغتو و روزگان که بخط شکسته یونانی و یک لهجه شرقی دری قدیم (تخاری) است میدانیم ، که در محیط زندگی افغانان خطوط یونانی و شاردان + ناگری و خروشمی رواج داشت . ولی معلوم نیست که آثار ادبی قدیم پښتو در اوایل اسلام بکدام خط نوشته می شد ؟

از آثار ادبی کهن زبان پښتو که از قرن ۷-۸-۹م باقیمانده روشن می آید ، که این زبان در غزنه و غور و در بارهای سوریان غور و لودیان ملتان و هم در قبایل پښتون کوه سلیمان ، لسان ادب و شعر بوده ، ولی از رسم الخط کهن آن ، قبل از رواج خط عربی خبری نداریم .

در سنگ نوشته بیستون پارس که با مرداریوش هخامنشی (۵۲۲ - ۴۸۶ ق م) بخط میخی و زبان فرس قدیم کنده شده ، در ستون چهارم (سطر ۶۳-۶۴) یک حماسه اخلاقی مضبوطست ، که به عقیده برخی از دانشمندان یک قطعه سه مصراعی است ، که هر مصرع آن شش هجا دارد . (۱)

الفاظ و کلمات این سه مصرع منظوم اگر بغور و دقت تحلیل گردد ، باندک تحول لهجوی عینا به پښتوی امروزی برمیگردد ، و میتوان آنرا به مصرعهای شش هجایی پښتو تبدیل کرد ، در حالیکه اصالت کلمات و ریشه های کهن آن بجا باشد ، و در پښتو هم امروز باندک تحولی مستعمل !

(۱) کنجکا و بهای علمی و ادبی طبع تهران ۱۳۲۹ مقاله دکتر معین

ص ۴۲

این سه مصراع در اصل کتا به بخط میخی چنین است : (۱)

=<āī ۱ ← \ āā ēī āī [āē] \ āā ēē-āī \

ē<āī ۱ ← \ āā ēī āā ēē ēē \ āā ēē-āī \

ē<āī ۱ ← \ āā ēī ēē ēī \ āā ēē-āī \

اگر به خط امروزی بنویسیم ، چنین میشود :

نی ای که اوم (نه - یی - ای - که - وم)
نی درو جنه اوم (نه - یی - درو - جه - نه - وم)
نی زور کپه اوم (نه - یی - زور - که - په - وم)
تقطیع متن فرس قدیم بخط انگلیسی چنین است :

مصراع ۱ : naiy	a	rai	ka	â	ham = ۶
نی	ا	ری	که	آ	هم
مصراع ۲ : naiy drau	ja	na	â	ham = ۶	
نی	درو	جه	آ	هم	
مصراع ۳ : naiy zür	ka	ra	â	ham = ۶	

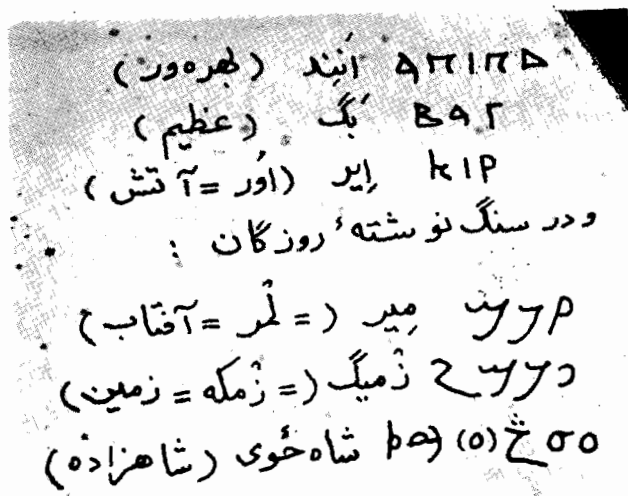
اکنون باید دید، که چگونه این متن قدیم به آسانی به پنتو بر میگردد ؟

نی (نه یی) ای که اوم (دهیچا ایکی اومانع نهوم)
نی (نه یی) درو جنه وم (نه ماد جا سره دروه در لوده)
نی (نه یی) زور کپه وم (نه پرچازور کپونکی وم)
چون اصل کتابه همه بخط میخی قدیم عهد هخامنشی است ، بنابراین

(۱) نوشته های فرس قدیم در خط میخی ۶۷ طبع دانشگاه پهلوی شیراز ، از نورمن شارپ واو لیدرشن ۱۲۹ تا لیف کنت طبع امریکا ۱۹۳۵ م.

نوان گفت : که يك نمونه نو شته کلمات و جمله بندی بسيار قريب به پښتو در خط ميخي قد يم موجود است ، وهم در رسم الخط يوناني مروج عصر عروج کوشانيان در اوایل عهد ميلادی در زبان تخاری يالهیجه شرقی در ی قدیم ، که بسيار نزدیک به پښتو بود، رسم الخط برخی از کلمات مشترک پښتو و تخاری در سنگ نو شته ها باقی مانده که ازان لاقول شکل مخطوط برخی از کلمات پښتو را تو ان دریافت .

مثلا در سنگ نو شته بغلان کلمات : (۱)



چون بعد از دوره خطوط قدیم ، در عصر اسلامی بافتوح عربی رسم الخط کوفی و نسخی با قرآن و اسلام بافغانستان آمد ، و این رسم الخط قرآن بقایای خطوط قدیم را بشدت تسرعت در نوردید ، بنابراین با ید گفت : که اگر مطلبی را بزبان پښتومی نوشته اند ، شاید بهمان رسم الخط نو وارد کوفی یا نسخی بود .

از قدیم ترین کتاب نوشته شده تذکره الاولیاء سلیمان ماکو بن بارک خان (ساکن ارغسان قندهار) که در سنه ۶۱۲ ق تالیف شده و فقط هفت صفحه آن بدست آمده ، و در سنه ۱۳۲۰ ش در کتاب پښتانه شعراء (جلد اول طبع کابل) عین آنرا عکاسی و نشر کرده ام ، و حتما

(۱) هفت کتیبه قدیم طبع کابل ۱۳۴۸ ش از حبیبی .

کتابت بعد از سال هزارم ق است پدید می آید، که کتابهای پنبنتو را
بخط رایج الوقت می نوشته اند.

خط این صفحات تذکرة الاولیاء مخلوطی است از نستعلیق +
نسخی بسیار ابتدایی و ناپخته و نازیبی، که خواندن آن هم مشکل است،
و نوشتن این صفحات را بعد از سال هزارم قمری هجری تخمین
نوان کرد. (شکل ۱۲۷)

اما قدیمترین کتاب دارای تاریخ کتابت که بزبان پنبنتو باقیمانده،
همان نسخه واحد خطی خیرالبیان تألیف بایزید انصاری مشهور به
پیر روینان (۹۲۱-۹۸۶ ق) صوفی نبرد آزمای آزادیخواه قرن دهم
است، که بخط فقیر بهار تویی (۱) بتاریخ ۲۰ رمضان ۱۰۶۱ ق برای
بی بی خیر خاتون نوشته شده و نسخه خطی واحد آن اکنون در
کتابخانه توبنگن المان غربیست، و خط آن نستعلیق متوسط است.
که ارزش هنری فراوان ندارد. (شکل ۱۲۸)

بهر صورت از ملا حظة صفحات تذکرة الاولیاء و خیرالبیان و برخی
از نسخ قدیم پنبنتو که در حدود سال هزارم هجری کتابت شده
میدانیم، که شیوة نسخی + نستعلیق رادر نوشتن پنبنتو بکار
می برده اند و همین شیوه در تمام نسخ قدیم کلیات خوشحال خان خٚک
و آثار منظوم و منثور دود مان او هم دیده میشود.

چنین بنظر می آید، که پیش از پیر روینان، مردم بارسم الخط
پنبنتو کمتر آشنایی داشتند، و چون مردم پنبنتو زبان، قرنها
باحمله آوران شرقی و غربی دست بگریبان بودند، با کتاب و نوشتن
کمتر سرو کاری داشته اند، و اندرین گپرو دار تحمل فرسا،
رسم الخط پنبنتو نیز مهجور مانده بود.

دولت شاعر پنبنتو درباره مرشد خود پیر روینان (حدود ۹۸۰ ق)
گوید:

افغانی لفظ مشکل و، لوست کوبینن نشه

ورته و شوه کنند ه دیا رلس حر فونه

یعنی: «لفظ افغانی مشکل بود، خوانده و نوشته نمی شد، پس ۱۳

(۱) در اصل توی است که آنرا سهواً طوسی خوانده اند. ولی
تویی منسو بست به توی نام جاییکه در وادی ماوراء خیبر بود.

حرف آنرا ترتیب داد. « وازین برمی آید ، که اصوات مخصوص پنبنتورا باشکال خاص در الفبای عربی و فارسی جای داده باشد . کتاب خیر البیان بایزید به چهار زبان پنبنتو - عربی - فارسی - پنجابی تألیف شده، و در آغا زان بایزید ۱۴ صفحه را وقف شرح اصوات خاص پنبنتو نموده و اشکالی را بیان داشته که مادر شکل (۱۲۶) در دستون خاص نوشته ایم. و لسی این رسم الخط خیر البیان بانسخه های خطی مخزن اسلام اخوند درویزه که در همان عصر در مقابل خیر البیان تألیف شده تفا و تی دارد ، و در شیوه خط هم اکثر نسخ قدیم خطی مخزن برسم الخط نسخی اند ، و تفاوت اشکال حروف خاص پنبنتو را در جدول (۱۲۶) ملاحظه کرده می توانید .

در قرن ۱۱ و ۱۲ هجری دو مرکز کتاب نویسی پنبنتورا میشناسیم ، که یکی در ملتان بو دو در آنجا مخصوصاً نسخه های مخزن اسلام اخوند درویزه (متوفی ۱۰۴۸ هـ) را که یکی از مخالفان سرسخت بایزید پیر رو بنیان است می نوشته اند، و من نسخه های متعدد مخزن اسلام را دیده ام، که در ملتان بخط کاتبان متعدد نوشته است مثلاً در ۱۱۴۴ق و ۱۱۶۷ق .

مرکز دوم کتاب نویسی در اکویرده ختک و مقر خاندان خوشحال خان بود ، که بسا نسخ خطی کلیات خوشحال خان در اینجا به امر افضل خان بن اشرف خان بن خوشحال خان بقلم شیخ محمد اعظم نو مسلم بخط نستعلیق ملیحی نوشته شده است. و از آن جمله نسخه بیست در حدود ۱۵۰۰ صفحه که همین شخص بتاریخ ۱۸ جمادی الثانیه ۱۱۴۲ هـ بامر اسد خان ختک نوشته و اکنون در نسخ خطی کتابخانه عامه کابل موجود است .

در جمله نسخ قدیم پنبنتو، دیوان دولت مرید پیر رو بنان (حدود ۱۰۵۸ هـ) وسلوک الغزاة تألیف ملا مست زمند (حدود ۱۰۰۰ هـ) هم در کتابخانه خطی کابل موجود بود، و هم کتابی منظوم بسبک خیر البیان در قندهار نزد مرحوم دوست محمد پریش بود، که این نسخه هانیز بخط نستعلیق نوشته شده اند .

در قرن ۹-۱۰ هـ از هنگامیکه نسخه های خطی پنبنتو باقیمانده ، شیوه نستعلیق رسم متبع کاتبان پنبنتو بود ولی گاهی در نسخ خطی مخزن اسلام اخوند درویزه عبارات پنبنتو را به رسم الخط نسخی و فارسی را به نستعلیق نوشته اند ، و بعد از آن هم تا حدود ۱۲۰۰ هـ گاهی به

نستعلیق وزمانی به خط نسخ دیده میشود ، مثلا نسخه های دیوان پنبنتوی احمدشاه بابا به نستعلیق خوشی موجودند (نسخه خطی کتابخانه عامه کابل و نسخه خطی کتابخانه تاشکند) ولی بعد از آغاز قرن ۱۳ اکثر نسخه هارابه خطنسخی خوبی نوشته اند. وهنگامیکه فن طباعت درهند و افغانستان رواج یافت ، نیز تمام کتب پنبنتو رابه خط نسخ نوشته و طبع کرده اند ، وهم در اروپا حروف پنبنتو را به شیوه نسخ زیبا ساخته اند، که نمونه آن چاپ گلشن روه تالیف راورتی (طبع هر تفورد ۱۸۶۰م) و دپنبنتونخواها رو بهار تالیف دار مستتر (طبع پاریس ۱۸۸۸م) است . وهم کلید افغانی تا لیف پادری هیوز (طبع لا هو ۱۸۹۳) .

درنوشتن شیوه نسخ یانستعلیق خط پنبنتو بافارسی و عربی فرقی ندارد ، ولی چنانچه گفتیم پیروبنیان در اوقات تالیف خیر البیان چند صفحه آن کتابرا به املا ی اصوات مستعمل در پنبنتو اختصاص داد، و شاید این اشکال را ازروایات قدیم رسم الخط پنبنتو درین رساله شرح داده باشد .

اخذ درویزه نیز درباره اشکال اصوات مخصوص پنبنتو چنین شرح میدهد :

«دیگر معلوم باد که چون حروف در الفاظ افغانی وهندوی ثقیل می آیند بنابراین علامتی بران آورده میشود تا معلوم گردد، که این همان حرف ثقیل است . چنانچه پ چون ثقیل شود ، سه نقطه در تحت او ایزاد گردد پ میشود. و گاهی ت چون ثقیل شود جزمک در تحت آن داده پ میشود و گاهی ج چون ثقیل شود ، سه نقطه در تحت او نهاده چ میشود ، و گاهی چون ثقیل تر شود ، سه نقطه بر فوق او نهاده خ میشود . و گاهی د چون ثقیل شود، جزمک در تحت او ایزاد گردد پ میشود. و گاهی ز معجمه چون ثقیل شود سه نقطه بر فوق او داده ژ میشود ، و چون ثقیل تر شود یک نقطه بر فوق و یک نقطه در تحت ایزاد گردد ، پ میشود، و گاهی س مهمله چون ثقیل شود ، یک نقطه بر فوق و یک نقطه در تحت آن نهاده ش میشود ، و گ عربی چون عجمی شود ، سرکشش کاف را اندکی طرف تحت کج کرد، ک

عجمی میشود . . . (۱)

در املائی حروف پنبنتو که اصوات خاص این زبان را نمایندگی میکند،
در عربی و فارسی آن اصوات نیست هشت حرف خاص موجود
است :

پ - خ - ح - ج - د - ذ - ن - نی - ن

ازین حروف خاص در شرح با لاذکر (خ - ن) نیست، و تا مدتی حرف
اول را (خ) یابد و نقطه بالا و پایین و حرف دوم را هم به شکل نر نوشته اند

در رسم الخط خیرالبیان این حروف را چنین می نوشته اند :

پ - خ - ح (یک نقطه زیر شکل د) - ذ - ن (ز) - ن (بین دیک نقطه) - نی - ن
اما در رسم الخط خاندان خوشحال خان چنین است :

پ (ط ز ی ر آن یک همزه) ح (ح در بین دو نقطه و یک

همزه) خ (ح زیر آن همزه) د (بالای د یک همزه) ذ (بالای ر یک همزه)

ن (ز) نی (ش) ن (بالای نون یک همزه) . (برای شرح رجوع به شکل ۱۲۶)

دواوین و کتابهای چاپ شده پنبنتو درین قرن اخیر تماماً به
نسخی نوشته و طبع شده، و تاکنون همین شیوه نسخی در چاپ
و قلم متبع است .

در شیوه نسخی پنبنتو ، کو چکی کشش های حروف با گردی دوایر
و خانه ها و سادگی نوشته بدو رعایت تزئین مراعات شده و امروز
استاد ترین خطاطان این شیوه جناب استاد عزیز الدین پوپلزایی است .

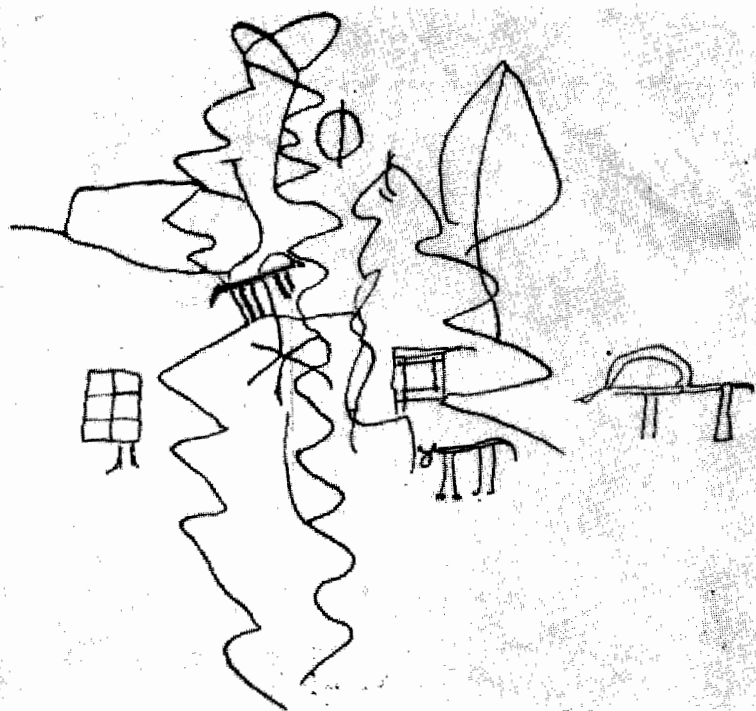
(عکس ۱۲۹)

در شماره های شمس النهار که بعد از ۱۲۹۰ از بالا حصار کا بل
بزبان دری و خط نستعلیق خوب میرزا عبدالعلی چاپ و نشر میشد
نیز دیده میشود که اگر کلمه پنبنتو یا اسمی و یا جمله ای ازین زبان در
ضمن انشاء دری آید ، آنرا به نستعلیق نی ، بلکه با نسخی
خوب و دلگشایی می نویسند ، و لی بالعکس بر مهر سر منشی دربار امیر
شیر علی خان (محمد نبی واصل) به نستعلیق بسیار زیبا و پسندیده
کلمات پنبنتو (لوکینیل) را با دبیر الملک نوشته اند .

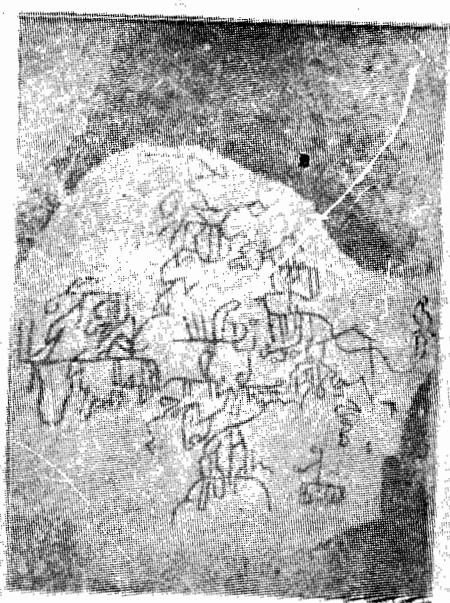
بهر صورت : رسم الخط متبع و مروج زبان پنبنتو نسخی بود ، ولی
گاه گاهی با نستعلیق هم نوشته اند . و این امر البته به ذوق و مهارت کاتب
مربوط بوده است .

(۱) مخزن ۱۳۷ طبع پشاور ۱۹۶۹

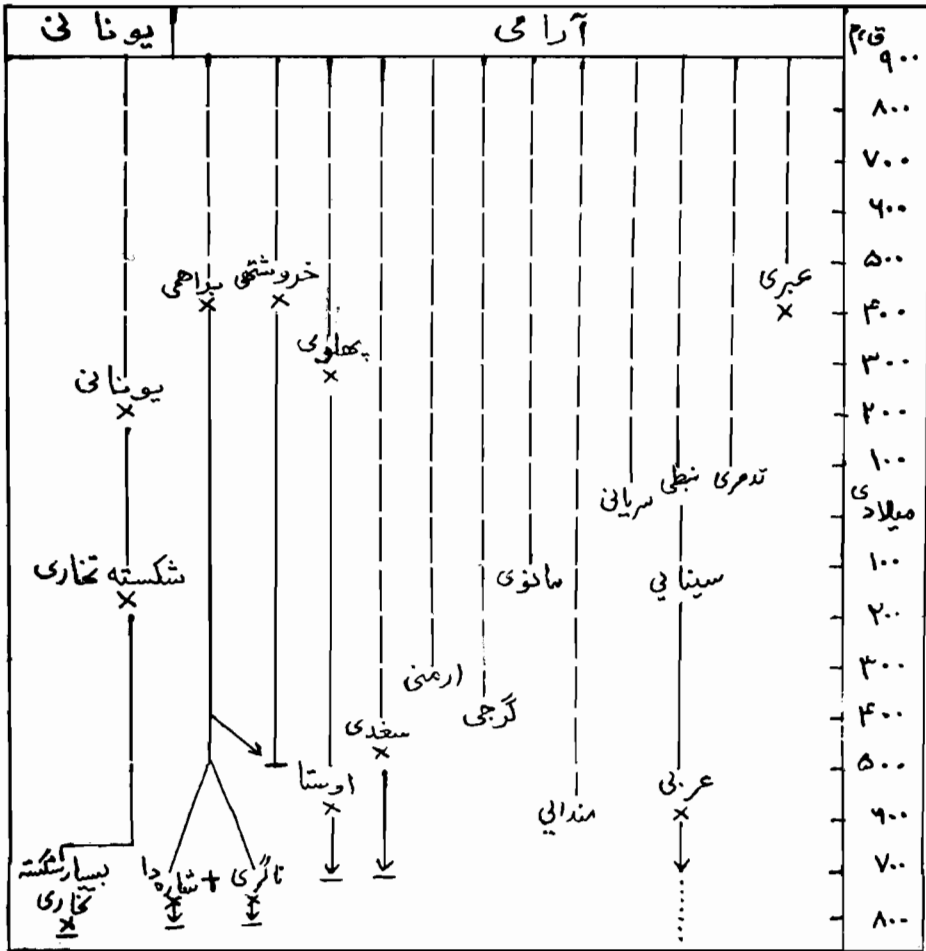
لهم



↑
 شکل (۲)
 بر صخره کوه
 هزار سم
 سنگان



← شکل (۱)
 بر صخره کوه
 دره الی شنگ
 لغان



شکل سوم پیدایش خطوط

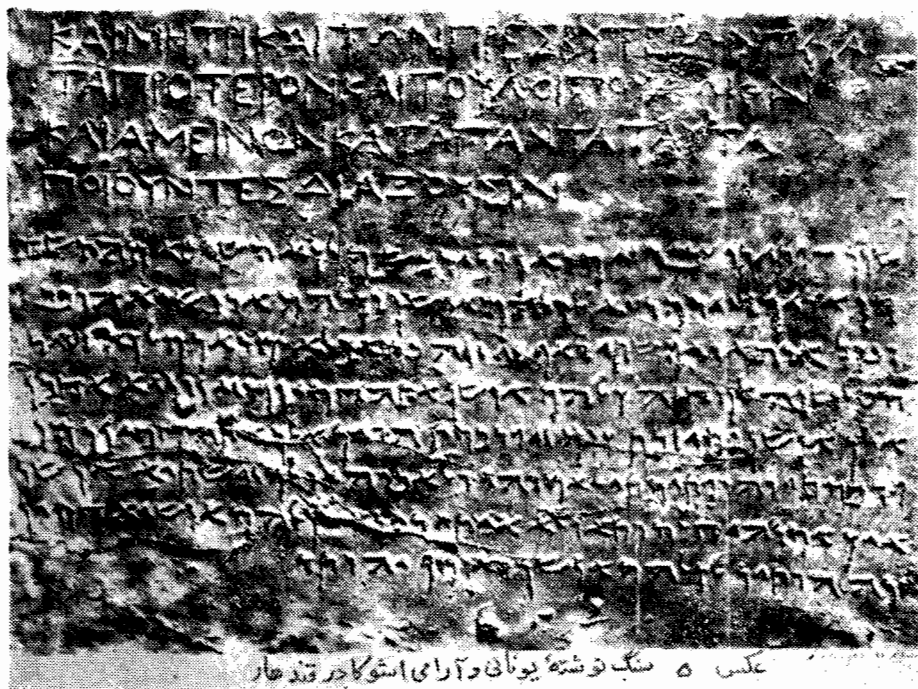
- علامت خطوطی که در افغانستان قدیم بوده .
- تسلسل خطوط برایشه اصل .
- دوام خطوط و تحول آن بشکل دیگر .
- دوام آن تا کنون در افغانستان .
- قطع استعمال خطوط در افغانستان .



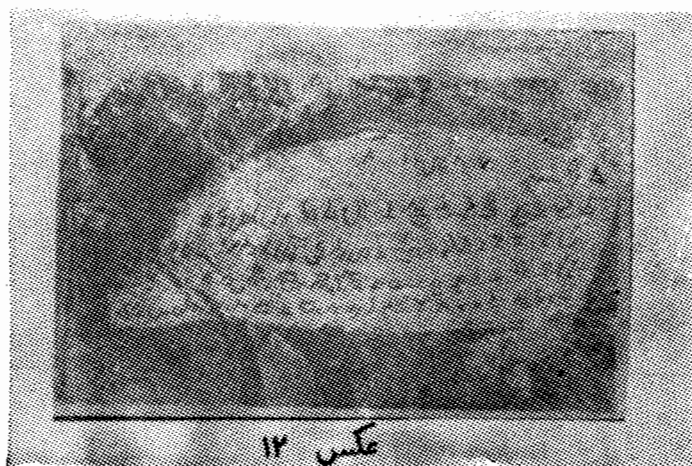
شکل ۴

کتیبه آرامی مکشوفه از تکسیلا
که جون مارشل در حفريات آنجا کشف
کرد ، و تاريخ آنرا به حدود ۵۰۰-
ق ، م ميرسانند .

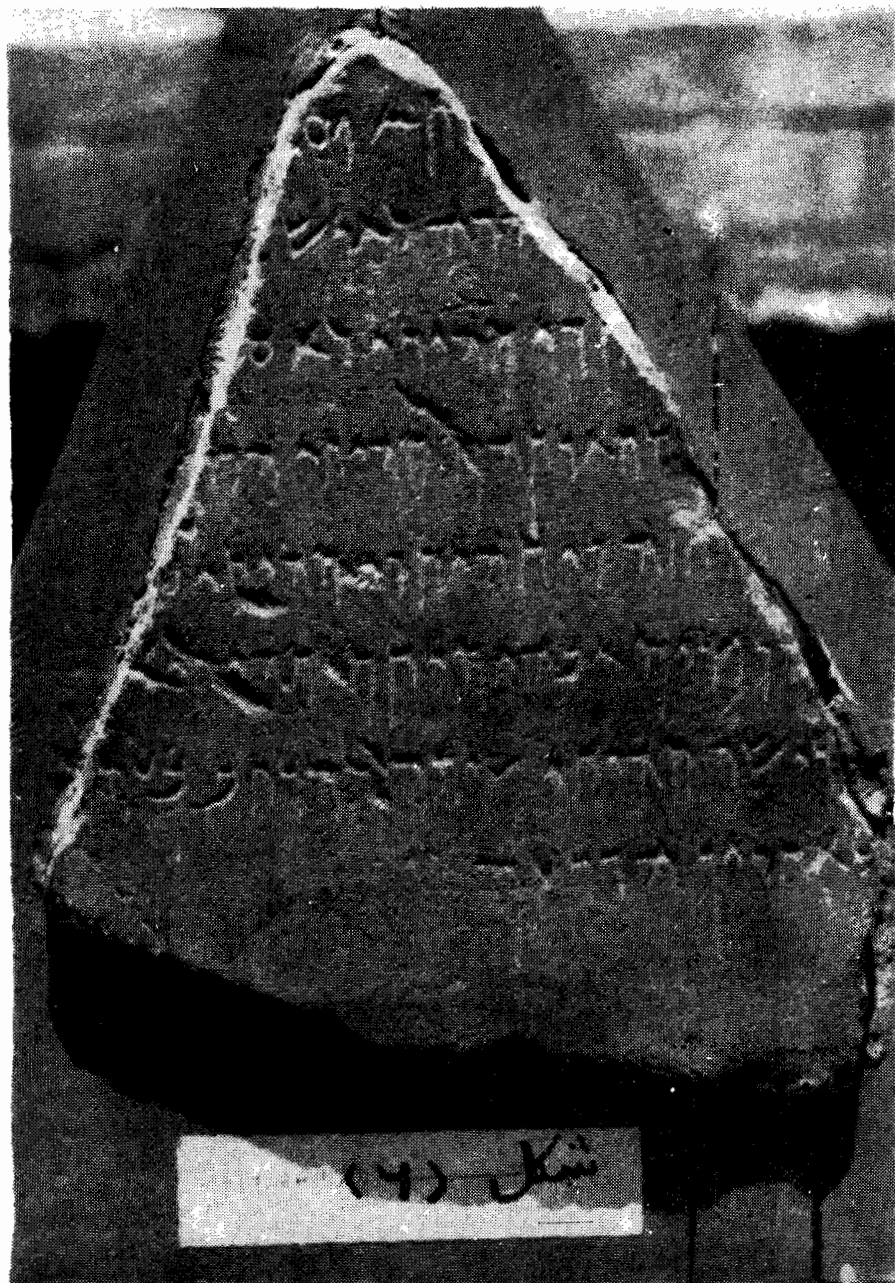
عکس اين سنگ نوشته بسيار
قديم از کتاب رهنمای تکسیلا تالیف
جون مارشل گرفته شده است .



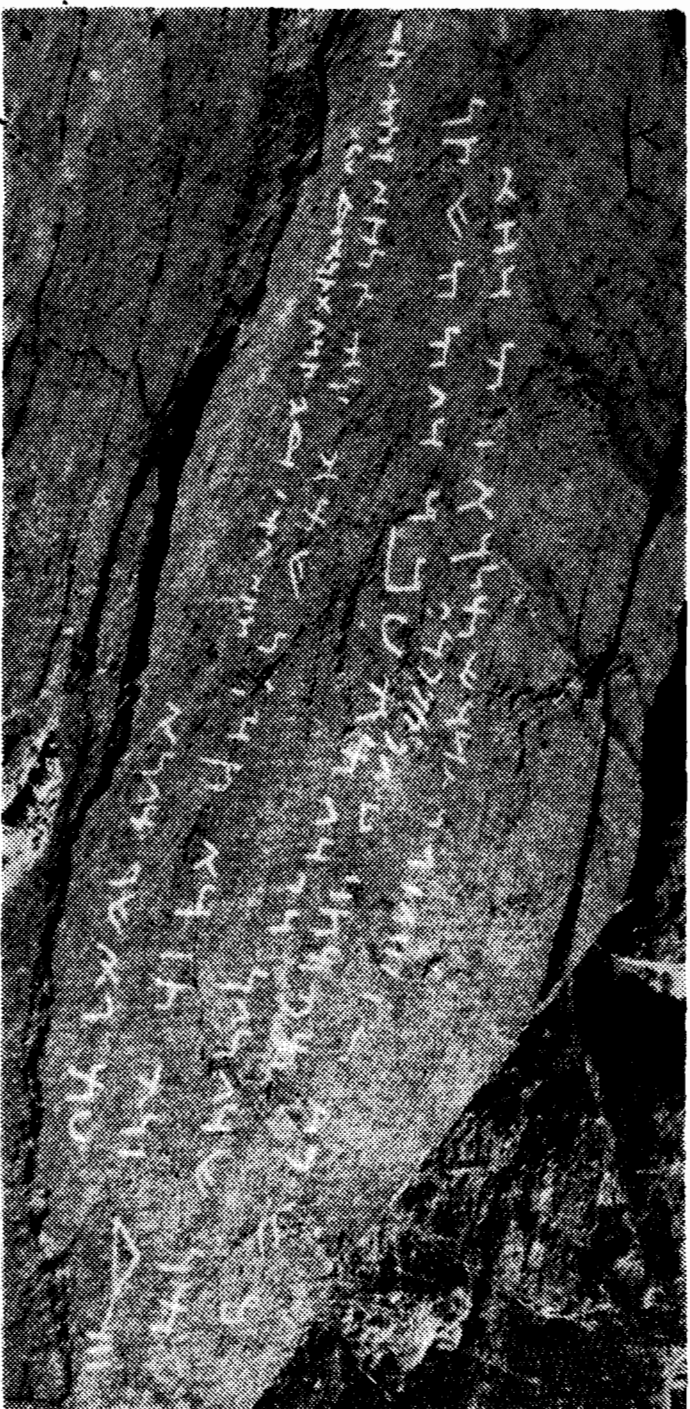
عکس ۵ سنگ نوشته یونانی و آرامی اشوکا در قندهار



عکس ۱۲



سنگ نوشته آرامی درونیه



۷- سنگ نوشته آرامی اصفهان



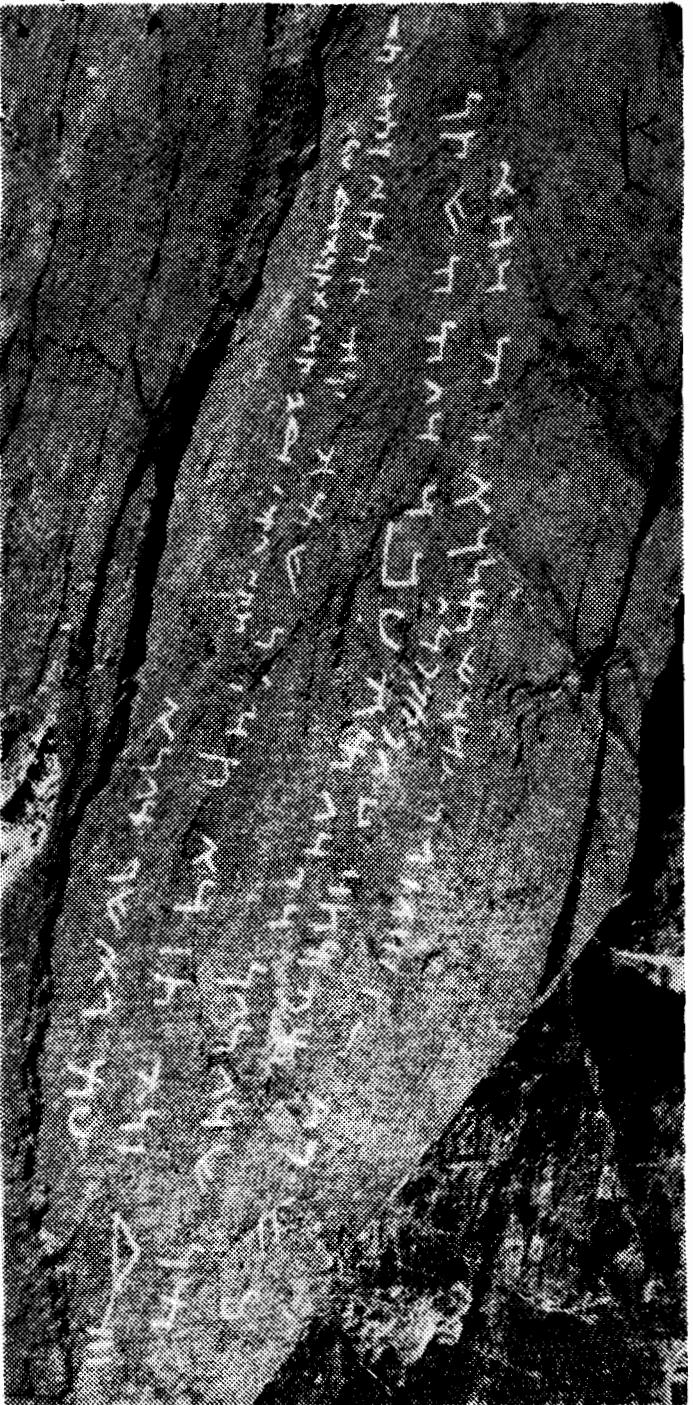
← کیداره

→ ورهران



← پيرو

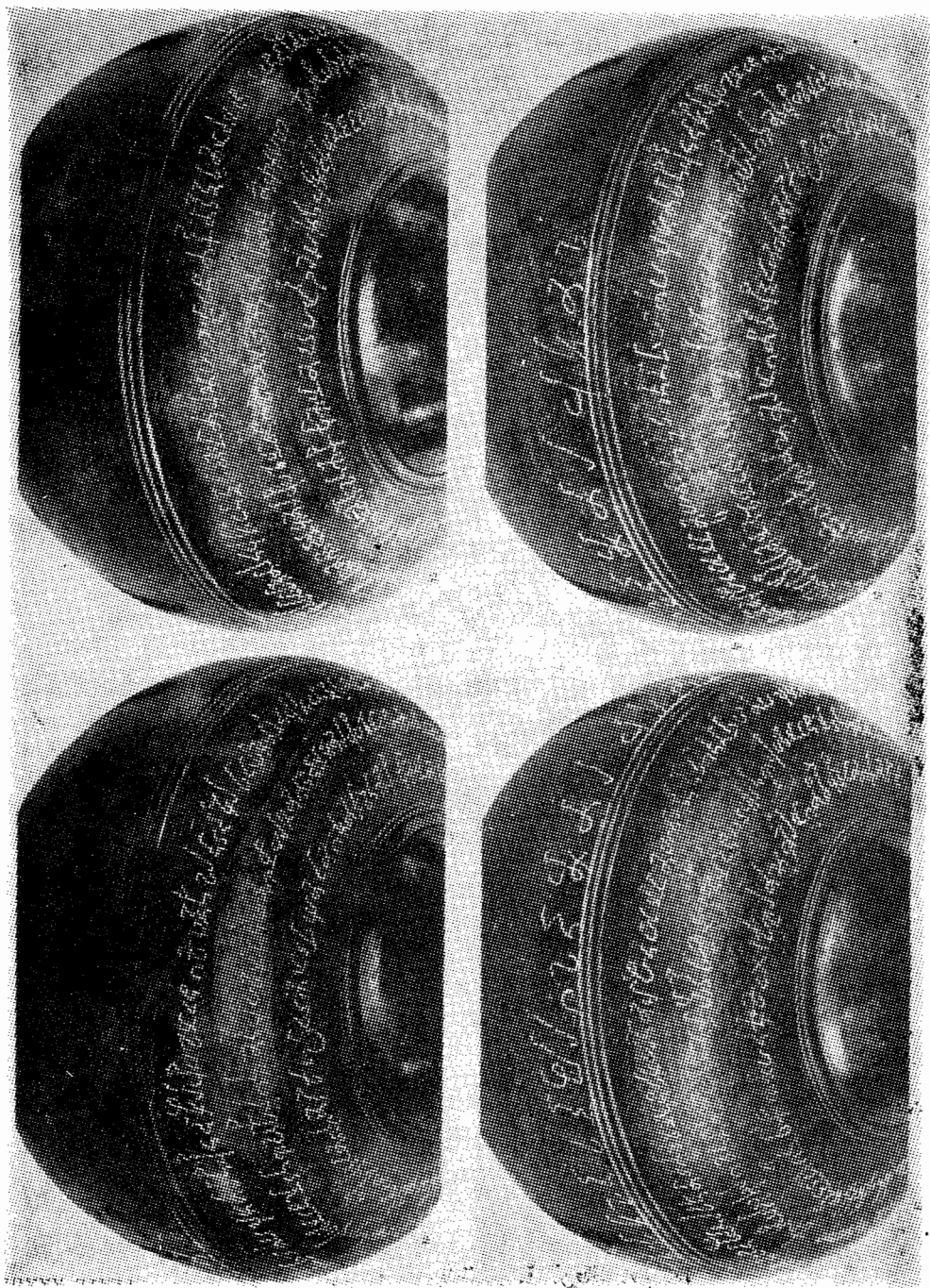
عكس v خطوط براهمي برمسكوكات كيداريان



۷ - سنگی نوشته آرامی گنمان

1	2	3	4	5	6	7	8	9	10	11	12	13	14
15	16	17	18	19	20	21	22	23	24	25	26	27	28
29	30	31	32	33	34	35	36	37	38	39	40	41	42
43	44	45	46	47	48	49	50	51	52	53	54	55	56
57	58	59	60	61	62	63	64	65	66	67	68	69	70
71	72	73	74	75	76	77	78	79	80	81	82	83	84
85	86	87	88	89	90	91	92	93	94	95	96	97	98
99	100	101	102	103	104	105	106	107	108	109	110	111	112
113	114	115	116	117	118	119	120	121	122	123	124	125	126
127	128	129	130	131	132	133	134	135	136	137	138	139	140
141	142	143	144	145	146	147	148	149	150	151	152	153	154
155	156	157	158	159	160	161	162	163	164	165	166	167	168
169	170	171	172	173	174	175	176	177	178	179	180	181	182
183	184	185	186	187	188	189	190	191	192	193	194	195	196
197	198	199	200	201	202	203	204	205	206	207	208	209	210
211	212	213	214	215	216	217	218	219	220	221	222	223	224
225	226	227	228	229	230	231	232	233	234	235	236	237	238
239	240	241	242	243	244	245	246	247	248	249	250	251	252
253	254	255	256	257	258	259	260	261	262	263	264	265	266
267	268	269	270	271	272	273	274	275	276	277	278	279	280
281	282	283	284	285	286	287	288	289	290	291	292	293	294
295	296	297	298	299	300	301	302	303	304	305	306	307	308
309	310	311	312	313	314	315	316	317	318	319	320	321	322
323	324	325	326	327	328	329	330	331	332	333	334	335	336
337	338	339	340	341	342	343	344	345	346	347	348	349	350

شکل ۱۰ حروف خروشتی از آریانا انیکوا



شکل ۱۱ نوشته های خروشته‌ی بر طرف مکشوف از خوات وردگ

شکل ۱۳. حروف یونانی در نوشته‌های مکتوبه افانستان

عده	یونانی	کنؤ	الکسیه	امثله
۱	Α Α Α Δ Α Δ Ο	آ-آ	A-Ā	Α Α Δ (آ) Α Δ Ο (خان)
۲	Β Β Β Β Β Β	ب	B	Β Ο Σ Α Ρ (بوسر) Β Α Μ Ο Β Α Ρ Γ (بید) (نامور)
۳	Ρ Ρ Ρ Ρ Ρ Ρ	پ	P	Ρ Ο Σ Ρ (پوهر) Ρ Ο Ρ (پور)
۴	Φ Φ Φ Φ Φ Φ	ف	F	Φ Ρ Ι Σ Τ Α Ρ (فریستار) Φ Ρ Ο Μ Α Ν (فرومان) Φ Ζ Ρ Γ (بزرگ)
۵	Τ Τ Τ Τ Τ Τ	ت	T	Τ Α Δ (تاد) Τ Α Ρ (اوت) Τ Α Ρ Α Μ Α Δ (بسترا) (بسترا نید)
۶	Θ Θ Θ	ث	TH	Θ Σ Α Γ Γ Η Θ (اسکیث)
۷	Χ Χ Χ Χ Χ Χ	خ	KH	Χ Ρ Ο Σ (خشون) Χ Α Γ Α Ν (خاگان)
۸	Δ Δ Δ Δ Ο Ο	د	D	Δ Ι Ρ Δ (کرد) Δ Α Ρ Α Μ Α (دقوی)
۹	Ρ Ρ Ρ Ρ Ρ Ρ	ر	R	Ρ Ι Ρ Ο Μ Α Ρ (رگومن) Ρ Ε Μ Σ Α Ο (سرای)
۱۰	Ζ Ζ Ζ Ζ Ζ Ζ	ز	Z	Ζ Α Ζ (از) Ζ Μ Ι Γ (زمین)
۱۱	Σ Σ Σ	س	TS	Σ Ο Σ (سوی)

۹۵ ساد (جاه) هرورم سنکه (جامعه) ۵۰ سرای هر سر	S	س	С Э С С < 6 2 2	۱۲
۹۸ شار شاه) رهه اشگ (هشم) ۹۵ شاه X ۲۰۲ خشون	SH	ش	Ш 6 6 А ۲ ۲	۱۳
۹۱ X ۲۰۲ شال (شاد) نه صص کونیا	X	ش	Ш - ۲ X	۱۴
۹۱۵ کید (که) 80 ka نکه (نا) 8a 2a نکه ۷۹۵ یرد	K	ک	К 2 К N 2 X	۱۵
۹۲۲ بک / هرور گوئل هرور ویک (یک) هرور گوئل (پهلوان زاده)	G	گ	Г 2 Г Г 2 2	۱۶
۹۳۳ هرور هرور هرور هرور	G _H	غ	Г 2 Г	۱۷
۹۲۲۲۲۲ بک ننگ (نخلان) هرورم سنکه (جامعه)	NG	نگ	Н 2 Г	۱۸
۹۵۸ مال (وقت) ۷۰۵ هرور 2 هرور مالیز (هرور)	L	ل	Л 2 Л X 2 X	۱۹
۹۲۲۲۲ هرور هرور هرور هرور هرور هرور هرور هرور	M	م	М 2 М M 2 M	۲۰
۹۲۲۲۲ هرور هرور هرور هرور هرور هرور هرور هرور	N	ن	Н 2 Н N 2 N	۲۱
۹۲۲۲۲ هرور هرور هرور هرور هرور هرور هرور هرور	H	ه	Н 2 Н H 2 H	۲۲
۹۱۵ اید (هست) ۷۱۵ پدین (پدین) ۷۱۵ اید (اور) آتش) در کتیه سرح کوتل نخلان ۹۲۲۲۲ هرور هرور هرور هرور	E	ا	Е 2 Е	۲۳



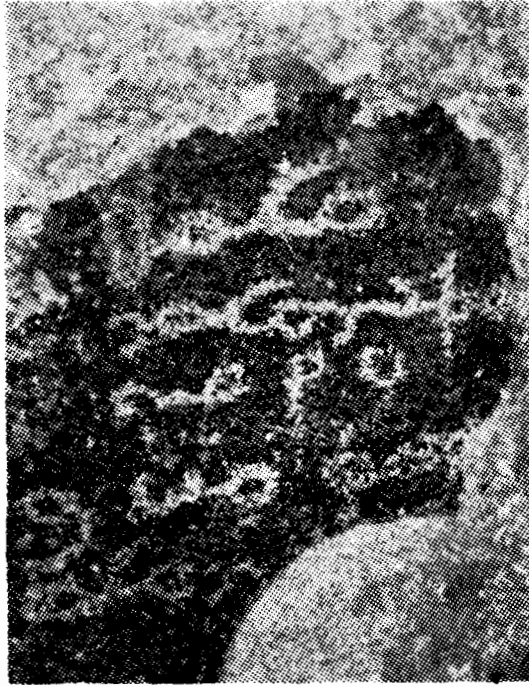
NAMW	(0)	BOD
NAMW	(0)	DHARMA
NAMW	(0)	SANGA

عکس ۲۶- نوشته اول

جفتو بحروف انگلیسی



نقل
خطی
این
نوشته
در
پایین
است
↓



←
عکس
۱۶
صل
نوشته
دوم
جفتو

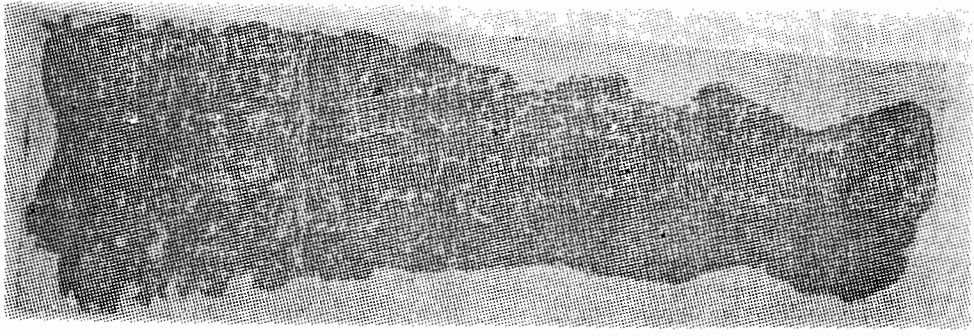
←
نقل خطی عکس ۱۶
نوشته دوم جفتو
Bak
dardarapa
no p (o)
oj no pa (o)
atop



شکل ۱۷ يك حصه سنگ نوشته دشت ناور

نوینجت (۵) κσβιχγ	=	نی یجنت کتیبه اول توجی (۵) ... (نا)
بگپوهر (۵) ΒΑΓ(۵)ΠΟΡΡ	=	بغپور، ۵ م سر پتو (شماره ۵)
ما (۵) α	=	ماه ، مهر (ماه)
شا (۵) β	=	شاه ، رهم (شاه)
ایوگ (۵) ι	=	وگ ، مرص (یکه)

شکل ۱۸
 فرق املاي کلمات در کتیبه های مکتوفه یونانی افغانستان



نوینجت (۵) κσβιχγ
 بگپوهر (۵) ΒΑΓ(۵)ΠΟΡΡ
 ما (۵) α
 شا (۵) β
 ایوگ (۵) ι

خواهش نوشته فوق بحروف انطیسی ↓ رصفی دیر

شکل ۱۹

1. (OM NAMAH SAMVAT SARE ASHTATRIMSAM) TITANE
SAMVAT 38 BHADRA -
2. (PADA MASA SUKLA PAKSHA SAPTAMYAM SUDI TATRA
3. DIVA - (SE) NAINA - CHANDRA BHUPA *
4. SA YA DDA
5. KULA - NARAPA KHOJANA - PUTRA

مربوط شکل ۱۹
خوانش متن
تخاری کتیبه
معروف انگلیسی

→

L - Z (a) XSHON (a) X + 1 ÷ B ÷ MAH (a) ASHANG (a)
MAHSHAH (a) M... NIBIXT (a)

3-GOMAL (a) BAĀ (a) POR (a) WIG (a) MINA X (a)
GOMAN (a) KALD (a) BO -

3-STARANIDAM KIRD (a) GILIRANIDAN (a)
MALIZ (a) OD (a) NIBIXT -

4 - BIKAR (a) FZRAB (a) BOSTARANID (a)
FROMAN (a) GOKA...

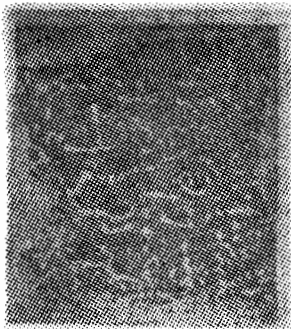
5 - STAR (a)

↖

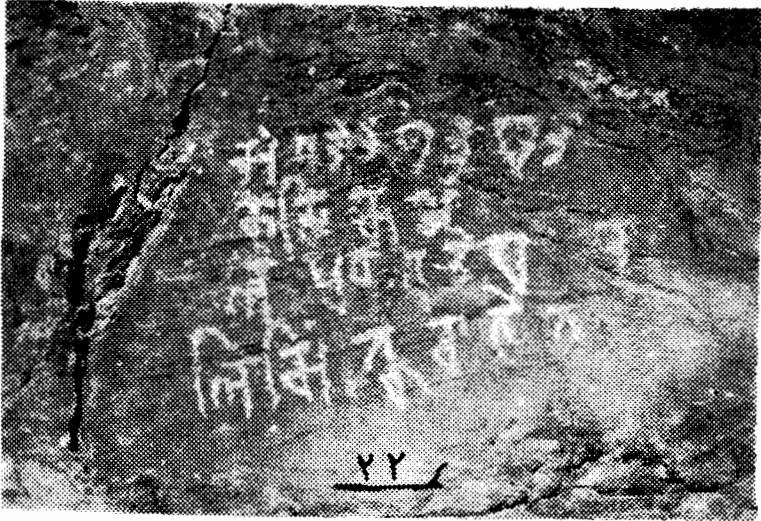
مربوط شکل ۱۹
خوانش قسمت
سنسکرت طرف
چپ نوشته
تخاری

- 1- Z (0) XSHON (0) X ÷ J ...
 2- E ÷ MAH (0) NIG (0)
 3- WRMZD (0) OD (0) MIR (0)
 4- KALD (0) KIRD (0) KOSHÂN (0) Geo-
 5- MAL (0) BÂG (0) PAR (0) STAR (0)
 6- GOMAN (0) (Geo)KAD (0) SHAH (0)
 7- (B)OSAR (0) ----- XĀQĀN (0)
 8- MAN (0) XĀN (0) KAZAL (0)
 9- SĀMHO (0) SARĀI (0) BOST-
 10- ARĀNID (0) FROMĀN (0)
 11- STAR (0)

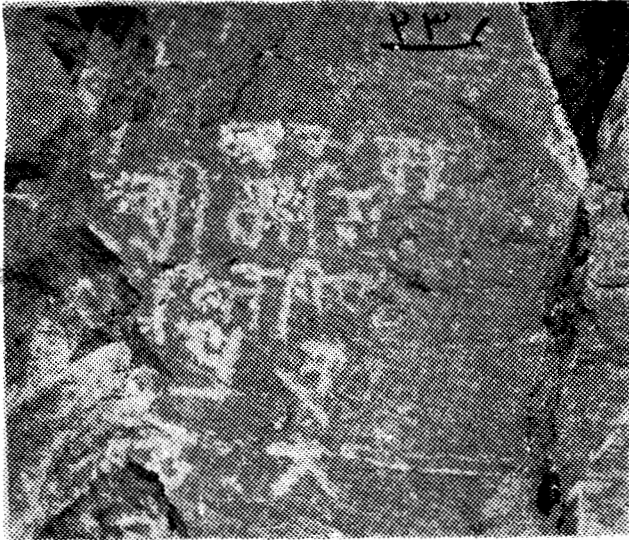
مربوط شکل ۲۰ خوانش سنگ نوشته نمبر ۲۰ بحروف انگلیسی



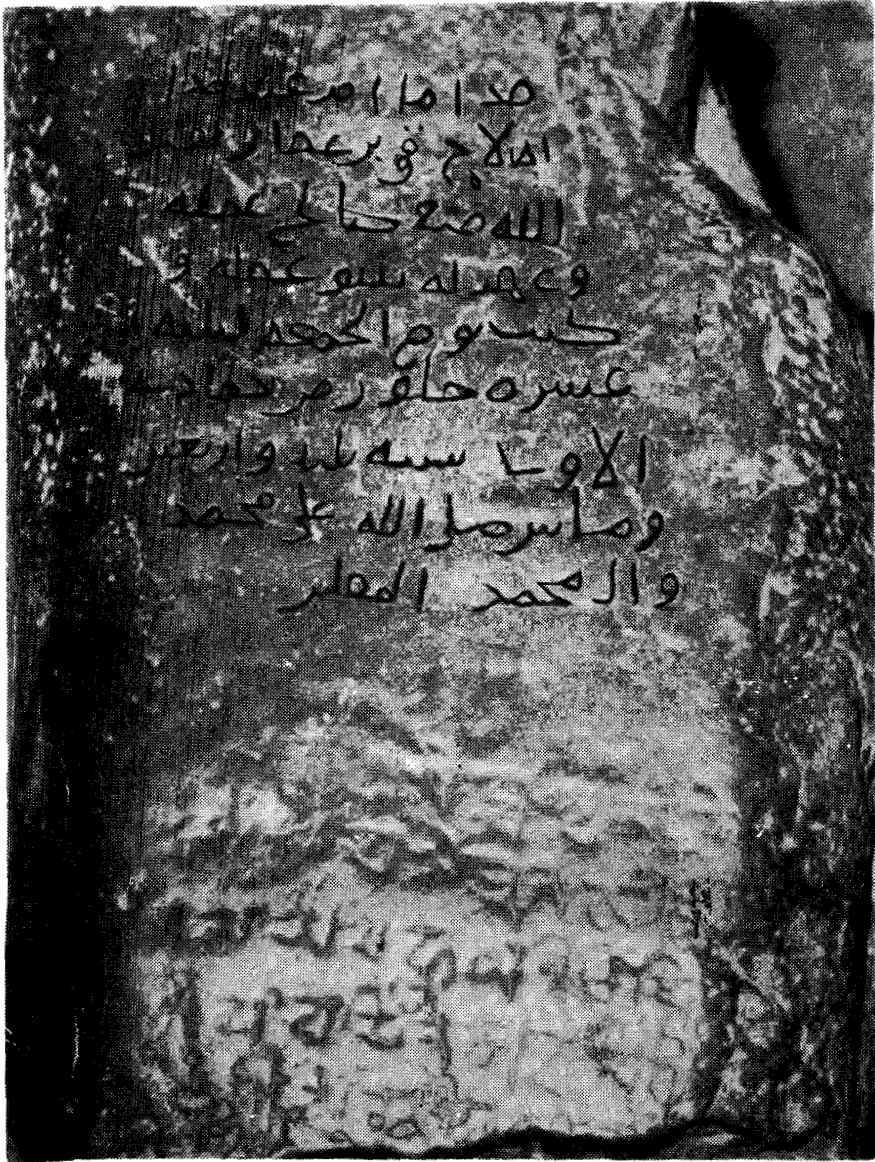
عکس ۲۱ متن تخیاری ←
 بر سنگ پارچه جدا شده
 از کتیبه سوم توجی



شکل ۲۲ نوشته دیوه ناگری لغمان نزدیک نوشته آرامی نمبر ۷



شکل ۲۳ نوشته دیوه ناگری لغمان نزدیک نوشته آرامی نمبر ۷



شکل ۲۴ سنگ نوشته عربی و سنسکریٹ توچی

1. (OM NAMAH SAMVATSA) RE DVĀRIMSATI
2. (TAME) SAMVAT 38 KĀRTI -
3. (KA) MĀSA BAHULA TITHAU DVĪ (TĪ-
4. (YA) YĀM VADĪ 2 ATRA DIVA-
5. (SE) ----- (۱۰۰)

ترجمہ
 اوم . سلام . در سال ۳۲ شمہ در ما
 کارتیکہ (ستمبر و اکتوبر) بروز
 دوم نصف تاریک .
 شبہیت روز

خوانش و ترجمہ نو شتہ سنسکریٹ نمبر ۲۴ تو چی کہ
 زیر نوشتہ عربی ۲۴۳ق نوشتہ شدہ است .

ص ۱۱۳۰ و ۱۱۳۱ و ۱۱۳۲ و ۱۱۳۳ و ۱۱۳۴ و ۱۱۳۵ و ۱۱۳۶ از ۱۳۰۴

نونه خط لعلی ساسانی بر سکه اردشیر یاگان در حدود ۲۲۴ م که چنین خوانده میشود : مُزْد یَسْتی بُحی اَرْ تَحْشَتِی مَلکان مَلکان اِیران مَو شتر من بیزدان . یعنی : خدا پرست خدا یگان اردشیر شاهنشاه ایران که نژاد او از نمایان است . (رسنگ شناسی ار ۱۳۶)

کتابت و کتب ۱۳۱۲ م . کتابت در دست لعلی اردشیر . ۱۳۱۲ م و ۱۳۱۳ م

۱۳۱۲ م کتابت در دست لعلی اردشیر ۱۳۱۲ م و ۱۳۱۳ م

۱۳۱۳ م کتابت در دست لعلی اردشیر ۱۳۱۳ م و ۱۳۱۴ م

نونه خط اوستا (دین دیر) از نسخه خطی یسنا که در رسیده ۵۷۲۴ م ۱۳۲۳ م . خط مهریان گنجینه نوشته شده و در کوه پنهان موجود است و تا کنون نسخه قدیم گم گشته دنیا شمرده میشود . (کتابخانه ۵۶)

شکل (۲۶)

Handwritten text in a cursive script, likely Persian or Arabic, consisting of approximately 15 lines. The text is dense and difficult to decipher due to the cursive style and some fading. It appears to be a historical or literary document.

۲۶ صفحہ ای از اوستا (بسنہ) محفوظ در اکسفورڈ

<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَذَا الْقَبْرُ لِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبْرِ الْحِجَازِيِّ اللَّيْلِيِّ أَعْفَرَ وَادْخَلَهُ فِي رَحْمَةِ مَلِكٍ وَأَتَمَّ مَعَهُ اسْتَغْفِرُ لَهُ إِذَا قُرِئَ هَذَا الْكُتُبُ وَقُلْ آمِينَ وَكُتِبَ هَذَا الْ كُتُبُ (الْكِتَابُ) فِي جَدِي الْآ خِر (٥) مِنْ سُنَّتِ أَحَدِي وَ ثَلَاثِينَ .</p>	<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَذَا الْقَبْرُ لِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبْرِ الْحِجَازِيِّ اللَّيْلِيِّ أَعْفَرَ وَادْخَلَهُ فِي رَحْمَةِ مَلِكٍ وَأَتَمَّ مَعَهُ اسْتَغْفِرُ لَهُ إِذَا قُرِئَ هَذَا الْكُتُبُ وَقُلْ آمِينَ وَكُتِبَ هَذَا الْ كُتُبُ (الْكِتَابُ) فِي جَدِي الْآ خِر (٥) مِنْ سُنَّتِ أَحَدِي وَ ثَلَاثِينَ .</p>
--	--

نسخة خط عربي بريك لوحة قبر موجود در موزه قايره ، منقوشه سنة ٥٣١ هـ
 (تاريخ اللغات السامية ٢٠٣)
 شكل (٢٧) ٣٨

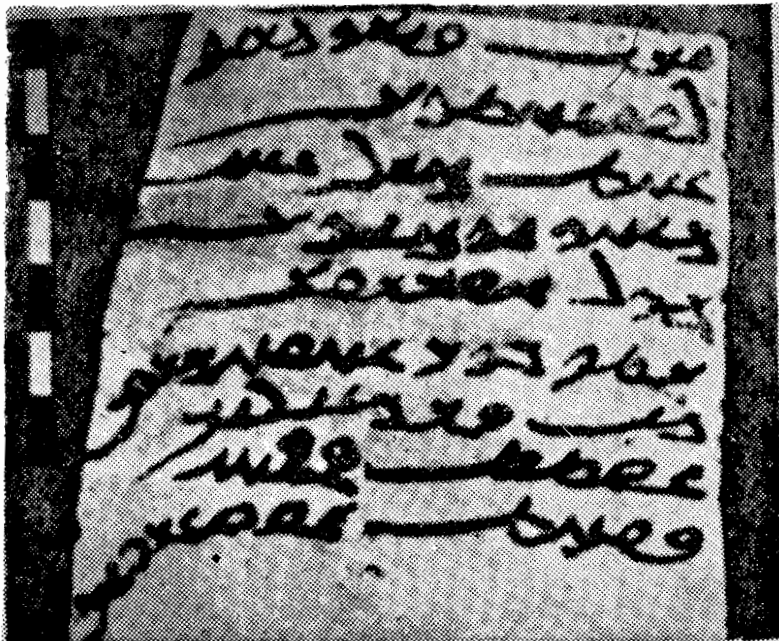
لِللّٰهِ اللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ
مَعَالِمًا لِلْاُمَّةِ
وَجَعَلْهُ سَلَامًا لِّدَوْلَتِكَ
اللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ سَلَامًا
لِّدَوْلَتِكَ
وَجَعَلْهُ سَلَامًا لِّدَوْلَتِكَ

شکل ۲۸ سنگ نوشته کوفی بمبور ۱۰۷ هـ

**LETTER FORMS IN
TOCHI VALLEY INSCRIPTIONS**

NO. B	NO. A
(A) 𑖀 , (I) 𑖁	(A) 𑖀
(Ka) 𑖂 , (Kha) 𑖃	(Ka) 𑖂
(Cha) 𑖄 , (Ca) 𑖅	
(T) 𑖆 , (Ta) 𑖇 , (Ti) 𑖈	(T) 𑖆 , (Ti) 𑖈 , (Th) 𑖉 (Thau) 𑖊
(Tra) 𑖋 , (Tra) 𑖌	(Dv) 𑖍 , (D) 𑖎
(Di) 𑖏 , (Dra) 𑖐	
(Na) 𑖑 ,	
(Pa) 𑖒 , (Phra) 𑖓 , (Bha) 𑖔	(Ma) 𑖕
(Me) 𑖖 , (Myān) 𑖗	
(La) 𑖘 , (Ra) 𑖙 , (Va) 𑖚	(Ya) 𑖛 , (La) 𑖜 (Ra) 𑖝 (Va) 𑖞
(Sa) 𑖟 , (Sa) 𑖠	(Sa) 𑖠 , (Hu) 𑖡
(3) 𑖢 , (7) 𑖣 , (8) 𑖤	(2) 𑖥 (3) 𑖦

شکل ۲۹ حروفدیوه ناگری کتیبه های وادی توچی



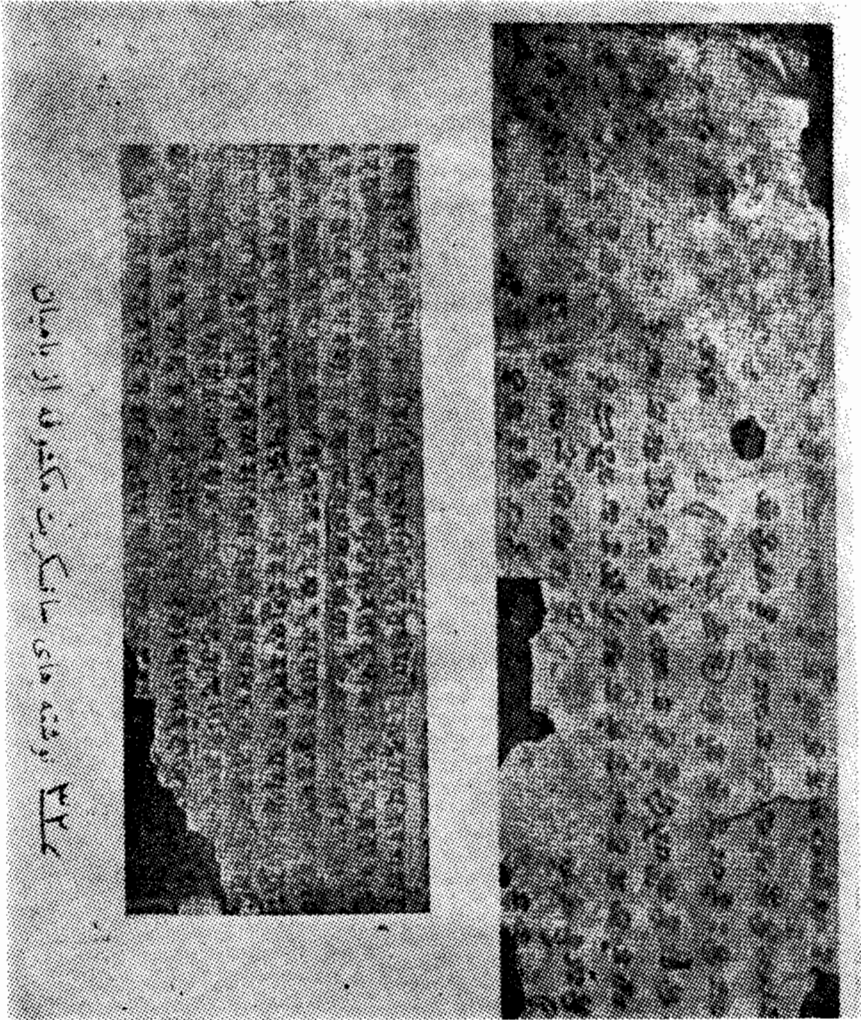
ترجمه نمرتا سفیدی

(۱) خداوند پنج (بنجگنت) (۲) دیوا شتیج را (۳) هشت سال است (سال ۸ حکومت) (۴) ماه نیسان (۵) روز خور روز (یازدهم) (۶) وگرفت اغو شمیریک (اسم خاص) (۷) از فر ماندار (۸) اوت (اسم خاص) (۹) پوست ونیز واریاک (نوعی از پوست) (از تاریخ زبان فارسی ۱۲۷۸)

۲۱- برخی از اشکای آرامی و پهلوی و سغدی

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
...
...
...
...
...
...
...
...
...
...
...
...
...
...
...
...
...
...
...
...
...
...
...
...
...

- ۱- خط فارسی ۲- آرامی جزیره القبل ۳- سنگ نوشته های پهلوانیک
- ۴- خط قبایله های اورامان ۵- سنگ نوشته ها و سکه های ساسانی
- ۶- خط پهلوی کنایی ۷- خط سغدی



عزق وقتی های سابقین مکتوبه از ابراهیم

٣- الآلهة سمرية من معبودات بلاد ما بين النهرين

١٩٢٠ - ١٩٢١ - ١٩٢٢

١٩٢٠ - ١٩٢١ - ١٩٢٢
٣٣

نقش زبد

قرائت ليقسبرسكي :

(ب) م الآله شرحو برمع قيمو برمرال
برسعدو و سترو و (شر) يحو (بتميمو)
قرائت ليمان :

(ب) م الآله شرحو برامت منقووظ
و شرحو الخ
(تاريخ اللغات السامية)

٣٤ - نقش حراك

١- سرحيل بن ظهير بنيت ذا المرطول
س- به لكسر بعد مفسد

حسر
عم

١- انا سرحيل بن ظهير بنيت ذا المرطول

٢- سنة ٤٢٣ بعد مفسد

٣- بعاً م (تاريخ اللغات السامية) ١٩٢

٣- خسر

خوانش شكل ٣٥

- ١ - من محمد رسول الله ، الى النجا
- ٢ - شى عظيم الحبشه . سلام على من
- ٣ - اتبع الهدى . اما بعد : فاني احمد الي
- ٤ - كذا الله الذي لا اله الا هو الملك
- ٥ - انقدوس السلام المؤمن المهيمن .
- ٦ - و اشهد ان عيسى بن مريم روح
- ٧ - الله ، وكلمته القاها الى مريم البتو
- ٨ - ل الطيبة الحصينة ، فحملت بعيسى من ر
- ٩ - وحء ونفخه ، كما خلق آدم بيده . و
- ١٠ - انى ادعوك الى الله وحده ، لاشر
- ١١ - يك له ، والمولاة على طاعته ، وان
- ١٢ - تتبعنى و توقن بالذى جاءنى فانى ر
- ١٣ - رسول الله . وانى ادعوك و جنو
- ١٤ - ذك الى الله عزوجل ، و قد بلغ
- ١٥ - ت ونصحت فاقبلو نصيحتى والسلام
- ١٦ - على من اتبع (كذا) الهدى.

الله
رسول
محمد

(الوثائق السياسيةه ٤٥)

نامه مقدس حضرت رسول
صلوات الله عليه وآله وسلم
بمقونیس

۳۶۶

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعلنا من
آياته العظمى ما نعتنا به
من آياته العظمى . . .
يا محمد يا سيده
يا رسول الله يا
علي بن أبي طالب
يا من أنزلناك
بقرآننا و جعلناك
و لا نعويك . . .
يا محمد يا رسول الله
يا من أنزلناك
بقرآننا و جعلناك
و لا نعويك . . .
يا محمد يا رسول الله
يا من أنزلناك
بقرآننا و جعلناك
و لا نعويك . . .



خوانش شكل ٣٦

- ١ - بسم الله الرحمن الرحيم . من محمد عبد الله و
- ٢ - رسوله ، الى المقوقس عظيم القبط سلام
- ٣ - على من اتبع الهدى . اما بعد: فاني
- ٤ - ادعوك بدعاية الاسلام ، اسلم تسلم ،
- ٥ - يوتك الله اجر ك مرتين .
- ٦ - فان توليت ، فعليك اثم القبط .
- ٧ - «يا اهل الكتاب تعالوا الى كلمة
- ٨ - سواء بيننا و بينكم ، الانعبد الا الله
- ٩ - ولا نشرك به شيئاً، ولا يتخذ بعضنا
- ١٠ - بعضاً ارباباً من دون الله ، فان
- ١١ - تولوا فقولوا اشهدوا بانامس
- ١٢ - كمون.»

الله
رسول
محمد

(الوثائق السياسية ٧٢)

- ١ - بسم الله الرحمن الرحيم . من محمد رسول الله الى
- ٢ - المنذر بن ساوى ، سلام عليك ، فاني احمد الله
- ٣ - اليك الذي لا اله غيره ، واشهد ان لا اله الا
- ٤ - الله ، وان محمد عبده ورسوله اما بعد : فاني اذكر
- ٥ - ك الله عزوجل ، فانه من ينصح فانما ينصح نفسه ، وانه من
يطع ر
- ٦ - سلى و يتبع امرهم فقد اطاعنى ، ومن نصح لهم فقد نصح لى و
- ٧ - ان رسلى قد اتنو عليك خيرا وانى قد شفعتك فى
- ٨ - قومك ، فاترك للمسلمين ما اسلموا عليه ، وعفوت عن اهل
- ٩ - الذنوب ، فاقبل منهم ، وانك مهما تصلح فلن نعزلك عن عملك ، و
من
- ١٠ - اقام على يهوديته او مجوسيته فعليه الجزية .

الله
رسول
محمد

(الوثائق السياسية ٨٠)

396

Q... ..
... ..
... ..
... ..
... ..
... ..

... ..
... ..
... ..
... ..
... ..
... ..
... ..
... ..
... ..
... ..

يا ايها الذين امنوا اتقوا ما رزقناكم من قبل ان ياتي يوم لا ينفع فيه ولا خلة ولا
 شفاعه والكاثرون هم الظالمون الله لا اله الا هو العلي القوي (م)
 قرآن كريم كتابت خط كوفي قرن دوم هجري روى بوست آمو
 مسلوب بخط مبارک حضرت عثمان رضي الله عنه محفوظ در كتابخانه نسخ خطي افغانستان

مشكل ۱۴ صوره ۲ آيت ۷۵۴

لا يسلوا الله
 لو اكلوا الله
 لمسيح كسوا
 لله وكماله
 ورحمة من
 سله ولا تقوا
 انكم يا ايها
 الله سلفه
 انما الله
 ما لا يدرك
 الله وكماله
 انما الله
 ما لا يدرك

٤٢
 يا تقوا في دينكم ولا تقوا على الله انما الله
 بن محمد رسول الله وكتابه القرآن
 يا تقوا الله انتم خير امة اخرجت للناس
 يا تقوا الله انتم خير امة اخرجت للناس
 يا تقوا الله انتم خير امة اخرجت للناس

شکل ٤٢

يك صفحه از قرآن شریف منسوب به خط حضرت علی رضی الله عنه، که درموزه مشهد رضوی خراسان در یکصد ورق ۲۶ + ۳۷ سانتی متر محفوظست و بر پوست نوشته شده که در آخر رقم مبارک (کتابه علی بن ابی طالب) دارد، و هر صفحه دارای ۱۴ سطر است.

فَاذًا هُم خَمَلُونِ يَحْسِرَةُ عَلٰى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِّن رَّسُولٍ اِلَّا كَانُوْا بِهِ
 يَسْتَهْزِؤْنَ اَلَمْ يَرَوْا كَمَا اَهْلَكْنَا قَبْلِهِمْ مِّنَ الْقُرُوْنِ ..

فَاذًا هُم خَمَلُونِ يَحْسِرَةُ عَلٰى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِّن رَّسُولٍ اِلَّا كَانُوْا بِهِ
 يَسْتَهْزِؤْنَ اَلَمْ يَرَوْا كَمَا اَهْلَكْنَا قَبْلِهِمْ مِّنَ الْقُرُوْنِ ..

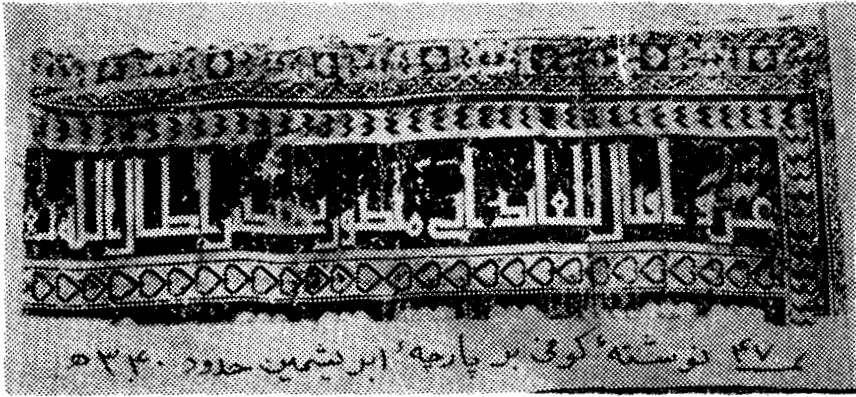
(قرآن عظیم- سورة یس- آیت ۳۰)

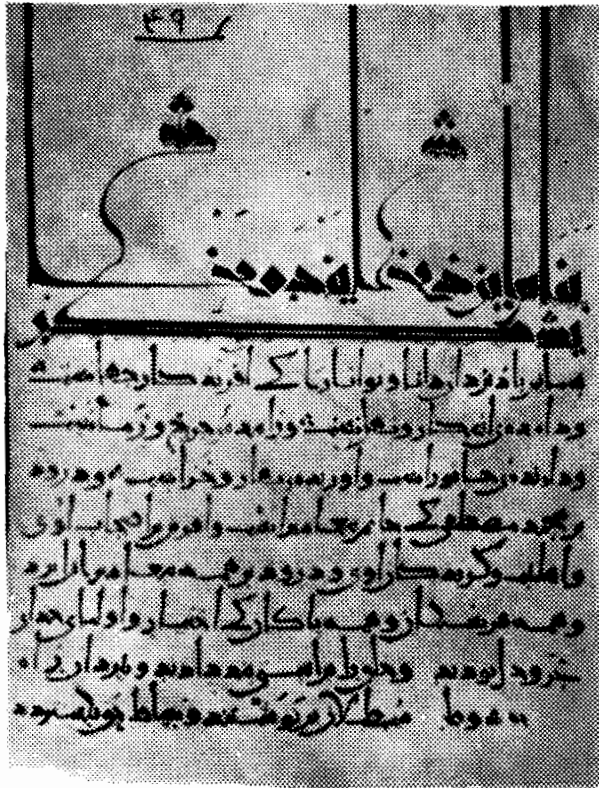
شکل ۴۳-۴۴

صفحه بی از قرآن شریف منسوب به خط حضرت حسن بن علی بن ابی
 طالب رضی الله عنه محفوظ مؤزده مشهد رضوی دارای ۱۲۲ ورق پوست آهو،
 هر صفحه ۷ سطری، نوشته سال ۴۱ هـ که واقف آن شاه عباس صفوی است
 ووقف نامه آنرا مرحوم شیخ بهایی نگاشته .



عهد نامه مجعول منسوب به خط
حضرت علی رض از مجله ایران شهر





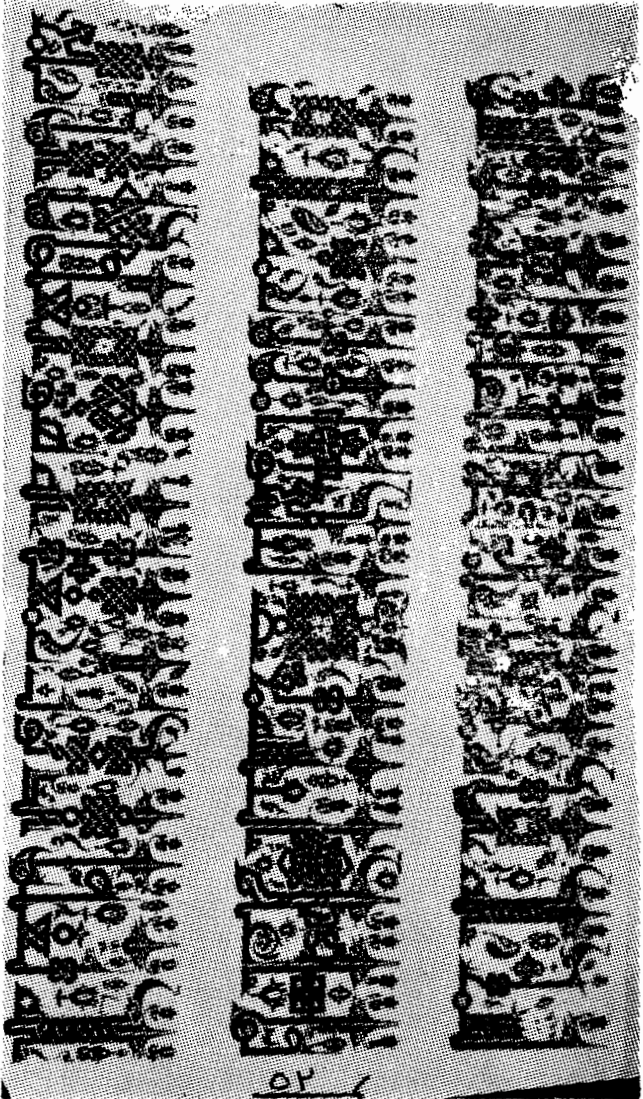
۴۹ صفحه اول کتاب الانبیه ۴۴۷ هـ

بِنَاہِ اِنْ خَلَا كَمَا يَنْزِعُ ۝۵۰
 حَبْرٌ كَوَيْدٌ مَجْمُودٌ غَمَزَ الرَّادِي وَيَا لِي بِصِيْفِهِمَا
 سِيَّارٌ دِيْنَمٌ مَزْدَانِيٌّ اَنْزَلَهُ رِيْوَزْكَارِيٌّ اَلْبَدْرِيُّ
 بِلَاغٌ ۝۵۱ وَيَا زَجْرًا صِنَاعَتٌ ۝۵۲ وَاجْزَعِي خِيْزُوْنُوْنِي
 اَمِيْرٌ يَحْمُوْنَ عَرْمُوْمِيْنَ وَمِهْرَقَتُ الْقَابِ ۝۵۳ وَفَوَاكِي
 هَمَّةٌ تَنْزِيْدِيْمٌ ۝۵۴ وَفَايِدُهُ رُوِيْ بَلْ كِرْوَهُ مَزْدُوْمِيْنَ
 مَحْصُوْمٌ دِيْنَمٌ ۝۵۵ مَكْرَعَرُوْصِيٌّ اَبُوْ يُوْسُفِيٌّ وَابُو
 اَلْعَلَايِيْتُ وَشَرِيْحَةُ سِيَّارِيٌّ كَرُوْمَةُ اَنْدِيْمِيٌّ وَامَا اَنْدِيْمِيٌّ
 دَانِيْسِيٌّ اَجْنَابِيٌّ بِلَاغَتِيٌّ ۝۵۶ وَاقْتِسَامُ صِنَاعَتِيٌّ ۝۵۷
 مَشَاخِصٌ سَخْنَانِيٌّ اَبِيْرَايِيْهِ ۝۵۸ وَمَعَايِيْ بَلَنْدِيَايِيْهِ
 كَلَايِيٌّ دِيْنَمِيٌّ سِيَّارِيٌّ اَزَاذُهُ زَاْمُوْبِيٌّ مَانِيٌّ وَفِرَاغُهُ
 زَلْخَمِيَّارِيٌّ ۝۵۹ وَهَجِيْفَتُهُ بُرُوْدِيٌّ ۝۶۰ وَازْكَامَلِيٌّ حَبْرِيَّارِيٌّ

۵۰ صفحہ اول ترجمان البلاغہ ۵۰۷ هـ

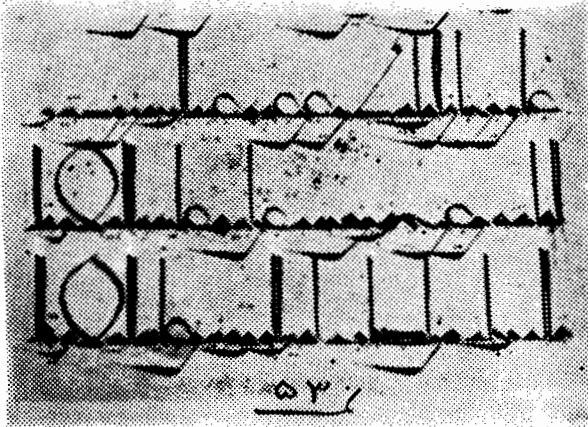


٥١ نمونہ خط کو فی مسجد نا بین ٣٥٠ ھ

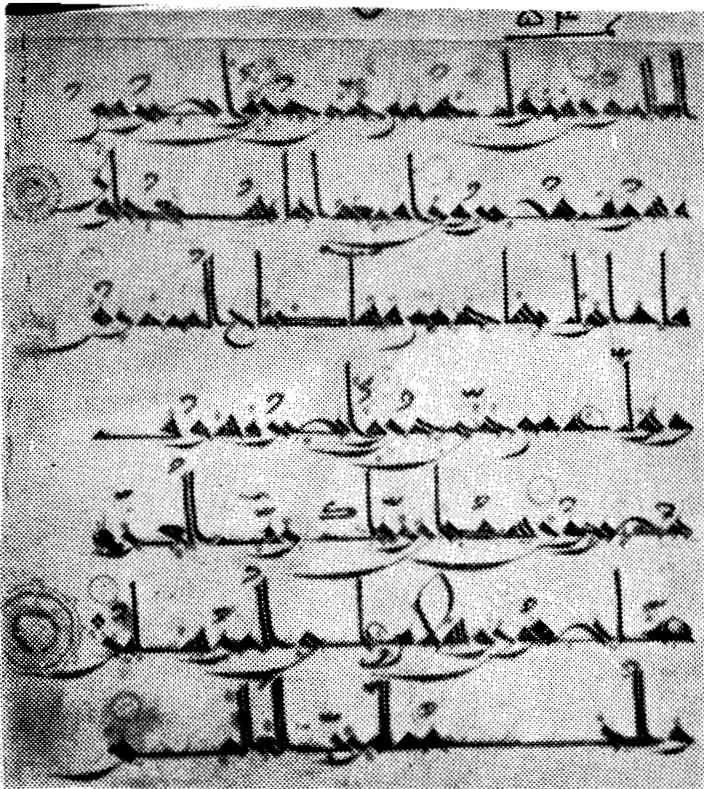


۵۲ خطاکو فی تزئینی مقبره پیرعلی‌مدار ۴۱۸ هـ

(از سروی آرت پر شیا)



خط پیر آموز کتاب صفات الشیعه نوشته ۳۹۱ قمری



قرآن عظیم به خط پیر آموز قرن ۴ ه در مشهد رضوی

الحر الثالث عشر
 سئل ابو القاسم منصور عما يذكر
 على المشهد طوس في شهر ربيع الاول
 تسنه ثلث وتسعين وكذا ما به
 انما لوجه الله وطلبت المرضاه
 لا يباع ولا يوهب ولا يهدى
 عذر الله له ولو الله له

۵۵ صفحه آخر قرآن عظیم بخط ابوالقاسم منصور هروی
 وزیر سلطان محمود، نوشته ۳۹۳ ق درآستان رضوی مشهد
 (از گنجینه قرآن)

۵۶
وَلَوْ أَنَّمَا فِي الْأَرْضِ
الْمَلِكُ وَكَلِمَةٌ
أَلْمُوتِ وَرَبُّنَا عَلَيْهِمْ
كُلُّ شَيْءٍ فَلَآ مَا كَانُوا
لِيُؤْمِنُوا إِلَّا أَوْ بَشَاءَ
وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ سَاهُونَ

۵۶ خط ابو البركات رازی ۴۲۱ ق قرآن شریف آستان
رضوی مشهد

(گنجینه قرآن)



۵۷ قرآن شریف به خط عثمان وراق غز نوی ۴۶۶ قدراستان
رضوی مشهد
(از گنجینه قرآن)



۵۸ نوشته آرامگاه امیر سبکتگین در غز نه حدود ۳۸۷ ق

۵۸ نوشته قبر سلطان محمود در غزنه حدود ۴۲۱ ق خط کوفی

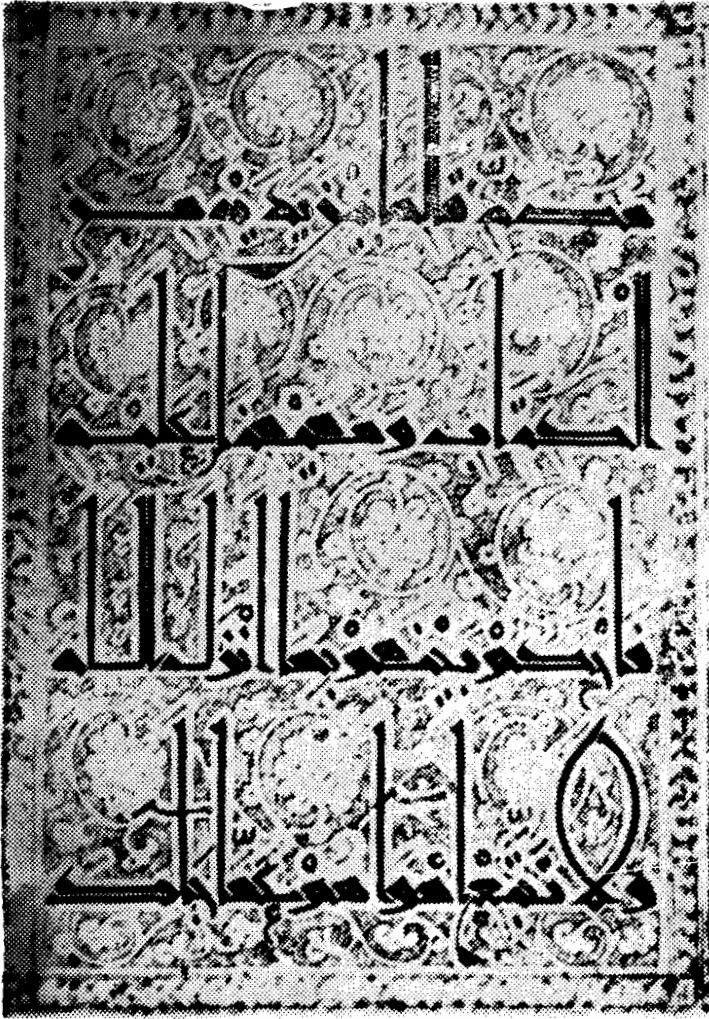




عینا نقل بخط شیخ محمد رضا هروی



صفحه قرآن عظیم به خط ابوبکر بن احمد غزنی
۶۶۵ هـ در موزه مصر . (از سروی هنر پرشیا)

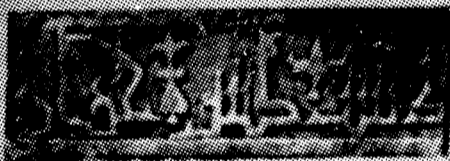


۶۱ تلفیق خط کوفی با پیر آموز در قرآن شریف
مجموعه چستر بیتنی لندن (از سروی هنر پرشیا)



۶۲ قرآن عظیم که در ۵۰۵ ق در شهر بست نوشته شده در
کتابخانه ملی پاریس . (از سروی هنر پرشیا)

٦٣



دست کس از حصار

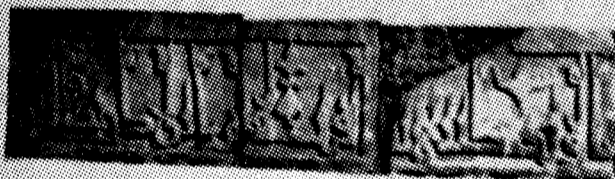


سه مجسمه از این بود



روی بام بواب از حد

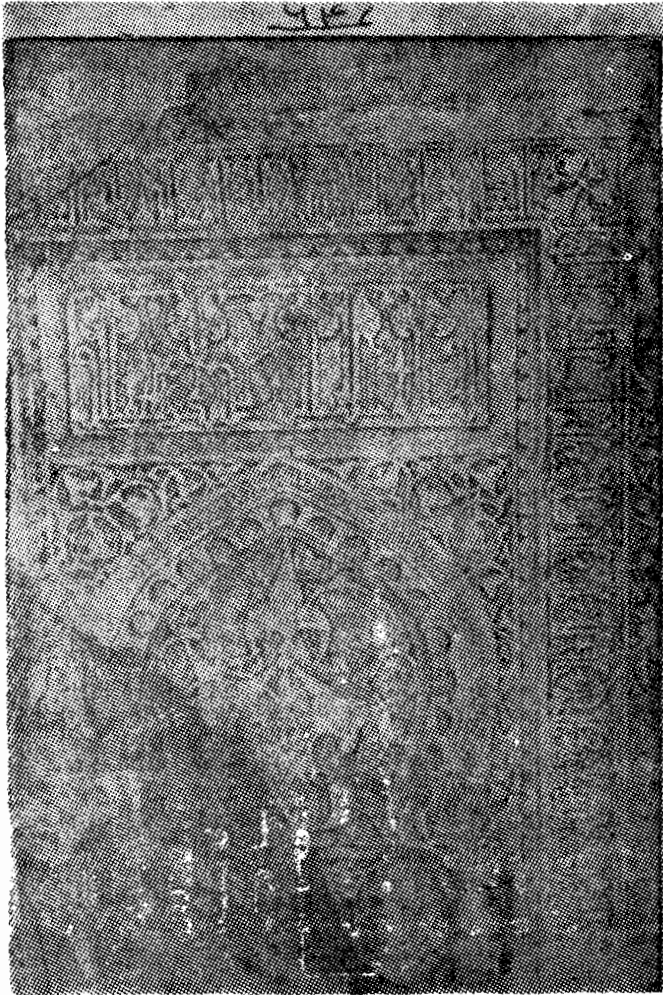
رف از حصار



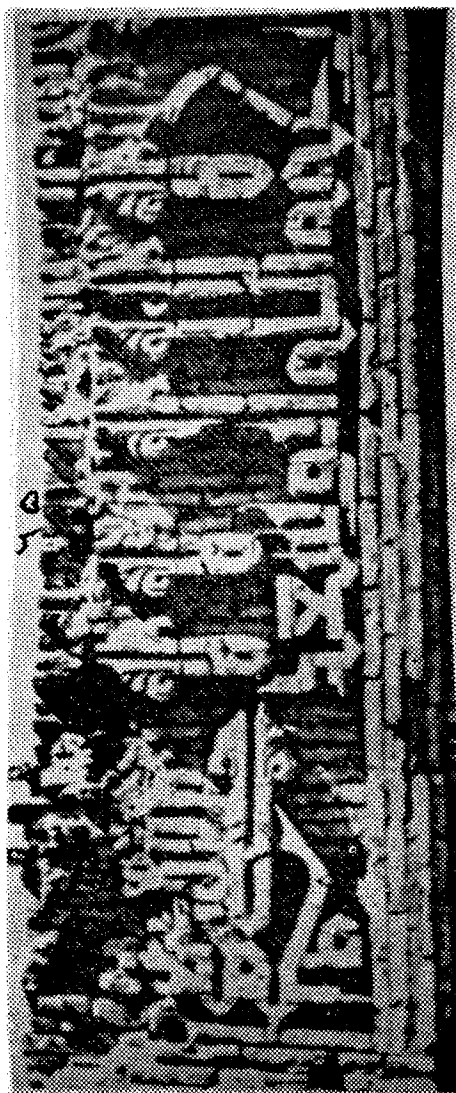
بام از این کرد هر

بام کس

٦٣ نمونه های خطوط کوفی عبارات زبان دری از بقایای
قصر مسعود سوم در غزنه حدود ٥٠٠ ق



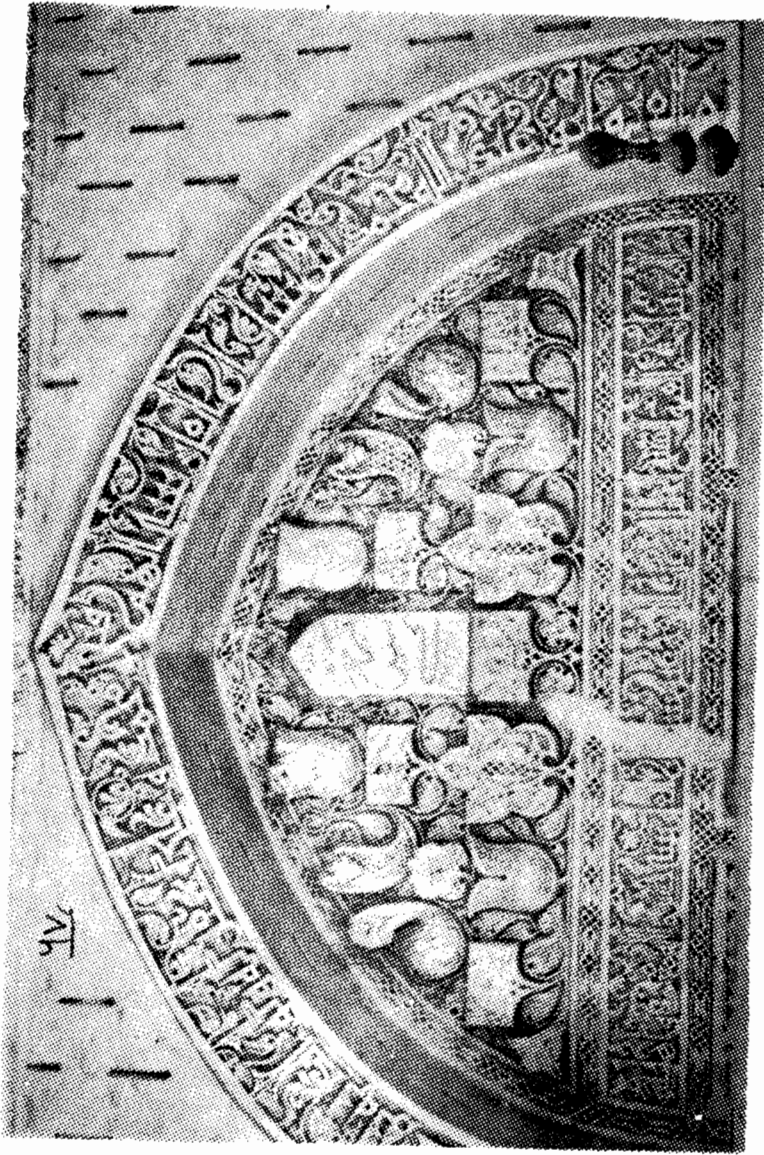
۶۴ خطوط کوفی جامع اولیا در غزنه



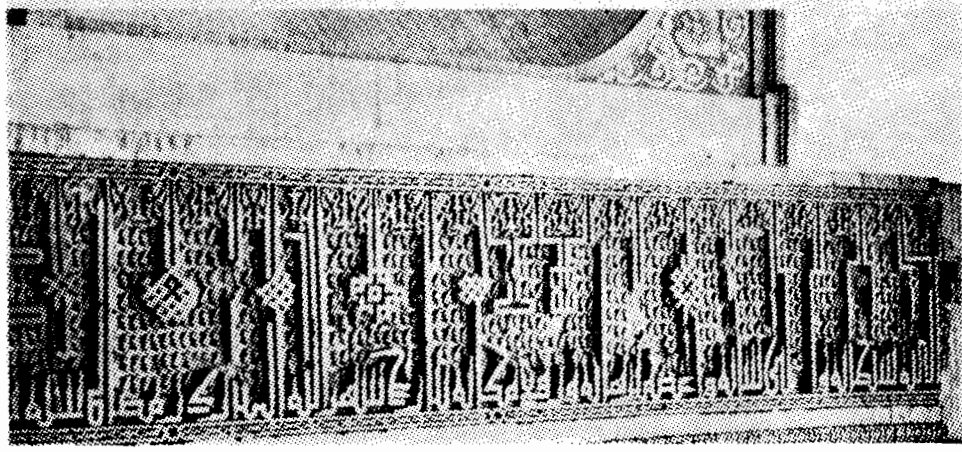
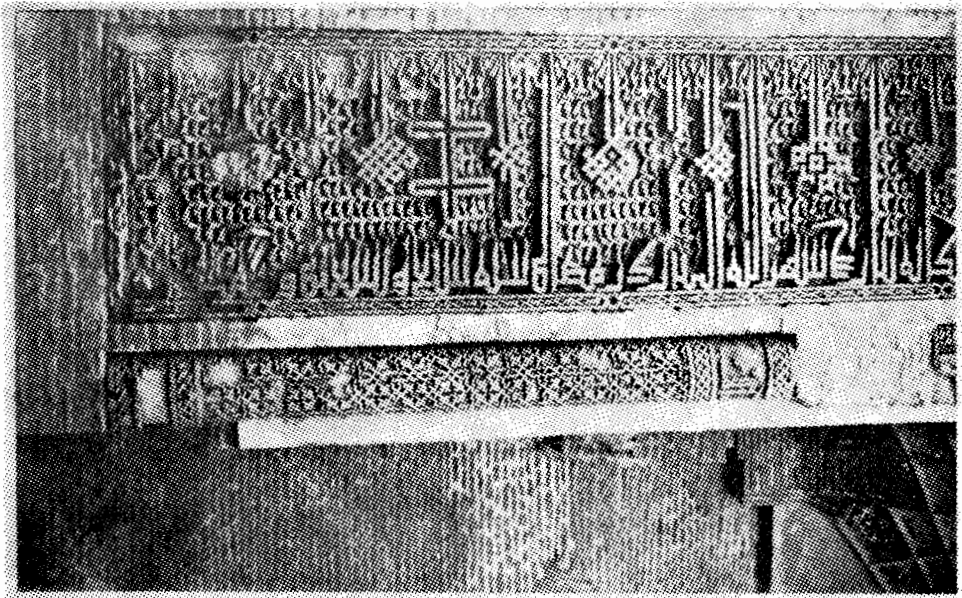
٦٥ خط کوفی تزئینی رباطشرفسرخسی در حدود ٤٥٠ ق
(از مجله هنر و مردم ٥٢)



- ٦٦ نمونة خط كوفي متمايل به نسخى هرات ٥٣٠ هـ
 از سنگ مزار درخواجه عبدالله طاقى - موزه هرات .
- ١ - بسم الله
 - ٢ - الرحمن الرحيم .
 - ٣ - هذا قبر الشيخ
 - ٤ - الرضى العابد محمد بن اسمعيل
 - ٥ - القورى ، بتاريخ يوم الاربع
 - ٦ - العشرون من جمادى الاولى (كذا)
 - ٧ - سنة ثلثين و خمسمائة ...
 - ٨ - له ولوالديه ولمن ...



تکامل خط تزئینی کوفی برمه‌زار امام یحیی در جوزجان حدود ۴۳۰ ق



خوانش ٦٨

كتيبة بناء مسجد هرات در عصر غياث الدين محمد سام غوري ٥٩٧ هـ

١ - السلطان المعظم ، شهشاه الاعظم ، مالك رقاب الامم ، مولى

ملوك العرب و اعجم ، سلطان ارض الله ، حافظ بلاد الله ، معين خليفه .

٢ - غياث الدنيا و الدين ، معز الاسلام والمسلمين ، نظام العالم ، ابو

الفتح محمد بن سام قسيم امير المؤمنين انار الله برها نه ..

١ - (امر) ببناء هذه المسجد من خالص مائه السلطان المعظم ، شهشاه

الاعظم ، مالك رقاب الامم ، مولى ملوك العرب و اعجم ...

٢ - ...الله سلطانه و اعلى شاناه و اعظم برهانه و رفع مكانه ، بتاريخ

شهر الله المبارك رمضان سنه سبع و تسعين و خمسمائه .



کتب السیر کریم فی الزکوة مرآة المراد لمرآة الکریم فی الزکوة
 روانداسی محمد کریم خان میرزا کریم خان
وجبت ما کتب یا مکره **فانت من موصی الطیر**
 کتب هر یک با تسمی یا عایت همه نام مرآة المراد لمرآة الکریم فی الزکوة
 آراستہ مرآة الزکوة الکریم فی الزکوة الکریم فی الزکوة الکریم فی الزکوة
 لمی و اطریق الکریم فی الزکوة الکریم فی الزکوة الکریم فی الزکوة
 و الذکر یک المکتب الکریم فی الزکوة الکریم فی الزکوة الکریم فی الزکوة
 سیکہ من سید الکریم فی الزکوة الکریم فی الزکوة الکریم فی الزکوة
 و در بعضی نسخہ در زکوة الکریم فی الزکوة الکریم فی الزکوة
 این باشد و اطریق الکریم فی الزکوة الکریم فی الزکوة الکریم فی الزکوة
 کہ در بعضی نسخہ این لید و کلمہ لید و کلمہ لید و کلمہ لید و کلمہ لید
 کہ در بعضی نسخہ الکریم فی الزکوة الکریم فی الزکوة الکریم فی الزکوة

الحمد لله وصلی الله علی محمد و آله
 سلمه من الله الذي سلمه
 من السخط عن الفهم قال الله عز وجل

وقع الفراعنة في
 سواك سلبك وصعبك
 استعصم من الله
 سواك سلبك وصعبك

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سانس برادر دوازدهم آمد در کلاس زنی و آسانست و امر بدکار متوج
 اندر تر ز مناست. از معدن و سانه و حیوانی باهوش نبدان چنان
 که نه خلق را اعی آسمانی من اناک و سار کان خبیثه و مسا
 خبیثه و آسن و هوا و آت و خاک. با هر نبدان جنسها از آنه اوجده
 نمازک الله اجسن الحالمین و ارسنه کز داند بن جنسها
 بر بد نبدان از جنس معدی و سانی و حیوانی و بعد اناکم و اسعدا
 ندار در نظر بندید و حکمت هوش نمازک الله زتر العالمین
 و ارحمهم بر جنوات آدمی را بر کز د و سانسنه کز داند
 بر جود هوش را و آراسته کز دکان آدمی را بگرد رؤس و ابر
 مکان ایمان به امامان آفرند و کرامی گردانید سان بر حقی که باطل
 آفرستاد تا خلق و را آگاه کند از حق و شبه و جهال گردد و حکمت
 فلذ و باهوشان با آن آوند بر یوش و سعادت بران و بر دستمال
 و کتبی او بر قدر بزرگ و کفایت داند بر حق و بر با حق

۷۰ صفحه اول کتاب هدایة المتعلمین ۴۷۸ ق
 نسخه کتابخانه بادلیان آکسفورد

و بعد کرده است و این انفسه را آن مگر در وقت تکلیف یک آید بنام ایشان از پیش
 و تدری بر آنکه سبب حرکت و عرصه الموانع و الموانع و الموانع و الموانع
 که این چیز است و اما واجب است که معنی و الی انفسه این موانع و الموانع و الموانع
 این واجب است و این موانع و الموانع و الموانع و الموانع و الموانع و الموانع
 الموانع و الموانع و الموانع و الموانع و الموانع و الموانع و الموانع و الموانع
 حال است که گفت تا وقتیکه الموانع و الموانع و الموانع و الموانع و الموانع و الموانع
 موانع و الموانع و الموانع و الموانع و الموانع و الموانع و الموانع و الموانع
 است که سبب این موانع و الموانع و الموانع و الموانع و الموانع و الموانع
 و معنی این موانع و الموانع و الموانع و الموانع و الموانع و الموانع و الموانع و الموانع
 و چون موانع و الموانع و الموانع و الموانع و الموانع و الموانع و الموانع و الموانع
 و همه اهل الصواب

ثم السبع السبلات من حله و منه و يتلوه في السبع

انما الذي انما الكف و مولد في السبع السبلات

و في حقه كانه محمود في كبره و كبره في السبع السبلات في السبع السبلات
 و هو السبع

كما في قوله تعالى و قد نزلنا على رسولنا المنطق في من بين يديه و آية انفسه

في سورة محمد ركب حسن وهو الخفص وغيره الوقف
 في السورة لسورة تلك لسر الله الرحمن الرحيم
 في وما طسب احسن قول ابي حاتم وغيره
 وكذلك ذات لهب وقال ابو بكر ذات لهب وامراته
 حسن وهو قول عيسى بن عمر والاختن وابقا وغيرهم
 وقال قوم الخطيب وقال اخرون من مسند سورة
 الاخلاص لسر الله الرحمن الرحيم قل هو الله احد قد ابي
 عمرو بن العلاء وجماعة وروى عن النبي صلى الله عليه وسلم احد
 الله الصمد ولم يكن له كفوا احد وقال الاختن والوجار
 وابو بكر الوقف آخر السورة لانه اسم ان يقول ذلك كله
 سورة الفلق لسر الله الرحمن الرحيم قالوا
 الوقف آخر السورة سورة الناس
 في سر الله الرحمن الرحيم والناس آخر السورة
 والله اعلم بجميع ذلك ثم الكتاب المنتصر
 من كتاب الوقف الحمد لله وتوفيقه وصلى الله على محمد
 وآله اجمعين وكسبه عبد الله بن علي احمد الخ من جملة
 شيخ العزيز اللبيب المشيد ابو بكر عتيق بن محمد بن خسر
 رزقه الله العلم والادب برحمته يا ارحم الراحمين
 في المنتصف من شهر رمضان سنة ست وعشرين وخمس مائة



این نسخه مختصر کتاب الوقف در ۵۲۶ هـ بخط عبد الله بن علی نوشته شده که نمونه نسخی اواسط قرن ۶ هـ است .

این نسخه برای ابوبکر عتیق بن محمد بن خسرو نوشته شده ، که ظاهراً همان مؤلف تفسیر سور آبادی باشد ! که در کتاب السیاق عبدالغافر نامش ابوبکر عتیق بن محمد متوفی ۴۹۴ هـ است .

که بدین حساب باید نویسنده همین نسخه ۵۲۶ هـ نباشد .

اگر چه مولوی محمد شفیع مرحوم این هردو ابوبکر عتیق را یک نفر شمرده ولی بین وفات ابو بکر عتیق سور آبادی مفسر ، و این ابوبکر عتیق فاصله سی ساله موجود است ، چون در ۵۲۶ هـ این شخص جوان رشید مستحق دعای رزقه الله العلم والا دب بوده بنا برین باید سال وفات سور آبادی ، او قات پیدا ییش وی باشد .

بهاره ترا خرم شاد مان
بسنوید و امتق هواج او بگفت

بگو شد حامه زوز فرخده چاک
بگفت نشنند هر دو بوزان

بشامسرت سمد نبرد و بی همه
بهر هر دو ز کشتی میزن آمد بی

بمان دان مکران میکل از به لور بی
ببر و ران همه مرده مان سر بس

بده پیشانی بت شده ندی قران
بازو حواستند بی همه رایب کو پیش

بمان بود این مکر شاه و
ببختل بیاید شد نود بی راه

ببا شرف زان کیمت بهمان
بسکند راه هم اندر بهفت

ببامد نوب تیرت کوزان مغاک
بشده بخونهاشان ز مهر کمر نضاف

بشده هیچ دلستان ازاره دزم
بذریا سوچه شمشو شامسرت نظر

ببود ناه بت خانه ترا بشنوی بی
بشده نه بی بدان میکل نامور

بدر تک بر د بی به بیشتر نضاف
بطرفت بد نش دل اراج کو پیش

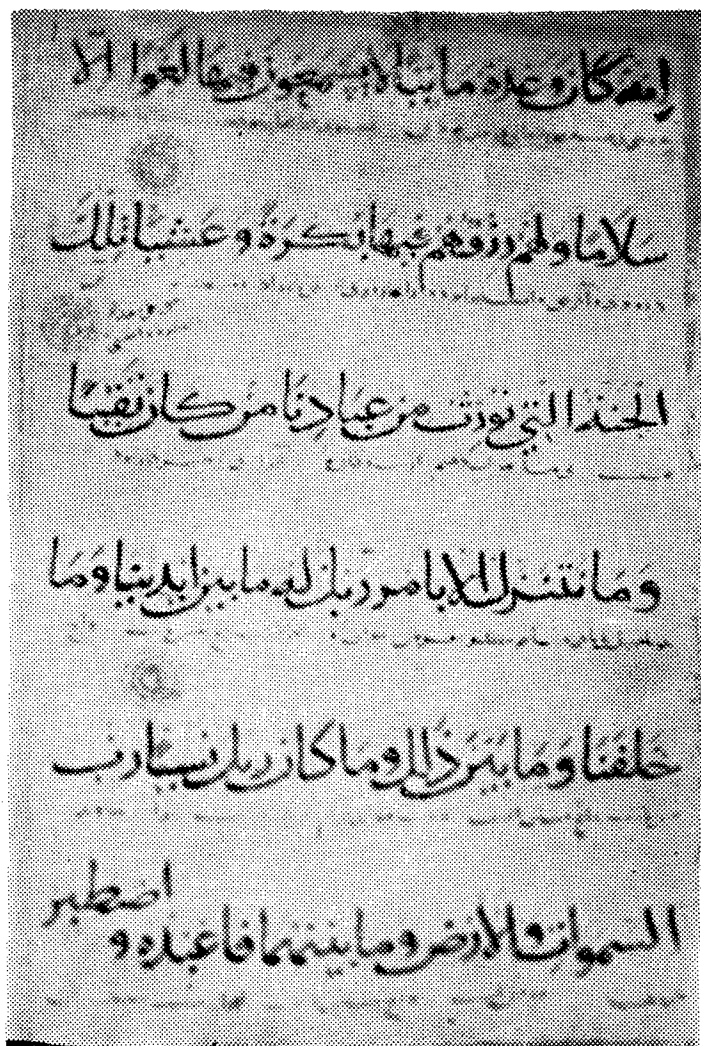
ببختل بیاید شد نود بی راه

نمبر ۷۳ به صفحه آینده رجوع شود

بسادرد ترا خرم (و) شادمان
 پسندید و امق هر انچ او بگفت
 چو شد جامه روز فر خنده چا ك
 بگشمتی نشستند هر دو جوان
 بشامس رسیدند هر دو بهم
 چون هر دو ز گشمتی برون آمدند
 چنان دان کی آن هیکل از پهلوی
 برو زان همه مردمان سر بسر
 همه پیش آن بت شدند فر ا ز
 ازو خواستندی همه رای خویش
 چنان بود آیین کی شاه و سپاه
 بیاشی بی آزاد و ایمن بجان
 بسنجید راه هم اندر نهفت
 برآمد شب تیره گون از مغا ك
 شده سخو نهانشان زهرکس نهان
 نشد هیچ دشمنان لدان ره دژ م
 ز دریا سوی شهر شامس شد ند
 بود نام بت خانه تا بشنوی
 شدندی بدان هیکل نامور
 بد (و) نیک بردی به پیشش نماز
 گرفته بدندش دل آرای خویش
 بهیکل پیاده شدند بر او

نمبر ۷۳

نیم صفحه از کتاب خطی و امق و عنذرای عنصری (متوفا ۴۴۱ هـ) که
 يك نسخه ناقص آن دارای ۳۵۳ بیت در سکه پر سنده بدست آمده و
 تاریخ نوشتن آن بین ۴۰۰ - ۵۰۰ هـ تخمین می شود. این کتاب خطی
 پیش از ۵۲۶ هـ در ملک سری زکی بن محمد بن علی عبد الحمید بامیانی
 بود (طبع لاهور ۱۹۶۷ م به ترتیب و حواشی دکتر محمد شفیع مرحوم)

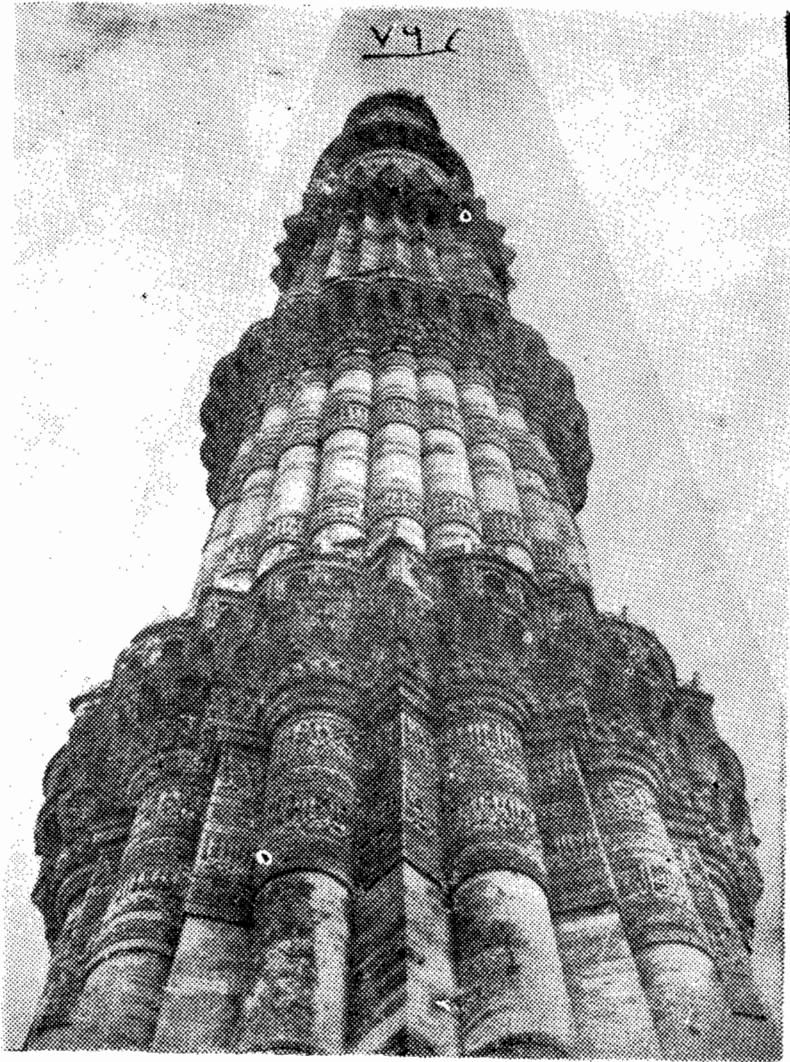


۷۴ صفحه آخر قرآن شریف بخط محمد بن عیسی که برای سلطان غور
غیاث الدین محمد سوم نوشته شده ۵۸۴ ق .
(موزه ایران باستان - از مجله هنرو مردم)

حرای تغالی مهرها بد تا بد ای این بیده هزار هزار بیتی بنویزند
 و هزار هزار بدی کمال کند از سافه و او و نافع وی بدست
 راست دهند و عزایب کوریش نباشند و فتنش کورش
 نباشد و تنکی و تکی و کورش نباشد حسن بود است از سافه
 علی بن ابی طالب و سلم که حرای هر وجه در شسته دست در وی آید سفید
 له او را سفید هزار در است اندر هر سری سفید هزار در است
 و بر هر دوری کبیر هزار در است و اندر هر دوری سفید هزار
 در است بهر زین است در هر جهت در او در هر جهت است که آن
 بد دیگری مانند این است و در هر جهت است و در هر جهت است
 کوی است سبحان الله العظيم سبحان الله العظيم سبحان
 لله الملك للقدوس سبحان الله العظيم سبحان الله العظيم سبحان
 الله العظيم سبحان الله العظيم سبحان الله العظيم سبحان
 سبحان الله العظيم سبحان الله العظيم سبحان الله العظيم سبحان
 سبحان الله العظيم سبحان الله العظيم سبحان الله العظيم سبحان
 سبحان الله العظيم سبحان الله العظيم سبحان الله العظيم سبحان
 سبحان الله العظيم سبحان الله العظيم سبحان الله العظيم سبحان
 سبحان الله العظيم سبحان الله العظيم سبحان الله العظيم سبحان

دانی ستمی بود بقیق یا بد ای حق که بکند نویسنده را بد عی جان یاد دارد و یاد در بر روی او
 با حلقی آمد مصطفی علیه السلام که در رساله خطی را در بونگی مایه کاه و لغته که آنرا در ستمی

۷۵ نمونه خط رساله دری بغض دولت شاه تو را کی که از بامیان بدست آمده ۶۱۲ ق



۷۶ خطوط کو فی قطب منار دہلی ۵۹۶ ق .

صدق الله العظيم وصدق رسول
 البوا كثره ونحن على الامم
 الثابتة والحمد لله رب العالمين
 والصلوة والسلام على صفيه
 من خلائقه محمد وآله الطاهرين
 في الله الصبر
 شهر ربيع الثاني سنة ١٢٤٥
 ١٤

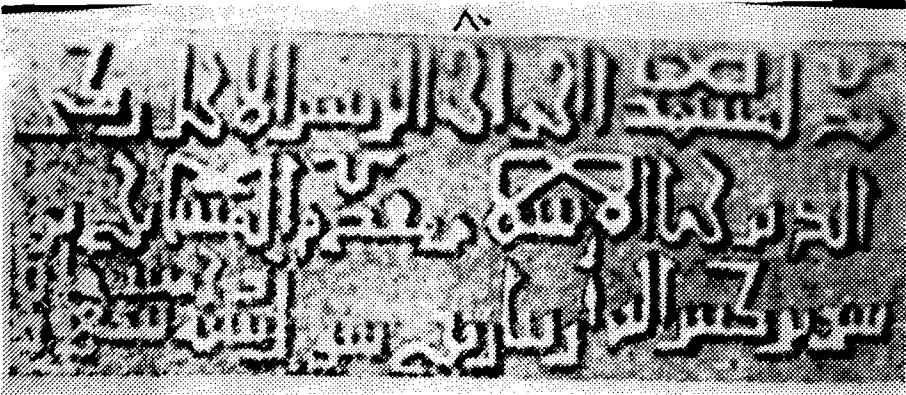
٧٧ صفحة آخر قرآن بخط عبد الله
 صير في ٧٢٠ ق منجينه مشهد
 رضوى .



۷۸ خط رقاع نمای سلطان شاه بر ظرف هرات ۷۷۷ ق



۷۹ نوشته مسجد الرشید بن محمد در باکو ۴۷۱ ق
(از مسلم کالگرافی)

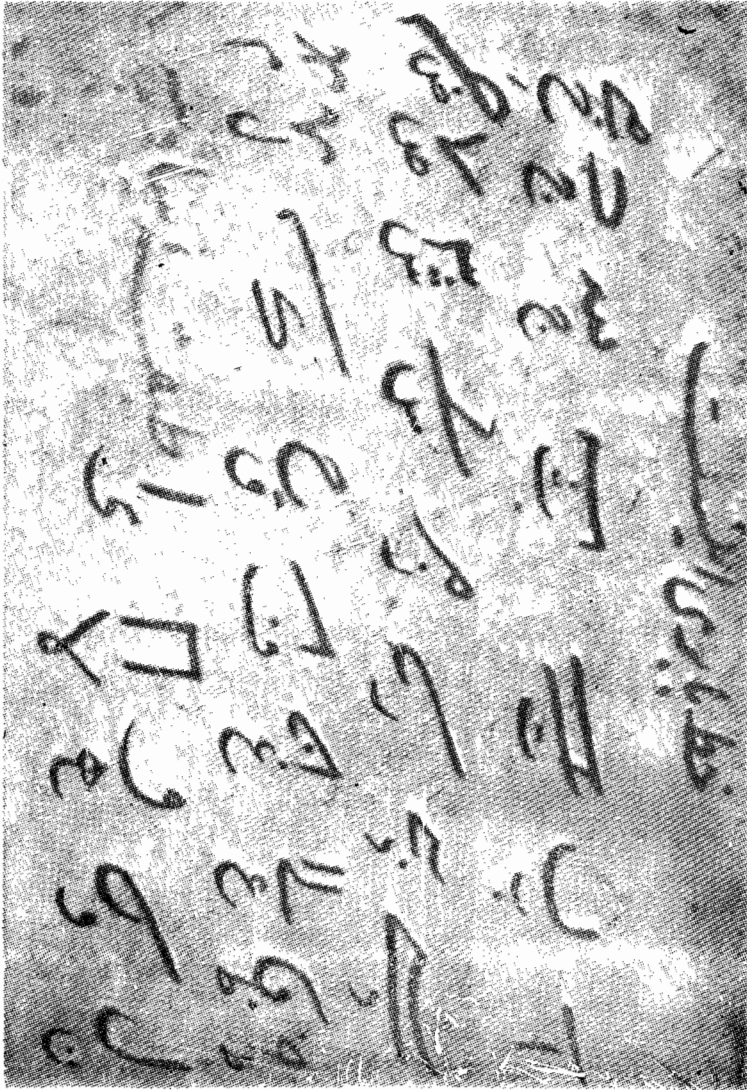


۸۰ کتیبه قبر یوسف بن کبیر در باکو ۵۵۷ ق
(از مسلم کالگرافی)



۸۱ نوشته بنای مشهور به قبر فخرالدین رازی (؟) در اورگنج کهنه

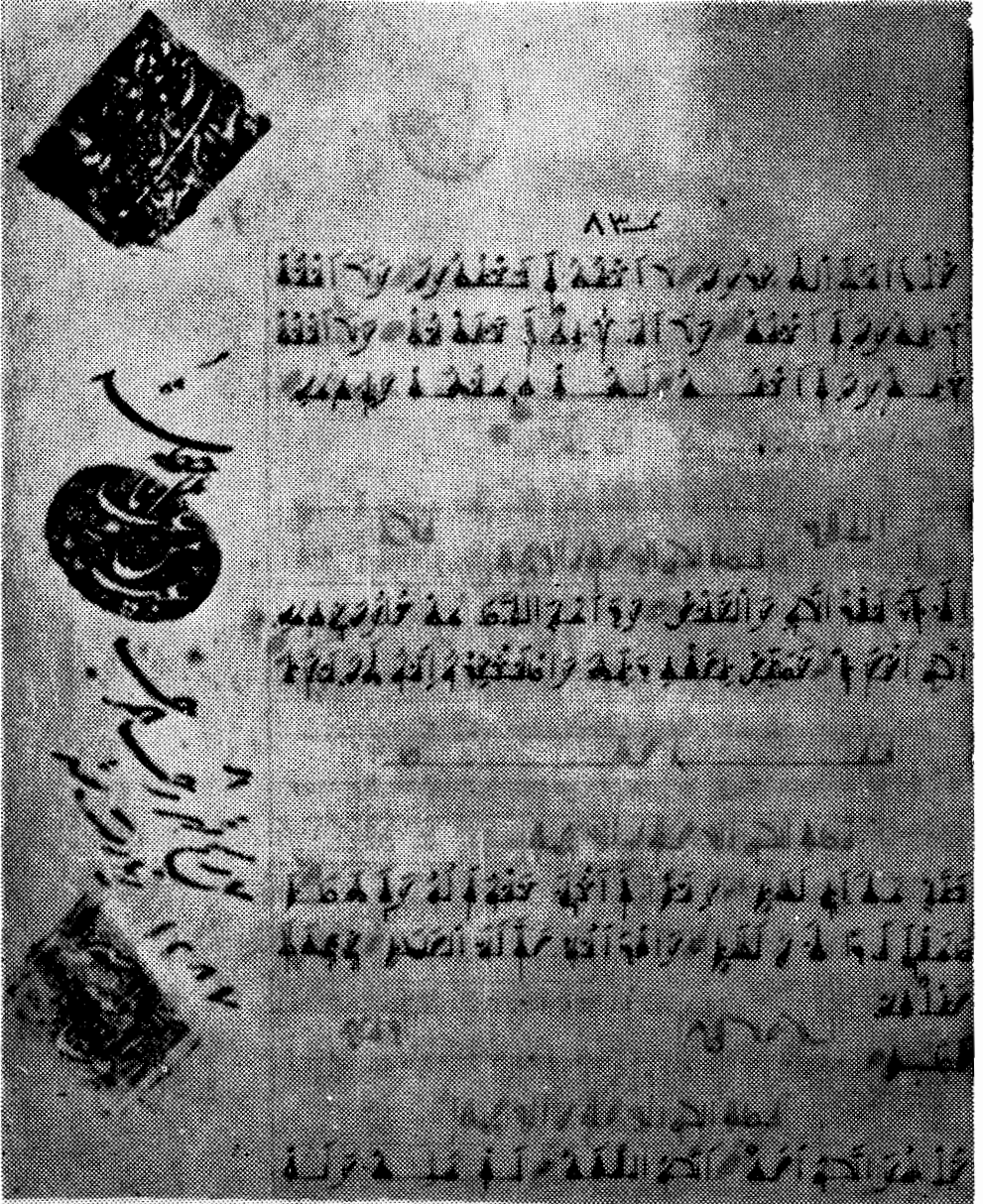
قرن ۱۲ م



۸۲ نمونه الفبای بابری از عجایب الطبقات خطی تالیف محمد طاهر

بلخی ۱۰۵۵ ق

-۲۰۶-



۸۳ يك صفحه از قرآن عظیم بخط ناشناخته در مشهد رضوی که دران
 سورة قل يا ايها الكافرون - اذا جاء نصر الله - ثبت يدا - قل هو الله
 احد نوشته شده است .

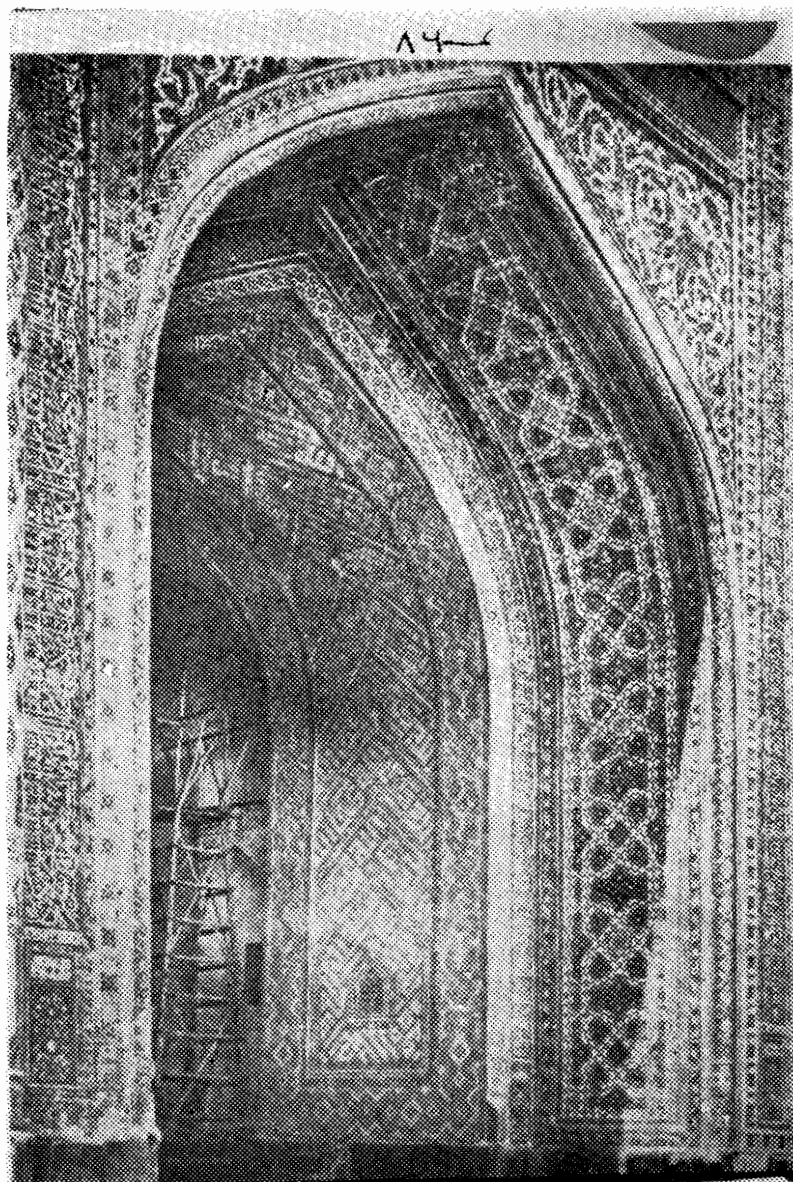
جدول مقایسه‌ی حروف عربی و خط بابری با خط مصحف مشاهد

عربی	بابری	مشهد	عربی	بابری	مشهد	عربی	بابری	مشهد
ا	ا	ا	ز	ز	ا	ح	ح	ا
ب	ب	ب	س	س	ط	ک	ک	ب
ت	ت	ت	ث	ث	ض	ل	ل	ت
ث	ث	ث	ص	ص	ل	م	م	ث
ج	ج	ج	ض	ض	ل	ن	ن	ج
ح	ح	ح	ط	ط	و	و	و	ح
خ	خ	خ	ظ	ظ	*	ه	ه	خ
د	د	د	ع	ع	ل	لا	لا	د
ذ	ذ	ذ	غ	غ	ن	ی	ی	ذ
ر	ر	ر	ف	ف	ن			ر

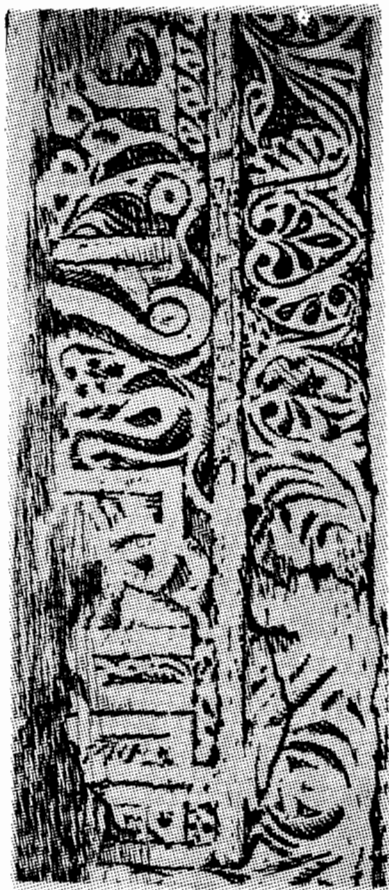
* در عکس چهار صفحه که بمن رسیده حرف ظ نیست.



۸۵ صفحه اول شاهنامه بایسنقری
۸۸۳ ق در موزه گلستان تهران
(از سروی هنر پرشیا)

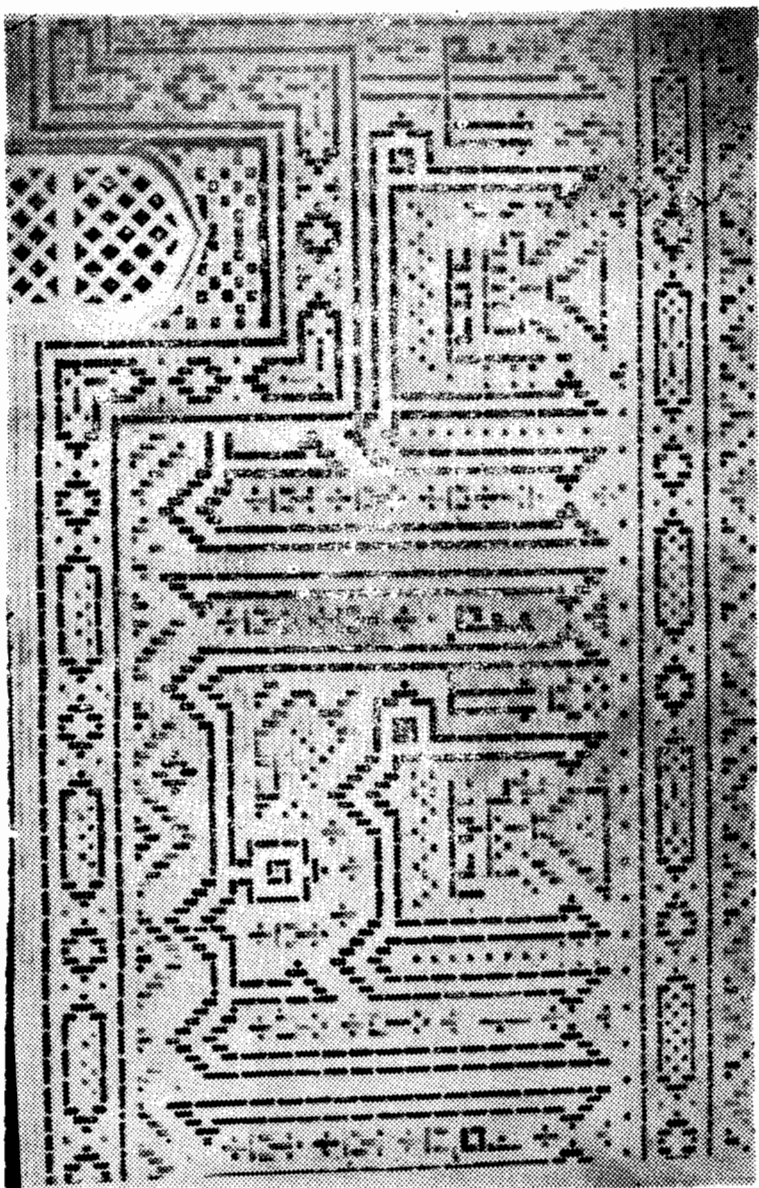


۸۶ ایوان مسجد گوهرشاد در مشهد رضوی که برپهلوی چپ آن
امضای شهزاده بایسنقر بن شاهرخ باخط او موجود است .
(از سروی هنر پرشیا)



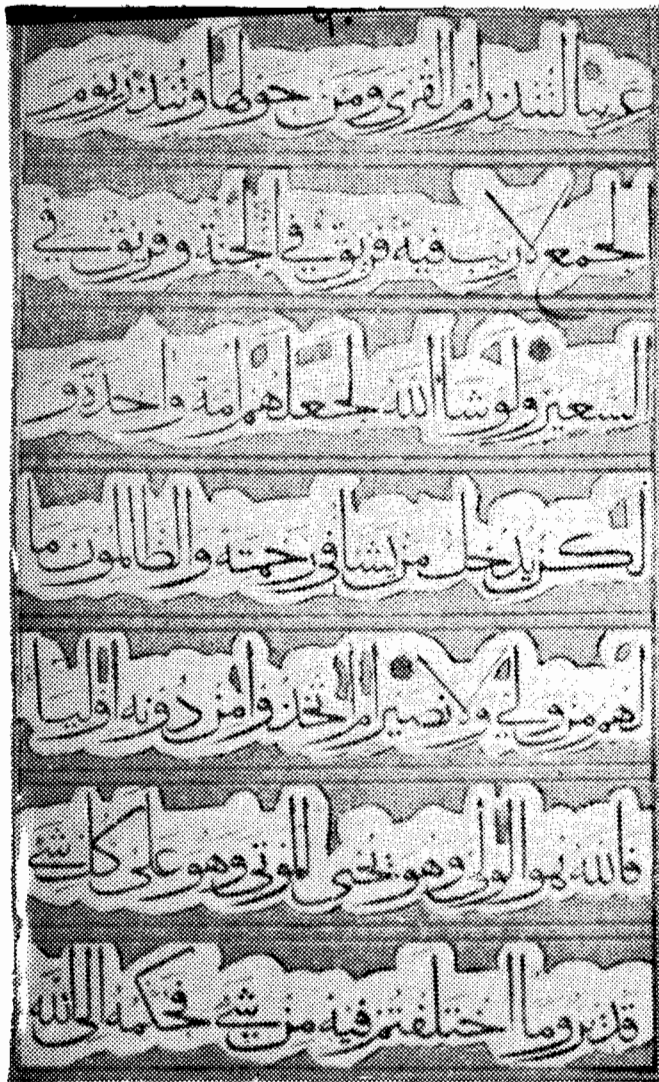
۸۷ بقایای نقوش و خط بریکسی از دیوار های لشکر گاه بست

۸۸ خط کوفی بین خشت کاری بر گورامیر تیمور در سمرقند

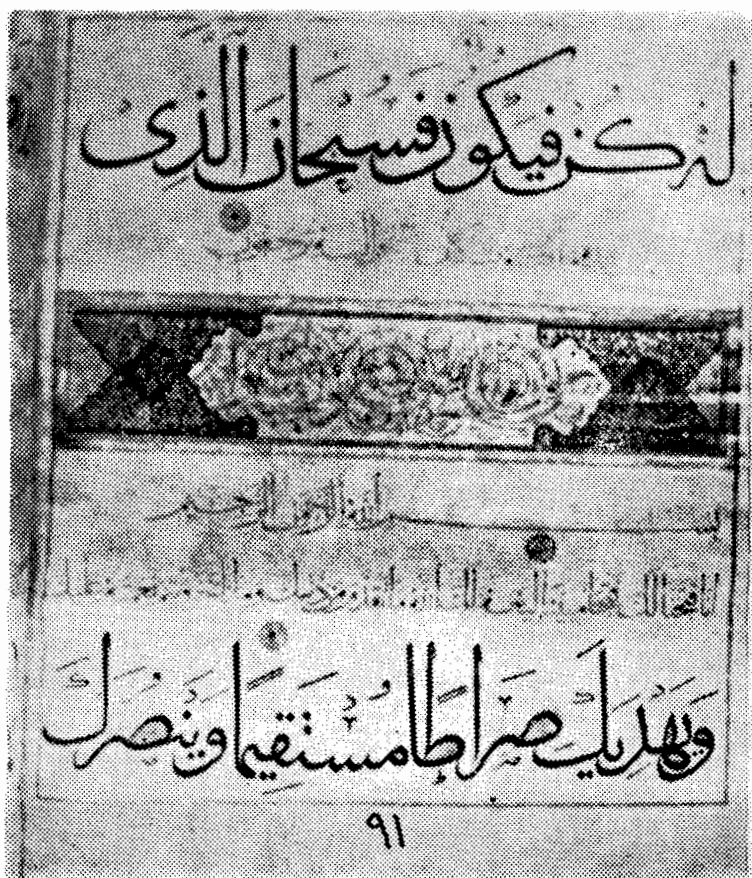


۱۸۹
 چشم تا حاد در نهایت نوزده ماه و ده ماه و طبع است و در این راه
 خانه گویند و در او بنط کوبیده می کشند و در آن چشم بر سر و سر طبع
 و در فن این او چشم نیکه بس که ترست و در آن چشم بر سر و سر طبع
 و مساوی آنهاست چشم فادیم کی چشم بر سر می شود که در آن
 بر آن بود و سر بر روی مگذرد لوز او یک سطح دید بود تصور کرد
 سطح و بیرون آن تر شود که اندیش و آب از دهان او بیاید که
 و گن میاورد بر سطح میان لبان و سطح بر برد و گن است که است
 و دیگر است چشم چگونه باشد اگر چشم راست بود سطح است بود
 چشم که نوز سطح که باشد خط چینیست که است راههاست
 این است او با جان خنطی باشد و از خط طوی است در عرض بعد
 که کمتر باشد از شدت سطح طبع که بعد ما سطح کی کمتر بود و در آن چشم
 اگر سطح است و در سطح بودی و مساوی آنهاست سطح فادیم سطح
 و صورت پس از خط انسان شود که ترست از روز شدت که اند
 است و در آن است و سران خط کی میان آنهاست و سطح بود
 و اگر کسی سطح را از کاهد تصور کرد هر حد کی کاهد سطح است و خط

۱۸۹ متراج خط ثلث بانسخی در کتاب التفریم ۵۲۸ ق کتابخانه
 مجلس تهران



۹۰ يك صفحه قرآن بخط باسنقر
میرزا اشهرزا ده هرات در مشهد



صفحة قرآن عظیم بخط ابراہیم سلطان بن شاهرخ ۸۲۷ قدر مشہد
 رضوی (از گنجینہ قرآن)



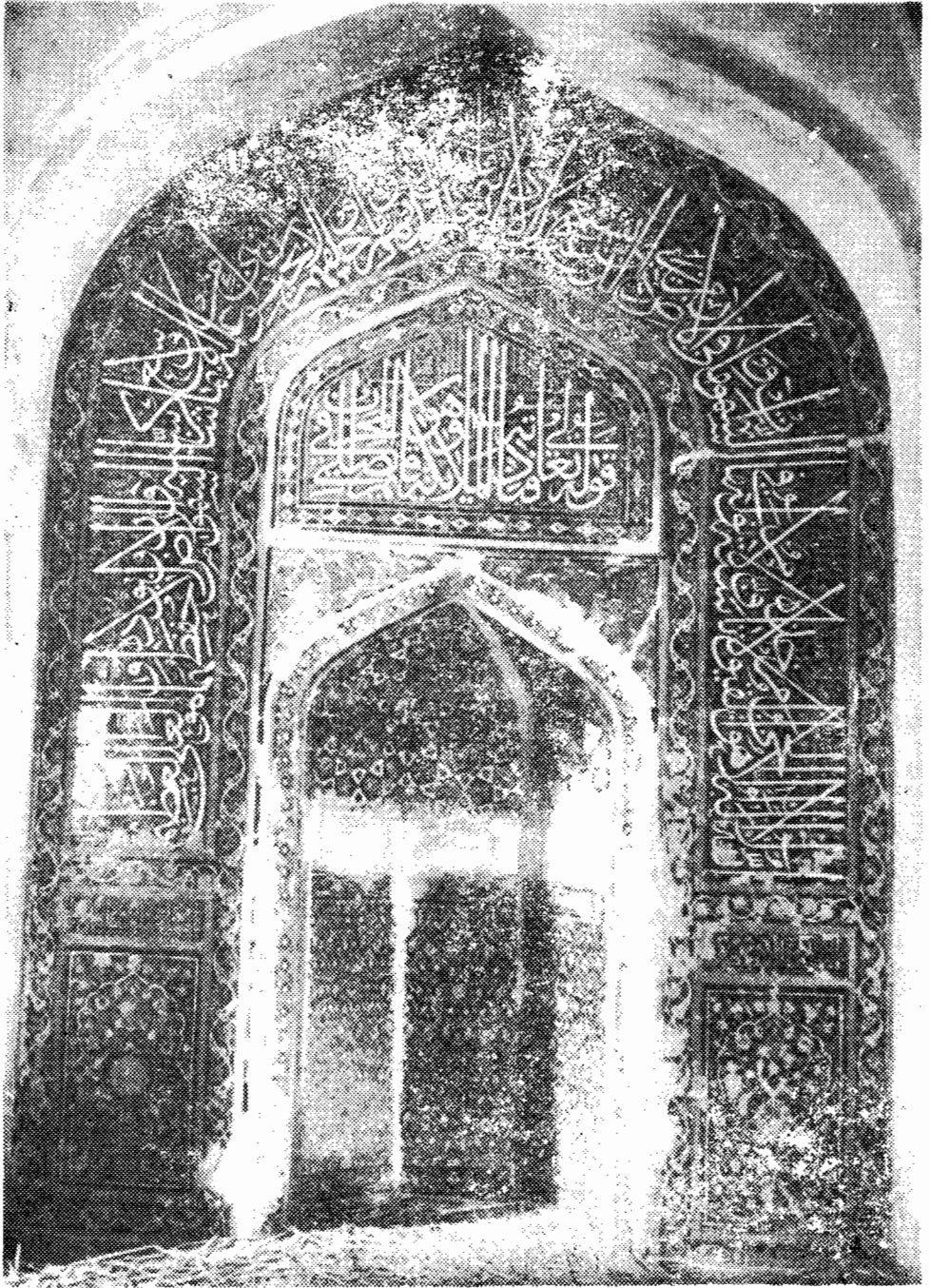
صفحه اول قرآن بخط خواجه عبدالله مروارید حدود ۹۰۰ ق ۱ ز
منجینه قرآن در مشهد رضوی

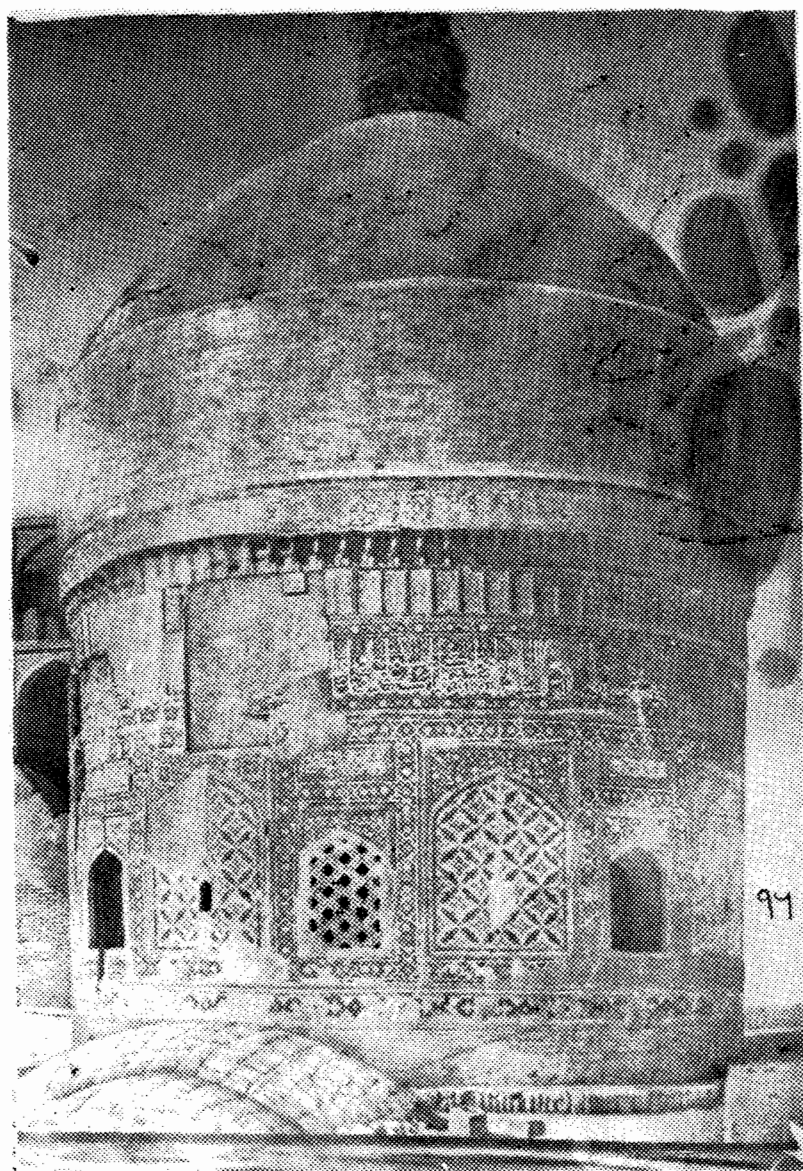


۹۳ خط عبدالله طباخ هروی ۸۴۵ قدر گنجینه قرآن مشهد رضوی

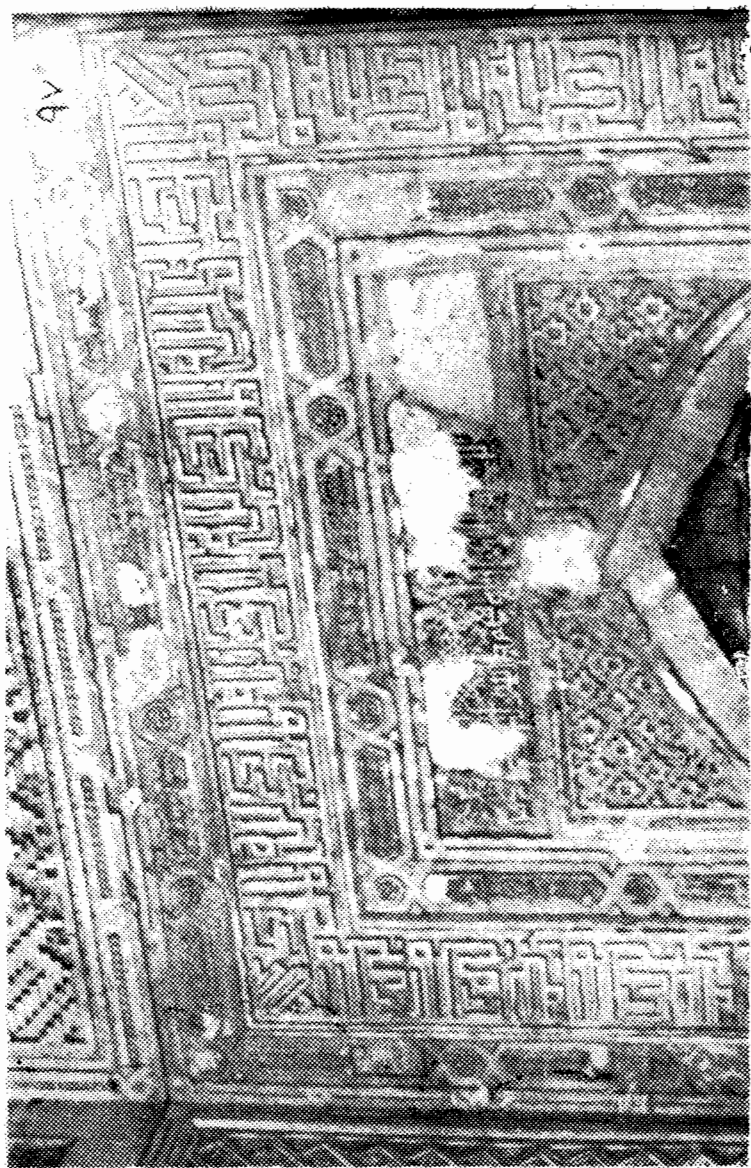
Handwritten text in Urdu script, likely a title or reference, oriented vertically on the left side of the page.





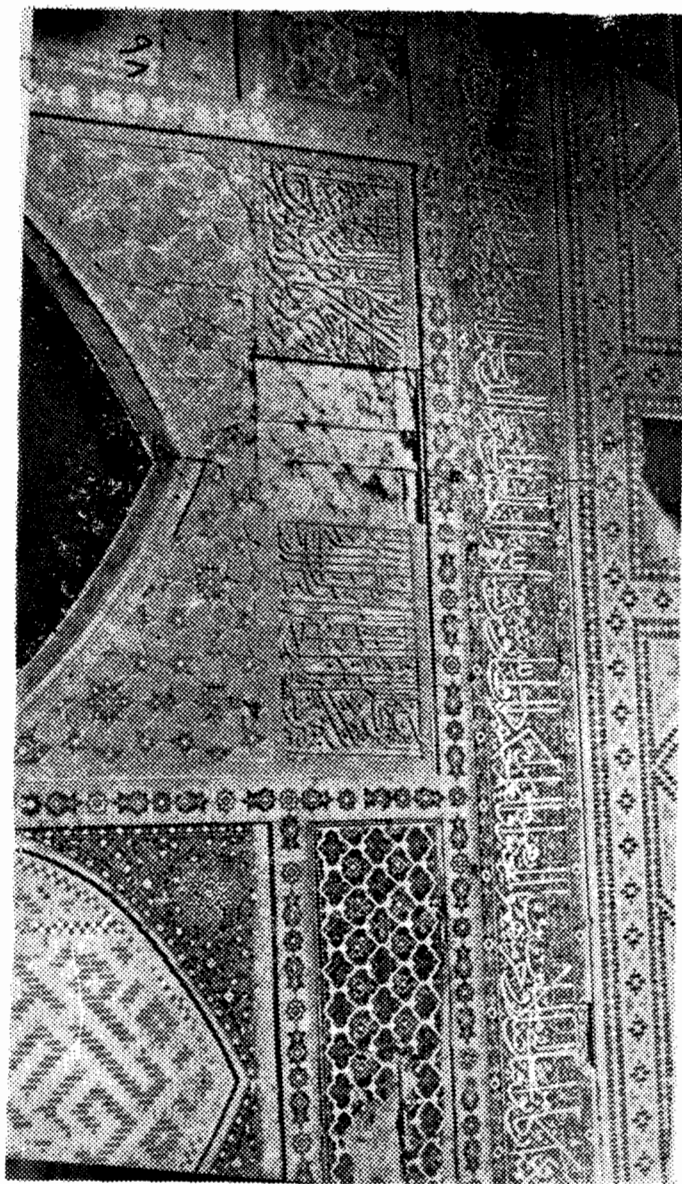


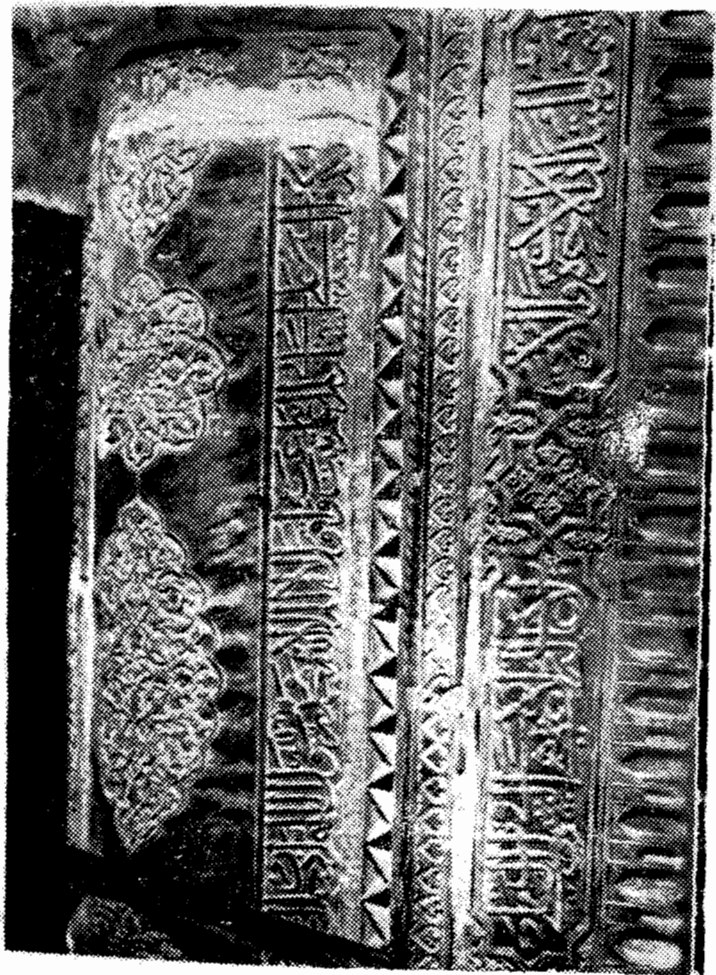
۹۶ نو شسته جلی مدرسه میر عرب بخارا ۹۲۴ ق



۹۷ نهونہ خط معقلی قرن ۱۶ برطاق نماز گاہ بخارا

۹۸ نالت جلی مسجد بی بی خانم در سمرقند او اخر قرن ۱۴

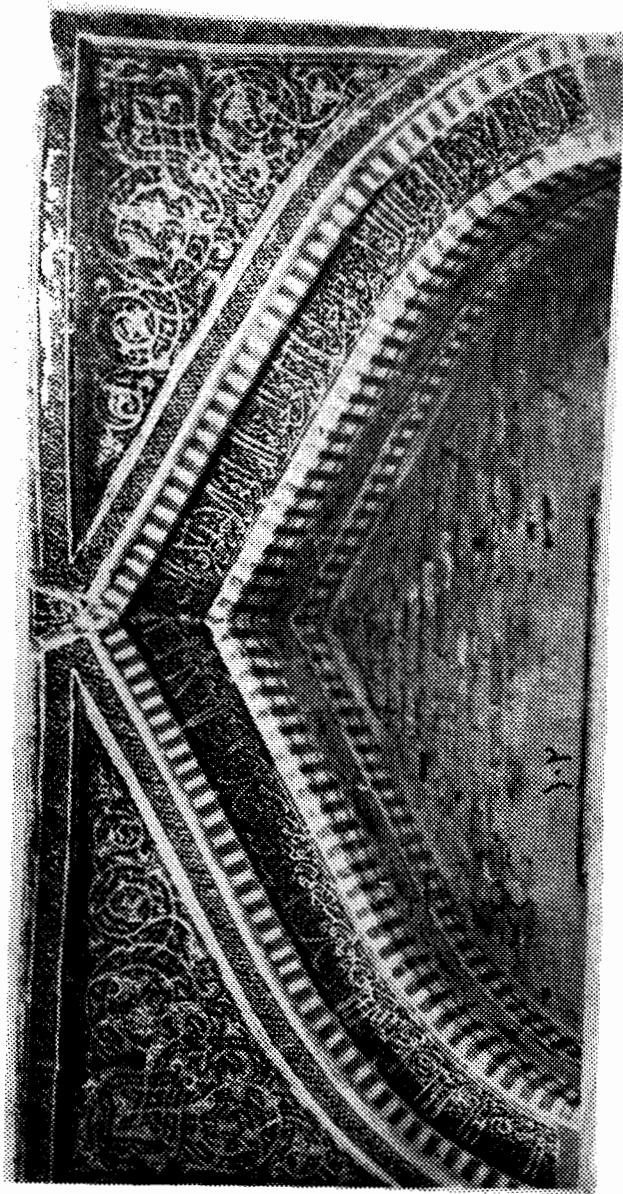




۹۹ کتیبه مزار حکیم نر ملی دوتزمد قرن ۱۴



١٠٠ - ١٠١ شيوه ثلاث تركستاني قرن ١٦
(كنجینه قرآن مشهد رضوی)



۱۰۲ ثلث متمایل به تعلیق برای یوان قبر بیان قلی خان در بخارا قرن ۱۴

٢٤٥

والحمد لله رب العالمين
والعاصمة المنعزة لا عدوان الا على الظالمين
وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطيبين
الطيبين الأطهار المنجيين
الاخيار وسلاما ليكم
ورفع الفراع وتجرده
المصداضعف المني
الى حلاله حال
منافس عبد الله
والمسلمة
والمسلمة
والمسلمة

١٠٢

در بیان امام حسین در بیان اهل بیت و صدق
 حقیقت در هیچ حالتی از ما و از کافران اسانیم منقطع
 نماند و ما را در دنیا و آخرت در هر حال خلافت از حضرت
 مبارک و جاکران مقدس خسر کناد و در همان محبت است
 کرد الی ما جاکر فرمودست که جواب کفر بر منسوب شیعیان
 و زلات ما باشد و دل طرا بر محبت خویش و من طرا بر حضرت
 دشمنان خویش وقت دارد و ما را یک طرفه العین و کم از آن
 بما و خلق باز مکلدار و ماخ ناکند بر دین و دینا و آخرت ما است
 حضرت دعوتی بود حضرت است و محبت و ما را از من دارد
 بنویس محمد و اله احمدن و محمد صمد العالی را العالی را من محمد
هذا کتاب استکبته العبد الضعيف
المحتاج الى رحمة الله تعالى علي بن الفاضل علي
الجوني لنفسه بعد وقوع الفدح من استكناه
 وعنه **محمد صالح**

۱۰۴
 ۱.۴ صفحه اخير اسرا رالتو حید کتابغا نه سلیم آغا استنا نبول بخط
 محمد صالح در سنه ۷۰۰ ق شیوه نسخه مزوج به تعلیق

۱۰۵
تاج تزیینی خواجه تاج الدین مشقی
عالمی نعتیہ سرخ و سیاہی میں لکھی ہوئی ہے۔

تعلیق تزیینی خواجه تاج الدین مشقی
(از کتاب و کتابخانہ)

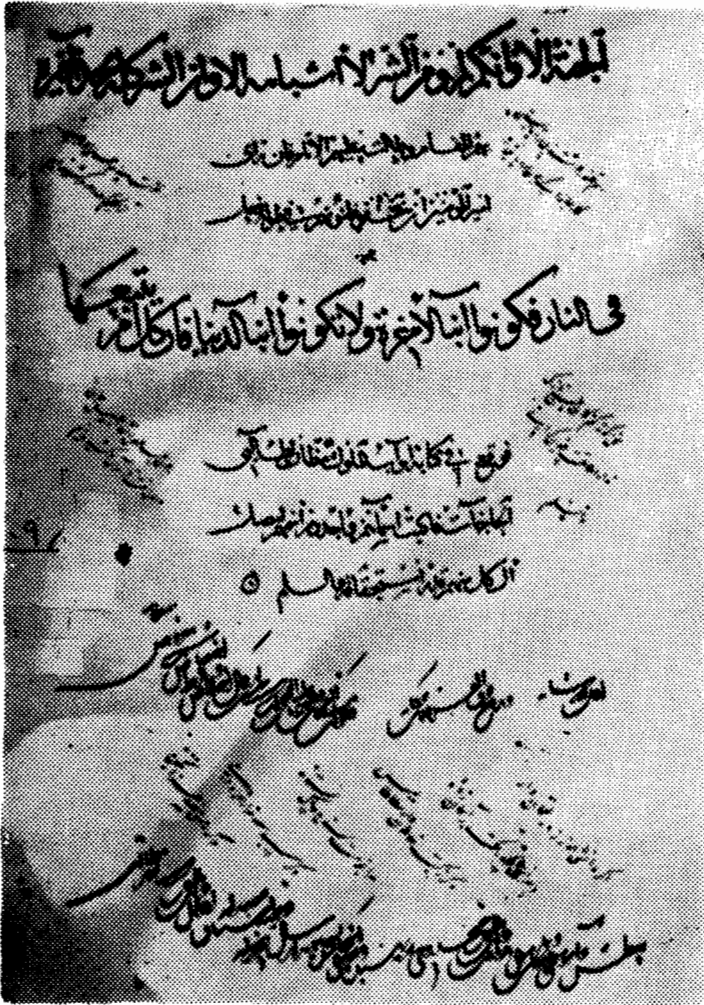
Handwritten text in Persian script, likely a manuscript page. The text is densely packed and includes several lines of prose, possibly a commentary or a historical account. The script is highly stylized and cursive. The page is framed by a decorative border.

در کتاب تصدیرت فی الزعم حد آدام سینه بکینه حاکم
 وانش دنا لقت ان کان دسینه قد حاکم
 سنه عمر بای محمد بن لاکب البحر شبر
 او و عی قلی و تا وید لاکب عادل تنزید
 او شاطن اشرب شریک سبحان من عرفنی قریب

سبحان من العینی قیل
 تم کتاب الطیبات محمد
 دست علی بد آید الضیف
 در دیشس صونی نوم الام
 نامن عیسیٰ سفینه
 ۱۳۹

۱۲ صفحه اخیر طبعات
 الصوفیه نور عثمانیه استانبول

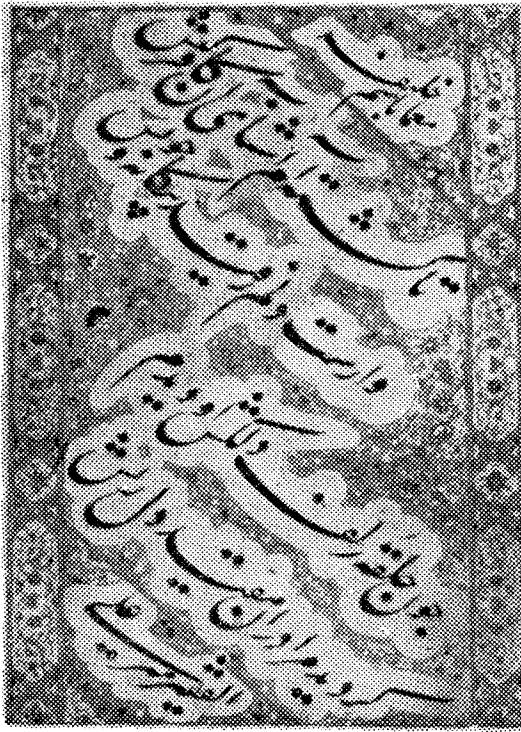




۱۰۹ نمونه خطوط جعفر بایسنقری هروی در کتابخانه ملی تهران
 نث - نستعلیق - رقاع - شکسته

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
سُبْحَانَ مَنْ لَا يَلْبَسُ الْأَلْبَامَ وَلَا يَلْبَسُ الْكَلْبَامَ
سُبْحَانَ مَنْ لَا يَلْبَسُ الْأَلْبَامَ وَلَا يَلْبَسُ الْكَلْبَامَ
السُّبْحُ وَالسُّبْحُ وَالسُّبْحُ وَالسُّبْحُ وَالسُّبْحُ
السُّبْحُ وَالسُّبْحُ وَالسُّبْحُ وَالسُّبْحُ وَالسُّبْحُ
سُبْحَانَ مَنْ لَا يَلْبَسُ الْأَلْبَامَ وَلَا يَلْبَسُ الْكَلْبَامَ
سُبْحَانَ مَنْ لَا يَلْبَسُ الْأَلْبَامَ وَلَا يَلْبَسُ الْكَلْبَامَ
عَنْهَا فَاصْرِحْ بِأَنَّهَا لَمْ تَلِدْ
عَنْهَا فَاصْرِحْ بِأَنَّهَا لَمْ تَلِدْ
وَلَمْ يَلِدْ وَلَمْ يَلِدْ وَلَمْ يَلِدْ
وَلَمْ يَلِدْ وَلَمْ يَلِدْ وَلَمْ يَلِدْ

۱۰ نمونه خطوط جعفر مروی در کتابخانه ملی تهران-نسخی وریحان
(سروی هنر، تیرشیا)



۱۱ خط نستعلیق میرعلی هروی



۱۱۲ نستعلیق سلطان محمد نور



۱۱۳ نستعلیق علی مشرعی



۱۱۴ نستعلیق جلی حسن شاملو ۱۰۴۹ق بروزاد خواجه عبدالله انصاری هرات



۱۱۵ يك صفحه شاهنامه هو زة گلستان تهران بخط جعفر باي سنقرى

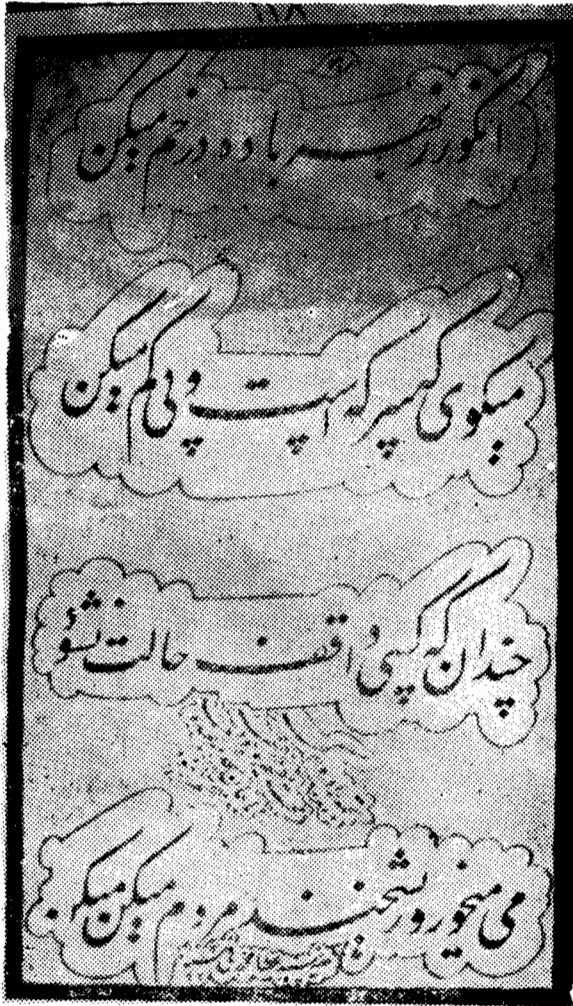
(سروى هنرپوشيا)

ق ۸۳۳



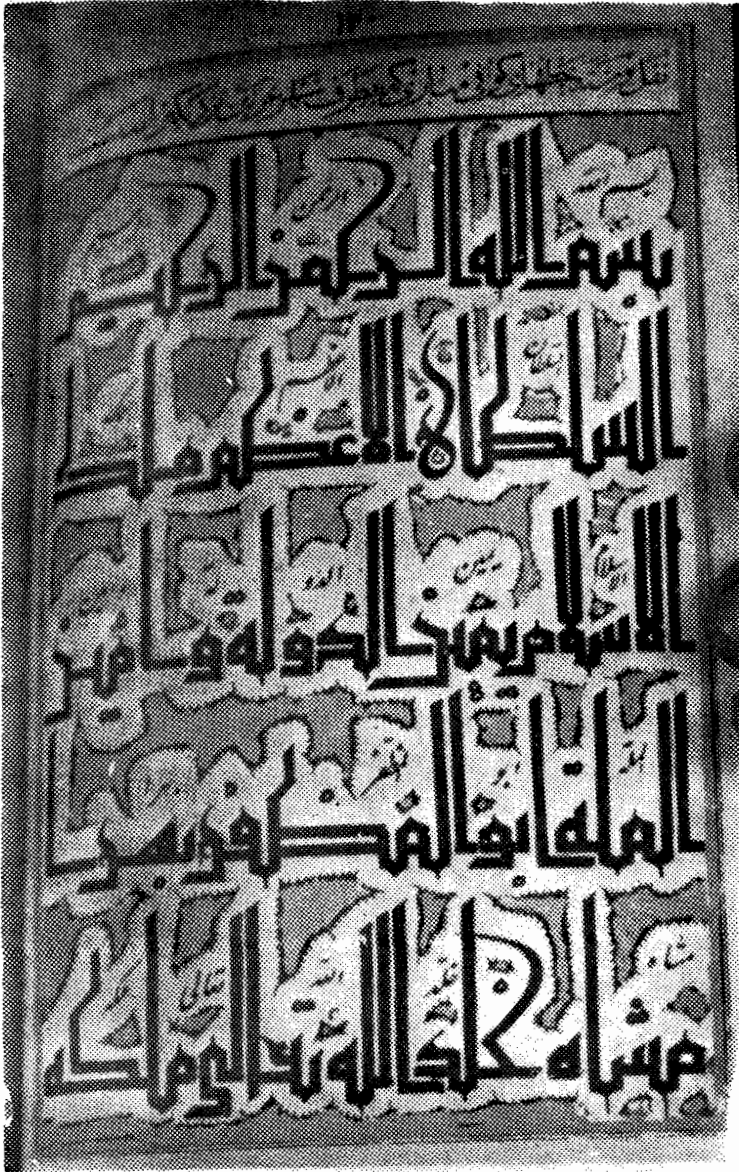
سلام علیک ای نبی کریم
 از تیر از دم و پیک
 سلام علیک ای زابا علوی
 از نو و نو و نو
 سلام علیک ای زابا علوی
 از نو و نو و نو

سلام استعلیق میر عبد الرحمن مروی

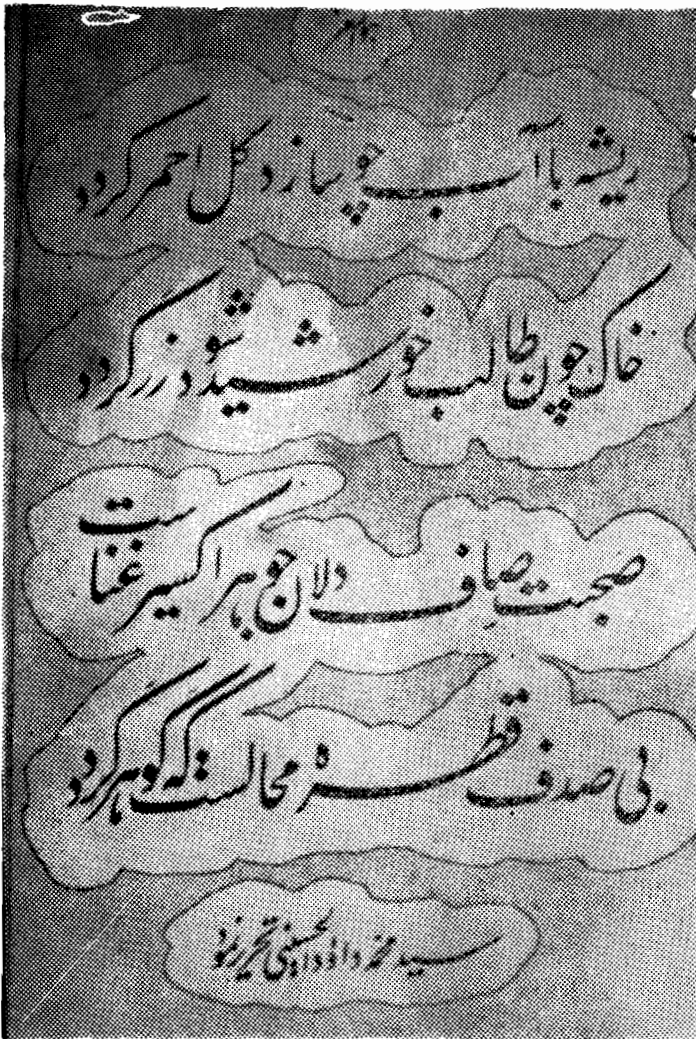


نمبر ۱۱۸





١٢٠ نمونة خط كوفي ونستعليق
 وثالث شيخ محمد رضا هروي ١٣٢٦ ق



نمبر ۱۲۱



نمبر ۱۲۲
-۲۴۵-

که پادشاه دور رس است چنان یم

علامت است ماه تابان یم
لوی احمد شاه بابا

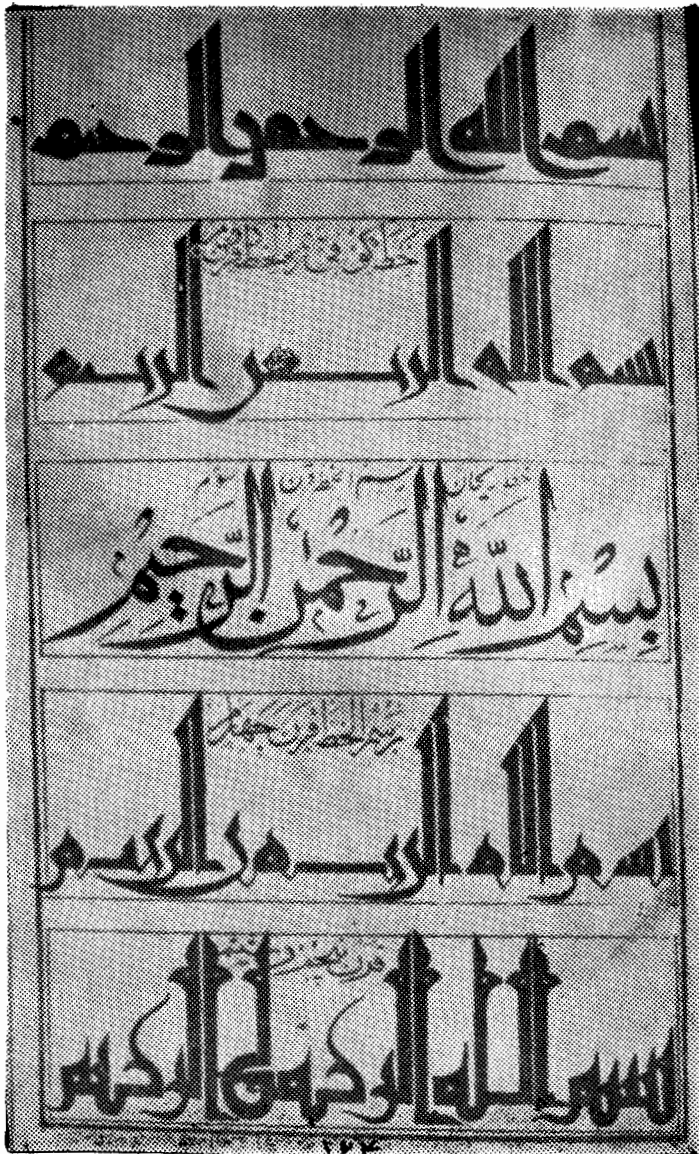
که مهر چوپه چهار دور و دم

آخر پانی دخترا ن یم

پروش عماد السیسی قلمی شد

عزیز الدین وکیلی قفلازی

۱۲۳



نمونه خطوط اخوند محمدعلی هروی

بماند البها این نظم و ترتیب

ز ما هر ذره خاک افتاده جا

غرض نفس است کرنا باز ما

که هستی از بی بیعت
حسین فاطماتی

شکل کنون	در خيرالبيان	در مخزن	درخاندان خوشحالخان	امثله
ټ	ټ	ټ	ټ	غټ = غټ
څ	څ	څ	څ	څوک = چوک
ځ	ډ	څڅ	څ	ځا = دما = چا
ډ	ډ	ډ	ډ	ډپر = دُپر
ږ	ږ	ږ	ږ	ږه = زړه
ږ	ډ	ږ	ږ	رسيږي = رسېږي = رسېږي
ښ	ښ	ښ	ښ	ښاغلي = شاغلي
ښ	ښ	ښ	ښ	رښا = رښا = رښا

کتابت شد در روز ۱۲۷
در این کتابت علی بن محمد

که با آن تم تعقل نماید و به سبب این کتابت در این بیان
و به نال لاف و افغان و افغان است و به سبب این کتابت در این بیان

و به سبب این کتابت در این بیان
و به سبب این کتابت در این بیان

و به سبب این کتابت در این بیان
و به سبب این کتابت در این بیان

و به سبب این کتابت در این بیان
و به سبب این کتابت در این بیان

و به سبب این کتابت در این بیان
و به سبب این کتابت در این بیان

و به سبب این کتابت در این بیان
و به سبب این کتابت در این بیان

و به سبب این کتابت در این بیان
و به سبب این کتابت در این بیان

نمبر ۱۲۷، عکس صفحه اخیر نسخه خطی خیر البیان .

بسم الله الرحمن الرحيم
 وایم گدو و سبانه لوقا اینه و در روز جمعه
 علیه السلام هر که از روز جمعه رحمت علیه و
 رحمتون روی در همه شایسته و بار خیر و برکت
 پاره کنی درون خانه او عبادت خدای تعالی
 تا آنکه او سبانه پی و بار خیر و برکت
 به سزده من شکر صبر کنی تا غروب سبانه
 صبر کنی عبادت و در ماه صبر کنی
 تا آنکه بر نما آوردی سبانه تا آنکه
 در روز کمال رحمت به تو بیاید سبانه
 باشد و اول سبانه هم شکر شود و
 او در روز کمال سبانه و اول سبانه
 لواحدین شیخ شاکر استی می
 مژگونوی او در کمال سبانه
 و کسی باز نکند او و سبانه او در
 او روزی سبانه شکر در خدای تعالی

نمبر ۱۲۸، عکس صفحه اول نسخه خطی تذکرة الاولیاء سلیمان ماکو.

خطاط معاصر

اکنون که داستان آفرینش خط را در افغانستان شنیدید و نمونه های انواع خطوط مروجۀ دور های تاریخی را هم دیدید ، ما خوانندگان گرامی خود را به تماشا ی پدیدۀ هنری خط در عصر حاضر می آوریم .
 مواریت هنری گد شنگان ما درین عصر نیز خو شبختانه زنده اند ، و ممثل بزرگ این هنر در وقت استاد قادر القلم عزیزالدین فوفلزا ئی قند هاری ولد مرحوم حاجی نظام الدین خان ساکن کابل اند ، که با وجود داشتن مرتبۀ اولین در صف خوشنویسان این زمان ، نویسنده مورخ و شاعر نیز میباشند .



برای اینکه در پایان این کتاب نمونه های زنده هنر خطاطی را در کشور عزیز ما نشان داده باشیم ، از استاد گرامی موصوف خوا هش کردیم که نمونه های انواع خطوط خامۀ توانای خود را ضمیمۀ این کتاب فرمایند .

استاد دانشمند این خواهش ما را پذیرفته و (۳۵) قطعه از نمونه های مختلف خطوط خود را برای تکمیل و تزئین این کتاب بما سپردند ، که با تشکر در صفحات آئینده آنرا عکاسی کرده ایم ، و خوانندگان محترم دیده می توانند که فروغ هنر کهن هنوز در افق وطن می درخشند ، و کشور عبدالله مر وارید و بایستقر و میر عبد الرحمن و سید عطا محمد شاه از وجود هنر مندی چون استاد عزیز خالی نیست .
 خدای توانا بر برکات خامه اش بیفزاید .

سلطان عقل و دانش جامی کہ یافت خلد

از بادہ وصالش، ارواح قدس جامی

تاریخ فوت اورا، از عقل خواستم گفت

آہ از فراق جامی، آہ از فراق جامی

قطعه تاریخ فوت مولانا نور الدین عبدالرحمن جامی بنا سبب احتفال پنجصد و پنجاہین سال ولادت آنجناب کہ در سال ہزار و صد و چہل و سہ ۱۳۴۳ ش
در کابل برپا شد تحریر گردید .
عزیز الدین وکیلی فوفرائی

ہر احترام چہ عالم کس بس دامکان

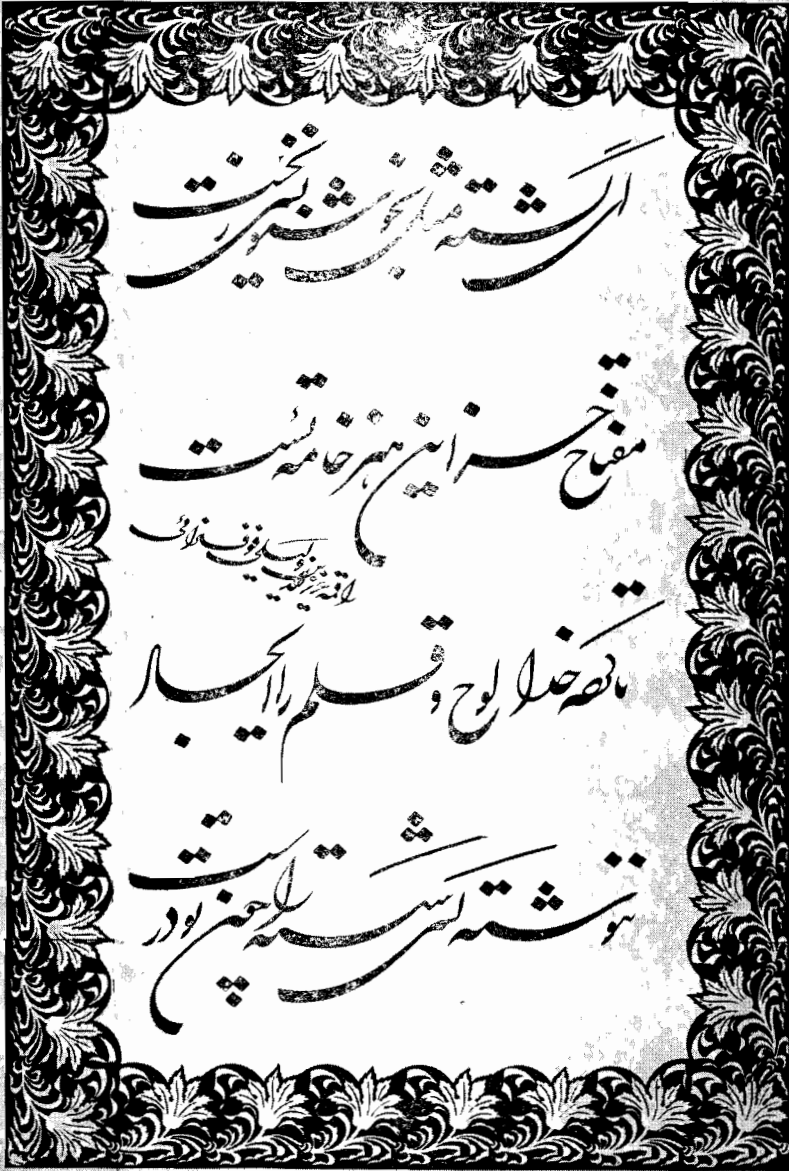
پر مقصدی دہا سپر عبد الرحمن

ہر سہار چہ ہر شکر کند سی لہ

پر دہن بی ہر روح دہرمان

بجو اب کی از قطعات مشہور جناب سی عطا محمد خان قندھاری قلمی شد

العبد الحقیر الفقیر المذنب عزیز الدین کیلی فوفلز الی



۳- خط توقیع از قسام شکسته نویسی خراسانی باصنعت حاشیة آن

شعر استاد خلیلی

لَكَ وَنَهْ مَسْتَقِيمٍ خَيْلٍ مَكَانٍ

كَ خَزَانٍ رَابَعِي رَاشِي كَهَبَهَارٍ

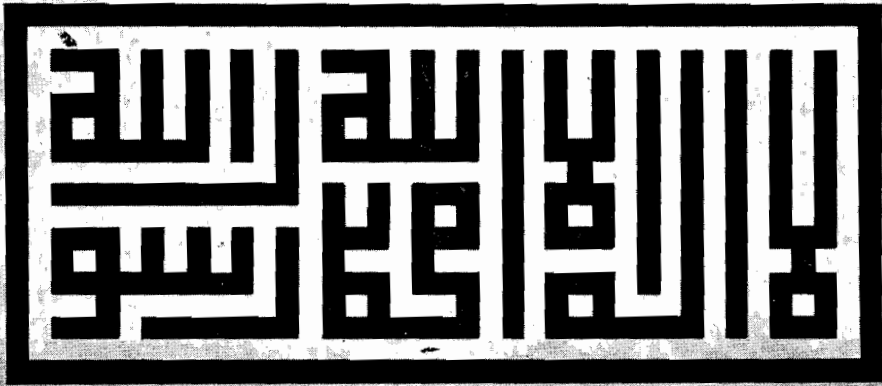
ليكونكي ، عزيز الدين وكيلى پونلزي

لَكَ وَنَهْ مَسْتَقِيمٍ خَيْلٍ مَكَانٍ

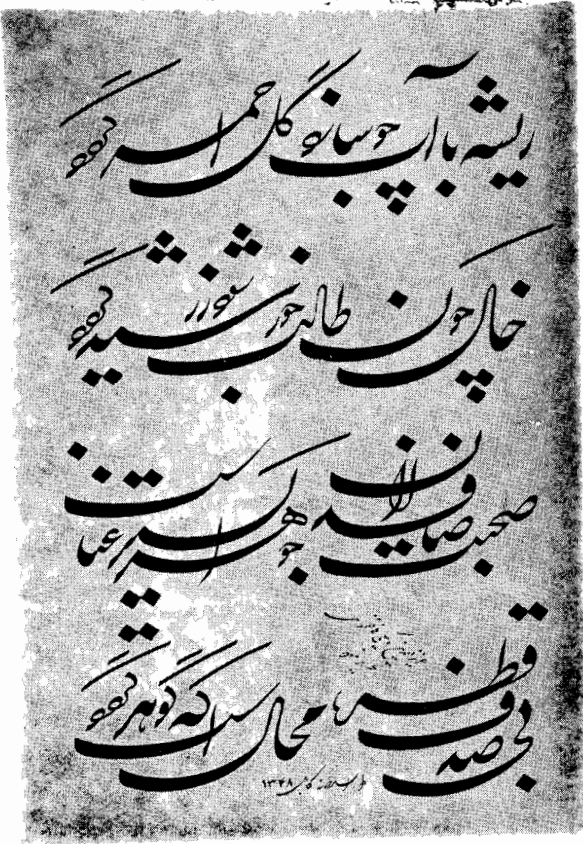
ليكونكي ، عزيز الدين وكيلى پونلزي

كَ خَزَانٍ رَابَعِي رَاشِي كَهَبَهَارٍ

٤- نمونه خط ثلث ونسخ بسبك عثمانى شعر رحمان بابا افغان



---> (۵) خط معقلی کوفی



(۶) خط توفیق خراسانی

آن نیمه مان که بسینوایی یابد

(۷) نستعلیق

وان جامه که کودک کد ای بی یابد

چون لذت تحیست که اسلیمی را

از باعجات خلیل شد خان خلیلی

لشکر شکنی جهانکشیانی یابد

(۸) تعلیق

بخط عزیزالدین وکیلی فوفزانی درانی

۱۳۴۷

بطریق کار قلمی شریفی در کتب و نسخه‌ها و در پنجاه هجری شمسی

عزیزالدین وکیلی فوفزانی درانی

وَعَلَى اللَّهِ وَعَلَى الْيَوْمِ الْآخِرِ

و بر خدا توکل کنند توکل کنندگان

تفسیر: شما هر قدر بنده را سید بنده خدایم در حق توکل کنید و در حق توکل کنید و در حق توکل کنید و در حق توکل کنید

۹- سطر اول ثلث - دوم نستعلیق - سوم شکسته آمیز (طرز مناسیر)

هو المعز
درین بهار در
که راه حق گلهای
بستان
بستان
بستان

ز پوسن یاد کهن
بهاره همیشه
تی بی کسان
نغمه عزم ندید
کسان

خط عزیز الدین وکیل قفقزانی
۱۳۴۷

۱۰- نستعلیق سبک خراسا نی شعر استاد خلیلی

(۱۱) - تعلیق عربی که بنام دیوانی یا
خط دفتری نیز معروفست .

→ ---

درین باره از خبری است
که در کتب قدیم
نویسند
و چون در کتب قدیم
نویسند
که در کتب قدیم
نویسند
۱۳۵

(۱۲) - توفیق مخصوص مکاتیب و
فراهمین

و درین باره از خبری است
که در کتب قدیم
نویسند
و چون در کتب قدیم
نویسند
که در کتب قدیم
نویسند
۱۳۵

و درین باره از خبری است
که در کتب قدیم
نویسند
و چون در کتب قدیم
نویسند
که در کتب قدیم
نویسند
۱۳۵

بسم الله الرحمن الرحيم
 طبع في المطبعه الكائنه في
 بيروت في شهر ربيع الثاني سنة
 ١٣٤٢ هـ
 طبع في المطبعه الكائنه في
 بيروت في شهر ربيع الثاني سنة
 ١٣٤٢ هـ

١٣- نستعلیق با استقبال قطعه جناب استاد میر عبدالرحمن مرحوم

سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ وَاللَّهُ أَكْبَرُ
 الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ بِطَالٍ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ
 مَا لَا عَدْوُ لَهُ وَمَا لَا حِجَابُ لَهُ وَاللَّهُ

سبحان الله عما يشركون والله أكبر
 العزيز الرحيم بطال والحمد لله
 ما لا عدو له وما لا حجاب له والله

عزیز الرحیم وکیل فو فلز ای طیر ای

قلم اعلیٰ محمود دارم دی

سہار سیم خط و قلم دارم دی

بموی خوشبختی کا بیڑا

صحت و مصحبت دارم دی

لاقمہ و نظمہ عزیز اللہ بیک و فاضل

خاتمة فضله وترقى سري

هو بلور، معرفت و عرفان

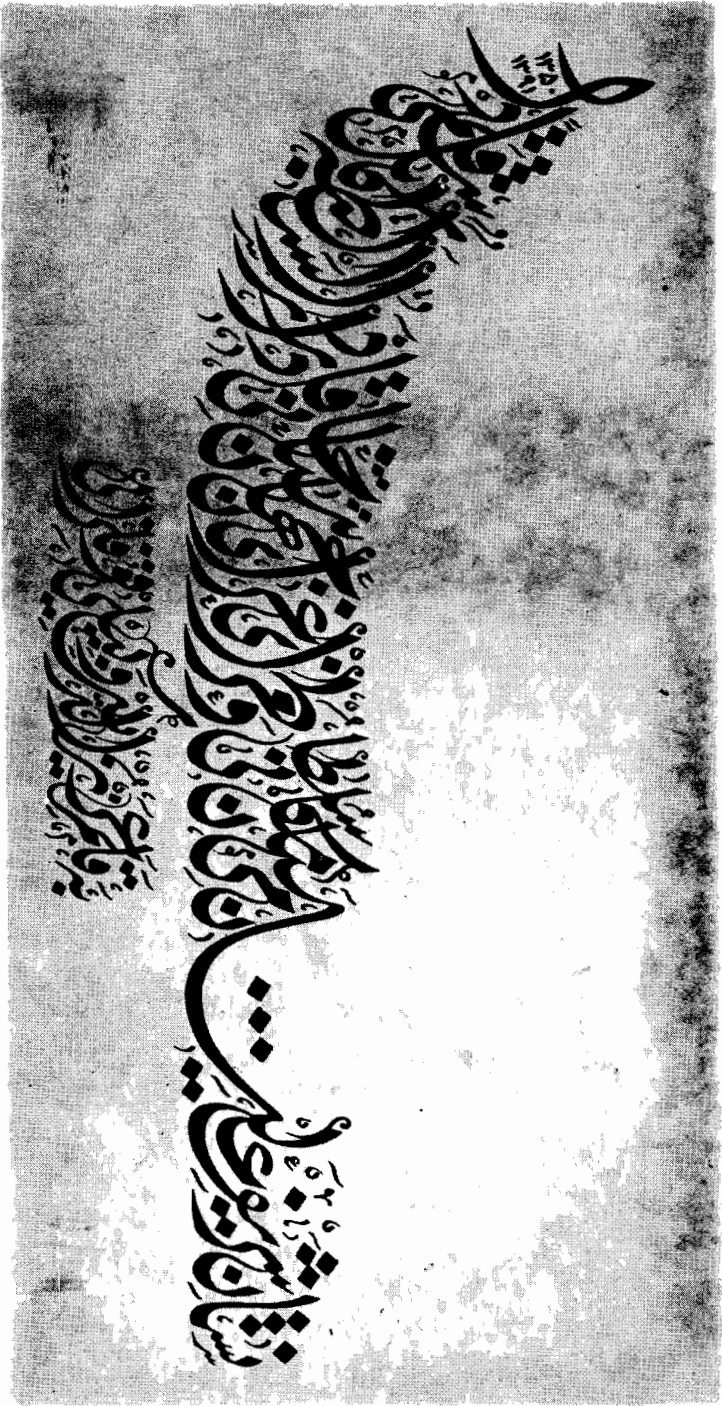
خالصا نريد بلسع

دائما فضله و همراة

خط رقعہ بقام عزیز الدینہ و لیبای فوفلزائی

استاد عشق‌تله و بنودك شوه حكر و نه
 ستاپه لاسره كنبه ياي اعلمی سر و نه
 كه هر خومی دد نیا ملكونه دپرشى
 زما خچه هپرشى داستانبكلى باغونه
 در قیب دژ وند متاع به تار په تار كرم
 چه په تور و پستانه كا گذار و نه
 تاته را سمه زركى ز ما فارغ شى
 بی له تامی اند پنبنى دز به مار و نه
 ددهلى تخت هپرومه چه را یاد كرم
 ز ما دنبكلى پنبتو نخواستو غرو سر و نه
 كه تمامه دنیا یو خواته بل خوائى
 ز ما خو خوبش دى ستاتاش دگرو نه
 "احمد شاه به دغه ستا قدر هپرنكا
 كه ونیسى دتمام جهان ملكونه

لیکونكى، عزیزالدین وکیل پوبلزی ۱۳۴۱



۱۹- خط دیوانی دارای حروف تساج: سبک منشیان قدیم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شروع کوں بے نامہ دالہ چہ دیر زیات مہربان پورا دم لرونکی دی

كَلِمَةُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۝

تو کلمہ دین خاص اللہ دی چہ بالونکی عالیا تو کلمہ لوجت لعم دیر زیات مہربان پورا دم لرونکی دی

مَا لِكِ يَوْمِ الدِّينِ ۝ اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَاِيَّاكَ

سین دنو لو امور دوج دیزادی نماز تانہ عبادت کوں او خاص له تانہ

نَسْتَعِينُ ۝ اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ۝

پرستہ عوارو ویندہ موثر نہ لارن سستہ

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ ۝ غَيْرِ

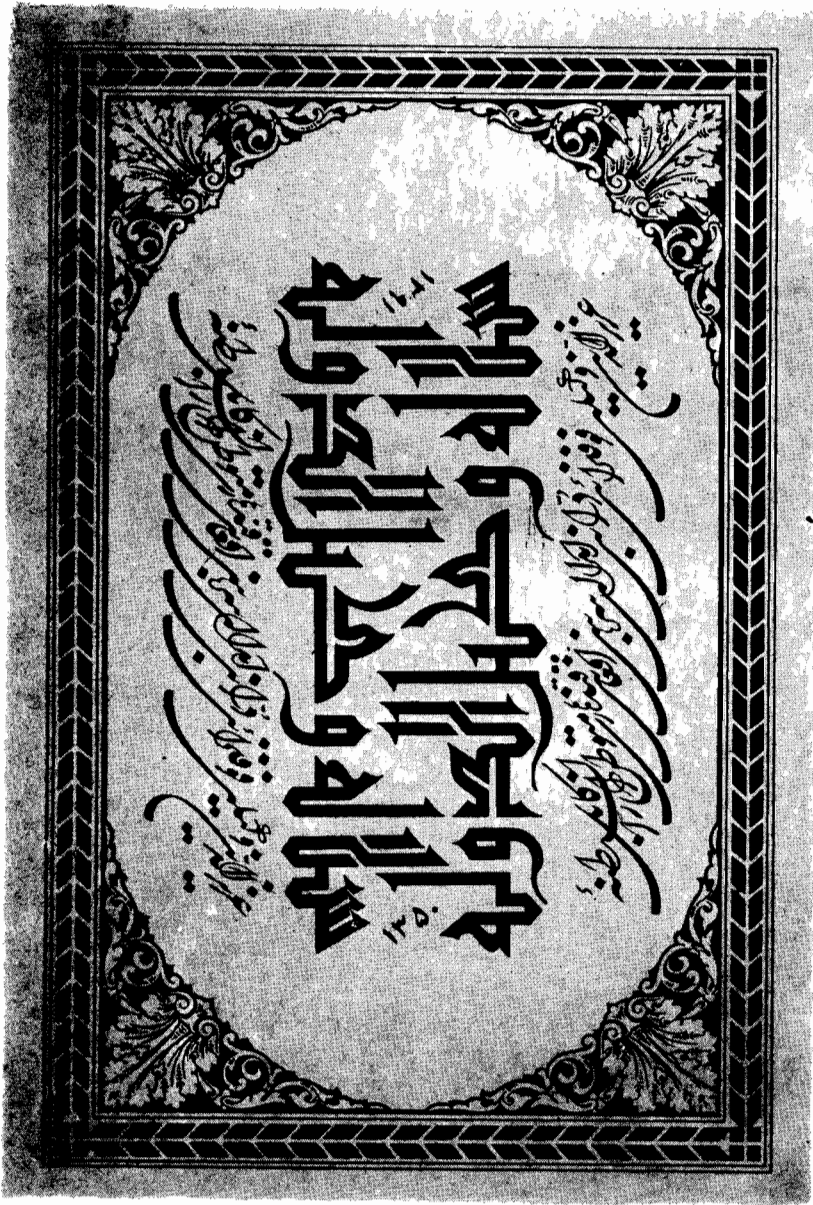
لارن وھو کسا نوچہ انعام کری تا پرھو باندی نہ

لِلْمَغضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ۝

پرھو کسا نوچہ غضب کری توی پرھو باندی اونہ لارن دھنوب و کسا نوچہ کراھان دی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
۱۳۵ - ۱۳۱۱

۲۰- خط نسخ (قرآنی) بسبک ممتاز مکتب عالی عثمانی



۲۱- خط کوفی و شکسته طرز مناشیر باصنعت حواتمی



۲۲- طغرای خط دیوانی با حروف تاج و صنعت تزئین حاشیه

اشتهای منزهت و شکر

مفوح است از این همه خاسته است
لا اله الا الله محمد رسول الله

با همه خلایق و مسلم را یکبار

نوشته است که هر که بود

۳۳ - خط شکسته با تزئین حاشیه

اصاب آنگاه که در کتب و رسائل و ...
 ...
 ...

هم معلوم و ...
 ...
 ...

...
 ...
 ...

...
 ...

Handwritten text in a cursive script, likely Persian or Arabic, covering the majority of the page. The text is dense and appears to be a historical or administrative document. It contains several lines of text, with some lines starting with 'و' (and) or 'و' (and) indicating a list or continuation of a narrative. The script is highly stylized and difficult to read without specialized knowledge of the language and dialect.

خوش خلق
 خدای سزده را سبب کرد
 خانی کین لطف تو ای هر چه
 بنام تو است
 مودر و ادا کرد
 سیدی کور
 خطه عز الدین کلبی قفرازی
 ۱۳۴۲

در قیام کوه است باد و دریا

خلیقه منعم کفایت درویشی

پایه کعبه عریضه

باز در راه رسالت

سپهر کمالی خارا

بهر کمال رسالت

پایه کعبه عریضه
باز در راه رسالت

(۲۸) خط دیوانی عربی بیت پینتورجان بابا

صبحم مع غمیز با گل بوخت هست

بازگرم لنگه درین باغ لب پرست

گلخن نیده از است بخت محم و ل

بهر عادت سخن باغ معصومیت

عزیزان کیلی و قلم تحریزه

۱۳۴۷

۲۹- يك شیوه از خط مناشیر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۳۰- خطثلث ونسخ بر اساس استادى مکتب عالی عثمانى

دلانکه سبب چفت نه آگار

که مکه نرشت نه آگار

غمی زمانه آفرین بود

ابولبت ساطیک سبب

۳۱- شیوه مناشیر شعر استاد خلیلی

افزونگی فرنگی

بجز چرخ چرخ

بجز کمر کمر

بجز سینه سینه

لا اله الا الله محمد رسول الله

۳۲- تعلیق سبک خراسانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
بَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ

فَلْيَعْبُدْهُ وَهُوَ
الْغَنِيُّ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
بَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
بَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ



۳۴ قطعه هفت قلم خامه استاد عزیزالدین فوفلزائی که باستقبال قطعه
خط آخوند محمد علی عطار هروی نگاشته اند .

لَا فَوْقَ اللَّهِ مَعَهُ الْحَقُّ وَهُوَ أَعْلَمُ الْغُيُوبِ
مُحَمَّدٌ رَسُودُهُ الْبَشَرِ الْأَوَّلِ وَالْآخِرِ وَالْأَوَّلِ وَالْآخِرِ

مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُ بِالدِّينِ
أُولَئِكَ يُنْفَخُ عَنْهُمْ أَسْوَدٌ مِنْ إِسْوَدِ الْأَرْضِ
أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

فَرَادِيسِي بَدْرُ الْعَرَبِ وَالْمَدِينَةِ الْمُكَرَّمَةِ
وَالْمَدِينَةِ الْمُكَرَّمَةِ وَالْمَدِينَةِ الْمُكَرَّمَةِ
وَالْمَدِينَةِ الْمُكَرَّمَةِ وَالْمَدِينَةِ الْمُكَرَّمَةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
مُحَمَّدٌ رَسُودُهُ الْبَشَرِ الْأَوَّلِ وَالْآخِرِ
وَالْمَدِينَةِ الْمُكَرَّمَةِ وَالْمَدِينَةِ الْمُكَرَّمَةِ

(۳۵) نمونه دیگر از خط تعلیق (دیوانی) عربی بقلم خطاط هفت قلمی
عزیزالدین وکیل و فوفلزائی

فهارس اعلام

رجال ، اماکن *، طوایف، قبایل، خاندانها،
کتب، رسایل، زبانها، خطوط، انجمن‌ها و غیره

مرتب

حبیب‌الله رفیع

* نامهای اماکن توسط ستاره (*) مشخص شده است .

«آ»

- * آب ما هیان (حوض) ۲۸
 * آتن ۱۸
 آثار الباقیه (کتاب) ۷۱، ۲۶
 * آرا ۴۲، ۲۹
 آرامی (خط) ۱۵، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷
 تا ۱۸، ۲۱، ۲۲، ۶۱، ۶۵ تا ۷۲، ۶۷
 * آشور ۷۴
 آشور بانپال (کتابخانه) ۷۴
 آشوری (خط) ۷
 آشوری (زبان) ۷
 آشوریان ۷
 آشوکا ۹ تا ۱۳، ۱۷، ۱۸، ۲۲، ۲۷
 * آکسفورد ۶۱، ۴۷، ۳۷
 * آکسفورد ۵۰، ۲۵
 آل بانيجو ر ۸۸، ۶۹، ۸۸
 آل طا هر ۸۸
 آل فر یغون ۸۸
 آل کرت هرات ۱۰۱
 * آمو ۲۱، ۱۸
 آنده ۳۸
 * آی خانم ۱۸، ۱۷، ۱۵
 * آیر لیند ۹۲، ۵
 * آب ما هیان (حوض) ۲۸
 * آتن ۱۸
 آثار الباقیه (کتاب) ۷۱، ۲۶
 * آرا ۴۲، ۲۹
 آرامی (خط) ۱۵، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷
 تا ۱۸، ۲۱، ۲۲، ۶۱، ۶۵ تا ۷۲، ۶۷
 * آشور ۷۴
 آشور بانپال (کتابخانه) ۷۴
 آشوری (خط) ۷
 آشوری (زبان) ۷
 آشوریان ۷
 آرت خاندان کوشان (کتاب) ۴۲
 * آریانا ۷۱ (نیز رک : آریانه)
 آریانا (مجله) ۱۱۴، ۱۷، ۱۰، ۵
 آریان ۱۵
 * آریانه ۵۸، ۵۴، ۲۵، ۲۱، ۱۴، ۲، ۱، ۷۰، ۶۹، ۶۸، ۶۷
 آریانه انتیکوا (کتاب) ۲۸، ۲۵، ۲۱
 * آریانه ویجه ۲
 آریایی ۱۱۶، ۹۰، ۷۷، ۷۱، ۲
 آرس ۲۳
 * آستان رضوی مشهد ۱۱۰، ۹۵
 * آستان قدس مشهد (رک : آستان

«الف»

- ابراهيم سلطان ابن شاهرخ ۱۰۶،
 ۱۰۷ .
 ابن درستويه ۹۰، ۹۱ .
 ابن طيفور احمد بن ظاهر ۸۱ .
 ابن قتيبه ۹۰، ۹۱ .
 ابن مقفع ۹۰ .
 ابن نديم ۷۶، ۷۷، ۸۱، تا ۸۴، ۸۶،
 ۹۰، ۹۵ .
 ابنيه وآثار تاريخي اسلام در اتحاد
 شوروي (كتاب) ۹۵ .
 ابوالبركات رازي ۹۵ .
 ابوالحسن عراقي ۹۳ .
 ابوالعباس الوليد بن عبدالملك
 خليفه اموي ۸۴ .
 ابوالعلاء (شيخ) ۱۰۱ .
 ابوالفضل ۱۰۲ .
 ابوالفضل بن عميد ۷۶ .
 ابوالفضل علامي ۱۱۰ .
 ابوالقاسم منصور بن محمد هروي
 ۹۵ .
 ابوالمعاني محمد بن عبيدالله ۹۳
 ابوالوفا ۱۱۰ .
 ابوبكر (رضي) ۸۳ .
 ابوبكر الصولي ۹۱ .
 ابوبكر بن احمد بن عبيدالله
 الغزنوي ۹۶ .
 ابوبكر عتيق بن محمد بن خسرو
 ۹۹ .
 ابو جعفر محمد بن عبد الجبار بن
 محمد ۹۸ .
 ابو سعيد ميرزا ۱۱۰ .
 ابو سليمان ۷۶ .
 ابو سهل بن نو بخت ۷۶ .
 ابو معشر بلخي ۷۶ .
 ابومنثور ثعالبی ۷۵ .
 ابو نصر احمد (امير) ۶۹ .
 ابو نصر محمد بن فريغون ۸۸ .
 ابو يعلى حمزه حسن ۸۳ .
 ابهي دهرمه ۷۹، ۲۸ .
 ابهي ساره پرسته ۴۳ .
 ابی منصور بختگين ۹۳ .
 * اتحاد شوروي ۱۶ .
 * اتره فل گونه ۴۸ .
 * اترك ۲۹، ۳۱، ۶۴، ۹۸ .
 اتهر ۳۱ .
 احمد بن ابو خالد حول ۹۱
 احمد بن اسد ۸۸ .
 احمد بن اسماعيل ۸۸ .
 احمد بن جعفر بن احمد ۸۸ .
 احمد بن خالد حول (رك): احمد
 بن ابو خالد حول) ۸۶ .
 احمد بن محمد بن احمد ۸۸ .
 احمد بن محمد بن خلف ۸۸ .
 احمد هروي ۱۱۱ .
 احمد يسوي (خواجه) ۱۰۶ .
 اخبار خراسان (كتاب) ۸۲ .
 اخبار ماوراء النهر (كتاب) ۸۲
 اختلاف الزبيجه (كتاب) ۷۶ .

- * اسكندريه ٧٦ .
- اسلام (دين) ٤٤،٢٨،١٧،٤،٣،١ (١٠٠،٥٣،٤٨،٧١،٦٩،٦٨،٦٧،٦٣،٥٨،٥٣،٤٨،٨٥،٨٣،٨٢،٨١،٧٩،٧٨،٧٧،٧٣،١٠٥،١٠٤،١٠١،١٠٠،٩١،٩٠،٨٨،١١٨،١١٦،١٠٦ .
- اسماعيل بن احمد ٨٨ .
- اشكانيان ٧٧،٧٥،٦٥ .
- اشكانيان (كتاب) ٧٧ .
- اشك بلخي ٦٥ .
- * اشنغر ٣٢،٣٨ .
- اشوغه ١٨ .
- * اصفهان ١٠٤،٩٣،٨٥ .
- اظهر (مولانا) ١١٢ .
- اغو شمريك ٧٢ .
- افشين ٧٩،٧٨ .
- افغانان ١١٦ .
- * افغانستان ٩،٨،٧،٥،٤،٣،٢،١ (١٢،١٤،١٦ تا ١٨،٢٠،٢١،٢٣،٢٤،٢٥،٢٧،٣١،٣٤،٥٠،٥٣،٥٤،٨٢،٨١،٨٠،٥٩،٧٥،٧٤،٦٩،٦٦،٨٩،٨٨،٨٦،١٠١،١٠٤،١١٨،١١٦،١١٤،١٠٤ .
- افغانها (نيز رك : افغانان) ٨٠ .
- افغانى (رك : پښتو) ١٢١،١١٩ .
- افلاطون ١٨ .
- * اكاديمى اوزبك ١٠٢ .
- اكبر نامه ١٠٢ .
- اكشمه بيكه ٣٥ .
- * اكوره ختيك ١٢٠ .
- اگاتمروكليس ١٢ .
- اختيار هروى (خواجه) ١١٠ .
- * اخميم سعيد مصر (كليسا) ٨٣ .
- اخوند درويزه ١٢٠،١٢١ .
- ادب الكتاب الصولى ٩١،٨٦ .
- * اراكوزيا ٤٤،٢٣ .
- ارتبان ٦٥ .
- ارداويرا فنامه (كتاب) ٧٥ .
- اردشير بن ديلمسپار قطبى ٩٤ .
- ارساس ٦٥ .
- ارسطو ٢٠،١٨ .
- ارشك ٦٥ .
- * ارغسان قندهار ١١٨ .
- * ارغنداب ٢٣،٢١،١٨،١٠،٩،٦٩ .
- * ارمن (ارمنستان) ٧٧ .
- * اروپا ١٢١،٩٢،٤،٢ .
- ارهت ها ٤٦ .
- ازيس ٤١،٣٠ .
- ازيس اول ٨ .
- * اسپانيا ٩٢ .
- * استانبول ١١١،١٠٩ .
- * استخر پارس ٩٣ .
- اسحاق راهب ٧٦ .
- اسد خان ختيك ١٢٠ .
- اسدى طوسى ٩٨،٩٤ .
- اسرار التوحيد (كتاب) ١٠٩ .
- اسرائيل ولفنسون (دكتور) ٦٨، ٨٣ .
- اسروشنه ٨٨،٧٨ .
- اسكندر رومى ٢٠،١٦،١٥،١٤، ٧٧،٧٦،٧٥ .

- * انجمن تاریخ (افغانستان) ۵۸ .
- * انجمن شاهي آسيايي بنگال ۲۴ .
- * اندراب ۸۸، ۶۹ .
- * اندوس ۱۲ .
- انديا آفس لندن (کتابخانه) ۹۹ .
- انصاري (خواجه عبدالله ، رك :
- پير هرات) ۱۱۱ .
- * انگلستان ۹۲، ۹۶ .
- انگليس (ملت) ۳۰ .
- انگليسي (خط) ۱۱۷ .
- انگليسي (زبان) ۱۶ .
- انند پاله ۷۸
- * اوبهاره ۴۰
- اوت ۷۲
- * اورامان ۷۷
- * اورگنج ۱۰۲، ۱۰۳ .
- اورل ستين ۴۰، ۵۰
- اورو موجه ۳۹
- اوزاهاريس نيتي ۷۵
- * اوز گند ۱۰۸
- * اوسلو (يونيورستي) ۲۵
- اوستا (کتاب) ۷۷، ۷۵، ۶۷، ۲، ۹۰ .
- اوپا ۹۲
- اوگره بوت ۷۸
- اوله وردهه ۴۱
- اولد پرشن (کتاب) ۱۱۷
- اولياکه کو سولو که ۴۶
- اوی جيته سنه ۵۰
- اويس ۲۳
- اويدا ۳۱
- اياز ۳۰
- * اگروور ۴۱ .
- اگی سالا ۴۲ .
- اگی سيلوس ۴۲ .
- اگی شله ۴۲ .
- الابنيه عن حقايق الادويه ۹۴، ۹۸ .
- البدو والتاريخ ۹۳ .
- البلادري ۸۵، ۹۰ .
- البيروني ۱۰۶، ۷۸، ۵۷، ۲۶ .
- الپتکين ۸۸، ۶۹ .
- التفهيم ۱۰۶، ۷۱ .
- التنبيه والاشراف ۹۴، ۷۵ .
- الرياسی (خط) ۹۱، ۸۶ .
- الصولی ۹۱، ۹۰ .
- العتبی ۶۳، ۲۲ .
- الغبيک ۱۰۶ .
- انفهرست (کتاب) ۸۱، ۷۷، ۷۶ ،
- ۹۱، ۹۰، ۸۶، ۸۵، ۸۳، ۸۲
- انکسندر برنس ۶۴ .
- المختصر من کتاب الوقف ۹۹ .
- المعتمد (خليفه) ۹۱ .
- النهمطان (کتاب) ۷۶ .
- الوثائق السياسيه ۸۳ .
- الهلال (مجله) ۸۳ .
- * الی شنک ۶، ۴ .
- الياس ۶۹ .
- * امب ۳۱ .
- امرای پارس ۱۰۱ .
- امری القيس ۸۳ .
- * امريکا ۱۱۷ .
- امويان ۸۷، ۷۷، ۷۰ .
- انتي ماكوس ۱۲ .

ایران شهر (مجله) ۸۵	ایاس ۳۰
ایزو قراطیس ۱۸	ایاسه ۴۱،۳۰
ایست ایندویست (مجله) ۵	ایاسیه که موی (ملکه) ۳۷
ایس - کی (رک: کتاب خروشتی)	* ایبت آباد ۳۷
۲۶	* ایتالیا ۹۷،۹۲،۵
ایشوه رکه ۴۶	* ایدک ۶۳،۵۷
ایمن نوبخت ۵۵	* اینه ۳۳
ایننه وهریا ۴۶	* ایران ۷۴، ۶۹، ۶۵، ۵۳، ۲۳، ۲
ایندره ۴۱	، ۷۶، ۹۰، ۹۳، ۹۴، ۱۰۱، ۱۰۴،
ایندره دیوه ۴۰	۱۱۲
ایندره شینه ۴۵	ایران از آغاز تا اسلام (کتاب)
ایو کراتید یس ۲۲	۷۷

«پ»

* باکو ۱۰۲،۹۲	بابر ۱۷، ۱۰۳
* بالا حصار کابل ۱۲۲	بابرنامه ۵۷
بالی کینه ۴۷	بابری (خط) ۱۰۳، ۱۰۲
* بامیان ۲۱، ۲۵، ۲۷، ۷۹، ۸۰	* بابل ۱۲، ۱۴، ۷۴
۸۱، ۸۸، ۹۰، ۹۱، ۱۰۰	بابلی (یان) ۸
بایزید انصاری ۱۱۹، ۱۲۰	* باجور ۲۹
بایسنغر شاهرخ ۱۰۷	* باختر ۲۰، ۱۵، ۱۴، ۲
بایقرا (سلطان) ۱۱۲	باختری (زبان) ۵۳
* بتکره ۴۹	باختری یونانی (شاهان) ۱۵
* بخارا ۱۰۰، ۱۰۴، ۱۰۷، ۱۰۸	* بادلیان اکسفورد ۹۹
بختی شوع ۱۱۱	بارک خان ۱۱۸
بدیع الزمان ۱۰۶	بارکزیی ۴
براهمی (خط) ۱۲، ۱۳، ۲۱، ۲۲	باستانشناسی شو-روی (مجله)
۲۴، ۲۸، ۴۷، ۶۱، ۸۲	۸۸
* برتانیه ۲۶، ۶۹	* باغ شاهی ۲۸
بردی (اوراق) ۷۴، ۸۴، ۸۹	* باغ عدنانی هرات ۱۰۵

* بلخ ۲۱، ۲۵، ۶۶، ۶۹، ۷۵، ۷۷، ۸۷، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۶
 بلخیان ۴۷
 * بلژیک ۱۱
 * بلوچستان ۴۷
 بله جیا ۴۳
 بله سمی ۴۴
 * بلهیکه ۳۱
 * بمبئی ۸۵
 * بمپور ۷۰، ۸۹
 * بنج (کوه) ۳۸
 * بنون ۵۷
 * بها دو ۴۱
 بهار ۸۵
 بهاسه ۱۳، ۶۶
 * بهاو لیور ۴۳
 بهاوه ۴۳
 بهرا مشاه ۹۶
 بهگه وت ۳۹
 * بهلول (شهر) ۴۱
 به همه لینه ۴۷
 * بهیم نگر ۲۲
 بودا ۱۰، ۱۶، ۱۷، ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۴۱، ۴۸، ۵۶، ۷۹، ۸۰
 بوداو رمه ۳۳، ۳۵
 بوداها ۳۰، ۳۶، ۴۵، ۴۶
 بودا ثیان (رک: بوداها) ۴۱، ۷۷
 بودایی (دین) ۹، ۱۱، ۱۶ تا ۱۸
 ۲۰، ۲۱، ۲۳، ۲۴، ۲۷، ۲۸، ۳۲، ۴۰، ۴۵، ۸۰، ۸۱، ۹۰، ۱۰۵
 بودها بله ۱۳

بررکب ۷
 برزمهر ۵۵
 برز مهر پور ۵۵
 برگس ۹۲
 * برگول (کوه) ۵۶
 * برلین ۷۶، ۸۵
 * برما ۴۱
 برمکیان بلخی ۸۶
 برنس ۶۴
 برنیت (دکتور) ۹
 بروکلن ۸۱
 برهان قاطع ۳۶
 برهما ۱۲، ۴۱
 برهمن واسو دیوه ۴۰
 برهمی (نیزک : براهمی) ۲۷،
 ۶۶
 برهمی (زبان) ۴۲
 * بریکوت سوات ۶۳
 بریهت سمهیتا ۴۷
 بزرگ بن شهر یار ۷۸
 * بست ۹۰، ۹۴، ۹۶، ۹۷، ۱۰۰،
 ۱۰۵
 * بغداد ۷۶، ۷۸، ۸۵، ۹۰، ۹۲
 * بغلان ۲۷، ۳۶، ۵۳، ۵۴، ۵۵
 ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۱۱۸
 * بگرام ۱۷، ۲۱، ۹۰
 بگ شا کنیشکی نا مو برگ
 ۵۴
 * بگ لنگ (رک: بغلان) ۵۴
 بلاش اول ۷۷
 بلانندی ۴۳

- بود هار کشيته ۳۳، ۳۵
 بود ها گوشه ۳۵
 بود ها ميترا ۳۵
 بود هه پريه ۳۵
 بود هه سا کيا مونی ۴۷
 بود هه ور مه ۳۸
- * بود هي ستوا ۳۸، ۴۰، ۴۶
 بود يزم ۲۷، ۲۸
 * بودی ستوا (نيز رك: بودهي ستوا) ۲۸، ۲۹
 بوذا سف (رك: بود ا) ۷۷
 بورو ۴۲
 بور يته ۳۶
 بور يخان بيرو نی (نيز رك: البير وني) ۷۰
- بوسر ... خا قان خيل ۵۹
 بوسه ور من ۳۵
 بویر ۲۵
 بياض (خط) ۸۶
 بيان الاد يان (کتاب) ۹۳
 بيان قلی خان ۱۰۸
 * بيت المقدس ۶۸
 * بيد ادي ۳۰
 بيست مقاله قزو ينی (کتاب) ۸۵
 بيستون پارس (کتيبه) ۱۱۶
 بيلين ۱۰۹
 * بيما ران (قریه) ۳۰
 بينزا نتين ۹۱، ۹۰، ۱۰۵
 بيو هلر ۲۱، ۲۵
 بيهقي ۱۰۵

«پ»

- * پاتود هيري ۳۸
 * پاتمييار ۳۹
 * پاچا ۳۲، ۳۸
 پادری هيوز ۱۲۱
 * پارت ۶۵
 پار تنها ۷۷
 پار تهی (شا هان) ۲۳، ۱۷
 پار تی (زبان) ۷۷
 * پارس ۱۴، ۲، ۷۵
 پارسی (زبان) ۶۷، ۶۸
 * پار یس ۳۹، ۱۲۱
 * پالا تود هيري ۴۹
 پالی (زبان) ۴۲
 پا نی نی ۲۳
- * پتنه ۲۲، ۳۴
 پتها نان (کتاب) ۶۳
 پتيکه ۴۶
 * پختيا ۸۹
 پرا کريت (زبان) ۲۱، ۱۰، ۲۲، ۵۴، ۲۷، ۲۴
 پر تهوه (رك: پهلوی) ۶۵
 پرت يی که بود ها ۴۶
 پر يسکا ۷۵
 پر نسيپ ۶۴، ۲۵
 * پر وان ۶۹
 پرويز ناتل خانلری (داکتر) ۷۲
 * پشاور ۲۳، ۳۰، ۳۳، ۳۲، ۳۵

- ۳۸، ۴۰، ۴۱ تا ۴۴، ۴۸، ۴۹، ۹۰،
۱۲۲
- پور داؤد ۷۵، ۷۷
پونیه مته ۳۹
* پوروا شا په ۴۸
* پوهنځي ادبيات و علوم بشري ۴
پهلوی (خط) ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸،
۷۲، ۸۲
- پهلوی (زبان) ۱۲، ۱۳، ۱۶، ۱۷،
۳۶، ۵۳، ۵۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۷۷
پيا مبر (نيز رك: محمد) ۸۳، ۸۵
پی په له كهه ۳۳
پیتهو مقدس ۱۹
پير آموز (خط) ۹۵، ۹۶
پير رو بنان ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱
پير علمدار ۹۴
پير گر يمال ۱۹
پيرو ۱۳، ۶۶
پير وچ ۶۶
پير هرات ۱۱۲
* پيلانه (قويه) ۳۵
پيه دسي ۱۰
- پشاور (کتاب) ۴۲
پشاوريان ۲۹
* پشکلاوه تي ۳۲، ۳۵
* پشین ۵۱
پښتانه شعراء (کتاب) ۱۱۸
پښتو (خط) ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۹،
۱۲۱
پښتو (زبان) ۵۳، ۵۴، ۱۱۶،
۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱،
۱۲۲
پښتون (قوم) ۱۱۶
* پښتو نستان ۷۰، ۱۱۶
* پلخمری ۵۴
* پنجاب ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۵، ۳۵،
۳۹، ۴۹، ۷۸
پنجابی (زبان) ۱۲۰
* پنجنار ۳۸
* پنج کنت ۷۱، ۹۰
* پنجکوره ۴۰

«ت، ث»

- تاج الدين (خواجه) ۱۱۰
تاريخ ادبيات عرب ۸۱
تاريخ افغانستان ۶۵
تاريخ افغانستان بعد از اسلام ۷۰، ۷۶
تاريخ التمدن الاسلامی ۸۷
تاريخ اللغات السامیه ۶۹، ۷۰،
۸۳، ۸۴
تاريخ بخارا ۸۷
تاريخ بغداد ۸۱
- تاريخ بيهقي ۱۰۵
تاريخ زبان فارسي (کتاب) ۷۲
تاريخ سنی الملوك الارض والانبياء
تاريخ سيستان ۶۸
تاريخ لغات سامی ۶۸
تاريخ يمينی ۶۳
تاريخک ۱۳
تازيان (نيز رك: عرب) ۷۱

تعلیقات برد بیا چه دو ست محمد
کتابدار هروی ۱۱۴
تفسیر ابو بکر عتیق سور آبادی

۹۹

* تکسیلا ۹، ۸، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۵، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۹،

۸۱

* تکشه شیلا (رك: تکسیلا) ۴۵،

۴۶

تکمله پارسی (کتاب) ۱۱۱

تگین خرا سان شاه ۶۶

* تنگی تا یغان ۱۶، ۵۶

* توجی ۱۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۳،

۶۹، ۷۰، ۸۹، ۱۱۶

* تورج هیری ۲۳، ۴۷

* تور فان ۹۳

تورو شکه ۶۴

تو قیع (خط) ۸۴، ۱۰۰، ۱۰۱،

۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰

* توی ۱۱۹

تهاید وره ۳۳

* تهران ۱۹، ۷۲، ۷۴، ۷۵، ۷۷،

۷۹، ۸۵، ۹۳، ۹۵، ۹۷، ۹۹، ۱۱۶

* تهیل ۲۲، ۴۷

تهواره ۴۵

تهبود ورو س ۳۳، ۴۴، ۴۵

تهبو دوره (نیزك: تهاید ورو

تهبو دورس) ۳۳

* تیر تم ۴۷

تیره جه سه ایاسه ۳۰

تیمور (امیر) ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۰۹،

۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲

* تا شکند ۹۵، ۱۰۲

تا کهتید ره ۴۰

* تبت ۵۶

تبتی (خط) ۱۶

* تبریز ۱۰۴

تبه اشتر ۲۸

* تبه سر دار غزنه ۹۰

* تبه ۴۴

* تخار ۱۸

* تخار ستان ۶۹

تخاری (زبان) ۱۶، ۱۷، ۲۷، ۵۳،

۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰،

۶۵، ۶۶، ۶۸، ۱۱۶، ۱۱۸

تخاری یو نانی (خط) ۱۴

* تخت باهی ۳۸، ۴۴

* تخته زرین ۴۵

تذکرة الا ولیاء ۱۱۸، ۱۱۹

تذکرة خوشنو یسان ۱۱۱

تر جمات البلاغه ۹۴، ۹۸، ۹۹

ترسل (خط) ۱۰۸، ۱۰۹

* ترکستان ۹۳، ۱۰۶، ۱۰۸

* ترکستان چینی ۲۲، ۵۱، ۷۱

* ترکستان شرقی ۲۲، ۲۴، ۵۰،

۵۱

ترکی چغتایی (زبان) ۱۰۸

ترکی (زبان) ۵۳، ۵۴، ۷۱

تره وشه کوره ۴۰

تربیا لو س ۱۸

تزرک بابر (کتاب) ۱۰۲

تسای - لون ۷۴

تعلیق (خط) ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱،

۱۰۷، ۱۱۳ تا

تیمور نامہ ۵۷
 تیمور یان ۹۸، ۱۰۱، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳
 تیمور یان ہرات ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۹، ۱۱۲
 تیموری ہند ۱۰۲
 ثلث (خط) ۸۵، ۸۶، ۹۱، ۹۳،
 ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸،
 ۱۰۷، ۱۰۶

ج

*جام (منار) ۹۸، ۱۰۰
 *جامع او لیا ۹۷
 *جاو لیا (معبد) ۴۵
 *جامی (مولا نا) ۱۰۸، ۱۱۲
 *جبل دروز شام ۶۸، ۸۲
 *جبل سلح مدینہ ۸۹
 *جرجی زید ان ۸۷
 *جزق سیستان ۸۷
 *جعفر (مؤلف) ۴۲
 *جعفر بایسنغری ۱۰۴، ۱۰۷،
 ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۰۸
 *جعفر بن محمد ۸۷
 *جغتو ۶، ۱۶، ۵۶، ۵۷، ۱۱۶
 *جفر افیای قدیم ہند ۱۱
 *جلال آباد ۱۰، ۲۱، ۲۸، ۲۹، ۳۰
 *جلال جعفر ۱۰۷، ۱۱۲
 *جلال ہمایی ۷۹
 *جمال گر ہی ۳۲، ۳۸
 *جمال مینہ ۱
 *جمنا ۲۲، ۳۳، ۴۰
 *جور نال ایشیاتک سوسائٹی ۱۰۹
 *جوز جان ۶۹، ۸۸، ۹۷، ۹۸
 *جون مار شل ۸، ۹، ۴۲، ۴۶، ۴۷
 *جی (شہر) ۷۶
 *جیلیم ۱۴، ۳۶
 *جیمس پر نسیب ۱۳، ۲۴
 *جیہ پالہ ۷۸
 *جیہ پالہ دیوا ۶۳
 *جینہ ۴۸
 *جی ہو نی کہ ۴۷

چ

*چار سده ۳۳، ۳۵، ۴۳
 *چچ (رک: کشتہ پہ چو کہسہ)
 ۷۴، ۷۶، ۷۷، ۸۲، ۱۰۴، ۱۰۵،
 *چہل زینہ ۱۷
 *چین ۲، ۱۰، ۱۱، ۱۵، ۴۱، ۵۰
 *چینا ب ۴۳
 *چینی (خط) ۷۴
 *چینی (زبان) ۷۱، ۸۰
 *چینیان ۱۱
 *چستر بیٹی (مجموعہ) ۹۶
 *چشت ۹۷
 *چک ۳۶
 *چنگیز یان ۱۰۱

((ح))

حسین با یقرا (سلطان) ۱۰۴،

۱۱۰

حسین صفوی (شاه) ۱۰۲

حسین وفا سلجوقی ۱۱۴، ۱۱۵،

حفصه ۸۵

حکیم تر مدنی ۱۰۸

حمزه بن حسن اصفهانی ۷۵

حمید بن قحطبه طایی ۸۷

* حوض زمزم ۱۱۲

* حیره ۸۳

* حوض کرباس ۱۰۷

حیی بن عمار ۷۰

* حیشه ۸۳

حبیب الله خان (امیر) ۴

حبیبی (عبدا لحنی) ۵۸، ۵۶، ۱، ۵۸،

۱۱۸

* حجاز ۸۴

حجاز یان ۶۸

* حران ۶۸، ۸۲

حسن (امام) ۸۳، ۸۵

حسن ابدال ۳۵

حسن خان شاملو ۱۱۲

حسین ابن علی ۸۵

((خ))

خرو شتهی (خط) ۹، ۸، ۱۲، ۱۳،

۱۶، ۲۱ تا ۳۲، ۳۴، ۳۷، ۳۹،

۴۰ تا ۴۶، ۴۴ تا ۵۲، ۵۷، ۶۵، ۱۱۶،

خرو شتهی انسکر پشنز (کتاب)

۲۵

* خزانه الما مون ۸۴

خسرو دوم ۶۵

* خلتسی ۴۷، ۴۸

خلیج فارس ۷

خلیفه موجه و ت ۳۰، ۳۱

* خوات ۲۶، ۲۷، ۲۹

* خواتای ۳۶

خواجه نظام الدین احمد هروی

۱۰۲

* خوار رزم ۱۰۱، ۱۰۲

خوار زمشا هیان ۱۰۰، ۱۰۴

خودو خیل ۳۳، ۳۸، ۳۹

خالد بر مکی بلخی ۸۲

خالد بن ولید ۸۷

خاندان گو ۵۸، ۵۹

خان قزل ۵۹

خان نیکوف ۹۲

* ختن ۲۱، ۲۲، ۵۰، ۵۱

* ختن قدیم ۵۰

ختنی (خط) ۷۹

* خراسان ۳، ۶۵، ۷۷، ۷۸، ۸۱،

۸۲، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۹۱ تا ۹۴، ۱۰۰،

۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۰۸،

۱۰۹، ۱۱۱

خراسان خواتو ۶۶

خراسانیان ۷۷

خرو تهی ۲۵

خرو شته ۲۵

*خیبر ۲۱، ۸۲، ۱۱۹
 خیزر ۷۸
 خیر البیان (کتاب) ۱۱۹ تا ۱۲۲
 خیر خاتون (بی بی) ۱۱۹

خود و به که ۳۶
 *خوده چه ۳۶
 خوده چه و بهار ۴۰
 خوشخا لخان ۱۲۰، ۱۲۲
 خوره ایزوت ۶۶

((د، د، د))

*در یای نیه ۵۰
 ده شه وه هره ۲۹
 دفتر افشین ۷۹
 دقیقی ۶۸
 *دلف ۱۹
 دلفوس ۱۹
 دمناش بن عبدالله ۱۰۹
 دمتراته ۴۳
 دم، دنلوب ۸۳
 *دمشق ۷، ۸۳، ۸۴، ۸۷، ۹۲
 دمنه ۴۳
 دنکن فور بس ۶۲
 دوست محمد بریخ ۱۲۰
 دولت ۱۱۹
 دو لشاه بن حبشی تولکی ۱۰۹
 *دو کی ۴۷
 دهامه پده ۲۲
 دهرم داسه ۴۴
 دهرمه ۲۸، ۵۶
 دهرمه را جیکه ۴۶، ۴۹
 دهره میکه ۳۰
 ده مه ۲۹
 *دهلی ۱۳، ۱۰۰، ۱۰۳
 *دیبل ۷۰

داتیا ۳۳
 دار مستتر فرا نسوی ۱۲۱
 دار یوش هخامنشی ۷۵، ۸
 ۱۱۶
 *دانشگاه پهلوی شیراز ۱۱۷
 دانیل بود گو یس ۱۱
 داؤد ۶۹
 داؤد بن عباس ۸۸
 *داور ۹۰
 دبیر الملك ۱۲۲
 دینستو نخوا هارو بهار (کتاب ب)
 ۱۲۱
 *دجله ۷۰، ۷۸
 درانی ۴
 درخم ۴۵
 *درگتی ۳۳
 *در وازه گنج ۴۱
 *درو نته ۱۰، ۱۱
 درونی په دره ۴۳
 درویش عبدالمجید طالقانی ۱۱۳
 درویش صوفی ۱۱۱
 دری (زبان) ۳۰، ۵۳، ۵۴، ۵۷
 ۵۹، ۶۳، ۶۸، ۷۹، ۹۷، ۱۱۶، ۱۱۸
 ۱۲۲

دیو دو توس ۱۴	دیبا نکه ره ۴۰
دیوه پتره کنشکا ۴۳	دیمتر یوس ۲۲
دیوه نا گری (خط) ۸، ۱۱، ۱۲	دین دبیره (خط) ۶۵، ۶۷
۶۳، ۶۴، ۱۱۶	دینکرت ۷۷
دیوی ۳۱	دیو اشتیج ۷۲، ۷۱
دهیری ۳۳	دیوان احمد شاه بابا ۱۲۱
ذوالر یا ستین (رك: فضل بسن	دیوان دو لت ۱۲۰
سهل) ۸۶، ۸۷	دیوان مختاری ۷۹

((ج))

۱۰۹، ۱۱۲	را پسون ۲۵
رود کی ۶۸	*را تپی تره (تالاب) ۳۹
*روزگان ۱۶، ۵۵، ۵۷، ۵۸، ۱۱۶	*را جر ۳۲
روزن فیلد ۴۲	راجن دا میجه ده ۴۱
*روم ۸۷، ۹۷	راجه تر نگینی ۲۹
*رو ما ه	راور تی ۱۲۱
رو من (یان) ۴۴	*راول ۴۰
رومی (زبان) ۷۶	*راو لپندی ۳۱
رو می کیسره ۲۹	*رباط شرف سر خس ۹۷
روهی نی میتره ۴۶	*رباط هرات ۱۰۱
رهنمای تکسیلا ۹	رحیم غیفی (دکتر) ۷۵
ریا سی (خط) ۸۶	رستم ۷۱
ریاض الا لواح ۹۵	رستم محمد خان ۱۱۲
ریحان (خط) ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۶، ۱۰۷	رقاع (خط) ۸۶، ۹۱، ۹۶، ۹۷
۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۲	۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۷، ۱۰۸

((ز،ژ))

زر دشت ۶۷، ۷۵، ۹۰	*زابل ۳۴، ۵۶
زد شتیان ۳۶، ۶۵، ۷۶	*زا بلستان (رك: زابل) ۶۶
*زرنج ۶۸، ۶۹، ۸۷، ۸۸	*زاوول (رك: زابل) ۵۶
زند ۷۵	*زبد ۸۲

زیر نیسس ۴۷
 *زوب ۲۲
 زور نال ازیا تیک (مجله) ۷۹

زمباور ۸۷، ۸۸
 زو س ۱۸
 *زیمه ۴۸
 زین العا بدین خوانی ۱۱۲

((س))

سلو ۴۰
 سد هنی ۱۳
 سراج الاخبار افغانیه ۴
 سراج الملة والدین ۴
 سرا وړل ستین ۲۹، ۵۰
 سر اولف کیرو ۶۳
 *سرخ کوتل ۱۷، ۱۵، ۲۷، ۵۴، ۵۷، ۵۸

*سر کپ ۴۵، ۴۷
 سرند یا (کتاب) ۵۰
 سرو استیوا ده ۳۴، ۴۸
 سروا ستیوا دین ۲۳، ۲۷، ۴۲، ۴۷

سروی آرت پر شیا ۸۵، ۸۸، ۹۰، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶

سر یا نی (زبان) ۸۲

سعد ۸۶

*سغد ۲، ۷۱، ۷۴، ۹۰

سغدی (خط) ۷۱، ۷۲

سغدی (زبان) ۷۱

*سغد یا نه ۱۴، ۷۱

سفا ۳۲

*سکا تلند ۸۳

*سکاره د هیری ۴۳

سکلندر ۲۰، ۷۶، ۷۷

*سکستان ۱۶

سا بپو تی ۱۵
 ساتر اپها ۲۱، ۲۲
 سا رویه ۷۵
 ساسا نیان ۱۷، ۶۶، ۹۳، ۱۰۵
 سا سانی (رک: ساسا نیان) ۶۵
 ساکه ۱۴، ۲۷، ۳۲، ۳۷، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۳، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۹

ساکه (زبان) ۲۹

سا کیا مونی ۲۷، ۳۴، ۴۴، ۴۶

*سالم پور ۳۸

سا ما نیان بلخی ۶۸، ۸۸

سا می (زبا نها) ۶۷

*سانچی (معبده) ۱۳

*سا هو سرای (سودا گرسرای)

۵۹

سایر بن عبد الله ۸۸

سبط ابن جو زی ۸۵

سبکتگین ۶۳، ۶۹، ۸۸، ۹۶

سبک شنا سی ۸۵

*سپین غر ۳۴

*سپین وام ۵۷، ۶۳

ستتا تیر ۴۵

سترا بو ۱۵

سترا تون ۱۹

ستین کو نو ۲۳، ۲۵، ۲۸، ۴۲

۴۳، ۴۷، ۴۹

- *سوات ۲۲، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۴۰
 ۴۳، ۴۵، ۴۷، ۴۹، ۶۸
 سو تی ۷
 سورا شترین ۱۷
 سوره بود هی ۳۶
 سور یان غور ۱۱۶
 *سور یه ۷
 سو فیتیس ۱۵
 سوند دال در تاریخ (کتاب) ۷۴
 سو نگ یون ۱۰
 *سویس ۵
 *سوی و بهار ۴۳
 سهلان بن مکتوم ۸۸
 *سه ویرا ها ۴۸
 سیتی ۱۴
 سیتیوی ۳۰
 سید حسن ابدال ۱۰۷
 سید عطا محمد قند هاری ۱۱۴
 سید محمد ایشان حسینی ۱۱۵
 *سیستان ۱۴، ۲۲، ۳۶، ۶۵، ۶۹، ۸۷، ۱۰۱
 *سیلون ۱۲
 سیلون لوی ۷۹
 سیلیو کید ۱۶
 سینارت ۲۵
 سینها متره ۳۵
 سی هاره کشیته ۴۵
 سی هی لیکه ۳۵
 سی - یو - کی ۱۰، ۱۱
- سلجو قیان ۹۷، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۴
 سلطان احمد خان ۱۱۱
 سطا نشا ۱۰۱
 سلطان علی مشهدی ۱۱۲، ۱۱۰
 سلطان محمد خندان ۱۱۳
 سلطان محمد نور ۱۱۳
 سلوک الغزاة ۱۲۰
 سلیم آغا ۱۰۹
 سلیمان ما کو ۱۱۸
 *سمر قند ۷۱، ۸۷، ۹۰، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۹
 *سمنگان ۶۰، ۶۵
 سمنیه (رک: بودا نیان) ۷۷
 *سنت پیتر (کلیسا) ۹۲
 سنترل ایشیاریو یو ۱۰۳
 *سنجو لی (تل) ۷
 *سند ۸، ۱۴، ۱۵، ۲۲، ۲۹، ۳۷، ۳۸، ۴۸، ۴۹، ۵۱، ۵۳، ۵۷، ۵۸، ۶۳، ۶۵، ۶۶، ۷۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۱۰۰
 سنسکریت (زبان) ۸، ۱۱، ۱۶، ۲۱، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۸، ۴۷، ۵۳، ۵۴
 ۵۸، ۵۹، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۸
 ۷۰، ۷۹، ۸۰
 سنگه ۵۶
 سنگار ۱ مه ۶۲، ۴۶
 سنگها ور مه ۳۵
 سنگهرو کشیته ۳۰
 سنگه میتره ۲۸، ۳۸، ۴۸
 *سوا بی ۳۷، ۴۸

((ش))

- شا پور ۱۷
شا پور سوم ۶۶
شاره دا (خط) ۶۸، ۶۳، ۶۱، ۵۸
شاره دا- ناگری (خط) ۸۲، ۷۰ ،
۱۱۶
- * شا ش ۱۰۰
* شالا (معبده) ۴۳
* شا لی (دره) ۵۵
* شام ۶۸
* شاه پور (قریه) ۴۵
* شا هجی ۶ هیری ۴۱
* شاه داور ۴۱
* شا هرځ ۱۰۴، ۱۰۷، ۱۱۱، ۱۰۱
۱۱۳
- شاه زنده سمر قند ۱۰۸، ۱۰۹
شا هنامه با یسنغری ۱۱۲
شا هنامه فردو سی ۱۰۴
* شتر هده ۸۰
شرا مانه گو تمه ۳۱
شر او ستی ۴۸
شراو که پو ته که ۳۲
شر او که ها ۳۶
شرح تعرف ۹۸
شر حیل ۸۲
شر منه دهر مه پری یه ۳۵
شروه منهسد هر مه ره ته ۳۵
شری تیله که ۶۴
شفاء ۸۵
- شفیعا ی هروی ۱۱۳
شفیعه (خط) ۱۱۳
* شکر دره کیمبل پور ۴۲
شکسته (خط) ۱۱۲، ۱۱۳
شکھت پرت ۷۸
- شلوم بر ژه ۱۷، ۱۰
* شله تک ۱۱، ۶۱
شمال (ملک) ۷
شمس النهار (جریده) ۱۲۲
* شور وی ۱۸
شو یده ور مه ۳۴
شهاب الدین عبد الله غا وردانی
۱۰۱ ، ۱۱۱ ، ۱۰۷ ، ۱۰۴
* شمپاز گری هی ۲۲
- شهر ستا نی (علی اکبر) ۴
* شهر ناپر سان ۳۸
شیخ الا سلام محمد بن احمد ۱۰۷
شیخ او یس ایلکا نی ۱۱۱
شیخ محمد طغرا بی ۱۰۷
شیدر ۸
شیرا ۴۵
* شیر تلا ۵۹
شیر علی خان (امیری) ۱۲۲
شیزو گر گک ۵۵
شیوه ر کس کیته ۴۱
شیوه ر کشیته ۳۰
شیوه سینه کشتی په ۴۳

((ص، ض، ط، ظ))

- صا حب سری زکی بن محمد بن علی عبدا لحمید البامیانی ۹۹
طبری (کتاب تاریخ) ۷۵، ۷۸، ۷۹
صبا حت عظیم جانو ۱۰۲
صده وق (شیخ) ۹۵
صفات الشیعہ (کتاب) ۹۵
صلاح الدین منجد ۹۲
ضحی الاسلام (کتاب) ۸۱
*ضلع جیلیم ۳۵
*ضلع هزاره ۴۱
طا هر بن حسین ۸۸
طا هر بن عبد الله ۸۸
طا هر بن محمد بن عمر ۸۸
طا هر یان یو شنگی ۶۹
طبری (شخص) ۹۰

((ع))

- عبا سی (رك: عبا سیان) ۸۱
عبا سیان ۷۷، ۸۶، ۸۷، ۹۰، ۸۸
عبا لله بن طا هر یو شنگی ۸۱
عبا لله بن علی ۹۹
عبا لله طبناخ هر وی ۱۰۷
عبا لله عدویه ۸۵
عبا لله صیر فی ۱۰۱
عبا لله مر وارید ۱۰۷، ۱۱۰
عبا لمطلب بن هاشم ۸۴
عبا لملك بن مروان ۸۴، ۸۷
عبا لملك بن نوح سامانی ۹۳
عبا لملك بن یزید خراسانی ۸۷
عنا بی ۸۱
عثمان (رض) ۸۵
عبا لعی منشی ۱۱۰
عبد لرزاق سمرقندی ۱۰۷
عبا لعلی (میرزا) ۱۲۲
عبا لقا در بدا ونی ۱۰۲
عبا لله ۱۱۲
عبا لله (امیر) ۷۸
عبا لله الو لید امیر المؤمنین ۸۴
عبا لله بن جبر ۶۸
عبا لله بن خیر (جبر؟) ۸۴

- عثمان بن حسين وراق غزنوی ۹۵ ۱۲۲
 *عثمانی (مملکت ترکیه) ۱۰۱، ۱۱۲
- علاء الدو له قز وینی ۱۰۲
 علی بن ابو طالب ۸۳، ۸۵
 علی بن الحسین ۸۵
 علی بن حسین مسعودی ۹۳
 علی بن عیسی ۸۷
 علی بن موسی ۷۰، ۸۵
 علی جوینی (قاضی) ۱۰۹
 علی گرہ ۶۹
 علی نشا پوری ۱۰۰
 عمر (رض) ۸۳
 عمر بن خطاب (رک: عمر (رض))
- عربی (خط) ۵۸، ۵۹، ۶۵، ۶۸، ۸۵
 ۶۹، ۷۰، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰
 ۱۱۶، ۱۰۸
- عربی (زبان) ۵۹، ۶۳، ۶۸، ۶۹
 ۷۰، ۷۱، ۷۴، ۷۷، ۸۲، ۸۳، ۸۷، ۹۴، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲
 عزیز الدین فو فلزایی ۱۱۴، ۱۱۵

((ع))

- غبار (خط) ۸۶، ۹۱
 غر اخبار ملوک فرس و سیر هم ۷۵
 *غزد هیری ۳۲
 غزنویان ۶۳، ۶۸، ۸۸، ۹۷، ۹۸
 *غور ۵۵، ۱۰۰، ۱۱۶
 غور یان ۹۸، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۴
 غیاث الدین محمد ۹۸، ۱۰۰، ۱۰۱
 غیاث الدین منصور (امیر) ۱۱۲
- غزنی (رک: غزنه) ۱۶، ۲۱، ۵۶
 ۹۳، ۹۶، ۹۷، ۱۰۰، ۱۰۵

غیاث الدین محمد سام (رك: غیاث الدین غوری) رك: غیاث الدین
 غیاث الدین محمد (محمد) ۱۰۱

((ف))

*فار س ۷۶، ۸۷	*فر غانہ ۸۸
فار سی (زبان، نیز، رك: دری)	فر هنگ اساطیریو نان وروم ۱۹
۳۶، ۵۸، ۷۵، ۷۶، ۹۴، ۹۵، ۹۸،	فصیحی هروی (میرزا) ۱۱۳
۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۲۰، ۱۲۱،	فضل بن سهل سر خسی ۸۶،
۱۲۲	۸۷، ۹۱
فار سیان ۸۷	فقیر بہار تو بی ۱۱۹
*فتح جنگ ۳۱	فکری سلجوقی ۱۱۴
فتوح البلدان ۸۵	فن تحریر (کتاب) ۶۱، ۷، ۶۹
فخر الدین رازی (?) ۱۰۲	فنیقیان ۸۰، ۷
*فرات (دریا) ۸۲، ۷	فو شکہ ۲۹
*فرانسہ ۱۰، ۱۷، ۹۲	فو شہ ۶
فرا نسوی (زبان) ۱۰، ۱۹	فہرست مسکوکات اسلامی ۸۷
فردوسی ۷۵	فیر آموز (رك: پیر آموز، خط) ۹۵
فوس قدیم (زبان) ۱۶، ۱۱۶، ۱۱۷	

((ق))

قا آنی ۱۰۹	۹۵، ۹۶، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲
قا موس ہندوستانی بہ انگلیسی	۱۰۵ تا ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۱
۶۲	*قرغہ بی ۱۱، ۶۱
*قا ہرہ ۷۴، ۷۶، ۸۳، ۸۶، ۸۷،	*قرہ بلغسون ۷۱
۹۴	قزا قستان ۵۶
*قبط ۸۳	*قسطنطنیہ ۹۱
قبطی (زبان) ۷۶	*قفقاز ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳
*قبہ صخرہ بیت المقدس ۸۴	*قلعہ سنگ ۳۳
قثم بن عباس ۱۰۸	*قند ہار ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۵،
قرآن (کتاب مقدس اسلام) ۱۷،	۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۲، ۵۶، ۱۰۷، ۱۲۰،
۶۹، ۷۸، ۸۲، ۸۳، ۸۵، ۹۲، ۹۳،	*قنسرین ۸۲

((ك))

- *کابل ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۰، ۱۷، ۱۸، ۱۲۰، ۱۲۱
- *کابل ۲۱، ۲۹، ۳۲، ۳۴، ۴۴، ۵۴، ۷۵
- *کابل ۵۸، ۶۹، ۸۱، ۹۰، ۱۱۴، ۱۱۸
- *کابل (کتاب) ۶۴
- *کابلشاه ۷۸
- *کابلشاهان ۳۶، ۴۸، ۵۷، ۶۳، ۱۰۲
- *کابلشاهان ۶۸، ۷۸
- *کاپيسا ۱۱، ۸۱
- *کاپيسا (رک: کاپيسا) ۳۷
- *کار سنگه داسه کو تمومه ۳۴
- *کاشيه پيه ۳۰
- *کالدره ۳۳، ۴۵
- *کانگرا (رک: پنجاب) ۳۹، ۲۲، ۹۶
- ۴۹
- *کاشيه پيه ۴۹
- *کاشيه پيه ۳۳
- *کاشيه پيه ۷۸
- *کاشيه پيه ۴۴
- *کاشيه پيه ۹۱
- *کاشيه پيه ۷۶
- *کاشيه پيه ۷۸، ۵۷
- *کاشيه پيه ۹۸
- *کاشيه پيه ۱۲۱
- *کاشيه پيه ۱۰۳
- *کاشيه پيه ۱۱۹
- *کاشيه پيه ۱۰۰، ۸۵
- *کاشيه پيه ۷۵
- *کاشيه پيه ۱۲۰
- *کاشيه پيه ۱۰۶
- *کاشيه پيه ۸۵
- *کاشيه پيه ۹۶
- *کاشيه پيه ۱۱۱
- *کاشيه پيه ۹۳
- *کاشيه پيه ۷۹
- *کاشيه پيه ۸۴
- *کاشيه پيه ۹۵
- *کاشيه پيه ۷۵
- *کاشيه پيه ۴۰
- *کاشيه پيه ۵۰، ۲۸
- *کاشيه پيه ۹۷
- *کاشيه پيه ۴۹
- *کاشيه پيه ۷۰
- *کاشيه پيه ۴۹
- *کاشيه پيه ۸۷، ۶۹
- *کاشيه پيه ۲۲، ۲۳
- *کاشيه پيه (رک: کرنال) ۱۲
- *کاشيه پيه ۳۳
- *کاشيه پيه ۳۹

- کوشا ۳۶
 کو شانی (نیز رك: کوشا نیان)
 ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۵۰، ۵۳، ۵۴، ۵۷،
 ۵۹، ۶۸، ۶۹
- کوشا نی (زبان) ۵۳
 کوشا نیان ۱۳، ۱۷، ۲۱، ۲۳، ۲۷،
 ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۴۰، ۴۲، ۴۴،
 ۴۵، ۴۹، ۵۱، ۵۳، ۵۴، ۶۶، ۱۰۵، ۱۱۸
- * کو شان شهر ۲۸
 * کو شك ماخك بخارا ۸۷
 کوفی (خط) ۱۷، ۵۹، ۶۹، ۷۰،
 ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹،
 ۹۲، ۹۳، ۹۴ تا ۱۰۲، ۱۰۶، ۱۰۷،
 ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۶، ۱۱۸
- * کو کچه ۱۸
 کو لی (پرو فیسر) ۹
 کونو (رك: ستمین کونو) ۶۵
 * کو هسان ۱۰۶
 * کوه سلح مدینه ۸۳
 * کوه سلیمان ۱۱۶
 * کوه مغ ۷۱
 * کو هات ۳۱
 * کهنیه ونه ۳۵
 کهو جنه پتره ۵۹
 کهو شانہ ۴۶
 کیداره ۱۳
 کیداره کو شانہ شا ۱۳
 کیداز یان ۱۳، ۶۶
 کمیرج هستری آف اندیا ۱۲
 * کیمبل پور ۴۲
 کی نه و یو ۱۹
- کشتج (کتاب) ۷۶
 کشته په ۳۶، ۳۷، ۴۶
 کشته په چو کپسه ۴۶، ۴۷
 کشته په لیا که ۴۸
 * کشمیر ۲۷، ۶۱، ۷۸، ۱۰۲
 * کشیمی ۴۶
 * کلب افسران ۴۰
 * کلکته ۱۰۹، ۲۵، ۱۱۱
 کلپنه ۲۹
 کلیات خو شا لخان ختک ۱۱۹،
 ۱۲۰
- کلی ار خوس ۱۹، ۲۰
 کلپله و منه ۷۱، ۷۹
 کلید افغانی ۱۲۱
 کمو ش ۱۲
 که گو لیه ۲۶
 کنجکاو یهای علمی واد بی
 (مجموعه) ۱۱۶
 کنت ۱۱۷
 * کنیر ۴
 کنگم ۱۱
 کنیشکا ۲۴، ۲۶، ۲۷، ۲۹، ۳۱،
 ۴۱، ۴۲، ۴۸، ۴۹، ۵۴، ۵۵
 کنیشکه (رك: کنیشکا)
 * کو پنهایک دنمارك ۶۷
 کو جوله کره کد فیسس ۲۳
 کو چیان ۵۷
 کورت (جنرال) ۲۵
 * کورم ۳۴، ۸۹
 کو روش ۸
 کوز گا شکی پور ۵۵
 کو شانہ مهارا جه ۳۹

((گ))

- ۸۱، ۹۰، ۱۰۵
 *گند هاره (رك: گند هارا)
 *گنگا ۲
 گو پتا (عصر) ۷۹
 گوپته (خط) ۶۱
 گودود مان ۵۸، ۵۹
 گودو هره ۴۴
 گو كه ۵۸
 گو مان ۵۸
 گومل ۵۷، ۵۹، ۶۸، ۸۹
 گومل بغپور ۵۸
 گومنه ۳۷
 گوندو فر يس ۱۶
 گو هرا فشين ۷۹، ۹۳
 *گوهر شاد (مسجد) ۱۰۵
 گوهر شاد (ملكه) ۱۰۵
 گير شمن ۷۷
- كا تنها ۶۷، ۷۵، ۷۷
 *گاز رگاه هرات ۱۰۷، ۱۱۲
 كا نسيگيم (؟) ۵۵
 *گجرات ۱۷
 *گد روز يا ۱۴
 *گر ديز ۶۸
 *گر گان ۷۷
 گره نه و هريه كه ۳۷
 *گزه ۸۷
 گشتا سب ۷۵
 گلچين معا ني ۱۰۲
 گلشن روه ۱۲۱
 *گلكت ۲۷، ۸۰
 گنجينه خطوطدر افغانستان ۱۱۴
 گنجينه قرآن ۹۶، ۹۵، ۱۰۲
 گنجينه مشهد رضوي ۱۰۱، ۹۶، ۱۰۱
 ۱۰۸، ۱۰۷
 *گند هارا ۲۲، ۲۸، ۳۱، ۴۴، ۸۰

((ل))

- *لمكان (رك: لغمان) ۶۲
 *لندن ۲۱، ۲۶، ۶۴
 لوديان ۱۱۶
 *لور لايي ۲۴، ۴۷
 *لور يان ۳۵
 لو كنبل (رك: دبیرالملك)
 ۱۲۲ تا ۶۱
 لويس رو برت ۲۰
 لويس دو پري ۵
 لويك بوسر ۵۵
- لارد كر زن ۴۱
 *لار كانه ۲۲، ۴۹
 *لان- پو ۱۱
 *لاهور ۲۹، ۶۳، ۹۹، ۱۲۱
 *لداخ ۲۲، ۴۸، ۲۵، ۴۹
 *لشكري با زار ۹۷، ۱۰۵
 *لغمان ۶، ۷، ۱۰، ۱۲ تا ۱۲۲
 ۸۱، ۶۳
 لله (جنرال) ۳۶
 *لميا كه (رك: لغمان) ۱۱

* لیدن ۷۸ ، ۹۱
* لیہ ۴۸

لینا بی ۹۲
لیث بن علی لیث ۸۸

((م))

- * ماتو رای ۲۲
مادر زبان دری (کتاب) ۳۶ ، ۵۴
* مادڑ ۵۸
مار گوس ۳۷
ماریگہ = مریگہ = ماریگت ۲۷
* ما شور ۱۸
ما مون (خلیفہ) ۸۶ ، ۹۱
* ما نسیمبرہ ۲۲ ، ۳۰ ، ۳۷
مانوی (رک: مانویان) ۹۰
مانوی (اوارق) ۹۴
مانویان ۹۳ ، ۹۴
مانی ۹۳ ، ۹۴ ، ۱۰۵
مانیان ۹۰
* مانی کیالہ ۲۲ ، ۲۵ ، ۳۱ ، ۳۵ ،
۳۷ ، ۴۰
مانی گولہ ۴۷
* ماوراء النہر ۳ ، ۷۸ ، ۸۸ ، ۱۰۱
۱۰۴ ، ۱۰۹ ، ۱۱۲
* ما ہجیہ ۳۱
ماہی فہ تیہ ۳۴
ما یتر یہ ۳۹
* ما یرہ ۳۵
* متو را (نیز رک: ماتو رای) ۲۷ ،
۳۷ ، ۶۱
* متورہ (نیز رک: ما تورای) ۵۱
* متہورہ (نیز رک: ما تورای) ۴۰
۴۲
- مجلہ آسیا بی بنگال ۲۵
مجلہ آسیا بی پاریس ۲۷
مجلہ آسیایی شاہی انگلستان ۸۳
مجلہ پا کستان قدیم ۷۰
مجلہ سکہ شننا سی ۶۶
مجلہ مستشر قین آلمان ۸۳
مجلہ مسکو کات ۱۳
مجلہ ہنر ۹۷
مجمع النو ادر ۱۱۱
مجوس ۷۹
محقق (خط) ۸۶ ، ۹۱ ، ۱۰۱ ، ۱۰۶
۱۰۷ ، ۱۰۸ ، ۱۰۹
محمد (ص) ۷۰ ، ۸۵
محمد اسحاق صدیقی ۶۹
محمد اعظم (شیخ) ۱۲۰
محمد او بہی ۱۱۲
محمد بابر شاہ ۱۰۲
محمد بن ابی بکر ۱۰۲
محمد بن احمد با نیجور ۸۸
محمد بن اسما عیل غوری ۹۷
محمد بن اظہر ۱۱۲
محمد بن شینخ یوسف اباری سید
الخطا ط ۱۰۸
محمد بن طاہر ۸۸
محمد بن عبد الملک زیات ۷۹
محمد بن عبدوس جہشیا ر ۷۶
محمد بن عثمان غزنوی ۹۶

- * مرو ۶۹، ۸۱، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۱۰۱
 مروان بن محمد ۷۰
 مروج الذهب ۷۵، ۹۰
 مر یگ ۵۵
 مست ز مند (ملا) ۱۲۰
 * مسجد الر شید ۱۰۲
 * مسجد المهدی ۹۲
 * مسجد بی بی خانم سمر قنده ۱۰۸
 * مسجد کهنه ارض روم ۱۰۹
 * مسجد گوهر شاد ۱۰۶، ۱۰۷
 مسجد مفاک عطاری بخارا ۹۵
 مسعود (شهرزاده) ۱۰۵
 مسعود سوم ۹۷
 مسعود علاء الدوله بن البراهیم
 ۹۷
 مسعودی ۷۵، ۹۰
 * مسکو ۸۸
 مسلما نان ۸۷، ۹۱، ۹۲
 مسلم کالکرافی ۹۲، ۹۵، ۹۶
 ۱۰۲
 مسیح ۲۳، ۹۲
 مشجر مشکول (خط) ۱۰۶
 * مشهد ۱۰۰، ۱۰۷
 * مشهد رضوی ۹۳، ۹۵، ۱۰۲
 ۱۰۳
 * مصر ۷، ۶۹، ۷۴، ۷۵، ۸۴، ۸۹
 مطهر بن طاهر مقدسی ۹۳
 معاویه ۸۷
 معتصم عباسی ۷۸
 معجم الانساب ۸۷، ۸۸
 معقلی (خط) ۹۳، ۱۰۶، ۱۰۷
- محمد بن عیسی ۹۹
 محمد بن قاسم ۷۰
 محمد بن موسی ۹۳
 محمد حمید الله حیدر آبادی
 (داکتر) ۸۳
 محمد داؤد حسینی ۱۱۵
 محمد رضاء هروی (شیخ) ۱۱۵
 محمد زائلی ۴
 محمد شفیع لاهوری ۹۹
 محمد صالح ۱۰۹
 محمد طاهر بن قاسم ۱۰۳
 محمد علی هروی (آخوند) ۱۱۵
 محمد عوض ۱۱۱
 محمد فریغونی ۶۹
 محمد نبی واصل ۱۲۲
 محمد یعقوب کابلی (میرزا) ۱۱۴
 محمود بن گرگین ترکی ۹۹
 محمود غزنوی (سلطان) ۶۳، ۶۸
 ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۱۰۵
 محمود فرخ ۱۰۳
 محمود هدایت ۷۵
 مختاری غزنوی ۷۹
 مخزن اسلام ۱۲۰، ۱۲۲
 * مد راس ۱۲
 مرآة الزمان ۸۵
 مرتان شاه ۶۶
 مرتضی قلی شاه ملو هروی ۱۱۳
 * مردان ۳۲
 مرسیا ۹۲
 مرتضی شاه ۱۱۰
 مرگلیو ۱۰۹

۰۶۳، ۰۵۹، ۰۵۸، ۰۴۹، ۰۴۸، ۰۴۵

- * موزه تکسیلا ۴۶
 * موزه قا هره ۸۳
 * موزه کابل ۱۰، ۰۶۹، ۰۵۲، ۸۷، ۸۰
 * موزه کراچی ۹۸
 * موزه کلکنه ۳۷، ۳۵، ۴۹
 * موزه گلستان تهران ۱۰۴، ۱۱۲
 * موزه لا هور ۴۹
 * موزه لوور پاریس ۹۳
 * موزه متو رای هند ۳۷
 * موزه متهوره (رك) : موزه متواری
 هند) ۴۰
 * موزه مصر ۶۸، ۹۶
 * موزه ملی تهران ۱۱۲، ۱۱۳
 * موزه وا تیکان روم ۷۵
 * موزه هرات ۹۷
 * موزیم ایشیا تک سو سا یسی
 بنگال ۶۴
 * موزیم پشاور ۳۳، ۳۸، ۳۹،
 ۴۰
 * موزیم لاهور ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۵،
 ۳۸، ۴۲، ۴۳، ۴۸، ۶۳
 موگه ۴۶
 * مو هن جود یرو ۲۲، ۲۵، ۴۹، ۱۵،
 مویس (رك: موگه) ۴۶
 مویکه ۳۹
 * مهابن ۳۱، ۳۳، ۳۸، ۳۹
 مهابته ۳۰
 مهابرا جه ۳۰
 مهابرا جه کنیشکه ۳۶
 مهابسا نگهیکه ۲۶، ۲۷

- معین (دکتور) ۷۷، ۱۱۶
 مغل ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۴
 مغو لستان شما لی ۷۱
 مقل (خط) ۱۰۶
 مقوقس ۸۳
 مکتات (خط) ۸۶
 مکتوم بن حرب ۶۹، ۸۸
 * مکه ۱۰۲
 * ملتان ۱۴، ۱۱۶، ۱۲۰
 ملکه گو هر شاد ۱۰۷
 * مله کند (کوتل) ۳۳
 ملوک خرا سانی ۸۱
 * ممانی و هیری ۳۵
 م.م دیا کو نو و ۷۷
 * منار قطب ۱۰۰
 منا شیر (خط) ۱۰۶
 منتخب التوارینخ ۱۰۲
 * مند لای (معبده) ۴۱
 مندر بن ساوی ۸۳
 منشور (خط) ۸۶
 * منصوره ۷۸
 منگک لین ۷۴
 * مواب ۱۲
 موجه وت ۳۰، ۳۱
 * مو چای ۳۸
 موریان (خاندان) ۹، ۱۷، ۲۱، ۴۴
 * موزه استا نبول ۹۸
 * موزه ایران باستان ۱۰۰
 * موزه بر تا نیا ۳۷، ۸۵
 * موزه پشاور ۳۵، ۳۶، ۴۲، ۴۴

میر عبدا لر حمن هروی ۱۱۴
 میر عرب بخا را ۱۰۸
 میر علی تبریزی قبله الکتاب ۱۱۰
 ۱۱۱
 میر علی هروی ۱۱۲
 میر محمد علی هروی ۱۱۴
 میرید رخ ۳۳، ۴۴، ۴۵
 میر یدر کوس ۴۴
 میره ۴۴
 میسون ۲۵، ۲۶، ۲۸، ۳۰، ۳۱
 میشع ۱۲
 *میلان (کتا بخانه) ۹۵
 میلیت ۱۸
 مینا ند روس ۴۰
 مینا ندره ۴۰

مها سینہ ۴۲
 مها کشتتر به رجو له ۳۷
 *مہتر لام ۱۱، ۶۱
 *مہتر لمک (مزار) ۱۱
 *مہر ۴۳
 *مہر با جور ۲۹
 مہر داد ۲۳
 مہر داد دوم ۶۵
 مہرو گ ۷۸
 مہره ۵۵
 *میان کلی ۲۹
 میترا ۴۵
 میتره ورد ہنہ ۴۱
 میخی (خط) ۱۱۷، ۶۷، ۱۱۸
 *میر زیارت ۳۸

((ن))

*نسا ۷۷
 نستعلیق (خط) ۱۱۰، تا ۱۱۴ ،
 ۱۱۹ تا ۱۲۲
 نسخ (خط) ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۲ ،
 ۱۲۱
 نسخی (خط ، رک: نسخ) ۶۳، ۶۹
 ۷۰، ۸۳، ۸۴، تا ۸۷، ۸۹، ۹۲، ۹۳،
 ۹۵، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۶،
 ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۲، ۱۱۶، ۱۱۸،
 ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲
 *نشا پور ۶۹، ۸۱، ۱۰۰، ۱۰۱
 نصر بن احمد ۸۸
 نصر بن عبدا لله قزوینی ۹۵
 نصر بن علی ایلك ۸۸

نافذ پاشا ۱۰۹
 ناکہ ده ته ۴۳
 ناگری (خط) ۱۳، ۶۱، ۶۸
 ناگری (زبان) ۶۱، ۶۳، ۶۵
 نامہ تنسر ۷۵
 *ناور ۵۷
 *ناو گرام ۳۸
 *نا بین (مسجد) ۹۴
 نیطی (خط) ۶۸، ۸۲، ۸۳
 نجاشی ۸۳
 ندر محمد خان ۱۰۳
 نندہ دیا کہ ۳۷
 نرجس (خط) ۸۶
 نروا نای ۲۹

نو شا ده ۵۵
 نوشته های خرو شتمی (کتاب)
 ۲۵
 نوشته های فرس قدیم در خط
 میخی ۱۱۷
 *نو شهره ۳۸
 نو کونز وک کنار نگ ۵۵
 *نوه چه (شهر) ۴۶

*نفر کوت ۵۷، ۷۸
 نفا یس الما ثر ۱۰۲
 *نمازه ۸۳
 *ننگر هار ۱۰، ۲۸، ۸۰، ۸۱
 نوبخت ۵۸
 نو بخت بهار ۵۸
 نوبل ۲۵
 نور من شارپ ۱۱۷

((و))

ولید بن عبدا لملک ۸۶
 وگره مر یکه ۲۶
 ویلا ۲۱
 ویشپا سی ۳۶
 ویشپا سیه ۳۶
 ویلسون ۲۱، ۲۵، ۲۸
 ویما شا ۵۷
 ویما کد فیسس ۴۹
 ویما کو تهی سه ۴۹
 ویمه کد فیسس ۴۷
 وینا یا (کتاب) ۲۸، ۷۹
 *ویهاره ۲۶، ۳۶، ۳۹، ۴۲، ۴۳،
 ۴۷
 *ویهند ۴۸، ۶۴، ۶۸، ۹۸، ۱۰۰

*وادی نیل ۷۴
 واره شا هی ۱۳
 واه سشته ۳۲
 واسود یوه ۲۴
 وامق و عذرای عنصری ۹۹
 وجهشکه ۲۹
 *ودهی تیره ۳۲
 وراقی (خط) ۸۶
 *وردگ ۲۱، ۲۳، ۲۶، ۲۹، ۴۷
 وار هه میهیره ۴۷
 *ور هران ۱۳، ۶۶
 *وزیر ستان ۵۷، ۵۹، ۶۸
 وشى (خط) ۸۶
 وشى شو که ۳۸
 ولخش ۷۷

((ه))

هخا منشى (دوره) ۱۸، ۲۱، ۲۲
 ۹۰، ۱۱۷
 هخا منشیان ۷، ۹، ۶۵، ۷۵
 هداية المتعلمین ۹۸، ۹۹

هارون الر شید ۸۷
 هاکن ۷۹
 هپتل خو تاو ۶۶
 هپیه دهیه ۴۸

- ۸۲، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۱۲، ۱۲۱
- هند سی (خط) ۱۰۶
- هند وارو پایی (نژاد) ۲
- هند وان ۳۲، ۶۱
- * هندوستان (نیز رك: هند) ۲، ۱۴، ۵۷، ۷۸
- * هندو كش ۴، ۲، ۶۶
- هندو ی (زبان) ۱۲۱ (نیز رك: هندی)
- هندی (خط) ۵۸، ۶۳، ۶۶، ۶۸، ۷۶، ۷۷
- هندی (زبان) ۲۳، ۵۴، ۵۸، ۷۷، ۷۸
- هندو ها (نیز رك: هندوان) ۲۲
- هنر خطدرا افغانستان (كتاب) ۱۱۴
- هنر و مردم (مجله) ۷۴، ۷۵
- هورنل (دكتور) ۱۰۹
- هوره شده ۴۴
- هونان هفتلی ۱۳
- هونان یفتلی (رك: هونان هفتلی) ۶۴، ۶۶
- هوو يشكه ۲۴، ۲۶، ۲۷
- هیر کلیس ۱۸، ۱۹
- هیرو غلیفی (خط) ۷۴
- هیمه ۳۱
- هیون تسنگ ۱۱، ۱۵، ۵۳، ۸۱
- * هده ۴۸، ۹۰
- * هیه ۲۱، ۲۵، ۲۸
- * هرات ۶۶، ۶۹، ۸۷، ۹۷، ۹۸
- ۱۰۸، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷
- * هر تفورد ۱۲۱
- * هر تك: طبرستان ۸۷
- * هر ثمه بن اعین ۸۷
- هرما یو س ۲۳
- هر مس ۱۸، ۱۹
- * هر یروود ۶۵
- * هزار سم ۶۰، ۶۵
- * هزاره (وادی) ۴۳
- * هسپا نیا ۵
- هشام بن عبد الملك ۹۳، ۹۴
- هشتمو نه مر یگه ۲۶
- هفتا لی (عصر) ۶۵
- هفتا لیان ۵۵، ۶۵، ۶۶
- هفت کتیبه قد یم ۵۴، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۱۱۸
- * هلمند ۱۸، ۵۱، ۵۳، ۵۸، ۶۵، ۶۶، ۶۷
- ۹۶، ۶۹، ۶۶
- * هما لیا ۶۵
- * هند ۲، ۲، ۷، ۸، ۹، ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۷، ۲۵، ۲۷، ۳۱، ۳۴، ۳۷، ۴۱، ۴۸، ۵۰، ۵۴، ۶۱، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۷۴

((ی))

- یاددا شتهای قز وینی ۱۱۱
- یحیی (امام) ۹۷
- یحیی بن خالد بر مکی ۸۲، ۸۶، ۹۱
- یا کو بی ۴۸

، ۶۶ ، ۶۵ ، ۵۹ ، ۵۸ ، ۵۷ ، ۵۶ ، ۵۵

۱۱۸ ، ۱۱۶ ، ۸۴ ، ۸۲ ، ۶۸

یونا نی (زبان) ، ۱۰ ، ۱۴ ، ۱۶ ، ۱۷

، ۳۴ ، ۳۳ ، ۲۹ ، ۲۳ ، ۲۰ ، ۱۹ ، ۱۸

، ۶۷ ، ۵۴ ، ۵۳ ، ۴۵ ، ۴۴ ، ۴۲ ، ۴۰

۸۷ ، ۸۲ ، ۶۸

یونا نیان ، ۱۴ ، ۲۰ ، ۴۴

یونا نیان با ختر ، ۲۲ ، ۳۹ ، ۴۴

۴۵

یونانی با ختر (شا هان) نیز رله:

یونا نیان با ختر ، ۱۲ ، ۱۴ ، ۱۶ ، ۱۷

۱۸ ، ۲۲ ، ۳۰

یونانی با ختری (خط) ، ۱۷ ، ۲۱

یوره راجه غره وستہ ۳۷

یویہ جی ۲۴

یہود یان ۸۵

یزد گرد ۸۱

یسنا ۷۵

یعقوب لیث صفاری ۶۸ ، ۶۹

۸۸

ین (شا هان) ۷۴

یوچ یلیا کہ ۳۲

یوره شا ۳۰

یوره سہ کہ ۴۶

یوسف بن کبیر ۱۰۲

یوسفزایی ۳۳ ، ۳۸

یولہ میرہ ۴۷

* یونان ، ۲ ، ۱۴ ، ۱۵ ، ۱۸ ، ۱۹ ، ۲۰

، ۲۶ ، ۲۷ ، ۲۹ ، ۴۲ ، ۷۴

یونانی (خط) ، ۸ ، ۹ ، ۱۰ ، ۱۲ ، ۱۳

، ۱۴ ، ۱۵ ، ۱۶ ، ۱۷ ، ۱۸ ، ۱۹ ، ۴۰

، ۲۱ ، ۲۳ ، ۲۴ ، ۲۷ ، ۴۱ ، ۴۳ ، ۵۴